

■ شماره ویژه

● «گفت و گو و تعامل در شهر»
به مناسبت سال گفت و گوی تمدن‌ها

- روابط اجتماعی و فضاهای عمومی شهری
- فضای گفت‌وگو در شهر
- حوزه عمومی و تجلی آن در کالبد شهر
- وظایف شهرداریها در توسعه فضاهای عمومی
- محمدشهر چهل تنه و یکپارچه
- طراحی مناسب برای گفت و گو
- تلاشی ناموفق برای ایجاد فضای تعامل
- میادین عمومی فرانسه، فضایی مناسب برای گفت و گو
- اصول طراحی فضای عمومی
- میدان و تعامل اجتماعی
- از شور‌ها تا مردم سالاری
- جشنواره آموزش شهروندی در کاشان
- تعامل ضرورت زمان





شاسی مبارز مدل ۱۷۵۱



شاسی مبارز مدل ۱۸۵۱



شاسی مبارز مدل ۲۶۵۱



جاریب حیواناتی مدل ۶۱۲ (کوریون)

دستگاه حمل زباله مدل ۸۰۱



ماشین نظافت مدل ۴۴۱



زباله جمع کن مدل ۱۸۰۳ (لونیسی)



زباله جمع کن مدل ۴۱۹



زباله جمع کن مدل ۸۰۴



زباله جمع کن ۵۰۲



زباله جمع کن مدل ۴۰۳



اتش نشانی مدل ۱۲۲۱ (لونیسی)



اتش نشانی مدل ۱۲۲

- ⊗ قابل نصب بر روی شاسی خاور LP ۸۰۸ و شاسی های هم ردیف.
- ⊗ بارگیری از دریچه عقب بطور اتوماتیک.
- ⊗ بارگیری توسط سطوحی زباله در اندازه های مختلف.
- ⊗ ارتفاع دریچه بارگیری از زمین: ۱ متر.
- ⊗ حجم دریچه بارگیری: ۱/۲ متر مکعب.
- ⊗ ظرفیت مخزن زباله: ۴ تن.
- ⊗ حجم مخزن زباله: ۸ متر مکعب.
- ⊗ ظرفیت مخزن شیرابه زباله: ۲۶۰ لیتر مخزن شیرابه زباله جهت پیشگیری از ریختن آب زباله ها به سطح شهر و برای پیشگیری از آلودگی محیط زیست می باشد.
- ⊗ آموزش کار با دستگاه بطور رایگان هنگام تحویل و صدور گواهینامه.
- ⊗ ۶ ماه ضمانت.
- ⊗ ۱۵ سال تضمین خدمات و تامین قطعات.

دفتر فروش:
ایران - اصفهان - سی وسه پل.
ابتدای چهارباغ بالا.
مجمع تجاری و اداری کوثر.
طبقه هفتم، شماره ۹۰۲.
تلفن: ۰۳۱۱-۶۲۵۱۹۷۶-۸.
دورنگار: ۶۲۵۱۹۷۸



شماره ویژه

گفت و گو و تعامل در شهر

به مناسبت سال گفت و گوی تمدنیها

شهر دریا

مجلس پژوهشی، آموزشی و اطلاع رسانی
برای راه و روش مدیریت شهری
دوره هجدهم - سال سوم - آبان ۱۳۸۰

۳۰

یادداشت سردبیر ۲

گزارش اصلی
فضای گفت و گو در شهر / مرکز گفت و گوی تمدنیها - ماهنامه شهر دریا ۵

اندیشه و پژوهش
حوزه عمومی و تجلی آن در کابرد شهر / فرحان حسام ۱۲

روابط اجتماعی و فضاهای عمومی شهر / شمسفر اکبری ۱۶

تائون شهر
وظایف شهرداریها در توسعه فضاهای عمومی / حسین صالحی ۲۱

گفت و گو
تعامل، ضرورت زمانه / گفت و گو با الطیف روحانی - معاون اجتماعی منطقه ۶ شهرداری تهران ۲۵

از نگاه شهردار
محمدشهر، چهل تکه و یکپارچه / گفت و گو با محسن مرادی - شهردار محمدشهر ۲۹

شورا و مشارکت
شورای اسلامی شهر با محوریتی دیگر / احمد نوروزی ۳۱

ابتکاری دیگر / جشنواره آموزش شهروندی در کاشان ۳۳

آسیب شناسی شوراها / از شوراها تا مردم سالاری / مه جبین اهرتاری ۳۸

یک دریچه، یک نگاه
تجربیات جهانی
در جست و جوی فضای عمومی: تجارین از بوستون / ویلیام تامپسون ۴۱

طراحی مجدد میدان جاویتس، تلاشی ناموفق برای ایجاد فضای تعامل / کلار کوپر مارکوس ۴۴

میدانهای عمومی فرانسه: فضایی مناسب برای گفت و گو ۴۶

شهرها و شهرداریهای جهان
سالار شهر پاریس، مکانی برای تجدید خاطرها / هایدلبرگ، عضوی از شبکه جهانی شهرهای سالم / ایجاد فضاهای عمومی با استفاده از اینترنت و مطبوعات / شهروندان نیون فرانسه و گروههای حفظ محیط زیست / فضای مکتب و گفت و گو / فضاهای عمومی در شهرهای امروزی / شهر درختان زیرفون در انتقار بهسازی / شهرداری ماریس کتابخانه منطقه ای تأسیس کرد ۴۹

آمار شهر / دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور ۵۶

نقد فضا
میدان و تعامل اجتماعی (مسورده پژوهش میدانی آزادی، نور و هفت حوض تهران) / علی صفوی و محمود رضا نظری ۵۷

آموزش
اصول طراحی فضای عمومی مطلوب در شهر / کیانوش لاری بهال ۶۵

گزارشهای خبری / علی کلانتری ۷۱

مرکز مشارکتهای زیست محیطی، هدایت مردم به سوی شهر سالم / خانه محله مشیزیه جایی که بانوان با هم به گفت و گو می نشینند / کافه گانری: فضایی برای گفت و گوی هنرمندان / آموزش و درمان در خانه جوان / جشنواره بازیهای محلی تعامل میان نسل جدید و قدیم / کارآگاه مارشال در خیابانهای بافق و... ۸۱

اخبار کوتاه
تشکیل حوزه مدیریت برنامه ریزی و امور مشاورین در منطقه یک تبریز / دی ماه امسال دومین جشنواره آموزش شهروندی در کاشان / در یزد دومین ایستگاه طوق زمین افتتاح شد... ۸۲

تازه های نشر ۸۴

فهرست انگلیسی ۸۶

طرح روی جلد چشمید یاری شهر مرد - مربوط به گزارش اصلی
عکس پشت جلد ژاپن - یوکوهاما - تلفنی از
استیو الهای شیدایی در یکی از میدانهای محلی

- ۱- مطالب مندرج لزوماً بیانگر نظرات
شهرداریها نیست.
- ۲- شهرداریها در ویرایش و
تخصیص مطالب آزاد است.
- ۳- مطالب از سالی به هیچ وجه باز
گردانده نخواهد شد.
- ۴- استفاده از مطالب و طرحهای ماهنامه
تنها با ذکر مأخذ مجاز است.

صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداریهای کشور
سردبیر: علی نوردهور
معاون سردبیر: نوید سعیدی رضوانی
دبیر: پژواک زهر آتشگر
هیئت تحریریه: سرویس فرهنگی - اجتماعی:
زهر آتشگر / سرویس علمی - پژوهشی: غلامرضا
کاطلمیان / سرویس حقوقی - بین المللی: حسن تلمیعی
مدیر هنری: چشمید یاری شیر مرد
هماهنگ کننده امور فنی: سعید مردانه
تصویر ساز: مهدی یار محمدی
ویراستار: حمید خدایی
امور آگهی: مرضیه تاجی
حرفهچین: فریده دارستانی فرحانی
نمونه خوان: لیلا شاه پیش
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

یادداشت سردیبر

شکل‌گیری این فضاها می‌تواند ظرف لازم را برای حیات مدنی شهرها پدید آورد.

در واقع حیات مدنی در فضاهای عمومی شهری از این طریق تبلور کالبدی می‌یابد؛ زیرا که حیات مدنی بر مبنای عرصه‌های عمومی قرار دارد و بنیادی‌ترین مفهوم جامعه مدنی وجود عرصه‌های عمومی حائل میان فرد و حکومت است؛ و در این عرصه‌هاست که امکان اجتماع، برخوردی‌های روزنرو و کنش متقابل، برخورد آراء و اندیشه‌ها و اجماع در اختیار انسانها قرار می‌گیرد.

بنابراین ایجاد فضاهای گفت و گو و تعامل بین شهر و ندان پاسخگویی به نیاز جامعه مدنی است؛ فضاهایی که از نظر روانی - عاطفی فعال باشند و امکان‌ات ارتباطاتی و چهره به چهره انسانی در درون اجتماع شهری و در کالبدی سازمان یافته را فراهم آورد.

این گونه فضاها سبب رونق حیات مدنی و اجتماعی شهر می‌شوند و به تبع آن اساسی‌ترین نیاز انسان - یعنی نیاز به زندگی اجتماعی و کنش متقابل - را مرتفع خواهند ساخت. چنین فضاهایی امکان کالبدی یافتن اندیشه‌ها، بروز رفتارهای اجتماعی و شکل‌گیری مشارکت مردمی را فراهم می‌آورند و روابط شهری و ندی را تسهیل می‌کنند. توجه به برنامه‌ریزی و اصدات فضاهای گفت و گو و تعامل در شهرها از آن جهت اهمیت خاص می‌یابد که در شهرهای کشور عرصه‌های جمعی و فضاهای شهری یا از بین رفته‌اند و یا چهره از کف داده‌اند. به عبارتی انسان از برنامه‌ریزی‌ها و طراحی فضاهای شهرها حذف شده است. بدون ترتیب ضرورت دارد که با توجه به فضای مناسب سیاسی و اجتماعی کشور، به ویژه حمایت‌های جدی رئیس‌جمهور محترم، انسان باز دیگر محور طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهر گردد.

جامعه مدنی، واژه‌ای است که از دوم خرداد ۱۳۷۶ از محافل علمی وارد جامعه شد و تبدیل به واژه‌ای عمومی و نقل محافل مختلف گردید. لیکن این واژه بیشتر از آنکه عرصه عملی را بپیماید و در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مایه آراء عمیق پیدا کند، در همان حد واژه باقی ماند. اگر بخواهیم چندان بدبینانه ارزیابی نکرده باشیم، در عرصه سیاسی بیش از سایر عرصه‌ها سعی شد که جامعه مدنی مایه آراء‌های خود را پدید کند. هر چند ارزیابی این موضوع در مسئولیت این نوشتار نیست.

یکی از عرصه‌هایی که واژه جامعه مدنی می‌توانست بسیار در آن مطرح شود، عرصه شهر، شهرسازی و مدیریت شهری است. لیکن جز شکل‌گیری شوراهای شهری و روستایی، اقدام درخور توجه دیگری را نمی‌توان در این عرصه برشمرد.

یکی از لوازم شکل‌گیری جامعه مدنی، ایجاد فضای گفت و گو و تعامل بین شهروندان است؛ فضایی که شهروندان در آن به راحتی و بی‌هیچ گونه دلهره‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی با همدیگر بحث و گفت و گو کنند و برداشته‌های خود بیفزایند.

بنابراین بر شهرسازان است که در برنامه‌ریزی شهری و تهیه طرح‌های جامع و هادی و سایر طرح‌های شهرسازی، شکل دهی این فضاها را در شهرها و جبه همت قرار دهند.

ممکنین بر محافل علمی و آکادمیک است که در خصوص مبنای نظری و تاریخ شکل‌گیری این فضاها و نحوه شکل‌دهی آنها در فضاهای شهری تحقیق و بررسی کنند.

هر چند شهرسازان صرفاً در عرصه کالبدی مؤثر هستند و برای شکل‌گیری این فضاها بسترهای مختلف سیاسی و فرهنگی و اجتماعی لازم است، لیکن تلاش طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران شهری برای

فضای گفت و گو در شهر

مرکز گفت و گوی تمدنها

ماهنامه شهرداریها

تنظیم: مرجان نکاشی



سپیده شفایی؛ قلمرو عمومی به طور کلی چیزی فراتر از مکان گفت و گوست. قلمرو عمومی حوزه‌ای است که افراد در آنجا با یکدیگر تعاملات اجتماعی دارند، و یکی از این تعاملات می‌تواند گفت و گو باشد. بنابراین وقتی می‌گوییم گفت و گو - یا فضای گفت و گو - منظورمان همان برقراری ارتباط است. مثلاً خط‌کشی خیابانها یا رد شدن عابران پیاده از پل عابر نومی گفت و گو میان شهروندان و شهرداری است. آنچه امروزه در شهرهای ما اتفاق می‌افتد این است که ما در شهرهایمان فقط از دو سلول استفاده می‌کنیم: باز خانه به محل کار می‌رویم و از محل کار به خانه برمی‌گردیم. یعنی شهر برای ما به وسیله‌ای تبدیل شده که ما را به دو مقصد هدایت می‌کند و برای ما فقط نقش عبوری و گذر را دارد. در حالی که قلمرو عمومی خودش مقصد و مقصود است نه محل گذر. فضاهای شهری و کیفیت زندگی ما باید این خواسته را در شهروند ایجاد کند که - مثل بقیه دنیا - از خانه بیرون بیاید تا در فضای شهری قرار بگیرد. تنها در این صورت است که افراد با یکدیگر و با جامعه خود ارتباط برقرار می‌کنند که یکی از این ارتباطات هم گفت و گو است. توجه به این نکته لازم است که فضاهایی که شهروند در آنها احساس آرامش و امنیت می‌کند بیشتر می‌تواند او را بر تعاملات اجتماعی دعوت کند و گزینه محیطی که بسوی زیاده می‌دهد، در آن مآشینها دائم بوق می‌زنند و ازدحام آن آزاردهنده است، تنها موجب فرار شهروندان از فضا می‌شود.

میزگردی که در ذیل از نظر می‌گذرد، چکیده‌ای از مباحث مطرح شده طی سه جلسه‌ای است که حول محور «فضای گفت و گو در شهر» به همت گروه معماری و شهرسازی مرکز گفت و گوی تمدنها و ماهنامه شهرداریها برگزار شده است. طی این جلسات، دیدگاههای ارزشمند دیگری نیز از منظر صاحب‌نظران در باب تاریخ معماری ایران و فضای گفت و گو، چگونگی اجرای نظریه گفت و گوی تمدنها در شهر و جز اینها مطرح شد. ماهنامه شهرداریها ضمن قدردانی صمیمانه از تمام استادان و صاحب‌نظرانی که در این موضوع مشارکت کردند، و ضمن تشکر از گروه معماری و شهرسازی مرکز گفت و گوی تمدنها، تنها به معرفی افرادی می‌پردازد که نام آنها در متن می‌گذرد آمده است:

- ۱- سپیده شفایی، عضو هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها
- ۲- محمد منصور فلامکی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و گروه معماری و شهرسازی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها
- ۳- محمد تقی رضویان، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و مدیر گروه معماری و شهرسازی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها
- ۴- اصغر ساعد سمیعی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و گروه معماری و شهرسازی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها
- ۵- حسن اصانلو، عضو هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها
- ۶- فتانه نراقی، عضو هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها
- ۷- سهراب مشهودی، عضو هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها
- ۸- رضا مستوفی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و گروه معماری و شهرسازی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها
- ۹- محمد عدالتخواه، عضو هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها
- ۱۰- سید حمید نوحی، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران



محمد عدالتخواه به نظر من سابقه گفت‌وگو به اندازه سابقه تاریخ بشر است. بشر از همان زمانی که از فردیت بیرون آمد و اجتماعات دوفقره و بیشتر از آن را تشکیل داد، به گفت‌وگو و برقراری ارتباط نیاز پیدا کرد و مناسب با نیاز خود به ایجاد فضا پرداخت. مثلاً در خانواده‌های ما همیشه گفت‌وگوها بر سر سفره انجام می‌شده است؛ اگر چه شاید امروز دیگر این طور نباشد اما در هر حال گفت‌وگو به عنوان یکی از نیازهای بشری همواره وجود داشته است. حال گفت‌وگو چه بسا در بعضی فضاها و دوراها یک طریقه و در بعضی دیگر دوطرفه بوده و امروز هم که دیگر گفت‌وگوی تمدنها مطرح شده است، اما منظور ما از گفت‌وگو در اینجا فقط گفت‌وگوی دوطرفه است و نه از نوع امرانه و پدرسالار. گفت‌وگوی دوطرفه مکان مناسب خود را می‌طلبد. یکی از موضوعاتی که در اینجا می‌توان راجع به آن صحبت کرد این است که آیا فضاهای موجود شهر ما و فضاهای جدیدی که شهرداری به وجود می‌آورد - مثل پارکها، فرهنگسراها، کتابخانه‌ها و مانند اینها - برای گفت‌وگوی متقابل مناسب‌اند یا خیر. مثلاً یک پارک باید علاوه بر دارا بودن فضای سبز کافی، صحیح بودن طراحی نقشه آن و واقع شدن در مکان مناسب فضای عمومی برای گفت‌وگو نیز داشته باشد. مثلاً کارگردان میانه‌های ما در زمان حاضر عمدتاً بخش تراجیک است و بدون شک نمی‌توان انتظار داشت که در این مکانها گفت‌وگو صورت گیرد اما میدانچه‌های ما در گذشته این کارکرد را داشتند. البته تردیدی نیست که امروزه با حضور اتومبیل و زندگی ماشینی، دیگر نمی‌توان میدانها را مانند میدانچه‌های قدیم ساخت. اما می‌توان فضاهایی را ایجاد کرد که با زندگی جدید نیز همخوانی داشته باشند. اکنون بسیاری از کشورهای صاحب هر دوی اینها هستند. در واقع یکی از وظایف طراحان شهری نیز همین است.

فضاهایی که شهروند در آنها احساس آرامش و امنیت می‌کند بیشتر می‌تواند او را بر تعاملات اجتماعی دعوت کند؛ و گرنه محیطی که بوی زباله می‌دهد، در آن مایشینها دائم بوق می‌زنند و ازدحام آن آزاردهنده است، تنها موجب فرار شهروندان از فضا می‌شود

البتّه تأکید بر فضاهای گفتوگو نباید موجب غفلت ما از بسترهای فرهنگی اجتماعی مورد نیاز برای گفتوگو شود. اینکه اول نیاز به گفتوگو وجود داشته و بعد فضای کالبدی آن به وجود آمده است، یا اینکه فضاسازی برای گفتوگو اصولاً می‌تواند عامل پدید آمدن گفتوگو باشد موضوعی است که پرداختن به آن بسیار اهمیت دارد. به نظر من این دو مقوله را نمی‌توان جدا از یکدیگر بررسی کرد و هر دو به صورت دیالکتیک با یکدیگر حرکت می‌کنند و گسترش می‌یابند. بی‌شک اول اندیشه است که فضا را خلق می‌کند اما بعد همین فضای ایجاد شده امکان توسعه گفتوگو را فراهم می‌سازد و به همین ترتیب ادامه می‌یابد. بنابراین من به عنوان شهروان سعی خواهم کرد دست کم در جاهایی که اندیشه گفتوگو ایجاد شده است، توجه به فضای عمومی را در دستور کار خود بگذارم تا هم به نیاز موجود پاسخ دهم و هم موجب رشد این فرهنگ شده باشم.

محمد تقی رضویان: نگاهی به تاریخ کشور ما نشان می‌دهد که این کشور همواره در معرض تاراج گروه‌های بیگانه بوده است. عملاتی که بر مملکت ما شد، تمام داراییهای مادی و فرهنگی ما را از بین برد و در نتیجه آنچه برای ما باقی مانده معنویات است. در واقع فرهنگ مکتوب، از ترس سوزاندن و از بین بردن، چندان در کشور ما قوی نیست و ایرانیان همواره در طول تاریخ انتقال سینه به سینه مطالب را به دیگر اشکال و شیوه‌ها ترجیح داده‌اند. در گذشته به تناسب نیازهای موجود، فضای مناسب برای گفتوگو وجود داشته است که این فضاها اکنون دیگر یا به طور

چندانی نکرده‌اند، همین کارگردارانند. بعضی از این مکانها کنار کرد تجاری نیز داشتند و مردم ضمن اینکه به مبادله کالا می‌پرداختند، تبادل اطلاعات نیز می‌کردند. این فضاها اکنون دیگر وجود ندارند و چندان جایگزینی هم برای آنها پیدا نشده است.

ظاهراً موضوع گفتوگو را می‌توان از سه جنبه - که یک محط را تشکیل می‌دهند - بررسی کرد. یک ضلع این مثلث احساس نیاز به گفتوگو است؛ ضلع دیگر شرایط موجود از قبیل فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی محیط طبیعی است؛ و ضلع سوم که از دو ضلع دیگر پدید می‌آید فضای گفتوگو است. برای به وجود آمدن فضای گفتوگو باید ابتدا نیاز به آن به وجود آمده باشد و فضای حاکم نیز این نیاز را به رسمیت بشناسد؛ در غیر این صورت فضای کالبدی هرگز نمی‌تواند نیاز به گفتوگو را ایجاد کند. از نمونه‌های این امر طرح نواب است که چون زیر ساخت فرهنگی و اندیشه‌ای آن وجود نداشت نتوانست نقشی در تعاملات اجتماعی ایفا کند.

سازمان شهرداریها: بدون شک برای رسیدن به شهروند آگاه، به گفتوگو نیاز است. یکی از اژامات گفتوگو نیز فضای کالبدی مناسب است. حال این سؤال مطرح می‌شود: آیا فضاهای کالبدی شهر ما فضای گفتوگو است یا نه، و اگر نیست این فضای کالبدی باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

حسن اصمالتو: در گذشته همان طور که می‌دانید، در اطراف میدانهای شهر بازار وجود داشته که محل داد و ستد بود و در داخل

موضوع گفتوگو را می‌توان از سه جنبه - که یک مثلث را تشکیل می‌دهند - بررسی کرد. یک ضلع این مثلث احساس نیاز به گفتوگو است؛ ضلع دیگر شرایط موجود از قبیل فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی محیط طبیعی است؛ و ضلع سوم که از دو ضلع دیگر پدید می‌آید فضای گفتوگو است.

میدان هم کارهای مختلفی انجام می‌شد؛ از جمله اینکه خرید و فروش صورت می‌گرفت، محل درس بود، و اطلاعات در آن ردوبدل می‌شد. شواهدی هم وجود دارد که بنده بستان فرهنگی نیز در آن انجام می‌شده و به علاوه محل گذر هم بوده است. بعد به مرور که شهر بزرگ شده همین میدانها به شکل مدرن درآمده و به محل عبور تبدیل شده‌اند. اما در مقابل، فضاهای دیگری نیز همچون آمفی تئاتر و سالنهای اجتماعات، مدرسه و نظایر اینها به وجود آمده‌اند. یکی از مهم‌ترین مراکزی که در گذشته در آنها گفتوگو صورت می‌گرفت کاروانسرا بود. در گذشته که تبادل

فیزیکی از بین رفته یا کارکرد خود را از دست داده‌اند. این فضاهای گفتوگو را در همه جای دنیا، با نهادهای دولتی به وجود می‌آورند. یا بر اساس نیاز موجود در جامعه، به وسیله خود جامعه ایجاد می‌شوند. مثلاً فضاهای گفتوگو در ژن یا یونان یا تالار تخت جمشید در ایران، از جمله فضاهایی بوده که حکومت آنها را ایجاد کرده و فقط طبقات خاص از مردم در آنجا حضور می‌یافته‌اند؛ اما در کنار آن بعضی از فضاها به دلیل نیاز اجتماع و به دست خود مردم به وجود می‌آمده و مردم هم از آن استفاده می‌کرده‌اند. میدانها در ایران، در بعضی از سحنه‌هایی که هنوز تغییر

اطلاعات از طریق کاغذ و سایر وسایل ارتباطی صورت نمی گرفته تنها گونه‌ای که این امکان را فراهم می‌کرد که حرف از جایی به جای دیگر برود کاروانسرا بود. این کاروانسراها که در دشت ۳۰ کیلومتر و در کوه ۲۵ کیلومتر یا یکدیگر فاصله داشتند، مهم‌ترین فضاهای گفتمان بین‌المللی در آن دوران به‌شمار می‌آمدند.

محمد تقی رضویان: سوال مهمی که اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا این مکانها در گذشته محل تبادل اخبار بوده‌اند یا تبادل اندیشه؛ و در واقع منظور ما از گفت‌وگو کدام یک از اینهاست؟

اصغر ساعد سمیعی: به نظر من در اینجا بحث گفت‌وگو به منظور تبادل اندیشه با گفت‌وگو برای مبادله اخبار و اطلاعات خلط شده است. در گذشته مردم از روستا به لب جاده می‌آمدند که اخبار بگیرند یا کنار چشمه و چاه یا در قهوه‌خانه یا میدانها جمع می‌شدند تا خبرها را ردوبدل کنند بعد که شهرها کمی شکل گرفتند، در کنار در خانه دو سکو در دو طرف در به وجود آمد، بعد هشتی در خانه‌های بزرگ، و به همین ترتیب تا به امروز. این مکانها فقط به

**در ایران هرگز نمی توان
خانه‌ها را دور یکدیگر چید و
فضای وسط آن را فضای
عمومی برشمرد. فضاهای
عمومی و خصوصی ما کاملاً از
یکدیگر جدا هستند و این
دلایل اجتماعی، سیاسی،
اقتصادی و فرهنگی دارد**



این فضاها را در مدرسه‌های خاصی داشته‌یم؛ خصوصاً از دوره اسلامی به بعد مدرسه‌های مختلفی وجود داشته‌اند که خواص در آنها رفت و آمد می‌کردند و در آنها تبادل اندیشه صورت می‌گرفته است.

سازمان شهردارها: مشکل این است که مدرسه یا خانقاه که در اینجا اسم برده شد فضاهایی هستند که فقط یک قشر خاصی نخه در اینجا با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند. در حالی که نمی‌توان این فضاها را حوزه عمومی نامید. اگر حوزه عمومی را در کنار عرصه حکومتی و عرصه خصوصی ببینیم، فضاهایی که نخه‌ها در آنها حضور پیدا می‌کنند جزء عرصه خصوصی است نه حوزه عمومی. این در حالی است که در تمدن غرب عرصه عمومی نیز شکل گرفته است و بسیاری از تعاملات اندیشه‌ای در این حوزه صورت می‌گیرد.

اصغر ساعد سمیعی: من ضمن تأیید اینکه آنچه تاکنون نام برده شد در حوزه خصوصی است نه عمومی، می‌خواهم خاطر نشان کنم که مشکل دیگر این فضاها این است که اصلاً فضای گفت‌وگو نیستند و در واقع فضای گفت و شنود هستند. یعنی صحبت کردن در این فضاها یکطرفه بوده و تبادل اندیشه‌ای که به منظور ارتقای طرفین باشد صورت نمی‌گرفته است.

رضا مستوفی: درست است که گفت‌وگو در مدرسه و مسجد بین معلم و شاگرد یکطرفه بوده اما این خود شاگردان و خود معلمان گفت‌وگوی دوطرفه صورت می‌گرفته است؛ و البته هنوز هم این ایراد وارد است که این گونه فضاها تنها قشر خاصی را در بر

منظور مبادله اطلاعات بوده‌اند نه تعامل فکری. اما فضاهای عمومی ژم یا یونان باستان در واقع فضای فکری بوده‌اند. نقش این میدانها چنان نبوده که محل گذر باشد و هر کس عبور می‌کند یا دیگران به تصادفات فرهنگی بپردازد بلکه اتفاقاً مکانی بوده که صرفاً خواص برای تعاملات اندیشه‌ای و فرهنگی به اینجا مراجعه می‌کردند. باید به این موضوع مهم توجه داشت که نوع گفت‌وگو در میدانهای ما با گفت‌وگو در فضاهای عمومی ژم یا یونان تفاوت داشته و در کشور ما این تعاملات اندیشه‌ای در فضاهای خاص و خصوصی - مثلاً خانقاهها - صورت می‌گرفته است.

حسن اصائلو: این حرف درست است که گفت‌وگو در حمام، بازار، چهارسو و کاروانسرا از نوع تبادل اخبار بوده است و اینکه ما باید ببینیم تعاملات فکری در کشور ما اصلاً صورت می‌گرفته یا نه و اگر انجام می‌شده در چه فضاهایی بوده است. من فکر می‌کنم ما



می گرفته اند.

فتاویه نراقی: من فکر می‌کنم بحث به جایی رسیده است که ارائه تصویری کلی از معماری و شهرسازی کشورمان به روشن شدن موضوع کمک کند و اذیت این است که فضاهای همگانی ما را بناهای همگانی تعریف می‌کنند و فضاهای خصوصی هم به وسیله بناهای خصوصی تعریف می‌شوند. به عنوان مثال، بازار که فضایی عمومی است، تمام عناصری هم که در اندام و اطراف آن وجود دارند بنای عمومی است. یا مثلاً فضاهای مسکونی ما فضای کاملاً خصوصی است، در حالی که تگاهی به اروپا نشان می‌دهد که خانه‌های مسکونی در کنار یکدیگر کوچه و خیابان را می‌سازند و این کوچه و خیابانها اغلب فضایی عمومی است. خیابان جای گفت‌وگو و زندگی مردم است و بسیاری از اندیشه‌ها در آنجا متبلور می‌شود. اما در ایران هرگز نمی‌توان خانه‌ها را دور یکدیگر چید و فضای وسط آن را فضای عمومی برشمرد. فضاهای عمومی و خصوصی ما کاملاً از یکدیگر جدا هستند و این دلایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد.

شهرسازی ما نشان می‌دهد که ایران تقریباً فاقد فضاهای عمومی گفت‌وگو - همانند غرب - بوده است. دلایل این امر ریشه در تاریخ استبدادی و حکومت بیگانه بر کشور ما دارد و از آنجا که عرصه بین مردم و حکومت کاملاً مشخص بوده، در واقع مشارکت مردم بسیار کم است و به همین دلیل ما تقریباً فاقد فضاهای ملتی در شهرهای ما هستیم. فضاهای مسکونی با قرار گرفتن در کنار یکدیگر فضای عمومی را نمی‌سازند. فضاهای مسکونی ما

کارکردشان در درون خودشان است؛ و اینها درون خودشان گفت‌وگو ندارند، نه با یکدیگر و نه با حکومت. در واقع معماری ما هم نشان می‌دهد که در بناهای ما مشارکت مردم و حکومت به چشم نمی‌خورد. تا پیش از دوران صفویه، حدود ۸۰۰ سال حکومت ترک و عرب بر سر ما بوده و مردم با آنها هیچ گونه ارتباط و پیوندی نداشته‌اند. بعد از صفویه نیز از آنجا که ما فاقد حکومت‌های محلی بوده‌ایم بار هم بین مردم و حکومت هیچ گونه پیوند و گفت‌وگویی وجود نداشته است. امروز که وارد عصر مدرن شده‌ایم، می‌خواهیم امنی، ثبات و مسائلهای کنفرانس را به عنوان فضای گفت‌وگو ایجاد کنیم، در حالی که فضای گفت‌وگو، فضای باز و آزادی است که هر شهروندی می‌تواند آزادانه و در هر زمان که بخواهد بدون هیچ قاعده و قانونی وارد آن شود. حکومت باید چنین فضایی را بپذیرد و به آن اجازه حضور بدهد و در واقع زمانی که بین زندگی مردم و حاکمیت اشتراک وجود دارد چنین فضاهایی به وجود می‌آید.

من تا به اینجا به دو بخش «سراپا حاکم» و «فضاهای کالبدی» اشاره کردم اما وجه دیگر قضیه، همان گونه که آقای رضویان گفتند، «نیاز» است. نگاهی به تاریخ کشور ما نشان می‌دهد که خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم، آشنایی با فرهنگ پیشرفته به عنوان نوعی تفکر مطرح شد. این نیاز از آن دوران به شدت احساس شده و در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۰ هم تلاشهایی برای ایجاد فرصت‌ها انجام گرفته است اما این نیاز در گذشته وجود نداشته و هنوز هم به شدت احساس می‌شود. ضمن اینکه ما در گذشته فضاهایی مانند میدان توپخانه، لاله زار و استانبول را

بی شک اول اندیشه است که فضا را خلق می کند اما بعد همین فضای ایجاد شده امکان توسعه گفت و گو را فراهم می سازد

فضای اندیشه ای مناسب برای گفت و گو مقوله ای است که در آن شهروندی و حقوق شهروندی جایگاه ویژه ای دارد

مطرح شدن موضوع گفت و گوی تمدنیها در سطح جهانی، می خواهیم مجدداً به دنیا وارد شویم و این کار شرایط خاص خود را می طلبد.

سید حمید لوحی: به نظر من مهم ترین عنصر گفت و گو، رعایت حقوق شهروندی و احترام به انسانهاست. اساساً گفت و گو زمانی امکان پذیر می شود که هر کس برای شخصیت انسانی خود و طرف مقابل احترام قائل شود و برای او حتی معادل با حق خود در نظر بگیرد. وقتی بتوانیم دیگران را بپذیریم، آنگاه می توانیم وارد فضای گفت و گو شویم. این گفت و گو می تواند با هم محله ای،

داشتیم که اکنون دیگر فقط محل گذر شده اند و جایگزینی هم برای آنها تعبیه نشده، در حالی که این نیاز کاملاً جدی است. به هر حال آنچه می خواهیم بگوییم این است که شهرداریها و بنیادهای شهروندی در نظر داشته باشند که اگر چه فضاهای تعریف شده ای مثل سالن اجتماعات و مجموعه سالنها و فضاهای باز و بسته عملکردهای مفیدی دارند اما منظور از فضای عمومی، فضای باز و کاملاً آزادی است که هیچ قاعده ای بر آن حاکم نباشد. ما در شهرسازی خود به چنین فضاهایی نیاز داریم.

ماهنامه شهرداریها: تا به اینجا تحلیلهای تاریخی درست و دقیقی از بستر فضای گفت و گو در کشورمان ارائه شد. حال خوب است نگاهی نیز به جلو بیفکنیم. واقعیت نشان می دهد که گرایش به سمت تمرکززدایی و حکومتیهای محلی در تمام دنیا و از جمله کشور ما، سبب شده است که مدیران شهری نیز به ضرورت مشارکت مردم پی ببرند و این خود موجب تحول رابطه شهرداریها با مردم شده است. امروز دیگر شهرداریها نمی دانند که آنها هم متقابلاً به مردم نیاز دارند و این نیاز باید از طریق مشارکت پاسخ داده شود. مشارکت نیز در درون خود به گفت و گو نیاز دارد و گفت و گو فضای کالبدی خاص خود را می طلبد. این زنجیره ای است که امروز نیاز به تمام حلقه های آن احساس می شود و سؤال این است که چه تدبیری برای پاسخ به این نیازها اندیشیدیم. البته هدف از طرح این سؤال در اینجا، این نیست که در همین جلسه به پاسخ برسیم بلکه حتی اگر بتوانیم آن را تنها به عنوان پرسشی جدی پیش رو داشته باشیم، گام مؤثری برداشته ایم.

محمد منصور سلامکی: من در اینجا فقط می خواهم یک نکته را متذکر شوم که ما در پاسخ به این سؤال که «آیا شهرهای ما به سمت برآورده کردن این نیازها حرکت کرده اند یا خیر»، باید ویژگیهای شهر و مردم خود را به درستی بشناسیم. آنچه در دانشکده ها آموزش داده می شود این است که از روی طرح و نقشه مسیرهای اصلی را مشخص می سازند و بعد مراکز را با دایره پررنگ می کنند و آنگاه تعیین می کنند که فضاهای شهری چگونه تخصیص یافته است؛ در صورتی که شاید ما بتوانیم فضاهای گفت و گوی خود را، متفاوت از آنچه در کشورهای دیگر بوده، به گونه دیگری شناسایی و تعریف کنیم.

محمد تقی رضویان: نکته دیگری که ضمن توجه به شرایط خاص مکانی و فرهنگی خود باید به آن بپردازیم، توجه به تحولات عنصر زمان است. اگر چه اغلب فضاهای ما فضای گفت و شنود بوده و نیز دیک به ۲۰۰ سال گفت و گویی صورت نگرفته اما امروز با

وقتی بتوانیم دیگران را بپذیرا
باشیم، آنگاه می توانیم وارد
فضای گفت و گو شویم. این
گفت و گو می تواند با هم
محله ای، غیر محله ای، جوان
با جوان، شهروندان یا
یکدیگر، شهرها یا یکدیگر،
کشورها یا یکدیگر، و بالاخره
میان تمدنهای باشند، اما اساس
آن به هر حال احترام است



ماهنامه شهرداریها؛ نکاتی که در اینجا مطرح شد بسیار اساسی و مهم هستند، از جمع‌بندی مطالب به نظر می‌رسد که ایجاد گفت‌وگو، چه در داخل کشور خودمان و چه در سطح بین‌المللی، مستلزم وجود فضای گشاده‌ای و فضای اندیشه‌ای مناسب است. فضای اندیشه‌ای مناسب برای گفت‌وگو مقوله‌ای است که در آن شهروندی و حقوق شهروندی جایگاه ویژه‌ای دارد. کوچک کردن تسلط دولت، حرکت به سمت حکومت‌های محلی، شکل‌گیری شوراهای و توجه شوراها و شهرداریهای شهرهای مختلف به شهروند و آموزش شهروندی و جلب مشارکت‌های مردمی، همه و همه موضوعاتی از این دست هستند. به نظر می‌رسد طرح این مسئله در جامعه ما انجام شده است اما هنوز مراحل ابتدایی خود را طی می‌کند و نیازمند توجه، تقویت و حمایت است.

جنبه دیگری از بحث که در اینجا مطرح شد، فضای کالبدی مناسب گفت‌وگو است که شهرسازان و معماران و مدیران شهری باید به آن بپردازند. فضای گفت‌وگو را نیز می‌توان یاد و منظر مورد بحث و بررسی قرار داد؛ یکی اینکه برای پاسخگویی به نیاز موجود فضای مناسب و کافی وجود ندارد؛ دیگر اینکه ایجاد فضاهای جدید خود می‌تواند مشوق و محرک گفت‌وگو و همچنین نیاز به آن باشد - که هر دو جنبه بسیار مهم و حایز اهمیت است.

به هر حال طرح این مسئله گامی مثبت و پراهمیت در جهت تبادل اندیشه و تعالی فرهنگ جامعه است و ماهنامه، ضمن قدردانی از تمامی شرکت‌کنندگان در میزگرد، امیدوار است که دست کم فتح بانی در این موضوع مهم کرده باشد.

غیرمخلفه‌ای، جوان با جوان، شهروندان یا یکدیگر، شهرها یا یکدیگر، کشورها یا یکدیگر، و بالاخره میان تمدنها باشد، اما اساس آن به هر حال احترام است. اگر اصل احترام را بپذیریم، نمودهای آن در شهر چندان دشوار نیست. به عنوان مثال، همه شاهدیم که بزدان شدن پازکها تا چه حد در حس احترام به شهروندان و همچنین احساس تعلق شهروندان به شهر، مؤثر بوده است. نمونه‌هایی از این دست می‌تواند بسیار فراوان و ساده باشد. یکی از کنارهای زیربنایی مهمی که می‌توان انجام داد، تشویق و ترویج نشریات محلی و منطقه‌ای است. این نشریات ضمن آموزش حقوق و وظایف شهروندی، خود فضایی برای گفت‌وگو و مشارکت هستند. در واقع با نگاه‌های مختلفی می‌توان به گفت‌وگو پرداخت و تنها جنبه ظاهری آن مطرح نیست.

سهراب مشهودی؛ این مسئله بسیار مهم است که ما به آنکمال تعریف شده فضای گفت‌وگو بسنده نکنیم. هدف از این جلسات پرداختن به اهمیت گفت‌وگو است، نه لزوماً دستیابی به فضاهای پیشینی که برای گفت‌وگو وجود داشته است. برای دستیابی به این هدف باید فن‌آوریهای جدید را هم در نظر داشته باشیم و بدانیم که هدف از گفت‌وگو تبادل اندیشه است که حاصل آن ارتقای معنوی و فرهنگی است. بشر امروز بیش از گذشته به گفت‌وگو نیاز دارد و پیشرفتهای مختلف از قبیل انقلاب الکترونیکی این امکان را فراهم کرده است که افراد در نقاط مختلف دنیا بتوانند در آن واحد با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

به هر حال اگر به اصل گفت‌وگو اعتقاد داشته باشیم، می‌توان آن را به عنوان حرکتی مثبت تلقی کرد و مسئولان و صاحبان نظران می‌توانند با همکاری یکدیگر منشوری را برای تقویت این فکر و ایجاد فضای مناسب تهیه کنند تا به صورت یک اصل در دستور کار همگان قرار گیرد.



حوزه عمومی و تجلی آن در کالبد شهر

فرحناز حسام
کارشناس ارشد جامعه شناسی

نمی‌شود. چرا چنین است؟ با وجود آنکه حکومتها و مردم الگوهای دموکراسی را یکی پس از دیگری می‌آزمایند، و با وجود آنکه دولتهای مدرن مدعی وفاداری به چارچوبهای دموکراسی اند، کیفیت مداخله مردم در امور جامعه و شهروندان در امور شهر همچنان مورد مناقشه است.

پرسش دیرین آن بود که چگونه می‌توان نظم عادلانه‌ای را در شهرها به وجود آورد. پاسخ محقق، این شد که انقلابها و نهضتهای اجتماعی سه قریبانی نظم مستقر انجام میدهند. اوراق بشماره‌ای از تاریخ اجتماعی ملتها به روایت خشونت‌ها و ناکامی‌های جنبشهای شهری اختصاص یافته است. این تاریخ، سرانجام در آذهای اندیشمندان و روشنفکران متعدد و مبارز، به طراحی ایده‌های تازه برای بهبود بخشیدن به وضع موجود و استقرار واقعی و پایدار دموکراسی منجر شد.

پرسش تازه این بود که آیا بدون انجام اعتراضهای جمعی بی‌فرجام و شورهای خیابانی جویین، می‌توان به توزیع عادلانه قدرت، ثروت و منزلت میان شهروندان و حکومتهای ملی و محلی دست یافت. یافتن پاسخی کارآمد برای این سؤال، به مهم‌ترین چالش نظری عصر ما تبدیل گردید.

غضای تجربه‌های تاریخی و نیاشتگی معرفتها، نمره نظری گرانبهای به بار آورد که اصطلاحاً «نظریه عرصه عمومی» نامیده شده است. آن قدر به این ایده پرداخته‌اند که می‌توان نظریه‌های مربوط به آن را گونه‌شناسی کرد و برای هر یک، فرهنگنامه و کتابشناسی مفصلی فراهم ساخت. اما نطفه این ایده با نامی بیوند خورده که در میان ما، نامی آشناست.

در آذهای ما، یورگن هابرماس طراح و نظریه‌پرداز «عرصه عمومی» است. دغدغه اصلی هابرماس همان پرسشی است که در دستور پیشین مطرح گردید. وی در پی آن بود که شیوه

تنظیم مناسبات عادلانه میان مردم و حاکمان، در طول تاریخ همواره دغدغه فکری اندیشمندان و آرمان جنبشهای اجتماعی بوده است. در این زمینه الگوهای متعددی با هدف بهسازی، تعدیل یا تغییر رابطه نامتوازن میان مردم و حکومت، عرضه شده‌اند. مانوس‌ترین الگوها برای برهم زدن ساخت نابرابر قدرت، وقوع تحولات انقلابی بوده است. نهضتهای اجتماعی که به ویژه در نقاط شهری تضح گرفته و توأم یافته‌اند نشان از آن دارند که میل به براندازی نظام سیاسی، قویا در میان شهرنشینان وجود دارد و گاه و بیگاه از محررای شورشهای شهری و تظاهرات خشونت‌آمیز خیابانی، خود را نمایان می‌سازد. البته در این میان وقوع حرکتیهای اجتماعی در روستاها را نیز نباید نادیده گرفت. اما حقیقت آن است که پس از انقلاب صنعتی، شهرها به کانونهای اعتراضهای جمعی و عرصه کشمکش با قدرت‌های سیاسی حاکم بدل شده‌اند. روشن است که شرایط دشوار کار، در آمد نامناسب و ناکافی، سواد، رسانه‌ها، انبوهی ارتباطات و اطلاعات و به ویژه فقر و محرومیت شهری - که به مراتب آزار دهنده‌تر از جلوه روستایی آن است - روند بروز شورشهای شهری را شتاب می‌بخشد. تجربه یکی دو قرن اخیر در کشورهای جهان نشان می‌دهد که شهرها در شکل‌گیری انقلابهای اجتماعی نقشی انکارناپذیر داشته‌اند. اما تجربه‌های گرانبهای که از سر نوشت جنبشهای شهری به دست آمده است معمولاً آرمان انقلابیون را تأیید نمی‌کند. با سقوط هر نظام سیاسی، انحصار دیگری جایگزین شده و پس از اندک زمانی، روند معکوس آزادی‌خواهی و مساوات‌طلبی آغاز گشته است و ساختار نهادینه توزیع قدرت میان شهروندان و دولت با اندکی تأخیر، مجدداً به حیات پیشین ادامه داده است.

به این ترتیب تجربه‌های مکرر نشان از آن دارند که در پس شورشهای اجتماعی و شهری، چشم‌انداز امیدبخشی دیده

مسائل آمیز و مؤثری را در تغییر وضع نابرابر موجود میان مردم و حکومت بیابد. وی در این باره می‌گوید: «پس از جنگ جهانی دوم، من به سوسیالیسم گرایش پیدا کردم. به همین علت مسئله فرایند دموکراتیک کردن قدرت سیاسی و پشتیبانی از فرهنگ سیاسی که لیبرال باشد و احترام متقابل را رعایت کند، بدل به مسئله زندگی من شد. دریافتیم که سیاست‌گذاری عقلانی بدون مشارکت دموکراتیک مردم، قابل اجرا نیست. دستیابی به چنین مشارکتی باید از طریق فرایندهای تصمیم‌گیری نهادی شده صورت پذیرد و این گونه فرایندها باید جزئی جدایی‌ناپذیر از فضای عمومی اجتماعی باشند و در عین حال قابلیت دریافت انواع روابط سیاسی را نیز داشته باشند. ولی آرای عمومی خود باید با استفاده از گفت‌وگو و تبادل نظر ساخته شود تا بتواند نفوذی عقلانی بر سیاست داشته باشد» (۱)

حوزه عمومی، بستری مناسبی را برای باز توزیع قدرت میان حاکمان شهرها و شهروندان فراهم می‌سازد. تئوریهای انقلاب که خلق را به مبارزهٔ هنجاری برخاسته نظامهای حاکم فراموش خوانند و تهمیج می‌کنند، امروز دیگر کارآمدی خود را از دست داده‌اند. عصر شورشی‌های ویرانگر و حرکت‌های جمعی خشونت‌نازک خاتمه یافته است. اینکه دوران گفت‌وگو، مفاهیم نقد و مشاجرهٔ کلامی است. نوددهای شهری برای متقاعدسازی حکومت‌های محلی، با توسل به آشوبگری و ویرانسازی، توفیقی به دست نمی‌آورند و از سوی دیگر قدرتهای محلی نیز با سرکوب و کاربرد افراتی زور، سلطه‌جویی و حاکمیت تک‌صدایی، مشروعیت خویش را از دست می‌دهند. پس شایسته آن است که این رابطهٔ پر سوه‌وطن و تشنج‌آمیز تاریخی به مسیر دیگری هدایت شود. «عرصه عمومی» امکانهایی تازه‌ای را فراروی شهروندان و حاکمان شهر قرار می‌دهد. این در واقع حوزه‌ای میانی است که نه در انحصار حکومت‌هاست و نه خردفردی (نخبگان)، شکل دهندهٔ آن است. بلکه عرصه‌ای است که تعامل سالم و سازنده و بدون تنش میان مدیران سیاسی و شهروندان را برمی‌تابد.

به لحاظ نظری، عرصه عمومی فضایی است که در آن افکار عمومی شکل می‌گیرد. خارج از اجبارهای رسمی حکومتی است و عرصه رویارویی اندیشه‌ها و استدلال‌هاست. عرصه عمومی در پهنهٔ نظری‌اش مفاهیم بر منزلتی چون مشارکت، شهروندی، جامعه مدنی، نقدپذیری و مدارای اجتماعی را پوشش می‌دهد. تحقق تمامی این ایده‌ها در شهر، معماری شهری و آرایش فضایی خاصی را طلب می‌کند.

عرصه عمومی، فضای عمومی آزادی است که ساکنان شهر می‌توانند در آن به راحتی حضور یابند و با آزادی به طرح دیدگاه‌ها و نظریات خویش بپردازند. اینان در اینجا حکم کنشگرانی را دارند که به دور از واژه و بلبون ترس از مجازات و طرد و تکفیر، با یکدیگر به تعامل می‌پردازند و گفت‌وگو می‌کنند. انسان شهری امروزی، به تناسب شعور و آگاهی‌اش و به اعتبار تراکم ارتباطاتش، مطالبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ناگزیری دارد که در پهنهٔ شهر می‌بایست پاسخ گیرد. این مطالبات در محدودهٔ کوچک خانه و خانواده و حتی خویشاوندان نمی‌گنجد؛ یا در محیط‌های شغلی و حرفه‌ای حاصل نمی‌شود. شهر نشین امروزی، فراتر از محدودهٔ خانوادگی و شغلی و حرفه‌ای خویش، خواهان داشتن فضاهایی است که با خرد و انتخاب و آزادی و مسئولیت، در آن حضور یابد و در امور جاری اظهار نظر و نقادی کند. چنین عرصه‌ای، بدون شک معماری ویژه‌ای را در شهرسازی ضرورت می‌بخشد. به اعتقاد



هانس آریته، حوزه عمومی جایی است که عمل، به وسیله دیگران دیده و شنیده می‌شود.

عینیت بخشیدن به چنین تفکری، مستلزم هوشمندی و نوآوری و خلاقیت شهرسازان است. با تلقی جدید، شهرسازی دیگر به طراحی سکونتگاه‌های فریدی و خانوادگی ختم نمی‌شود و بدین ترتیب دیگر شهر حاصل جمع سادهٔ منازلها و بناهای خدمانی و مدارس و پارکها و معابر نخواهد بود.

عرصه عمومی فضایی است که در آن افکار عمومی شکل می‌گیرد. خارج از اجبارهای رسمی حکومتی است و عرصه رویارویی اندیشه‌ها و استدلال‌هاست. عرصه عمومی در پهنهٔ نظری‌اش مفاهیم بر منزلتی چون مشارکت، شهروندی، جامعه مدنی، نقدپذیری و مدارای اجتماعی را پوشش می‌دهد. تحقق تمامی این ایده‌ها در شهر، معماری شهری و آرایش فضایی خاصی را طلب می‌کند

علاوه بر شبکه‌های معابر و بناها و تأسیساتی که تجسم بخش محیط‌های شهری هستند، فضاهای دیگری که تحقق بخش مفهوم «عرصه عمومی» باشند، در طراحی شهری ضرورت یافته است. اصطلاحاً به این گونه فضاهای «فضای عمومی» نام نهاده‌اند. تحولاتی که در جهت مدرن سازی حکومتها و گسترش ارتباطات در جهان رخ داده، توجه بر نامهربان و معماران را به نقش محوری فضای عمومی در مناطق شهری جلب کرده است.

فضای عمومی جایی است که تعامل اجتماعی و تجربه روزمره زندگی شهری در آن روی می‌دهد. فضای عمومی شهر فضایی است که تحت کنترل فرد یا حکومت و سازمانهای دولتی نیست. گرچه باید توجه داشت که در کشورهای در حال توسعه - که نقش دولت‌ها همچنان فراگیر و پر دامنه است - در بسیاری موارد طراحی و تأسیس و کنترل فضاهای عمومی همچنان در اختیار حکومت‌های محلی از جمله شهرداریها یا سازمانهای رسمی است. فضای عمومی، فضایی است که بر حسب نیاز شهروندان پدید می‌آید و از این رو به روی عاصهٔ مردم گشوده است. ویژگی این فضا، اجازه دادن به حضور گروه‌های متفاوت مردم - صرف نظر از طبقه اجتماعی، قومیت، تحصیلات، سن و جنس آنها - است. از این رو چنین فضایی با فضاهای خصوصی یا تحت کنترل، که فقط ورود افراد خاصی را مجاز می‌دارد، کاملاً تفاوت دارد. بدیهی است نظام کاستی در شهر، وجود چنین فضاهایی را بر نمی‌تابد. اصولاً هر شهر یا جامعه‌ای که طبقات اجتماعی و قشرها را از یکدیگر بیشتر تمایز دهد و فرصت‌ها و امتیازهای اجتماعی را به طور نامساوی میان آنان توزیع کند و ساختار نهادی‌ای برای قشر بندی فراهم آورد، امکان تحقق فضاهای عمومی را محدودتر می‌سازد. شکل‌گیری و عینیت یافتن عرصه‌های عمومی در شهرها مبتنی بر تفکر و بینشی است که ساکنان شهر را صرف نظر از طبقه و جنس و نژاد و خاندان، واجد حقوق برابر می‌داند و عنوان شهروندی به آنها احلاق می‌کند.



فضای عمومی، فضایی است که بر حسب نیاز شهروندان پدید می آید و از این رو به روی عامه مردم گشوده است. ویژگی این فضا، اجازه دادن به حضور گروه‌های متفاوت مردم - صرف نظر از طبقه اجتماعی، قومیت، تحصیلات، سن و جنس آنها - است

شهرهای مدرن در حال وقوع است: از یک سو باز شدن دروازه‌های اماکن عمومی و وسیع تر شدن گستره همگانی، و به عبارتی توسعه فضای عمومی؛ و از سوی دیگر استحکام بخشیدن به حریم‌های عرصه خصوصی و فضاهای خصوصی شهروندان. نباید چنین تصور کرد که وجود فضاهای عمومی از نظر تاریخی فقط در شهرهای امروزی ضرورت پیدا کرده است بلکه ساختار شهرهای پیش از مدرن سازی (مدرنیزاسیون) و صنعتی شدن نیز بستری برای رویارویی آزاد مردم شهر داشته‌اند. در شهرهای پیشین فضاهای عمومی، نظیر میدان‌های عمومی و بازارها، نقش ایجادکننده ارتباطات میان مردم را داشتند اینها جاهایی بودند که در آنها شکلی از گشایش‌های متقابل اجتماعی میان شهروندان امکانپذیر می‌شد.

آنچه که این فضاهای امروز جدی تر مطرح ساخته، چه بسا حضور بیشتر در این عرصه‌هاست یعنی شهروند کنونی نسبت به پیشینیان نیاز بیشتری به این فضاها دارد. شرایط دشوار زیست شهری، مکان‌های کوچک و انبوه با انواع آلودگی‌های صوتی و محیطی، این اقتضا را دارد که ساکنان شهر برای خروج از انزوای آپارتمان نشینی و برای دسترسی به محیط‌های بازتر، و تعامل آزادتر، به عرصه‌هایی روی آورند که امکان علاقه‌های عمومی و گفتوگوهای غیررسمی با هزینه‌های کمتری فراهم آید. فضاهای عمومی می‌توانند سالم‌ترین و قابل اعتمادترین فضاها باشند؛ که به قول آرنه، افراد در آنها در معرض دهن و شنیدن هستند حضور در این عرصه‌ها فرد را از دایره تنگ خانوادگی یا خویشاوندی بیرون می‌کشد و نمونه‌های بیشتری از شیوه‌های اندیشه و عمل را در معرض تجربه آنان قرار می‌دهد. فضای عمومی صحنه‌ای است که بر روی آن نمایش زندگی جمعی در معرض دید قرار می‌گیرد.

«از دید والرژ (۱۹۸۶: ۴۷۰)، فضای عمومی فضایی است که ما

شهر طبقه‌ای که نتیجه توزیع نابرابر قدرت و ثروت میان شهروندان است، منجر به تفکیک فضاهای شهری می‌شود و شهر در قالب مجموعه‌ای از محله‌های مجزا شده توسعه می‌یابد. برخی برای توجیه چنین وضعیتی گفته‌اند که در روند توسعه اقتصادی چنین صورت‌بندی‌هایی ناگزیر پیش می‌آید. به ویژه آنان که توسعه را با رویکرد اقتصادی تبیین می‌کنند، معتقدند که توسعه پیرامون اقتصادی استوار است و از لوازم چنین رقابت‌هایی، وجود امتیازهای ویژه است. بدیهی است اگر صاحب سرمایه و امتیازهای ویژه خود را از بقیه جدا می‌کند و نتیجه چنین فرایندی، سلسله مراتبی شدن شهر است. گروه‌ها به اعتبار بنیانهای اقتصادی شان، از هم جدا می‌شوند و فضاهای شهری تابعی از این تفکاک هستند. بدین ترتیب محله فقرا، محله ثروتمندان، محله کارگران، محله سیاه‌پوستان، محله بقیه سیلانی و مدیران ارشد، محله امرا و اشراف و جز اینها خود به خود زاینده می‌شوند. پس هر گروهی فضای خودش را خلق می‌کند.

صرف نظر از اینکه چنین دیدگاهی را بپذیریم یا نه، باید قبول کرد که دیگر وجود چنین طبقه‌بندی‌هایی در شهرهای امروزی بی‌معنا شده و خصوصی سازی فضا، مشروعیت فرهنگی خود را از دست داده است. با انتشار آرمان‌های دموکراتیک و قواعد‌های انسان‌دوستانه و برابری مطالبه در میان مردم در همه جوامع و شهرها، اعم از توسعه یافته یا عقب مانده، که نتیجه سهولت ارتباطات جهان امروز است، شهر نشین امروزی دیگر به آن حوزه‌های منع و تهدید پیشین تن نمی‌دهد و آنها را در شان خود نمی‌داند.

در خواستی قوی و جدی برای تصحیح فرایندهای مجزاسازی به وجود آمده است که حرکت به سوی محیط‌های اجتماعی و فیزیکی عمومی را ظاهر می‌سازد. چنین حرکت‌هایی از مدتها پیش در کشورها و شهرهای صنعتی توسعه یافته آغاز گردیده و موج آن امروز نیز به شهرهای با توسعه کمتر رسیده و گرایش‌هایی برای عمومی سازی فضاها خوبدا شده است.

عصر تفکر حصارکشی به سر آمده - اگر چه حرمت و امنیت حوزه خصوصی نیز تضمین شده است - بیان عرصه عمومی و عرصه خصوصی تفکیک روشن و آشکاری وجود دارد. آنچه شهروندان خواهان شراکت در آن هستند عرصه عمومی و فضاهای عمومی شهری است. بدین لحاظ دو فرایند همزمان در

شرایط دشوار زیست شهری، مکانهای کوچک و اتبوه با انواع الودگیهای صوتی و محیطی، این اقتضار دارد که ساکنان شهر برای خروج از انزوای اپارتمان نشینی و برای دسترسی به محیطهای باز تر، و تعامل آزاد تر، به عرصه‌هایی روی آورند که امکان ملاقاتهای عمومی و گفت و گوهای غیر رسمی با هزینه‌های کمتری فراهم آید

در آن با غریبه‌ها - یا مردمی که اقوام، دوستان یا همکار مانیستند - سهیم هستیم. فضای عمومی فضایی است برای سیاست، مذهب، دادوستد و ورزش؛ فضایی است برای همزیستی مسالمت آمیز و بی‌خورد های غیر شخصی. فرانسیس تیماندز (۱۹۹۲:۱) فضای عمومی شهر را چنین می‌داند: تمام بخشهای یافت شهری که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بدین ترتیب، خیابانها، پارکها، میدانهای شهر، به ساختمانهایی که محصورشان می‌کنند و محدوده‌شان را مشخص می‌سازند، گسترش می‌یابد. به این ترتیب، فضای عمومی، مهم ترین بخش از شهرهای ماست. جایی است که بیشترین اندازه از تماس و تعامل انسانها، روی می‌دهد. (۲)

فضای عمومی، تحقق بخش ایده عرصه عمومی است اما تمام آن نیست. برنامه‌ریزی برای فراهم آوردن فضاهای عمومی، خود به تنهایی کار دشواری است. نباید چنین پنداشت که ایجاد پارک یا خانه‌های فرهنگ برای تأمین فضاهای گفت و گو کافی هستند. در صورتی که درک عمیق و ژرفی از مفهوم فضای عمومی در شهر وجود نداشته باشد (همان گونه که امروز در جامعه ما اتفاق می‌افتد)، برنامه‌ریزان و شهرسازان، رسالت خود را بر تهیه اماکن تفریحی و پارکها و فرهنگسراها تقلیل می‌دهند. این در حالی است که حضور در همین مکانها نیز گاه مشروط است و آزادی حضور شهروندان را تحقق نمی‌بخشد.

باید پذیریم که شهرهای ما دیگر از قالب تنگ و تعریف شده و سنتی خود که تنها ۳ حیطه ارگ، تپش و شارستان را موجه می‌داشت، خارج شده‌اند. ما امروزه خواه و ناخواه، آماج پیامهای فرهنگی و فکری مدیریتیم قرار گرفته‌ایم. ساختار بصری شهرهای ما، تجلی اقتباسهای کالبدی و فیزیکی از شهرهای مدرن صنعتی است. پس چگونه انتقار داشته باشیم که روابط ما با همسایگان در همان قالبهای سنتی پیشین باقی بماند؟ به

شکل گیری و عینیت یافتن عرصه‌های عمومی در شهرها مبتنی بر تفکر و بینشی است که ساکنان شهر را صرف نظر از طبقه و جنس و نژاد و خاندان، واجد حقوق برابر می‌داند و عنوان شهروندی به آنها اطلاق می‌کند

موازات تحولاتی که در بینش ساکنان و روش حکامان پدید آمده است، ساخت و یافت شهرهای ما نیز محتاج دگرگونی شده‌اند. البته خشنودیم از اینکه شوراها به عنوان نهاد های معنابخش عرصه عمومی در سالهای اخیر، شکل گرفته‌اند. اگرچه در مکانیسم انتخاب اعضای شوراهای شهر و نحوه فعالیت و شیوه ارتباط آن با نهادهای رسمی از سویی و مردم از سوی دیگر، ابهامات جدی وجود دارد و با کمی یا س بیشتر می‌توان دید که حتی فضایی که به شوراهای شهری اختصاص یافته، فضایی است که ورود شهروند معمولی را جایز نمی‌داند و همچنان شهروندان بدون رتبه در پایین ترین سطح هرم تصمیم گیریها و مشارکتها در جایی زینند. با همه اینها ایجاد شوراهای شهر و تأسیس فرهنگسراها یا کانونهای فرهنگی به هر حال گام مثبتی در عینیت بخشیدن به «عرصه عمومی» است. اما از سوی دیگر با روند جداسازی طبقاتی و جنسی مواجهیم که هر کدام فضاهای شهری را به شکل ویژه‌ای سامان دهی کرده‌اند و در انحصار خود گرفته‌اند.

ایا در شهر بزرگ ما می‌توان از مکان و فضایی سراغ گرفت که بستری مناسب برای گفت و گوی آزاد و روان میان شهروندان، فارغ از جنسیت و سن و طبقه اجتماعی و قومیت، نذارک دیده باشد؟ چنین فضایی اصولاً در سیستم شهرسازی ما تعریف نشده است. میدانها یا فضاهای وسیع، یا جلادیه‌های بصری و پا در نظر گرفتن ملاحظات ارتباطی، در میان سایر تأسیسات شهری و شبکه معابر، طراحی نشده‌اند.

از برخی نوآوریهای مدیریتی در شهرها که بگذریم، تصویر کنونی شهرهای ما با کمی اغراق چنین است: اغلب معابر برای عبور بدون درنگ، طراحی شده‌اند. بیشتر میدانهای کوچک و بزرگ با گیاهان متنوع، فقط برای دور زدن سوارهای پیش‌بینی شده‌اند. ایستگاههای مترو برای انتظار آماده شده‌اند. صندلیهای دور از هم و پراکنده که برای تنفس در انزوا مهیا گشته‌اند در پارکها کم نیستند. خانه‌های فرهنگ برای تیت نام و آموزش - و نه حرکتیهای جمعی - برنامه‌ریزی شده‌اند. کانه‌ها، خداکتو، زماتی برای نوشیدن چای یا قهوه در اختیار می‌گذارند. سرانجام آنچه باقی می‌ماند، فضایی است که برای سکونت و معیشت و مرگ تدارک دیده شده است. این ترکیب کالبدی شهر ماست. در حالی که آموزه‌های جناب مدرنیسم و پست مدرنیسم مجذوبان مان کرده و اذهان ما را آغشته است.

از گنش ارتباطی سخن می‌گوییم، از گفتن آزادانه و شنیدن صبورانه، اما فضایی برای تجربه آن نداریم. در جامعه ما به نظر می‌رسد که گفت و گوها و مباحثها فقط به واسطه ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای امکانپذیر شده و رسمیت یافته‌اند. گفت و گوها در اصل گفت و گو نیستند بلکه خطابه‌ای هستند که اساساً فقط گفتن یکسویه است - و نه شنیدن - روزنامه‌ها و مطبوعات و تلویزیون نیز گفت و گو نیستند بلکه فقط می‌توان آنها را نمایش گفت و گو نامید.

سهیم شهروندان عمدتاً در «شنیدن» رقم خورده است، و نه سخن گفتن و تبادل نظر کردن. «تربیه‌های آزاد» در عرصه‌های رسمی تمیبه شده‌اند، نه در سطح شهر و میان شهروندان و فضاخای عمومی. دآوری کنیم: آیا ساماندهی فیزیکی شهر ما تجدیدنظر شدنی نیست؟

- ۱- رامین جوانمگلو، نقد عقل مدرن، گفتگو با اندیشمندان امروز جهان، ترجمه حسین سامعی، چاپ اول، پژوهش فروزان روز، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲- علیرضا پور، طراحی فضای شهری: نگوشی بر فرایند اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرشدانی، چاپ اول، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری - شهرسازی تهران، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- علیرضا پور، طراحی فضای شهری: نگوشی بر فرایند اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرشدانی، چاپ اول، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری - شهرسازی تهران، تهران، ۱۳۷۹.
- ۴- بار احمدی، مدیریت شهری، شهرسازی، انتشارات چاپ اول، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران، ۱۳۷۸.
- ۵- جوانمگلو، رامین، نقد عقل مدرن، گفتگو با اندیشمندان امروز جهان، ترجمه حسین سامعی، چاپ اول، پژوهش فروزان روز، تهران، ۱۳۷۶.
- ۶- هولاب، رابرت، دیورگن، طراحی نقدی حوزه عمومی، ترجمه حسین سامعی، چاپ اول، فر، تهران، ۱۳۷۵.
- ۷- انصاری، منصور، حوزه عمومی، انتشارات مؤسسه مطالعات، تهران، تابان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

روابط اجتماعی

و فضاهای عمومی شهر

غضنفر اکبری

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

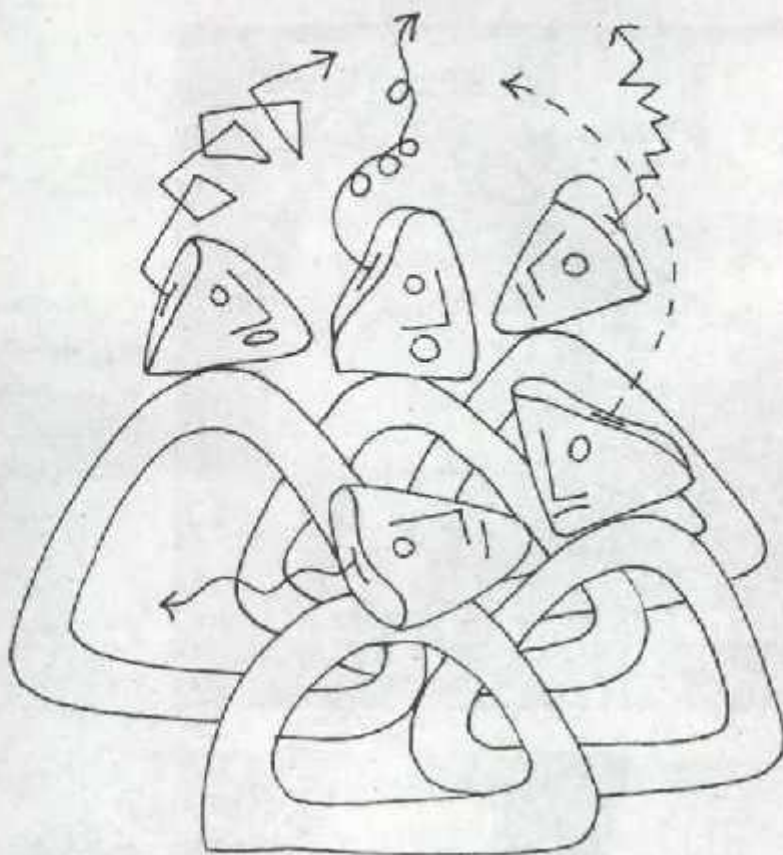
به رغم وجود ویژگیها و خصایص مشترک در همه نقاط شهری جهان، می‌توان اختراعاتی را نیز با تکیه بر برخی خصایص و الهام گرفتن از نمونه نظری (Ideal Type) ماکس وبر مشاهده کرد. براساس همین نمونه نظری می‌توان سخن از شهر غربی و شهر شرقی به میان آورد. پرویز پیران در مقاله شهر شهروندمدار این امر را به روشنی توضیح می‌دهد. در شهر غربی ویژگیهای زیر را می‌توان نام برد: چرخشی و توبتی بودن حکم راندن؛ حق تلاش برای دستیابی به حکمرانی نه سرشتی و نژادی و خونی است و نه عشیره‌ای و خانوادگی و نظایر آن، بلکه حقی است که از نوعی قرارداد اجتماعی زاده شده است؛ افراد جامعه که به عنوان شهروند تلقی می‌شوند دارای حق و مسئولیت‌اند؛ همه شهروندان در مقابل قانون برابرند؛ مشروعیت حکمرانان نیازمند اجماع اکثریت نسبی اعضای جامعه است؛ مبارزه برای اشغال مناصب در درون حاکمیت براساس قواعد صورت می‌گیرد.

در مقابل ویژگیهای مذکور که به گونه‌ای نمونه نظری شهر غربی است، ویژگیهای زیر را می‌توان برای شهر شرقی نام برد: در شرق، شهر پیش از آنکه به عنوان زیستگاه افراد صاحب حقوق یا به عبارتی اتباع شهروندان به حساب آید، مقر حکومت و جزئی از قلمرو سیاسی محسوب می‌شود؛ شهر ملک طلق پادشاه است؛ هیچ فردی در آن اهمیت ندارد؛ هویت فرد تنها از دریچه عضویت او در خانواده، کلان، عشیره، قبیله و ایل با معناست و همگان در بردگی برابرند؛ مالکیت به عنوان پایگاه اجتماعی سخت لرزان است و در چشم به هم زدن از میان می‌رود؛ تمایلات حاکم جانشین قانون است.

علاوه بر خصایص و ویژگیهای متفاوتی که ذکر آنها رفت، فضاهای عمومی به عنوان مکانهای گفت‌وگو، بحث و مناظره و چاره‌یابی برای گرفتن حقوق و ادای وظیفه در شهرهای غربی وجود داشته است که بنابه گفته هابرماس، سرمایه‌داری از چنین فضایی در دوران فنودالیت بهره گرفت و آن نظام را سرنگون ساخت. بدیهی است چنین فضاهایی خود را به صورت و در قالب کالبد در شهرها متبلور می‌سازند. میداتها، استاد یومها و دیگر مجامع عمومی در شهرهای غربی - به ویژه شهرهای اتنی و ژمی - نشانگر جایگاه و اهمیت گفت‌وگو و مباحثه و در نتیجه فضای عمومی در این تمدنها و شهرهاست. بنابراین اهمیت و جایگاه یک موضوع و امر اجتماعی - که جنبه همگانی داشته و مرتبط با سرنوشت سایر افراد باشد - در نزد مردمان یک سرزمین و شهر، در قالب فضاهایی که به عنوان فضاهای عمومی تلقی می‌شوند، نمایان می‌گردد.

در مقابل، در تمدن و دیاری که ضرورتی بر تجمع مردمان آن سرزمین وجود نداشته باشد و روابط آنها در فضایی بسیار کوچک و خصوصی محدود باشد، و حضور در عرصه‌های عمومی از لحاظ ارزشی منع شده باشد، طبیعتاً فضایی برای گفت‌وگو و طرح دیدگاهها شکل نخواهد گرفت. بدین ترتیب شهر و فضای شهری تنها در مجموعه‌ای از فضاهای مسکونی و تأسیسات خدماتی و مراکز عبادت و نظایر اینها خلاصه می‌شود و از کلوبها و میداتها و مراکزی از این دست خبری نخواهد بود.

از این مباحث نظری که بگذریم، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا اصولاً رابطه اجتماعی میان شهروندان وجود دارد یا نه؛ و چه دیدگاههای نظری‌ای در این باب به چشم می‌خورد. میان وجود رابطه اجتماعی و شکل‌گیری فضاهای عمومی و ضرورت آن چه نسبتی برقرار است؟ این مقاله تلاش دارد به طور خلاصه به پرسشهایی از این دست پاسخ دهد.



Mr. Javanmomenadi

طرح موضوع

شهرها به عنوان یکی از سکونتگاههای انسانی، محل زندگی اجتماعی افراد جامعه است و افراد به منظور رفع نیاز و برآورده ساختن خواسته‌ها، آرزوها و امیال خود به کنش متقابل با سایر کنشگران می‌پردازند. نظریه‌پردازان از منظرهای مختلف به موضوع رابطه اجتماعی شهروندان پرداخته‌اند. این نظریه‌پردازان که همه به جوامع غربی - و به ویژه امریکایی - تعلق دارند، کوشیده‌اند روابط اجتماعی شهروندان را از زوایای مختلف تحلیل کنند. این تحلیلها با توجه به شرایط زمانی و تحولاتی که جامعه مورد مطالعه پشت سر گذاشته است، و نیز با گسترده‌تر شدن حیطه و دامنه دید محققان و نظریه‌پردازان، دچار تغییر و تحول گردیده است.

به طور عمده سه نظر در باب رابطه اجتماعی در شهر وجود دارد: یکی نظریه جبر گرایان اکولوژیک، دوم نظر ترکیب گرایان یا دیدگاه غیر اکولوژیست‌ها، و سوم دیدگاه خرده فرهنگی.

دیدگاههای نظری

دیدگاه جبر گرایان اکولوژیکی

صاحب نظران این دیدگاه، به سبب گرایش زبر را برای شهر بر می‌شمارند:

۱- در شهر طبیعت روابط اجتماعی رو به فساد نهاده و خانواده مضمحل گردیده است.

۲- نزدیکی افراد به یکدیگر ناشی از مجاورت فیزیکی آنهاست و نه به دلیل قرابت و خویشاوندی ایشان.

۳- در شهر روابط اجتماعی متقابل وارد مرحله‌ای شده است که در آن افراد با وجود همه عوامل متحد کننده اساساً از یکدیگر جدا هستند.

۴- با وجود اینکه در شهر تماسهای اجتماعی بسیار زیاد است، اما این تماسها نه بر اساس داشتن ارزشهای مشترک برقرار می‌شود و نه مبتنی بر همیاری در جهت نیل به اهداف مشترک است بلکه این روابط صورت رسمی دارند و خالی از محتوایند.

۵- بیشتر روابط شهروندان مصنوعی و تشریفاتی است.

۶- در شهرها بخش عمده‌ای از جمعیت در فاصله بسیار کمی با همدیگر زندگی می‌کنند، اما بیشتر آنها به درستی یکدیگر را نمی‌شناسند و تماسهای آنها زودگذر و ناپیوسته است.

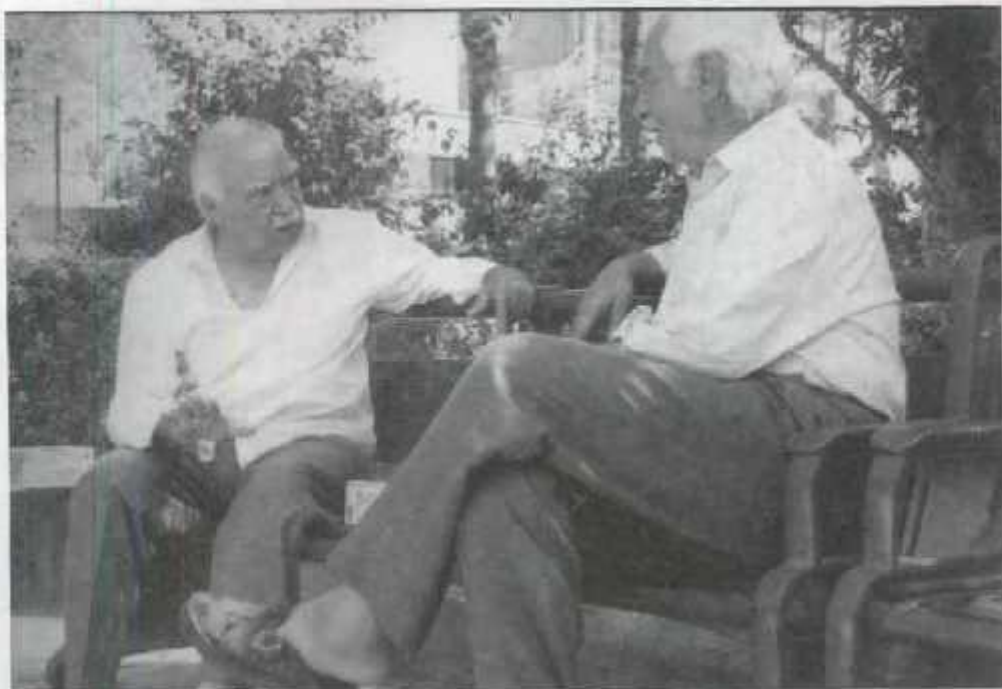
۷- روابط اجتماعی برقرار شده میان شهروندان سودجویانه است.

۸- شهرنشینی انسان را بیجده، حساسیگر و عقلمگرا می‌کند.

۹- روابط اجتماعی میان شهروندان سرده خشک و بیروح است.

در نظر صاحب نظران و پایه گزاران این دیدگاه، شهر و زندگی شهرنشینی سه عنوان متمیزی مستقل، بر روابط اجتماعی شهروندان تأثیر می‌گذارد و شهرنشینی خلق و خوی خاص خود را می‌یابد. شهر فضایی است که انسان دیگری می‌سازد، و این نشان روش و منشی غیر از روستاییان و غیر شهروندان دارد.

بر اساس این دیدگاه، اختلاف الگوی زندگی شهروندان با روستاییان ناشی از شهر است، به عبارتی، این شهر است که باعث اختلاف سلیقه، نگرش و رفتار شهروندان از روستائیشان



روابط اجتماعی در شهر رو به
تضعیف نیست بلکه این روابط
در درون حلقه‌های صمیمانه و
عاطفی خرده‌فرهنگها شکل
گرفته است

اجتماعات صمیمانه و پیوندهای عاطفی میان انسانهاست. صاحب نظران دیدگاه ترکیبی بر وجود پیوندهای اجتماعی قومی و گروهی به هم پیوسته متعددی در میان شهریان تأکید دارند و در صدد کشف این پیوندها هستند. این صاحب نظران معتقدند که گمنامی، بی هویتی، بی عاطفگی و بی‌ریشگی زندگی شهرنشینی بیشتر به استثناء می ماند تا قاعده.

در شهر گروههای اجتماعی کوچک ولی نامشگون وجود دارد و هر یک از این گروههای کوچک حلقه‌های اجتماعی دوستانه‌ای را به وجود می‌آورد که بر اساس خویشاوندی، قومیت همسایگی، نوع شغل و شیوه زندگی تشکیل شده است. این حلقه‌های دوستانه و صمیمی حتی در شهری‌ترین محیطها هم به چشم می‌خورد.

این صاحب نظران معتقدند میان شهرنشینی و روستا نشینی تفاوت چندانی وجود ندارد. با در واقع تفاوتی موجود ناشی از زندگی شهری و زندگی روستایی نیست بلکه به این دلیل است که با تجمع افراد زیاد در شهر، ویژگیهایی چون طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، قومیت، نژاد و مانند اینها متبلور می‌شود. عوامل اکولوژیکی چون اندازه، تراکم و نامشگونی گروههای شهری هیچ عارضه مستقیم و تأثیر جدی بر زندگی افراد شهرنشین ندارد. برای گروههای دوستانه قریبی ندارد که جمعیت اطرافشان حد نفر باشند و یا یکصد هزار نفر. در هر صورت این عوامل بر شخصیت اعضای گروه تأثیری ندارد.

بر طبق این دیدگاه، رفتار فردی به وسیله موقعیت اقتصادی، ویژگیهای فرهنگی، منزلت خانوادگی و وضع تاهل مشخص شکل می‌گیرد. در شهر شیوه‌های مختلف زندگی وجود دارد و این اختلاف شیوه و گوناگونی زندگی شهری بیشتر متأثر از ویژگیهای عمومی اجتماعی همچون سن، جنس، سطح درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی است.

بنابراین بر اساس این دیدگاه، تنوع و گوناگونی رفتار در میان شهرنشینی نه ناشی از شهر و ویژگیهای اکولوژیکی شهر بلکه به



می‌شود. هر کس که در شهر زندگی کند ویژگیهای ذکر شده را به دست می‌آورد و از زاویهای دیگر به جهان نگاه می‌کند. این نظر به پیردازان در نظریه‌های خود همیشه به یاد زندگی در اجتماعات غیر شهری می‌افتند و از آن به عنوان زندگی اجتماعی مناسب انسانی یاد می‌کنند و آرزوی رجوع به زندگی اجتماعی در فضایی غیر از فضای شهر را دارند.

دیدگاه ترکیبی (غیر اکولوژیست‌ها)

صاحب نظران این دیدگاه معتقدند که، جبرگرایان اکولوژیست، شهر را به محکمه برده و تحت بازجویی قرار داده‌اند و مدعی اند که شهر عامل جرم، جنایت و بزهکاری شده است. این شهر است که با عت و بیانی همه مسائل شده است و این شهر است که قاتل

رابطه اجتماعی خود را بر آورده می سازند و این روابط در کانونها و تشکلهایی که بدین منظور در شهر شکل می گیرند - و بخشی از فضای کالبدی شهر را تشکیل می دهند - بر آورده می شوند.

فضاهای عمومی و گفت و گو

فضاهای عمومی شهرها - به عنوان بخشی از مراکز کالبدی - در برگیرنده میاحضات، تعاملها و گفت و گوهای شهروندان است. بر طبق دیدگاه فیشر، با توجه به اینکه خرده فرهنگها باید نیاز به رابطه اجتماعی خود را بر آورده سازند، ضروری است که فضاهای کالبدی لازم بدین منظور در فضاهای شهری تهیه و تدارک دیده شود. در جوامع غربی که خاستگاه این نظریه است، کلوبها، انجمنها، اصناف، اجزای و سایر گروههای داوطلبانه در قشای خاصی استقرار می یابند و شکل و فضای خاصی به شهر می بخشند.

به فضاهای مکانها و سرپناهیایی که در یک فضای اجتماعی قرار دارند، و نه متعلق به بخش خصوصی اند و نه به دولت اختصاص دارند، «فضای عمومی» گفته می شود. این فضاها در جوامع دموکراتیک ظهور و بروز می یابند و آنچه موجب جلب نظر هابرماس به عقوله «حوزه عمومی» در گذشته و حال شده است، اهمیت این مفهوم به عنوان اساس نقد جامعه مبتنی بر اصول دموکراتیک است.

شکل گیری عناصر و اجزای جامعه مدنی (تشکلهای و انجمنها،



دلیل ویژگیها و خصیصه های اقتصادی و اجتماعی افراد است. همچنین در شهر روابط و حلقه های دوستانه و صمیمی وجود دارد و دیده می شود این روابط صمیمی در قالب گروههای دوستی، قومی، نژادی، حرفه ای، و نظایر اینها به چشم می خورد.

دیدگاه خرده فرهنگ

ساحب نظران این دیدگاه، که معروف ترین آنها کلود فیشر است، از یک سو «تراکم و انبساط» را از دیدگاه اکولوژیست ها، و از سوی دیگر حلقه های دوستانه و عاطفی و صمیمانه را از دیدگاه ترکیب گرایان به عاریت می گیرند.

این دیدگاه بر این است که افزایش تراکم جمعیتی که در شهر رقم می خورد، تنوع و گوناگونی خرده فرهنگها را نیز به دنبال دارد. به عبارتی با افزایش تراکم جمعیتی در شهر، تعداد خرده فرهنگها افزایش می یابد. وقتی که این خرده فرهنگها - شامل خرده فرهنگهای قومیت، نژاد، زبان، تحصیل، حرفه و شغل و جز اینها - افزایش می یابند، به منظور دستیابی به منابع امکانات با یکدیگر رقابت می کنند و این رقابت تبدیل به تضاد و برخورد متناقض می گردد. بر طبق یکی از موارد پذیرفته شده جامعه شناسی، وقتی که تضاد و برخورد متناقض میان گروههای اجتماعی و خرده فرهنگها به وجود آید، همبستگی درون گروهی افزایش می یابد و تضاد میان گروهی بالا می رود. بر طبق این اصل، روابط اجتماعی میان اعضای خرده فرهنگ قرونی می گیرد ولی روابط اجتماعی میان خرده فرهنگها کاهش می یابد.

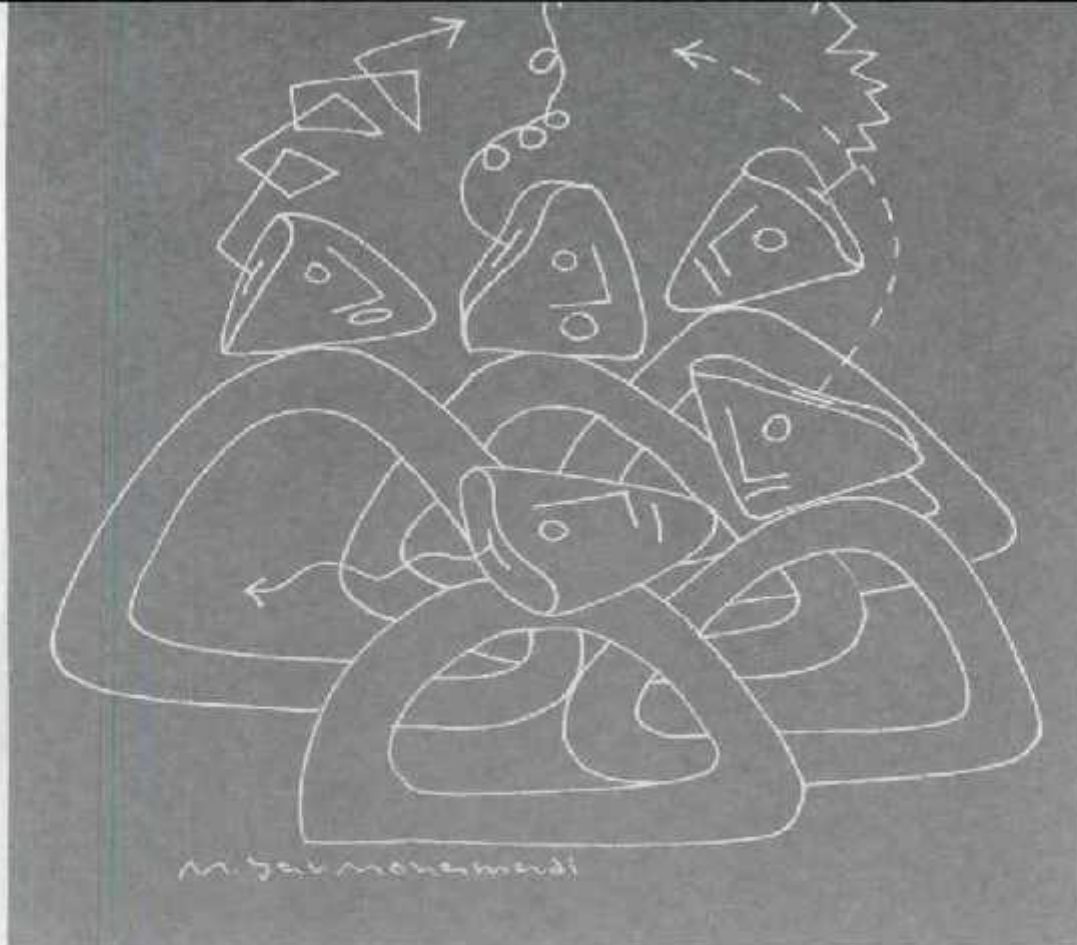
به اعتقاد فیشر، اکولوژیست ها کاهش روابط اجتماعی میان خرده فرهنگها را دیده و روابط درون خرده فرهنگها را ندیده اند. بنابراین روابط اجتماعی در شهر رو به تضعیف نیست بلکه این روابط در درون حلقه های صمیمانه و عاطفی خرده فرهنگها شکل گرفته است.

بر این اساس، انسانهایی که در شهر زندگی می کنند نیاز به

انسانهایی که در شهر زندگی می کنند نیاز به رابطه اجتماعی خود را بر آورده می سازند و این روابط در کانونها و تشکلهایی که بدین منظور در شهر شکل می گیرند - و بخشی از فضای کالبدی شهر را تشکیل می دهند - بر آورده می شوند

اصناف و جزاینها) تبلور و ظهور خود را در کالبد آشکار می سازند. اجزای و عناصر سرمایه داری جامعه شهری نیز به صورت عناصر ساخت افزاری نمایان می گردند.

اهمیت مباحثه و گفت و گو در زندگی اجتماعی بدان حد است که کانت در باره آن چنین استدلال می کند: «کاربرد عقل و خرد هر فرد در امور عمومی باید همواره آزاد باشد و تنها چنین کاربردی می تواند به گسترش روشنگری در میان مردم بینجامد». کانت بر این عقیده است که «بیماداری انجمنهای سری مانند فراماسونریها نتیجه محدودیت مباحثه عمومی است». بنابراین، به قول هابرماس، گفت و گوی خردمندان و به دور از سلطه در فضای عمومی، می تواند به تضارب آرا و زائنه سنتزی از گفت و گوها



از: دکتر مهران

و دیدگاهها منجر شود و این تشارب از نوعی وفای اجتماعی به دنبال خواهد داشت، و وفای اجتماعی خود موجب تکامل و پیشرفت جامعه می شود.

نتیجه گیری

انسانهای شهر نشین مانند انسانهای سایر سکونتگاهها نیاز به برقراری رابطه دارند با توجه به پیچیدگی زندگی شهری و محدودیت فضای خانواده برای برقراری رابطه اجتماعی، این نیاز در قالب گروهها، تشکلهای اصناف، انجمنها، احزاب، کلوپها و نظایر اینها برآورده می شود. برای برآورده ساختن این نیازها به فضاهای کالبدی خاصی نیاز است و این امر محدود به زمان حال نیست در یونان و روم باستان نیز فضاهای کالبدی عمومی به منظور مباحثه و گفتگو و گوی شهر و نسلان برای تصمیم گیری بیرون مسائل شهر، فراهم آمده بود.

اجازه تاسیس و شکل گیری گروهها، احزاب و تشکلهای فعالیت قانونی آنها، و همچنین تسهیل فراهم سازی فضاهای عمومی برای بحث و مناظره و گفتگو میان اعضای این تشکلهای از ویژگیهای بارز جوامع مدنی است. جوامع مدنی با اجازه فعالیت به گروههای سیاسی و غیر سیاسی در زیر پرچم قانون، هم میزان درگیری و اشتغال خود را کاهش می دهند و هم احتمال فعالیت زمزمه ای گروههای مخرب را کم می کنند و بدین وسیله بقای نظام اجتماعی را تداوم می بخشند بنابراین، با توجه به وجود خرده فرهنگها در فضاهای شهری (وفق دیدگاه فیشر) فراهم ساختن فضاهای عمومی شهری به منظور برآورده کردن نیاز رابطه اجتماعی و اجازه فعالیت به آنها در چارچوب قانون، از ویژگیهای جامعه دموکراتیک و مدنی است تا از توان این خرده فرهنگها برای اعتلای فرهنگ کل بهره گرفته شود.

با توجه به وجود خرده فرهنگها در فضاهای شهری (وفق دیدگاه فیشر)، فراهم ساختن فضاهای عمومی شهری به منظور برآورده کردن نیاز رابطه اجتماعی و اجازه فعالیت به آنها در چارچوب قانون، از ویژگیهای جامعه دموکراتیک و مدنی است تا از توان این خرده فرهنگها برای اعتلای فرهنگ کل بهره گرفته شود.

منابع

- ۱- هولاب، رابرت، یورگن جابر، آس، نقد خرده عمومی، ترجمه حسین بشیریه، نشر چاه، دوم، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲- انگری، شبنام، تحلیل جامعه شناسی روابط اجتماعی خانوارهای شهری، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳- سپهران، پروین، شهر شهری و نه مدنی، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۳، ۱۳۹، تهران، ۱۳۷۰.

وظایف شهرداریها در توسعه فضاهای عمومی

حسین صالحی

حقوقدان

جریان زندگی اجتماعی در شهرها تنها به رفع نیازمندیهای مادی شهروندان خلاصه نمی‌شود بلکه در کنار نیازمندیهای عمومی ساکنان برای رفع حوائج مادی، سایر نیازمندیهای غیر مادی و معنوی نیز که نوعی رفتار و عمل متقابل بین شهروندان را در بطن خود دارد، به گونه‌ای کاملاً تأثیر گذار در محیط هر شهر جلوه گر می‌شود.

با افزایش سطح رفاه اجتماعی و توسعه تأسیسات و تجهیزات شهری که عمدتاً رفع نیاز مادی یا فیزیکی مردم را مرتفع می‌سازد، توجه برنامه‌ریزان امور شهری و متولیان شهرها به فضاهای عمومی شهر، که در آن فضا علاوه بر رفع نیاز معین افراد، میدانگاهها و جایگاههای لازم برای تبادل دیدگاهها و اندیشه‌ها و افکار، تقابل رفتار و عمل و حتی به عرصه آوردن عواطف و احساسات انسانی و گفت‌وگوی آنان مشخص و معرفی گردد، معطوف شده است. به علاوه، پیش‌بینی فضاهای عمومی برای تعامل و ارتباط شهروندان با یکدیگر به طور غیر مستقیم در ایجاد فرهنگ استفاده از امکانات و تأسیسات عمومی شهری تأثیر بسزایی دارد و باعث انتظام و حسن اداره امور شهرها می‌شود.

در این مقاله، به لحاظ اهمیت موضوع، به اختصار اختیارات و تکالیف شهرداریها و سوراها‌های اسلامی شهرها در خصوص «تأمین زمینه‌ها و فضاهای عمومی برای تعامل طرفین شهروندان» مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

اختیارات شهرداریها

نکته بسیار مهمی که در این خصوص ذکر آن لازم به نظر می‌رسد، این است که با عنایت به قوانین و مقررات موجود اغلب موضوعاتی که در اینجا از آن بحث می‌شود در زمره تکالیف شهرداریها نیستند بلکه در حیطه اختیارات و اقتدارات شهرداریها قرار می‌گیرند. نقد این وضع در این مرحله، برای پرهیز از اطاله کلام به جای دیگر محول می‌شود. مهم‌ترین اختیارات و وظایف شهرداریها به منظور تأمین فضاهای عمومی برای تعامل شهروندان، مقوله‌های زیر را در برمی‌گیرد:

۱- معابر

احداث کوچه‌ها و خیابانها و میدانهای عمومی در هر شهر از مهم‌ترین وظایف قانونی شهرداریها شمرده می‌شود (بند یک ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۲۴ و ماده یک قانون نوسازی و

عمران شهری مصوب ۱۳۳۷). در معابر عمومی شهر اعم از کوچه‌های اصلی و فرعی، خیابانهای اصلی و فرعی و میدانهای عمومی کوچک و بزرگ علاوه بر آنکه نیاز «آمد و شده» عمومی مرتفع می‌گردد، شهروندان به صورتی کاملاً عادی و طبیعی با یکدیگر برخورد می‌کنند. در این میان تجریبات و آموختنی‌های گوناگونی در معابر شهر به دست می‌آید یا می‌آید می‌گردد. بازی کودکان در کوچه‌ها و خیابانها و معابر و رفت و آمد مردم در این مجاری می‌تواند سرآغاز اکتساب مفاهیم و تصورات جدید و گوناگون باشند. لذا از این حیث اوصاف مختلف معابر از قبیل فضاهای مربوط به توقفهای کوتاه مدت، مناظر و چشم‌اندازهای این فضاهای به لحاظ شکلی و نظم و ترتیب جاری در معابر و نظایر آنها اهمیت فراوان دارد. برنامه‌ریزی برای هر چه بهتر شدن وضعیت آنها نیز در زمره اختیارات شهرداریهاست.

۲- باغهای عمومی

احداث باغهای عمومی در شهرها علاوه بر آنکه یک نیاز کالی شهروندان به فضای سبز شهری و محل بازی و باغهای کودکان (بند ۲۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۲) یا تفریح جوانان و آرامش دیگر شهروندان را در بر دارد، می تواند متضمن نوعی تبادل رفتار و اندیشه نیز باشد. قطعاً کسانی که از فضای عمومی موجود در باغها و پارکهای عمومی هر شهر استفاده می کنند با «رفع نیازی مشترک» به صورتی کاملاً «عمومی و جمعی» آشنایی دارند. امکانات جانبی در پارکهای عمومی - از قبیل کتابخانه‌ها، فرهنگسراها و سالنهای اجتماعات و مانند اینها - نیز می تواند این تجربه را به طرز بی‌توسعه یافته‌تر تکمیل کند. احداث پارکهای عمومی، به موجب ماده یک قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۳۷، از مهم‌ترین واصل‌ترین وظایف شهرداریها تلقی می‌شود. تعیین کاربری «پارک عمومی» یا «باغ کودکان» در طرح جامع و با طرح تفصیلی هر شهر به عنوان مجرای قانونی پیش‌بینی تأمین این فضای عمومی امری مهم و تأثیر گذار است (بند ۳ ماده ۲ و تبصره یک ماده ۲ و ماده پنج قانون تأسیس شورای عالی

کتابخانه مجاز بود.

بر اساس تبصره ۳ ماده یک قانون مذکور، شهرداریها مکلف بودند مقدار مناسبی از اراضی خود را - به تقاضای انجمن کتابخانه - برای ساختمان کتابخانه عمومی با حفظ مالکیت بلاعوض در اختیار این انجمن بگذارند و در نفاصلی که شهرداری فاقد زمین باشد، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت می‌توانند با تصویب هیئت وزیران زمین و آبنیه مورد تقاضا را برای کتابخانه عمومی، به صورت بلاعوض واگذار کنند حتی انجمن کتابخانه می‌تواند با تصویب انجمن شهر، زمین در نفاصلی از شهرداری را با زمین مناسب‌تر تعویض کند. ساختن بنای کتابخانه عمومی در شهرهایی که دارای پارک شهر (باغهای عمومی و ملی) هستند، در خود پارک مجاز است؛ و اگر شهرداریها در پارک شهر ساختمان مناسبی داشته باشند باید به کتابخانه عمومی اختصاص دهند. در سال ۱۳۵۲، پرداخت مبلغ ۱/۵ درصد از شهر داریه‌ها به انجمن کتابخانه‌های عمومی لغو گردید و وزارت فرهنگ و هنر مسئول تأمین اعتبارات مورد نیاز کتابخانه‌ها شد. به رغم لغو قانون تأسیس کتابخانه عمومی در شهرها، شهرداریها وظایف قانونی روشن و

قوانین و مقررات احصاء شده، برای ایفای صحیح و مطلوب نقش فرهنگی و اجتماعی شهرداری‌ها، همواره کفایت لازم را نداشته است

معینی را در خصوص کتابخانه‌های عمومی عهده‌دار هستند و اجرای این وظایف می‌تواند زمینه‌ساز تأمین فضای عمومی هر شهر برای تبادل اندیشه و تعامل سازنده بین شهروندان، و نتیجتاً ارتقای سطح دانش و فرهنگ آنان گردد.

۴- فرهنگسراها

شهرداریها می‌توانند برای فعال کردن تلاشها و اقدامات جمعی فرهنگی و هنری در زمینه‌های گوناگون، مبادرت به ایجاد یا تأسیس سازمانی تحت عنوان «سازمان فرهنگی و هنری» کنند. تأسیس و تشکیل چنین سازمانی پس از پیش‌بینی مراتب در برنامه‌های سالیانه و اعتبارات، با توجه به مدلول بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۷۵، مستلزم تهیه اساسنامه و تصویب آن به وسیله شورای اسلامی شهر است و عملاً می‌بایست مفاد آن به تأیید وزارت کشور برسد؛ و غیر از ترتیبات مذکور تابع هیچ گونه تشریفات و مراحل شکلی دیگری نیست. تشکیل سازمان فرهنگی و هنری در شهرداری تهران، نمونه موفق از اعمال این اختیار شهرداری دانسته شده است.

شهرداری و معماری مصوب ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی آن، نیز با توجه به اینکه شهرداری در مرحله تصویب و تغییر طرح جامع و تفصیلی هر شهر حق اعلام نظر یا عضویت را داراست به نظر می‌رسد شهرداری می‌تواند به صورتی فعال در خصوص تأمین فضاها و پارکهای عمومی هر شهر اقدام کند.

۳- کتابخانه‌های عمومی

کتابخانه‌های عمومی در هر شهر، جزو عوامل پراهمیت برای کمک به ارتقاء فرهنگ و دانش عمومی شهروندان به شمار می‌آیند. ساختمان کتابخانه، فضاها و پیش‌بینی شده برای استفاده از کتب و تأسیسات جانبی هر کتابخانه، تجهیزات مکمل کتابخانه، و جز اینها در چگونگی و نوع استفاده شهروندان از این امکانات تأثیر مستقیم و بلاواسطه دارد. به موجب قانون تأسیس کتابخانه‌های عمومی در تمام شهرها، مصوب ۱۳۳۲، شهرداریها مکلف بودند هر سال قبل از تقسیم اعتبارات شهرداری ۱/۵ درصد از کل درآمد خود را برای تأسیس کتابخانه عمومی و فراتر از آن خرید کتاب و اداره کتابخانه هر شهر اختصاص دهند. اگر کتابخانه عمومی شهر موجود باشد و به انجمن کتابخانه عمومی واگذار گردد، صرف این ۱/۵ درصد برای کمک و توسعه و تکمیل همان

**با توجه به اینکه شهرداری در مرحله تصویب و تغییر طرح جامع و
تفصیلی هر شهر حق اعلام نظر یا عضویت را داراست به نظر
می‌رسد شهرداری می‌تواند به صورتی فعال در خصوص تأمین
فضاها و پارکهای عمومی هر شهر اقدام کند**

۵- سینماها

در قوانین و مقررات جاری و حاکم بر اداره امور شهرداری، احداث یا تأسیس سینما به طور مشخص و صریح پیش‌بینی نشده است لکن به نظر می‌رسد با توجه به اینکه شهردارها قانوناً اختیار پیش‌بینی و صرفه‌اعتبارات سالیانه خود را در بخش فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی دارند، می‌توانند از طریق تأسیس سازمان فرهنگی و هنری وابسته به شهرداری تمهیدات لازم را در این مورد ببینند. به دلیل فقدان نص صریح، که شهرداری را از تأسیس و راه‌اندازی سینما منع کرده باشد، به نظر می‌رسد شهرداریها می‌توانند نسبت به این امر در قالب تأسیسات و تشکیلات قانونی اقدام کنند.

۶- ورزشگاه‌ها

احداث ورزشگاه مطابق اصول فنی و هنری به موجب بند ۲۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ از وظایف شهرداریها شناخته شده است. طبیعی است احداث ورزشگاه بایستی در حدود اختیارات مصوب در سرفصل بودجه عمرانی سالیانه شهرداری پیش‌بینی گردد و با رعایت مقررات جاری به مرحله اجرا درآید.

۷- سازمانهای گردشگری

تأسیس سازمانهای گردشگری براساس ماده ۷ قانون توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی مصوب ۱۳۷۰، به وسیله نهادهای عمومی غیردولتی تجویز شده است. حال از آنجا که شهرداریها برحسب بند یک قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی (مصوب ۱۳۷۲) در زمره نهادهای عمومی غیردولتی قرار دارند، می‌توانند با رعایت مفاد بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب ۱۳۷۵) در خصوص تصویب اساسنامه شرکتها و سازمانهای وابسته توسط شورای اسلامی شهر و وزارت کشور، اقدام به تأسیس و تشکیل سازمان یا شرکت (شرکتهای موضوع قانون تجارت) با فعالیتهای ذی‌ربط، کنند. تأسیس چنین شرکتی در شهرداری تهران سابقه دارد و استفاده از تجربه این شهرداری برای سایر شهرداریها، مطلوب و موفقیت‌آمیز خواهد بود.

۸- شرکتهای تعاونی

شهرداریها می‌توانند به منظور توسعه فضاها و فرهنگی و اجتماعی و گسترش فعالیتهای جمعی و گروهی و مشارکت جدی برای اداره امور شهرها، به تأسیس شرکتهای تعاونی کمک کنند. نکته مهم در خور توجه آن است که مالکیت سرمایه در شرکتهای تعاونی نمی‌تواند متعلق به شهرداریها باشد، زیرا براساس ماده ۱۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۰) شهرداریها نمی‌توانند عضو شرکت تعاونی باشند و صرفاً می‌توانند از طریق انجام معاملات مشخص و یا عقود معین، اقدام به کمک در تأسیس شرکتهای تعاونی و یا افزایش سرمایه آنها کنند.

۹- سایر موارد

سایر زمینه‌هایی که شهرداریها در تأمین فضاها و عمومی مورد نیاز شهروندان می‌توانند به آن بپردازند، در ادامه مطلب ذکر می‌گردد.

نکته حائز اهمیت آن است که در این قبیل موارد نیاز مشخصی مرتفع نمی‌گردد بلکه علاوه بر آنکه به نیازمندی عمومی و معین در جای خود به طور مطلوب پاسخ داده می‌شود، به گونه‌ای زمینه تبادل تجربیات شهروندان و تعاون و همکاری و همگرایی جمعی نیز محقق و عملی می‌گردد.

به موجب بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ که در مقام بیان وظایف شهرداریها تدوین گردیده، وظایف مشروح ذیل در زمره وظایف هر شهرداری تلقی شده است:

- تشریک مساعی در تهیه وسایل ساختمان مدارس در حدود قوانین مربوط به آن.

- کمک در تأسیس مؤسسات فرهنگی و بهداشتی و تعاونی از قبیل:

- نگاه حمایت مادران
- نوانخانه و پرورشگاه
- درمانگاه
- بیمارستان
- شیرخوارگاه
- بیمارستان
- کتابخانه (که در این نوشته به طور مستقل مورد بررسی قرار

گرفت)

- کلاسهای مبارزه با بی‌سوادی
- کودکستان
- باغ کودکان
- موارد دیگر از قبیل موزه‌ها، خانه‌های فرهنگی، زندانها و جز اینها

• مساعدت مالی به انجمن تربیت بدنی (در زمان حاضر، سازمان تربیت بدنی)

• مساعدت مالی به انجمن پیشاهنگی (در زمان حاضر، سازمان دانش آموزی)

• کمک به انجمنهای خانه و مدرسه (در زمان حاضر، انجمن اولیاء و مربیان)

• کمک به اردوی کنار (در زمان حاضر، سازمان فنی و حرفه‌ای)

نکته مهم آن است که تمامی موارد مذکور در بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴، اصطلاحاً به لحاظ حقوقی جنبه حصری ندارد بلکه جنبه تمثیلی دارد و تشخیص مثالها و نمونه‌های مربوطه، با رعایت مقررات، بر عهده شهرداری است.

شهرداری در موارد ذکر شده می تواند با تصویب انجمن شهر (در زمان حاضر، شورای اسلامی شهر) اراضی و ابنیه متعلق به خود را با حفظ مالکیت شهرداری به رایگان و یا با شرایط معین به منظور احداث ساختمان یا استفاده، در اختیار این گونه مؤسسات قرار دهد. نکته مهم در خصوص اعمال هر یک از کمکهای مذکور و نیز امر واگذاری اراضی و ابنیه (به رایگان یا با شرایط معین) آن است که کمک مورد نظر و امر واگذاری باید سرانجام از مجرای اعتبارات پیش بینی شده و یا برنامه سالانه شهرداری عملی گردد و نخطی از این امر قانوناً تخلف شمرده می شود.



به موجب قانون تأسیس کتابخانه های عمومی در تمام شهرها، مصوب ۱۳۴۴، شهرداریها مکلف بودند هر سال قبل از تقسیم اعتبارات شهرداری ۱/۵ درصد از کل درآمد خود را برای تأسیس کتابخانه عمومی و قرآنتخانه و خرید کتاب و اداره کتابخانه هر شهر اختصاص دهند و اگر کتابخانه عمومی شهر موجود باشد، به انجمن کتابخانه عمومی واگذار گردد، صرف این ۱/۵ درصد برای کمک و توسعه و تکمیل همان کتابخانه مجاز بود

تصویب انجمن شهر یا شورای اسلامی شهر موکول شده است، لازم است مواردی که به هر صورت بایستی موضوعات مورد عمل شهرداریها در این زمینه به تأیید شورا برسد، به شرح ذیل مورد اشاره قرار گیرد:

۱- احداث معابر و کوچه ها و خیابانها از طریق موافقت با پیش بینی های به عمل آمده در بودجه سالیانه شهرداری و تصویب اعتبارات مورد نیاز.

۲- احداث باغها و پارکهای عمومی از طریق تصویب اعتبارات پیش بینی شده در بودجه سالیانه شهرداری و نیز تأیید گذاری در مراحل تصویب طرح جامع شهر در شورای عالی شهرسازی و معماری کشور، و همچنین تصویب نقشه های تفصیلی و تغییرات آنها موضوع ماده یک و پنج قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری مصوب ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی آن.

۳- کمک به شهرداری در امر تأسیس کتابخانه های عمومی در شهرها مطابق مقررات.

۴- تصویب اساستنامه سازمان فرهنگی و هنری وابسته به شهرداری به منظور احداث فرهنگسراها و مجموعه های فرهنگی و سینما و مانند اینها.

۵- تصویب اساستنامه سازمان یا شرکت وابسته به شهرداری که در زمینه امور گردشگری، سیاحتی، زیارتی، ایرانگردی و جهانگردی فعالیت دارند، در حدود مقررات مربوط.

۶- کمک به تأسیس شرکت های تعاونی برای رفع نیازمندیهای عمومی با رعایت مقررات موضوع بند ۷ ماده ۷۱، قانون تشکیلات و وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵.

۷- موافقت با واگذاری اراضی و ابنیه با شرایط معین - یا به رایگان - به منظور اعمال و اجرای بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۴ به وسیله شهرداری، که بسیار حائز اهمیت است. همچنین موافقت با احداث خانه های ارزان قیمت با هماهنگی دستگاه های ذی ربط برای اشخاص بی بضاعت و احداث ورزشگاه و کمک به حفظ مساجد و ابنیه باستانی و فرهنگی و نظایر اینها در قالب بودجه و اعتبارات تصویبی.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد چنین استنباط می گردد که:

اولاً، قانونگذار حدود ۳۵ سال پیش تصویب قانونی مورد نیاز را برای تأمین فضاهای عمومی، که در آن شهر و نلدان علاوه بر رفع نیازی معین به تعامل و گفت و گو و برقراری ارتباط سالم و انسانی پردازند، پیش بینی کرده است. شهرداریها در گذشته برای تأمین چنین تأسیساتی در حوزه عمل خود با کمترین موانع مواجه بوده اند. ثانیاً، همین قوانین و مقررات احصاء شده برای ابقای صحیح و مطلوب نقش فرهنگی و اجتماعی شهرتاریها، همواره کفایت لازم را داشته است.

ثالثاً، شهرداریها پس از انجام عملیات و تلاشهایی که در چارچوب قوانین جاری مجاز شمرده شده است، با توسعه و گسترش فعالیت های اجتماعی و فرهنگی خود در صورت لزوم می توانست زمینه رفع خلأهای قانونی احتمالی را از طریق شوراها و وزارت کشور تعقیب و پی گیری کنند.

بر اساس بند ۲۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۴۴)، احداث خانه های ارزان قیمت برای اشخاص بی بضاعت ساکن شهر از تکالیف شهرداریها شناخته شده است. همچنین تشریک مساعی در حفظ ابنیه و آثار باستانی شهر و ساختمانهای عمومی و مساجد و مانند اینها نیز از تکالیف شهرداریها دانسته شده است (بند ۲۲ ماده مذکور).

اختیارات شوراهای اسلامی شهر

پس از ذکر اختیارات و اقتدارات شهرداریها در مواردی که متولی تأمین فضاهای عمومی (فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و جز اینها) هستند و محصولی تحت عنوان «تعامل و ارتباط دوسویه شهر و نلدان یا یکدیگر» را به لرغمان می آورند، با عنایت به اینکه اجرای این اختیارات یا تکالیف بعضاً به موجب قانون به تأیید و

تعامل، ضرورت زمانه

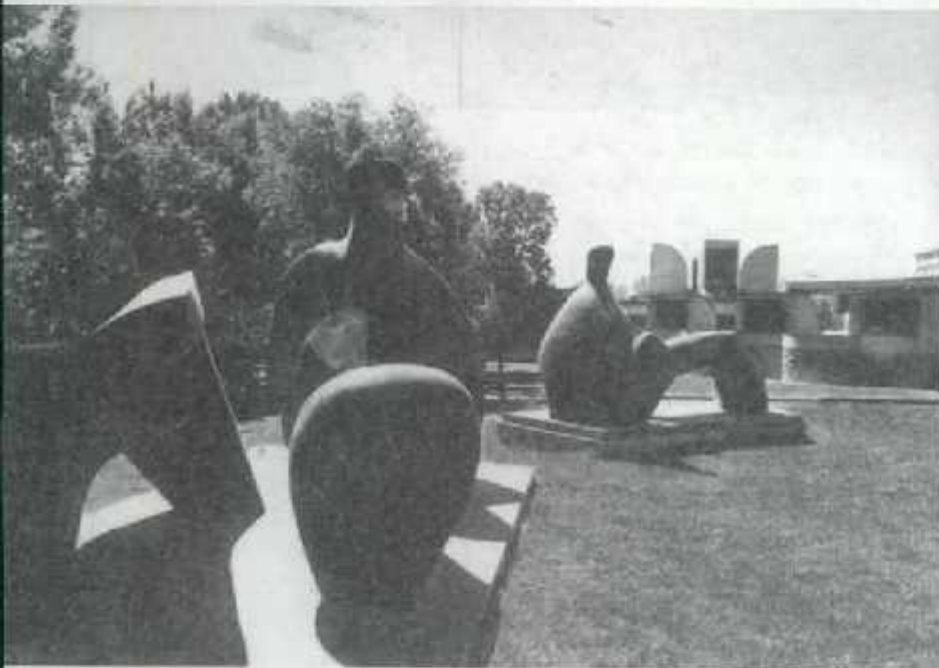
در حوزه معاونت اجتماعی منطقه «۶» شهرداری تهران هیچ چیز همچون پدیده‌های متداول اداری شکل نمی‌گیرد و در ساختمان ۴ اشکوب آن، حضور شهروندان و گفت‌وگو میان آنها، خاطره تلخ و همیشگی بوروکراسی را پس می‌زند.

در سرسرای مرکزی طبقه نخست، همواره نمایشگاه نقاشی برپاست و از اتاقی در ضلع دیگر این سرسرا، صدای سه تار و آموزش استاد در فضا موج می‌زند. آن سوتر در چار دیواری دیگر، آموزش اینترنت برقرار است و آموختن چگونه پیوستن به این حرکت عظیم جهانی. در طبقات فوقانی تشکلهای پر جنب و جوش محلی همواره در رفت و آمد هستند و مشاوران جوان مدیریت منطقه «۶» در اندیشه که در نشست رسمی فردا، اولویتها چگونه مطرح خواهد شد؟

در پایان وقت اداری، لطیف روحانی را در دفتر کنارش می‌یابیم، کماکان در حال صحبت و گپ و مشاوره با ارباب رجوع و همکاران افتخاری - که گویی هرگز قرار نیست پیرامون میز کار او را خلوت کنند. لطیف روحانی توانسته است دهها پروژه فرهنگی - اجتماعی را به دست ساکنان محله‌ها به انجام برساند و سایت کامپیوتری معاونت را با اقتدار به گروهی از جوانان بسپارد. اگر جز این بود، هزینه‌های راه‌اندازی و نگهداری آن، بسیار بیش از آنچه بود که اکنون هست.

گفت‌وگو با لطیف روحانی - معاون اجتماعی منطقه «۶» شهرداری تهران

نازیلا مرادی

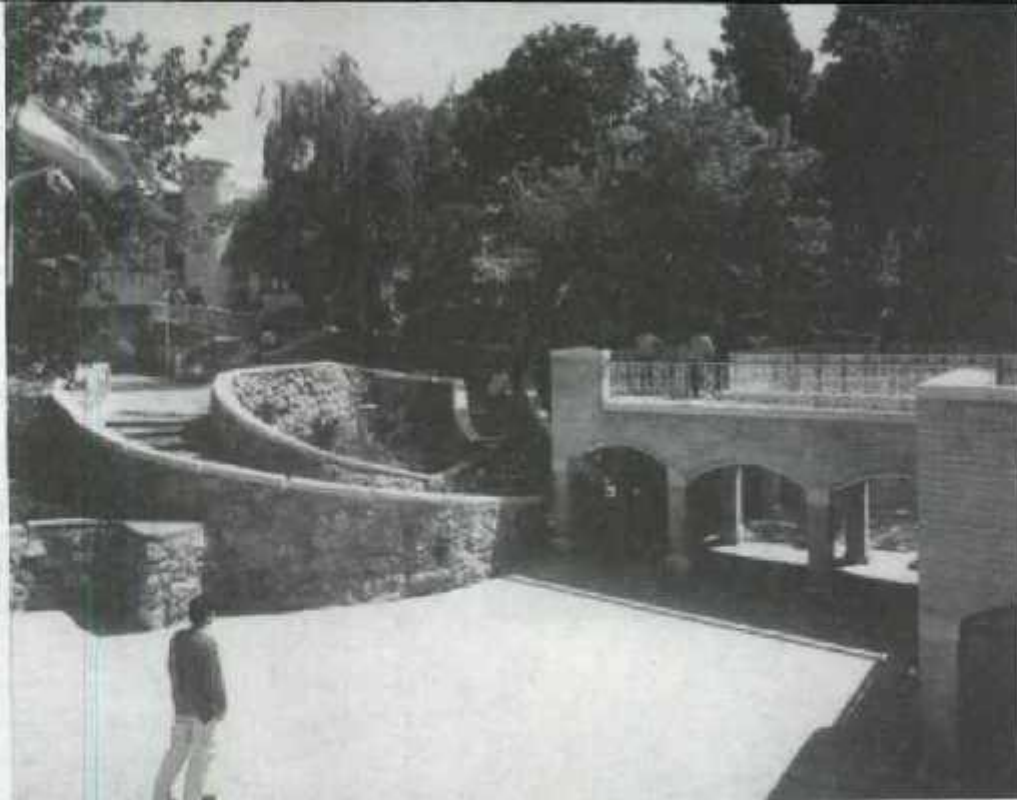


○ به گمان من شهر موجودی زنده است. مثل یک انسان متولد می‌شود، رشد می‌کند، فراز و نشیب دارد و به کهنوت می‌رسد؛ در چالش قرار می‌گیرد و به مخاطره می‌افتد. به نظر من شهر را باید ترکیبی از سه عنصر دانست: خود شهر، شهرداری و شهروند. متأسفانه در مجموعه نظام مدیریتی ما معمولاً فقط به دو عنصر شهر و شهرداری توجه می‌شود. از این منظر شهر مجموعه‌ای از خشت و گل و گل است. دو این نگاه سخت‌افزاری شاه بیت این نژد، که همان شهروند است. از دیده پنهان مانده است. به هر حال در هزاره سوم که هزاره انسانی تری است، باید زبان حاکم بر روابط بین شهرداری، شهروند و شهر به کلی عوض شود. به عبارت دیگر زمان آن فرا رسیده است که رابطه و نگاه شهروند به شهرداری دگرگون شود، و شهروند در مجموعه مدیریت شهری بازی داده شود. تعامل میان شهروندان تنها در صورتی به وجود می‌آید که احساس تعلق و حرمت به شهر در شهروند ایجاد گردد. در جامعه ما بحرق به کوچه و محله وجود ندارد. کارهای بره‌زبه و کم بازده نیز

● شما همواره در حوزه فعالیتهای نان دغدغه مشارکت و تعامل میان شهروندان را از بیاد تیر ده‌اید. به هر حال شهرهای ما نیز چندان ظرفیت و پتانسیل ایجاد ارتباط و تعاضلات اجتماعی را ندارند. به نظر شما چگونه می‌توان میان شهروندان، که از گروههای مختلف سنی و جنسی تشکیل شده‌اند، این ارتباط را به وجود آورد؟

○ امروزه در عصر انقلاب سوم، خانواده‌ها مانند گذشته به شکل هسته‌ای خود بازگشته‌اند. تردهای اضافی سیر نزولی پیدا کرده‌است. انسانها از طریق اینترنت با هم ارتباط برقرار می‌کنند و گفت‌وگو میان شهروندان به شدت کاهش یافته است. بنابراین ابتدا باید بینیم چگونه این اتفاق موجب می‌شود که گفت‌وگو و تعامل اجتماعی در شهرها شکل بگیرد، و نقش شهرداریها با توجه به وضعیت کنونی چیست؟

● بسیار خوب، بنابراین باید پرسید که چرا امروزه گفت‌وگو در شهرها اتفاق نمی‌افتد؟



دانشناخته‌هاست و کار تبلیغی است و بیلان کارها مسکوت است، چگونه می‌توان این احساس مالکیت را در شهروند به وجود آورد؟ گفت‌مان از کجا آغاز می‌شود؟ باید با میراث این سابقه تاریخی که چیزی جز فرهنگ سکوت نیست، روبرو شد، اگر مرزهای این حاشیه نشینی شکسته شود، سیستم مدیریتی ما گام مهمی برداشته است. برای تحقق این مسئله ابتدا باید شهروندان را پرورش داد. منظور از پرورش شهروندان، توانمندسازی، تفویض اختیار و بالابردن ظرفیت در آنهاست. مثلاً تنها ساختن پارک مهم نیست، بلکه خلق فضاهای ویژه تعامل مثل خانه یا پارک گفت‌وگو، آنچه را که مدنظر ماست عملی می‌سازد، شهرداری زمانی در سیستم اداره شهر موفق خواهد بود که فکر کند در هر خانه یک شورای شهر وجود دارد. شهرداری برای اداره شهر به تعاون بزرگ انسانی نیاز دارد. این تعاون بزرگ انسانی همان گفت‌وگوهایی است که شما از آن سخن می‌گویید. تعاونی که با فرمول کار کم هزینه و پربازده بر سیستم اداره شهرها سایه می‌اندازد.

● **لطفاً در باره چگونه شکل گیری چنین بستری بیشتر صحبت کنید.**

○ برای اینکه بستر تعاملات، گفت‌وگو و مشارکت شهروندان ایجاد گردد باید نگاه آینده‌نگر داشت. در یک نگاه متفعل نمی‌توان آینده را ترسیم کرد و ساخت. متأسفانه این نگاه در زندگی شهری ما وجود ندارد. برای این بسترسازی باید سختی را تحمل کرد. اگر نگاه به آینده وجود نداشته باشد، امکان دارد در پارکی که ما برای تعامل و گفت‌وگو ایجاد کردیم، اتفاقی غیر از این حادثه شود.

یک لایه بسترسازی، در سطح نظام و مدیران ارشد ریشه می‌جویند. بنابه قولی «اگر به من نشان بدهید، من می‌بینم. اگر تجربه کنید، یاد می‌گیرم». ما به دنبال این قدم آخر هستیم. در بحث مدیریت شهری یادگیری در واقع کنش متقابل میان شهروند و مدیران شهری است. کارکرد شورای شهر و شهرداری کارکردی انسانی و اجتماعی است. بنابراین نگاه به این مقوله نیز باید نگاهی نومی‌انزوی و اجتماعی باشد. احترام به شهروند و دادن حق انتخاب به او، می‌تواند حتی تا جایی پیش برود که ما از کودکان و نوجوانان مان در باره فضای بازی و جنس اسباب‌بازها در پارک

این احساس تعلق را ایجاد نکرده است. در مجموعه مدیران شهری ما نیز همواره انتخابها به گونه‌ای است که به نگاه اجتماعی فرد به عنوان مدیر و مسئول شهر چندان اهمیتی داده نمی‌شود. به همین دلیل است که مدیریت شهری در کشور ما به شهروند نگاه نمی‌کند. شاید در سوب حکومت شاهنشاهی در نهادهای خانواده مدیریت و آموزش چنین چیزی را ایجاد می‌کند. چرا که هنوز هم در بحث مشارکت، شهروند تنها حکم نوعی تماشاگر را دارد و بحث تفویض مسئولیت به شهروند و تصمیم‌سازی از پایین به بالا در جامعه شهری، ما شکل نگرفته است. توده جامعه شهری ما در زمان حاضر توده بی‌شکلی است. ما زمانی می‌توانیم بحث، گفت‌وگو و هم‌دلی را مطرح کنیم که به فرهنگی منسجم دست یابیم. و از این توده بی‌شکل خارج شویم. در این صورت گفت‌وگو و تعامل نیز راه خود را باز می‌کند. سایه گفت‌وگو در کشور ما کم رنگ بوده است. ولی به هر حال بیش نیاز گفت‌وگوی تمدن‌ها، همانا گفت‌وگوی محلی است.

● **در نشستی که چندین بار پیش در مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها انجام شد (نتایج آن در این شماره ماهنامه شهرداریها چاپ شده است)، بحث سابقه تاریخی گفت‌وگو مطرح شد. یکی از مسائل مطرح شده این بود که تأثیر حکومت‌های جابر از یک سو و حکومت‌های غاصب از سوی دیگر بر حیات اجتماعی ما، همواره پررنگ بوده است. ولی در زمان حاضر بحث ما بر سر این است که با علم به این پیشینه تاریخی، در بستر اجتماعی موجود چه باید کرد؟ به هر حال اکنون این نیاز در شهرهای ما ایجاد شده است؛ نیاز به اینکه نسل جدید در فضایی عمومی دور هم جمع شوند و با هم تعامل و ارتباط داشته باشند. اگر اکنون به این نیاز پاسخ داده نشود و با این مسئله روبرو نشویم در واقع باز همان سنت گذشته را ادامه می‌دهیم.**

○ ببینید گوش دادن به سخن دیگران، هنوز در لایه‌های مختلف سیستم مدیریتی کشور ما شکل نگرفته است. پدید آوردن احساس مالکیت در گفت‌مان شهری حق هر شهروند است. انسان دشمن ناشناخته‌هاست. وقتی سیستم مدیریت ما سرشار از

نظر خواهی کنیم. در جوامع پیشرفته پیش از اجرای یک پروژه عمرانی حداقل تا شعاع پانصد متر از محل پروژه، از تمامی ساکنان محله نظر خواهی می شود. مدیریت شهری ما باید به چنین دیدگاهی دست پیدا کند.

● **آقای روحانی، فرض دیگری که در روند شکل گیری تعاملات اجتماعی مطرح می شود بحث تجهیز و غنی سازی فضاهای شهری است. به نظر می رسد که در زمان حاضر پارکهای ما امکانات ابتدایی را هم برای ایجاد گفتوگو در خود ندارند. این امر می تواند حتی با راه‌های ساده‌ای مثل نحوه چیدمان نیمکتها در روبروی هم، اتفاق بیفتد. منظره متداول مادر پارکها، افراد مسنی هستند که دور هم جمع می شوند اما فضای لازم را برای گفتوگو ندارند. نظر شما درباره تجهیز فضاهای شهری چیست؟**

○ سلیمان پارکها را می شود تغییر داد، ولی تنها تجهیز پارکها برای ایجاد تعامل کافی نیست. واقعیت این است که پارکها دیگر جوابگوی فضا و زندگی شهری ما نیستند. مسئله مهم سمت و سوی نگاه مدیریت شهری به شهروند به عنوان انسان است. ما به

فرهنگی و اجتماعی شهروند باید، توانسته‌ایم یادگیری مشارکتی را ایجاد کنیم. یا اینکه تنها عدلهای تماشاجی در نظر گرفته‌ایم و برای آنها نمایش اجرا کردیم؟ به هر حال این گونه برنامه‌ها ناگزیر باید به سمتی برود که ضمن در نظر گرفتن گروههای سنی مختلف، گفتوگو و مشارکت آنان را جلب کند.

در این نوع برنامه‌ها باید محتوای داخل برنامه با محتوای مورد نیاز مخاطب گره بخورد. در این صورت ارتباط مناسبی میان آنچه که روی صحنه رخ می دهد و روبروی صحنه که مخاطبان ما هستند، ایجاد می شود. در کشور ما تنوع فصل و رنگ و قرار گرفتن گوشه‌های ادبیات، لباسها و آداب مختلف در کنار یکدیگر حاکی از این است که گفتوگو در این سوزمین جریان دارد. برگزاری همایشها، نمایشگاه‌های کتاب، نشستهای مربوط به فضای سبز، آموزش گلپهای خانگی و جشنواره‌هایی که به مناسبتهای مختلف برگزار می شود، فضای مناسبی برای گفتگو و شهرت‌انداز ایجاد می کند - البته به شرطی که روی صحنه این برنامه‌ها شهروند هم باشد. نکته مهم دیگر بحث آموزش است. از این نگاه در آینده شهرداری یکی از نهادها بسیار اساسی خواهد بود که در مسائل شهری نقشی بسزا و بیشتر از پیش خواهد داشت.

● **فکر می کنم شما در این زمینه طرح خاصی هم ارائه دادید. آیا شما اقدامی در جهت ایجاد تعامل میان صنفهای مختلف در منطقه «۶» انجام داده‌اید؟**

○ ما برنامه‌های برای گروههایی صنفهای مختلف در منطقه «۶» داشته‌ایم. هر یک از صنوف مختلف ادبیات خاص خودشان را دارند. با برگزاری جشنهای کلاسیک برای آنها و آموزشهای ضمن برنامه می توان کم کم صنفهای مختلف را در برنامه‌ها در کنار یکدیگر قرار داد. به تدریج این هویتها جداگانه احساس می کنند که به یکدیگر نیاز دارند و در نتیجه تعامل میان آنان شکل می گیرد. قطعاً پس از مدتی احساس تعلق نسبت به شهر از جلوی در مغازه آنها شروع خواهد شد. همان طور که قبلاً اشاره کردم، در تمامی این برنامه‌ها نگاه به آینده باید جریان داشته باشد. امروز هر برنامه‌ای که آینده‌نگر نباشد، بروی دیگ تغییرات و تحولات هزاره سوم متلاشی می شود. در دنیایی که انسان با گشتی یکروزه در پشت کامپیوتر می تواند دنیا را سیر کند، اوقات فراغت جوانان و برنامه‌هایی که برای این مسئله مورد نظر قرار می گیرند، اهمیت خود را باز می یابد. در این دنیای تحولات شتابان دیگر اوقات فراغت نوعی چاله نیست بلکه چالشی است که برنامه‌های جدی تر و عمیق تری را به سوی خود می خواند.

● **در طرح پیشنهادی شما، موسوم به پیمانکاران جوان و وامهای کوچک، برای نخستین بار بحث واگذاری خدمات و پروژه‌های خدمات شهری و اجتماعی و فرهنگی به تشکلهای غیردولتی جوانان در هر محله مطرح شد. صرف نظر از پارک طبیعه که به همین شکل در زمان فعالیت شما در منطقه «۱» ایجاد شد، پروژه‌های دیگری همچون جمع آوری حیوانات مودی، پلاک بندی معابر و ایجاد و نگهداری فضای سبز در منطقه «۶» به جوانان سپرده شد. لطفاً از تجربه‌های عملی منطقه «۶» شهرداری در این زمینه صحبت بفرمایید.**

○ آنچه که می گویم گزارش کار منطقه «۶» نیست بلکه واقعاً شرح کاری است که مردم و ساکنان این منطقه انجام دادند. پروژه مهار حیوانات مودی را یک گروه ۴۰ نفره دانشجویی انجام داد. از آنجا که بسیاری از اعضای این گروه از دانشجویان

دیگر زمان آن فرار سپیده است که رابطه و نگاه شهروند به شهرداری دگرگون شود، و شهروند در مجموعه مدیریت شهری بازی داده شود، تعامل میان شهروندان تنها در صورتی به وجود می آید که احساس تعلق و حرمت به شهر در شهروند ایجاد گردد

بیل نگاه می کنیم اما به شهروندی که باید از روی پل عبور کند نگاه نمی کنیم. باید «مشارکت مردم» را از این مظلومیت در آورد.

● تصور می کنم منظور شما این است که وقتی فرهنگ گفتوگو وجود ندارد، مطرح تمدن کالبدی که گفتوگو در آن اتفاق بیفتد بیهوده است. در اینجا به نوعی بحث فرهنگ سازی و کار اجتماعی - فرهنگی نیز مطرح می شود. اگر ما کار فرهنگی - اجتماعی را فقط سخنرانی و جشن و جشنواره یا جنگ تسادی تعریف کنیم، شهروند فقط تصاساگسی است که بر تاسه‌ای را در قالبی خاص تماشا می کند. تحلیل شما از برنامه‌هایی که محور آن مشارکت شهروندان باشد چیست؟

○ قدریکو مایور می گوید: اگر من به عنوان شهروند در حیات جامعه مشارکت نداشته باشم، وجود ندارم. آیا ما در برنامه‌های

زیست‌شناسی و محیط‌زیست بودند، بسیاری از اشتباه‌ها و انحرافات در پروژه از همان ابتدا تشخیص داده شد. به عنوان مثال، تیم دانشجویی بسیار مراقب بود که سم در نقاط خیس ریخته نشود، استدلال آنها این بود که سم روان خواهد شد و به لحاظ اکولوژیکی مشکلاتی ایجاد خواهد کرد، بنابراین گروه مذکور با موفقیت این طرح را به انجام رسانید - طرحی که بسیار کم هزینه و پسر بارده بود. از دیگر طرح‌هایی که برای شهرداری هزینه‌ناجیزی در برداشت، بلاک‌شدی معابر و حیاط‌های منطقه «۶» به دست جوانان محله‌ها بود. در زمان حاضر نیز از جوانان خواستیم که زمین‌های بایر موجود در منطقه «۶» را شناسایی کنند و طرح‌های خود را در باره کاربری این زمین‌ها ارائه دهند. دامنه تعویض این

شهرداری برای اداره شهر به تعاون بزرگ انسانی نیاز دارد. این تعاون بزرگ انسانی همان گفت‌وگو‌هایی است که شما از آن سخن می‌گویید: تعاونی که با فرمول کار کم هزینه و پربازده بر سیستم اداره شهرها سایه می‌اندازد

در کشور ما تنوع فصل و رنگ و قرار گرفتن گویشها، ادبیات، لباسها و آداب مختلف در کنار یکدیگر حاکی از آن است که گفت‌وگو در این سرزمین جریان دارد

پروژه‌ها به جوانان بسیار گسترده است. بسیاری از نشست‌ها، جشن‌ها حتی انتشارات و نشریات مختلف شهرداری، به دست همین جوانان محقق می‌یابد. ما واگذاری پروژه‌هایی از این دست را به جوانان در منطقه «۶» بارها تجربه کرده‌ایم.

● یکی از مواردی که در حوزه معاونت اجتماعی شهرداری منطقه «۶» کاملاً نمود دارد، حضور پررنگ و فعال NGO های مختلف است. شما نقش و فعالیت NGO ها را در ایجاد تعامل اجتماعی چقدر مؤثر می‌دانید؟

○ NGO ها و حتی INGO ها (سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی) بازیگران جدیدی در عرصه جامعه هستند. این تشکیلات در جوامع متمسک، حلقه جدیدی هستند که بخش خصوصی و دولتی را به هم متصل می‌کنند. NGO کاتالی غیررسمی است که درون چرخه همکاری‌های جهانی به وجود می‌آید و کاتال‌های غیررسمی دیگر را برای حمایت از پروژه‌های اجتماعی در سطح محلی و خرد بسیج می‌کند. NGO های کوچک‌تر برای فعالیتهای عمیق محلی بسیار مطلوب هستند، چرا که با ایفای نقش واسطه در موضوعات و مسائل داخلی و ارتباط آفرینی بین دولت با مردم و

مردم با مردم، آزادانه مانور می‌دهند. اگر بپذیریم که NGO ها بازیگران جدید عصر زندگی اجتماعی هستند، پس بر مدیران شهری لازم است تا ضمن حمایت از آنها، بستر لازم را برای توسعه آنها فراهم سازند. تشکیلاتی مختلف محلی که با شهرداری منطقه «۶» همکاری می‌کنند، به عنوان نمایندگان اقشار مختلف مردم، رابطه مناسبی با مجلس شورای اسلامی و شورای شهر برقرار کرده‌اند.

● ایجاد هویت محلی و شهروندی مفهومی است که در مدیریت محلی تبلور می‌یابد و واژه‌ای است که در بطن آن تمرکززدایی، خودگردانی، مشارکت و مشروعیت محلی و خوداتکایی جریان دارد. به نظر شما چرا برخی از مدیران ما هنوز هم به محلی‌گرایی اعتقاد چندانی ندارند؟

○ در حوزه فرهنگی و اجتماعی، نگرش مدیران ما به نسل جوان دارای دو ضعف عمده دیدگاهی است. وظیفه این است که نگذاریم این کاستیها به نسل جوان ما نیز منتقل شود. حریم نگاه مدیران ما تنها حوزه اقتدار خودشان است. من از این کاستیها به عنوان ضعف افق زمانی و مکانی یاد می‌کنم. ضعف افق مکانی یعنی اینکه حساسیت ما نسبت به مسائل جهانی فراتر از محله، شهر و کشورمان نیست؛ و هر چه هست، متمرکز و محدود به درون خانه و اداره و جامعه است. اما ضعف افق زمانی به این مفهوم است که در تحلیل و روند حرکت‌هایمان، افق‌های دور آینده و چشم‌اندازهای زندگی اجتماعی و شهری را لحاظ نمی‌کنیم و به آینده و تحولاتی که پیش‌روست توجهی نداریم. این در حالی است که در جهان جدید، منسوخ شدن اطلاعات و مهارت‌ها بیشترین درصد را به خود اختصاص می‌دهد. با این اوصاف ایجاد قضا و حکمی مناسب برای انتقال تجربه و آموزش آینده و گسترش حوزه چشم‌انداز برای جوانان، ضرورتی انکارناپذیر است. تنها در صورتی مفهوم مشارکت تحقق می‌یابد که به واقع کارها و برنامه‌هایی را به شهروندان بسپاریم. البته مشارکت آفات و هزینه‌هایی دارد که لاچارم باید پرداخت. باران که نعمتی الهی است، در صورت عدم کانال‌کشی، به سیل تبدیل می‌شود و ویرانی به جانی گذارد. در جناحه سا ضرب گفت‌وگو و مشارکت بالاست. اگر مسیرها و بسترهای مناسب را ایجاد نکنیم، تبدیل به همان سیلی می‌شود که همه چیز را به هم می‌ریزد.

● آقای روحانی، در اکثر نشست‌های اداری و رسمی شهرداری منطقه «۶» معمولاً همیشه گروه جوانی در جلسات حضور دارند و بعضاً وارد بحث و گفت‌وگو هم می‌شوند. این گروه که معاونت اجتماعی منطقه «۶» نام «شورای مشاوران جوان» را بران گذاشته است، به طور دقیق چه کارکردی دارد؟

○ گروه مشاوران جوان عبارت است از ۸ تن از دختران و پسران جوان که از گروه سنی ۱۵ تا ۲۶ سال انتخاب شده‌اند. ساماندهی کلیه پروژه‌های مشارکت محلی را همین گروه انجام می‌دهند. گروه «مشاوران جوان» مفهوم بازی دادن شهروندان در عرصه مدیریت شهری است. اعضای این گروه با مشاوره دادن به شهردار، شرکت در ملاقات‌های عمومی و رسمی، و دعوت از مقامات دولتی و رسمی، در واقع نخستین تجربه‌های مشارکت محلی را تجربه می‌کنند. ما امیدواریم با این حرکتها، نخستین گامها را به سوی توسعه فرهنگ گفت‌وگو و تعامل برداریم.

چهل تکه و یکپارچه

مرجان نکالی

گفت و گو با محسن مرادی - شهردار محمد شهر

به محمدشهر سفر کردیم. از زمان شهر شدن محمدشهر بیش از ۵ سال نمی گذرد. تا پیش از آن براساس تقسیمات کشوری روستای محمدآباد، مرکز دهستان محمدآباد تابع شهرستان کرج در استان تهران بود که در سال ۱۳۷۵ به شهر تبدیل شد و «محمدشهر» نام گرفت.

بر مبنای سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵ جمعیت این شهر در این سال به حدود ۶۶ هزار نفر رسید و در زمان حاضر رشد جمعیت منطقه ۵/۲۷ درصد (تقریباً دو برابر استان تهران) است. این جمعیت در ۱۱ کانون جمعیتی جدا از هم مستقر شده‌اند. ریشه تشکیل تعدادی از این مراکز جمعیتی به پیش از یکصد سال می‌رسد و هسته آنها باغهای اربابی است که در کنار نهرها، قنات‌ها و چشمه‌ها استقرار داشته‌اند. اراضی این روستاها تا پیش از اصلاحات به حاکمان بزرگ تعلق داشته است و پس از آن، کشاورزان و اهالی روستا آنها را تقسیم کرده و به مهاجران و افراد غیربومی فروخته‌اند. در زمان حاضر ساکنان بومی بین ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت محمدشهر را تشکیل می‌دهند و بقیه مهاجران از آذربایجان، بیجار، تویسرکان، نیشابور، یزد، اصفهان، قزوین - و در سالهای اخیر - از کرج و تهران در نقاط جمعیتی محمدشهر اسکان یافته‌اند؛ و به تبع آن محله‌هایی مانند محله اصفهانیه‌ها، یزدیه‌ها، بختیاریه‌ها و جز اینها در شهر شکل گرفته است.



محمد شهر را برگزیدیم، چون نمونه‌ای است از بی‌شمار شهرهایی که در حاشیه شهرهای بزرگ شکل گرفته‌اند و بیش از ۹۰ درصد ساکنان آن مهاجرند. محمدشهر را برگزیدیم، چون نمونه‌ای است از شهرهایی که مدیران شهری آن در حرکت از مهاجران بیگانه با شهر تا رسیدن به شهروند فعال مشارکت‌پذیر راه بسیاری را باید طی کنند - که این نیازمند اندیشه فراوان است و محمد شهر را برگزیدیم، تا به این بهانه با شهردار آن محسن مرادی به گفت‌وگو بنشینیم و بپرسیم نقش شهرداری‌ها و شورای شهر در ایجاد گفت‌وگو میان اقوام در شهرهایی چون محمدشهر چیست. آنچه در زیر می‌خوانید حاصل این گفت‌وگوست:

مدیران شهری است که با ایجاد فضاهای گفت‌وگو و مشارکت به تدریج حس شهروندی و تعلق مکانی را در این شهرها شکل دهند و تقویت کنند.

شهرها بر مبنای کارکردهای شان تعریف می‌شوند. مثلاً در شهری که صنعتی است و بر اساس نیازهای صنعتی شکل گرفته است، تعاملات اجتماعی نیز براساس همین نیاز شکل می‌گیرند؛ یعنی روح شهر، روح صنعت است. فعالیتها، انسجام، کانبد شهر و سازدانه‌های اجتماعی هم دقیقاً براساس همان کارکرد صنعتی شکل می‌گیرند. در شهری که مذهبی است و کارکردهای اجتماعی آن هم مذهبی است، همه تعاملات با یکدیگر عین هستند و حتی معماری شهر نیز با این کارکرد هماهنگی دارد. در شهری که نظامی است می‌توان تأثیر این نقش را حتی در روحیه و فرهنگ مردم شهر نیز مشاهده کرد. اما متأسفانه بیشتر شهروهای ما هیچ تعریفی ندارند و کارکرد مشخصی هم برای آنها تعیین نشده است. این هم به دلیل فقدان سیاست‌گذاری کلان کشور بوده است. وقتی کارکرد شهرها معلوم نیست تعاملات اجتماعی راه نمی‌توان به راحتی در آن تعریف کرد.

● به عنوان اولین پرسش می‌خواهیم از شما بپرسیم که محمدشهر حصلاً چگونه شهری است و تعاملات اجتماعی در این شهر چگونه شکل می‌گیرد. به هر حال شما به عنوان مدیر شهری به طیف وسیعی از مشارکتهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیاز دارید؛ و ما می‌خواهیم بدانیم که در این شهر، که گروههای اجتماعی در آن مختلف و متفک از یکدیگر هستند، چگونه می‌خواهید میان گروهها گفت‌وگو ایجاد کنید.

○ امروز دیگر مدیران شهری، به شهر فراتر از نوعی کالبد نگاه می‌کنند و آن را از کانی زنده می‌دانند که دارای حیات اجتماعی است. من معتقدم که مشارکت در واقع پایه گفت‌وگوست؛ یعنی اگر ما بتوانیم میان شهروندان مشارکت ایجاد کنیم، خود به خود سوسووعانی برای حرف زدن خواهند داشت. اما در شهری مثل محمدشهر که حصلاً چهارچوب پذیر است، ایجاد و جذب مشارکت کار دشواری است. البته این رابطه متقابل است، یعنی به همان اندازه که مشارکت پایه گفت‌وگوست، گفت‌وگو نیز زمینه مشارکت است. در شهرهایی که تعلق مکانی ضعیف است، این وظیفه برعهده



محمدشهر - نمای از شهر

تصمیم گیران و ضلع سوم آن تصمیم پذیران هستند تاکنون تصمیم پذیران در برنامه‌ها مفعول مانده‌اند کارشناسان نظر می‌دهند و مدیران هم تصمیم می‌گیرند و اجرا می‌کنند. آنگاه دیگر این پرسش مطرح نمی‌شود که آیا مردم تصمیم را می‌پذیرند یا خیر.

می‌خواهم تجربه‌ی جالبی را برای شما تعریف کنم: تجربه‌ای که در من این انگیزه‌ی قوی را ایجاد کرد که با تصمیم‌پذیران به گفت‌وگو بپوشیم؛ یک روز در یکی از خیابانها با تعدادی از مشاوران و مهندسان مشغول بررسی طرح یک میدان و معابر اطراف آن بودیم. یکی از شهروندان با ظاهر بسیار معمولی از آنجا رد می‌شد، از ما پرسید مشغول چه کاری هستید، و من هم برایش توضیح دادم. با اینکه هیچ تخصص فنی در این قضیه نداشتم، مشکلات و نارساییهای طرح را که به چشم ما نامانده بود به درستی مطرح کرد، چرا که استفاده‌کننده‌ی واقعی طرح او بود. او شهروندی بود که هر روز چند بار از این مسیر عبور می‌کرد، باری، طرح را اصلاح کردیم و نتیجه هم بسیار موفقیت‌آمیز بود. وقتی تصمیم‌پذیر را در کنار خود به گفت‌وگو می‌نشانیم، خواسته‌های واقعی مردم محقق می‌شود و مهم‌ترین دستاورد آن هم این است که آنها در این صورت با تصمیمات گرفته شده مخالف نخواهند بود.

اما متأسفانه نگاه بسیاری از مدیران ما به مردم، نگاه آمرانه و از بالا به پایین است، اما مدیریت شهری نباید نگاه دولتی به مردم داشته باشد. چون شهردارها اصلاً دولتی نیستند بلکه از خود مردم هستند، پس باید از داخل جامعه به مسائل نگاه کنند. البته این نگاه ممکن است مشکل عوام‌زدگی را با خود در پی داشته باشد. شهردار باید شهر را از همه‌ابعادش ببیند اما برای تصمیم‌گیری به داخل مردم برود. مثالی است که می‌گویند جهانی فکر کن، منطقه‌ای عمل کن.

● **با توجه به اینکه محمدشهر فاقد پیشینه طولانی است و مردم آن احساس تعلق بومی و منطقه‌ای ندارند، شما چگونه توانستید ارتباط میان تصمیم‌گیر و تصمیم‌پذیر را برقرار کنید و از چه راههایی می‌خواهید مشارکت شهروندان در اداره شهر را محقق سازید؟**

○ همان‌طور که می‌دانید، در شهرهای مهاجرپذیر مثل محمدشهر، پاره‌فرهنگ‌های مختلفی حضور دارند؛ از آذری و بلوچ و خراسانی و دیگر فرهنگها، که از همه جای کشور آمده‌اند. اما اگر

● **با این تعابیر، محمدشهر چگونه شهری است؟ آیا می‌توان کار کردی برای آن تعریف کرد؟**

○ محمدشهر در ابتدا روستا بود و کار خودش را می‌کرد؛ کشاورزی داشت، کاهو و سبزی و کلم تولید می‌کرد، و صادرات هم داشت. سپس محمدآباد به محمدشهر تبدیل شد، بدون آنکه تعریف شود که چه کار کردی می‌خواهد داشته باشد. اگر مدیر شهری بداند که کار کرد این شهر کشاورزی است، تمام برنامه‌ریزیها را بر مبنای اقتصاد کشاورزی طراحی می‌کند و به عنوان مثال می‌داند که به هنگام ساخت و ساز تا چه اندازه می‌تواند اجازه تخریب و اشغال زمینهای کشاورزی را بدهد و اولویت با چیست. آنگاه زندگی اجتماعی هم در شهر بر مبنای همین امر تعریف می‌شود. اما متأسفانه امروز این طور نیست؛ روستای محمدآباد کار کرد قبلی خود را از دست داده اما به تعریف جدیدی هم نرسیده است.

● **شما گفتید که اگر کار کرد شهر تعریف شده باشد، تعاملات اجتماعی مناسب با آن خود به خود شکل می‌گیرد. اما اگر تعریف نشده باشد - که در بیشتر شهرهای ما همین‌طور است - تعاملات اجتماعی چگونه خواهد بود؟ چون بالاخره در دنیای امروز و در بلندمدت اداره شهرها بدون حضور و مشارکت شهروندان امکان‌پذیر نیست.**

○ مدیرانی در اداره شهرها موفق هستند که بیش از هر چیز به فکر آنها باشند و کالبد شهر را متناسب با نیازهای افراد آن شهر طراحی کنند. وقتی برای شهری کار کرد تعریف نشده باشد تعاملات اجتماعی نیز در آن شهر به سختی شکل می‌گیرد. شهر بدون نهادهای مدنی و بدون سازمانهای اجتماعی دیگر شهر نیست بلکه جایی است که یک عده آدمها در آن زندگی می‌کنند. اگر مردم یک شهر نتوانستند تعاملات اجتماعی خود را سازماندهی کنند، این وظیفه مدیران شهری است که با آموزش و ایجاد فضاهای مناسب برای برخوردهای اجتماعی، این زمینه را فراهم سازند.

● **یعنی منظورتان این است که می‌توان نهادسازی کرد و شهر را پسند محمدشهری به وجود آورد؟ یعنی مثلاً نوعی زنجیره تشکیل می‌شود، بدین ترتیب که برای ایجاد شهروند به مشارکت نیاز است و برای ایجاد مشارکت به گفت‌وگو میان افراد نیاز است؟**

○ دقیقاً همین‌طور است. کنار مدیریت شهری را می‌توان به مثالی تشبیه کرد که یک ضلع آن تصمیم‌سازان، ضلع دیگر

شورا مشارکت

شورای اسلامی شهر؛

مأموریتی دیگر



احمد توروئی
شهردار مشهد

شوراهای اسلامی شهرها به عنوان اولین تجربه مدیریت شورایی در کشور، اگر چه موفق عمل کرده‌اند، اما سوال این است که آیا این نهاد توانسته است انتظارات بنیان این تفکر را بر آورده سازد یا خیر. علت وجودی شورای اسلامی شهر همان گونه که در قانون اساسی آمده است، و حضرت امام و آیت الله طالقانی و آقای خاتمی نیز بر آن تأکید داشته‌اند، تسریع توسعه و عمران شهرها با مشارکت مردم است. در این تعریف مهم‌ترین نکته مشارکت مردم است و در واقع نقش اصلی شوراهای ساماندهی و هدایت پتانسیل عظیم مردم در توسعه و بازسازی شهرهاست. تاکنون در اداره شهرها زمینه ظهور این نیروی بالقوه مردم فراهم نشده است. شاید یکی از دلایل آن را بتوان در اقتصاد تک محصولی و دلارهای نفتی جست‌وجو کرد. مطالعه تاریخ بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که مردم در حوزه عمران شهری نقش اساسی داشته‌اند، تا جایی که حتی بسیاری از شرکت‌های تولیدی بزرگ دنیا نیز بر توان اقتصادی و مدیریتی مردم تکیه کرده‌اند. اما در کشور ما از آنجا که منابع درآمدی، خارج از سیستم ارزش افزوده اشتغال مردم حاصل می‌شود، حضور مردم در حوزه‌های مختلف بسیار کم‌رنگ است.

نمونه‌های بسیار زیادی از توان مشارکتی مردم در کشور ما و دیگر کشورها وجود دارد، که در اینجا تنها به یک نمونه از آن اشاره می‌شود: در سال ۴۲ شاه به امام پیغام داد که در مقابل دریافت ۱۰ میلیون تومان دست از مبارزه بردارد. ۱۰ میلیون تومان در سال ۱۳۴۲، رقمی است که شاه یک مملکت برای رفع خطری جدی که کل حاکمیتش را متزلزل ساخته است، پیشنهاد می‌کند. امام در مقابل، به شاه پاسخ داد که «به شاه بگویید دست از این مملکت بردارد، ما ۲۰ میلیون تومان می‌دهیم». این پاسخ تحیر بسیاری از شنوندگان را برانگیخت که امام چگونه می‌خواهد چنین مبلغی را فراهم کند. امام در پاسخ فرمودند اگر تمام این ملت برای مقابله با شاه بسیج شوند و هر کدام فقط یک تومان بدهند ۲۰ میلیون تومان فراهم می‌شود - در آن زمان جمعیت ایران ۲۰ میلیون نفر بود. منظور من از این مثال این است که یک تومان پول تک‌تک مردم دو برابر تمام پولی می‌شود که شاه یک مملکت حاضر است برای رفع خطری جدی بپردازد.

نگاهی به جایگاه شوراها در سراسر کشور نشان می‌دهد که شوراها در جای خود قرار نگرفته‌اند و در عمل فقط جانشین قائم مقامی شده‌اند. در حالی که به نظر می‌رسید تمام تلاش شوراها باید این باشد که حضور مردم را در توسعه و عمران شهرها نهادینه کنند. تلاش شوراها برای دستیابی به اختیارات بیشتر باید صرفاً به منظور فراهم آوردن زمینه‌های حضور مردم باشد نه اینکه اختیاراتی به دست بیاورند و خودشان شهر را اداره کنند.

شوراها آمده‌اند تا پلی باشند میان مردم و نظام اجرایی و کارکرد اصلی‌شان این است که - حتی با همین اختیارات محدود - زمینه حضور مردم را تعریف و قانونمند کنند. چون وقتی زمینه حضور قانونمند نباشد، در عمل مشکلات متعدد و نیز هرج و مرج ایجاد می‌شود. آنچه برای استفاده از قدرت بینهایت مردمی در توسعه و عمران شهرها مهم است، تعریف بهترهای کاری قانونمندی است که بتواند زمینه حضور مردم را فراهم کند. مشکل مملکت ما سرمایه و نیروی انسانی نیست، بلکه نداشتن سیستم و برنامه است. ما در کشور خود سرمایه‌های کوچک سرگردان و نیروهای خوشفکر و ایده‌پرداز به وفور داریم اما عملاً این استعدادها به کار گرفته نمی‌شود و در نظام مدیریتی و اجرایی ما هیچ جایی برای آنها تعریف نشده است.

دنیای امروز، دنیای مشارکت

مشارکتانه کلیت نظام، هدایت و آموزشی برای تبیین جایگاه واقعی شوراها نداشتند است. شاید برخی نهادهای مسئول و حتی اعضای شوراها هنوز فاقد این اندیشه هستند که نقش شوراها نهادینه کردن حضور مردم است - نه اینکه قائم به خود باشند. شوراها باید زمینه حضور چند میلیونی مردم را در اداره شهرها فراهم آورند اما سؤال این است که شوراها و مردم و حتی دستگاههای مسئول تا چه حد برای این کار آموزش دیده‌اند و آمادگی دارند. مادر دنیایی هستیم که سمینارهای بین‌المللی مختلفی با هدف تحوّل مشارکت دادن مردم تشکیل می‌شود. صاحب‌نظران بزرگی در سراسر جهان، ساز و کارهای جدید جلب مشارکت‌های مردمی را طراحی می‌کنند. بحث حضور مردم در تصمیم‌گیریها و اجرا اگر چه مهم است اما در دنیا چندان نوپا نیست. به نظر می‌رسد اکنون که اداره کنندگان جامعه به این نتیجه رسیده‌اند که زمینه‌های ظهور شوراها را در کشور فراهم آورند، باید تا تحقق کامل آن نیز موضوع را پیگیری کنند. البته ناساگفته نماند که کار کردن با مردم بسیار مشکل است - به خصوص در ابتدا که تصمیم‌گیران با طیف وسیعی از مردم با دیدگاهها، سلیقه‌ها و گرایشهای سیاسی و کاری مختلف مواجه هستند و می‌خواهند همه اینها را در زمینه‌های شهری مشارکت بدهند. اما اگر بتوان چنین مجموعه‌ای را بسیج کرد - که در بسیاری

تلاش شوراها برای دستیابی به اختیارات بیشتر باید صرفاً به منظور فراهم آوردن زمینه‌های حضور مردم باشد نه اینکه اختیاراتی به دست بیاورند و خودشان شهر را اداره کنند

از نقاط جهان چنین شده است - آن وقت توسعه و عمران شهرها می‌شوند شکل گیرد و عینیت یابند. در تغییر این صورت مجموعه مدیریت شهری بدون حضور مردم فاقد چنین توانی خواهد بود.

می‌توان - و باید - برجسته‌ترین مشاوران را از داخل و حتی خارج کشور برگزید و نیستی را طراحی کرد که شوراهای به سمت و سوی هدایت کند که هدف اصلی تشکیل آنها بوده است، نه اینکه شوراهای جایگزین سازمانهای مختلف بشوند و در تلاش باشند که اختیارات این سازمانها را به خود منتقل کنند. شوراهای باید جایگاه خود را در سطحی فراتر از این ببینند و تلاش کنند تا در جای واقعی خود قرار بگیرند.

به نظر می‌رسد ریاست جمهوری و وزارت کشور در نیمه راه فعالیت اولین دوره نظام مدیریت شورایی باید به بازنگری کارشناسی و جامع در این زمینه بپردازند که تشکیل شوراهای اهدافی را دنبال می‌کند؛ آنگاه پس از تبیین این اهداف بر اهدافی وسیع شوراهای برای تحقق آنها شناسایی کنند، دوره‌های آموزشی بگذارند و برنامه‌های اجرایی پیش بینی کنند. اینکه رئیس جمهور وزارت کشور را ملزم به تشکیل شوراهای کرده است، تازه ابتدای راه است و کلیه نهادهای حکومتی بیش از اینها وظیفه‌مندند. نظام حاکم باید هرچه سریع‌تر زمینه‌های نهادینه شدن حضور شوراهای را در

آنچه برای استفاده از قدرت بینهایت مردمی در توسعه و عمران شهرها مهم است، تعریف بسترهای کاری قانونمندی است که بتواند زمینه حضور مردم را فراهم کند

شورای عالی شهرستان و استان و نظایر اینها فراهم سازد.

ارزیابی عملکرد مقطعی شورا

به رغم آنچه که تاکنون گفته شد، عملکرد مقطعی شوراهای مثبت ارزیابی می‌شود. در مدت کوتاه روی کار آمدن شوراهای مدیریت شهری ثبات بیشتری یافته است. از تعداد عزل و نصب‌های مجموعه مدیریت شهری در شهرهای مختلف و تغییرات آن نیز به میزان زیادی کاسته شده است. اگر چه اکنون در دوره‌ای به سر می‌بریم که به علت فعالیت بیشتر نشریات، انعکاس این تغییرات نسبت به گذشته وسیع‌تر است و مردم بیش از گذشته از تغییرات آگاهی می‌یابند، اما واقعیت این است که براساس آمار و اطلاعات موجود، تغییراتی مانند عزل و نصب شهرداران کمتر صورت می‌گیرد. به علاوه، بُعد نظارتی نیز قوی‌تر شده است - و این بسیار مهم است. مدیریت نظارتی بر عملکرد شهرداریها و برخی دستگاههای مرتبط با مدیریت شهری اکنون بسیار دقیق‌تر اعمال می‌شود. مجموعه شورای شهر از آنجا که برگزیده مردم هستند، و ارتباطشان نیز با مردم گسترده‌تر است، خود را در مقابل مردم پاسخگو می‌دانند.

شورای اسلامی شهرها، چنانچه در نقش واقعی خود ظاهر شوند، می‌توانند مشکلاتی چون نیاز به سرمایه‌های کلان یا حتی سرمایه‌گذاری خارجی را در برخی پروژه‌های عمرانی برطرف کنند

شورای اسلامی برخی شهرها که چنین فعالیتهایی را سازماندهی کرده‌اند بسیار موفق بوده‌اند و این دیگر رسالت مطبوعات است که در سطحی وسیع و گسترده این کارهای شورای اسلامی شهرهای مختلف را نشان دهند و سازوکار مشارکت مردم را به خوبی تشریح کنند. اگر مادر مجموعه شهرداری چند بزرگراه را با فروش تراکم اجرا کرده‌ایم، و اگر در روندی معمول از برخی مردم - با مشکلات گوناگون - پولی گرفته‌ایم و کاری انجام داده‌ایم، چندان جایی برای بازگسو کردن ندارد اما اگر مجموعه شورای شهر در جایی توانسته باشد مردم و انرژی عظیم آنها را به کار گیرد، چنین چیزی اهمیت دارد و نشریات حتماً باید - با نگاهی آموزشی - به طرح آن بپردازند و از آن حمایت کنند. اکنون متأسفانه این نوع فعالیت شهرها کمتر منعکس می‌گردد و در عوض بیشتر به گزارشهای عملکردی پرداخته می‌شود.

یکی دیگر از زمینه‌های موفقیت شهرها، عملکرد عمرانی و خدمات شهرداریهاست. بدون شک شورای اسلامی تمامی شهرها با وجود تمام مشکلاتی که بر سر راه آنهاست، در زمینه عمران شهری تلاشهای بسیاری کرده‌اند و بسیار موفق‌تر از پیش بوده‌اند.

اما منظور از عدم موفقیت شهرها این است که شهرها در جایگاه واقعی خود ناموفق عمل کرده‌اند، چرا که در غیر این صورت حتی در مسادیقی چون توسعه و عمران شهری نیز با سازماندهی قدرت مردمی دهها برابر موفق‌تر عمل می‌کردند.

شورای اسلامی شهرها، چنانچه در نقش واقعی خود ظاهر شوند، می‌توانند مشکلاتی چون نیاز به سرمایه‌های کلان یا حتی سرمایه‌گذاری خارجی را در برخی پروژه‌های عمرانی برطرف کنند. به هر حال بسیاری از مردم با سرمایه‌های متوسط سرگردان به دنبال فضای امنی برای سرمایه‌گذاری هستند که بتوانند در آمد مختصری هم از پول خود به دست آورند. بسیاری از آنها نیز فعالیت در یک پروژه عمرانی را به دریافت سود بانکی ترجیح می‌دهند. حال اگر سازوکار مناسبی برای جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری مردم در پروژه‌های عمرانی تعریف شود نه نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود و نه سرمایه‌گذار بزرگ. حتی بسیاری از مشکلات اجتماعی نیز برطرف خواهد شد.

اگر مجموعه شورای شهر در جایی توانسته باشد مردم و انرژی عظیم آنها را به کار گیرد، چنین چیزی اهمیت دارد و نشریات حتماً باید - با نگاهی آموزشی - به طرح آن بپردازند و از آن حمایت کنند

سرعت تحولات علمی و فن آوری در دنیای امروز
 سرسام آور است و تنها راهی که می تواند در جریان
 تغییرات، ما را روزآمد یا بهنگام نگه دارد، مشارکت
 همه جانبه است. برای رسیدن به مشارکت همه جانبه باید
 شهروندان، نخبگان و دست اندرکاران در تعامل باشند -
 که البته در این راه موانع متعددی نیز وجود دارد.
 سیاست زدگی در تصمیمات خرد و کلان، دخالت نهادهای
 غیر محلی، تمرکزگرایی، ساختار اداری - اجرایی
 غیر مشارکتی، خودباوری کاذب برخی از مدیران و عدم
 آشنایی شهروندان به امور مشارکتی، از مهم ترین موانع
 دستیابی به مشارکت به شمار می آیند.

امروز تقریباً در تمامی سطوح صحبت از تکمیل زنجیره
 شورایی است و به نظر می رسد شورای محله یکی از
 اصلی ترین ابزارهای دستیابی به مشارکت مردم است.
 شوراهای اسلامی شهرها می توانند برای پیش بینی
 حدود و ثغور محله - به فرآورد - یک یا چند معیار از قبیل
 معیارهای جمعیتی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی
 و روانشناختی را انتخاب کنند.

بدون شک، افراد هر محله بیش از همه به مشکلات محله
 واقفاند و می توانند در حوزه مسائل عمرانی، فرهنگی،
 زیست محیطی، خدماتی، آموزشی و جز اینها فعالیت
 کنند. این فعالیتها می توانند در دو حوزه مشاوره و اجرا
 صورت گیرند. شورای محله می تواند مشکلات محله را به
 شوراهای فرادست منتقل کند و آن دسته از مشکلات را که
 در سطح این شورا حل شدنی است، خود مرتفع سازد.
 این شورا ضمناً می تواند در طراحی برنامه های محله ها
 مشارکت ورزده و طرحها را به واقعیت نزدیک تر کند.
 مکان شورای محله می تواند مساجد، تکایا، مدارس،
 سالنهای تربیت بدنی یا هر جای مناسب دیگری در شهر
 باشند. شوراهای محله می توانند خانه های فرهنگ محله را احداث
 و راه اندازی کنند و آن را به عنوان مرکز محله قرار دهند.
 اگر برای فعالیت شوراهای محله به مجوز وجود دارد، مناسب
 است در قانون شوراهای محله ترتیبی اتخاذ شود که شورای
 فرادست مجوز مورد نظر را صادر کند نه دولت. اصلاح
 قانون شوراهای محله باید به سمتی باشد که حضور شوراهای محله
 کشور نهادینه سازد؛ و تشکیل شورای محله گامی اساسی
 در این زمینه است.

داریوش فامیلی

رئیس شورای محله قزوین

شوراهای فرصت می خواهند

بدون شک تجربه شورایی در کشور ما هنوز گامهای نخستین را
 برمی دارد و طبیعی است که در این گامها باید آن را یاری کرد و به
 آن فرصت تجربه داد. معدود شهرهایی که در اولین تجربه مدیریت
 شورایی از داشتن نعمت شورا محروم ماندند ممکن است به لحاظ
 اداره شهر خود با مشکل چندانی مواجه نشده باشند و از دیگر شهرها
 چندان عقب نیاشند. اما بدون شک در تجربه مدیریت شورایی از
 سایر شهرها فاصله گرفته اند و راه طولانی تری را باید طی کنند.
 نظام تصمیم گیری حاکم باید اجازه دهد که شوراهای محله کار کنند، اشتباه
 کنند و پیش بروند. مرحوم طالقانی نیز که از مبدعان و حامیان
 تشکیل شوراهای محله در نظام تصمیم گیری مملکتی بودند، به تفصیل
 شرح داده اند که در ابتدای تشکیل شوراهای محله اشکالاتی بر آن وارد
 است؛ اما باید اجازه دهیم شوراهای محله تشکیل شوند و اشتباه کنند تا به
 رشد و بلوغی برسند که بتوانند به درستی کار کنند. شوراهای
 مجموعه ای هستند که مردم به آنها رأی داده اند و فکر می کردند که
 این مجموعه می تواند شهر را اداره کند. حال اگر خلاف این ثابت
 شود مردم در دوره های بعد بهتر می توانند تشخیص بدهند که چه
 کسانی برای انتخاب شایسته تر هستند و به این ترتیب، هم شوراهای
 به ارزیابی صحیح تری دست می یابند و هم مردم مشق مردم سالاری
 را در هر قدم می آموزند.



شورای محله: یک نگاه

مهم‌ترین هدفی که جشنواره آموزش شهروندی دنبال می‌کند، کاهش فاصله ارتباطی مردم با شهرداری و ایجاد اعتماد متقابل میان این دو است

جشنواره آموزش شهروندی در کاشان

در تعریف امروزی شهر، ویژگی‌هایی که حقوق و وظایف شهروندان نیز در آن تبلور می‌یابد، مد نظر قرار می‌گیرد. برای تحقق این امر، شوراهای شهرداریها ناگزیر به اجرای برنامه‌ها و اتخاذ سیاست‌هایی هستند که حضور جدی و فعال شهروندان را ایجاد می‌کند. شورای شهر کاشان با انجام اقدامات قانونی برای اجرای جشنواره آموزش شهروندی در سال گذشته بستری را فراهم آورد که مشارکت مردم را در امور شهر و محله‌ها - برای نخستین بار - رقم می‌زد.

برگزاری نخستین جشنواره آموزش شهروندی با همکاری سه جانبه شورای شهر، شهرداری و سازمان رفاهی - تفریحی کاشان به تحقق پیوست و قرار بر این است که هر سال در ماه نخست زمستان برگزار شود. مهم‌ترین هدفی که جشنواره آموزش شهروندی دنبال می‌کند، کاهش فاصله ارتباطی مردم با شهرداری و ایجاد اعتماد متقابل میان این دو است. در مراحل مقدماتی، سازمان رفاهی - تفریحی شهرداری کاشان با تشکیل سه کمیته علمی، اجتماعی و تبلیغاتی و دعوت از کارشناسان مختلف شروع به سیاست‌گذاری و تعیین برنامه‌ها کرد. جشنواره در دو بخش مسابقه و برنامه‌های

جنبی طراحی شده است. در بخش مسابقه جشنواره محورهایی همچون عکس، فیلم، کاریکاتور، فیلمنامه، نمایشنامه و نمایش خیابانی در سطح حرفه‌ای در نظر گرفته شده است. همچنین به دلیل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بیشتر کودکان و نوجوانان، سه قالب داستان، نقاشی و کاریکاتور به صورت مسابقه در سطح دانش‌آموزی منظور خواهد شد. به علاوه، در برنامه‌های خارج از مسابقه جشنواره، میزگردهای محلی، آموزش در بخش‌های مختلف، معرفی محله نمونه، ایستگاه نقاشی کودک، مسابقه درک تصویر برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است. انتخاب بجا و مناسب موضوعات جشنواره، و همسویی آن با اهداف تعریف شده جشنواره، از ویژگی‌هایی هستند که جشنواره آموزش شهروندی را قرین موفقیت می‌کند. از جمله این محورها باید به مواردی همچون شهر شاداب، زیباسازی شهر، حفظ و استفاده صحیح از اموال عمومی، بهداشت شهری، ترافیک، آلودگی شهری، شهرداری و شهروندان، ایمنی، فرهنگ بر خورده بنا گردشگر و فرهنگ مشارکت شهری اشاره کرد. نکته جالب توجه در جشنواره ارسال تشکیل میزگردهای محلی است. از آنجا که یکی از کارکردهای مهم چنین جشنواره‌ای

ابتکاری دیگر



جلب مشارکت مردم است، تشکیل میزگردهای محلی اقدام مناسبی برای تحقق این امر به شمار می‌رود. برای جلب مشارکت مردم در میزگردهای محلی، مهم‌ترین اقدامی که مجریان جشنواره آموزش شهروندی در نظر گرفته‌اند، استفاده از فضاهای مذهبی موجود در شهر و محله‌های کاشان است. به این ترتیب کانونهای فرهنگی، مساجد و هیئت‌امنائی هر محله بهترین پل ارتباطی میان مردم و جشنواره هستند. نتایج به دست آمده از ماحصل گفت‌وگوها و میزگردهای محله‌های مختلف منجر به انتخاب محله نمونه در پایان جشنواره خواهد شد.

بحث آموزش، و به ویژه آموزش به کودکان یا شهروندان کوچک، از محورهای مهم جشنواره آموزش شهروندی است که این امر در برنامه پارک آموزشی کودکان، به تحقق می‌پیوندد. در این برنامه با بردن کودکان به فضای سبز و پارکها، آنان را با مفهوم فضای سبز و نحوه کاشت و نگهداری از درختان و چگونگی نگهداری از وسایل و تجهیزات پارکها آشنا می‌کنند.

با تمام این اوصاف باید گفت که جشنواره آموزش شهروندی در کاشان تنها برگزاری چند برنامه و مسابقه را در زمینه آموزش شهروندی کافی نمی‌داند. واقعیت این است که برنامه‌هایی با

از آنجا که یکی از کارکردهای مهم جشنواره‌های جلب مشارکت مردم است، تشکیل میزگردهای محلی اقدام مناسبی برای تحقق این امر به شمار می‌رود

برنامه‌هایی با اهدافی از این دست باید به صورت درازمدت تدوین و اجرا گردند تا بتوانند به فعالیتهای ماندگار مبدل شوند

اهدافی از این دست باید به صورت درازمدت تدوین و اجرا گردند تا بتوانند به فعالیتهای ماندگار مبدل شوند. یکی از دستاوردهای دومین جشنواره آموزش شهروندی که در دی ماه سال جاری برگزار می‌شود، ایجاد تشکل غیر دولتی (NGO) آموزش شهروندی است. این تشکل بنا دارد تمام اهدافی را که جشنواره آموزش شهروندی در یک مقطع زمانی کوتاه مطرح می‌کند، در طول سال به طور کارشناسانه و دقیق پیگیری کند.

در پایان باید گفت که دارا بودن شهر و شهروند متعالی، وضعیت مطلوبی است که برای تحقق آن باید فاصله و سختی مسیر را بر خود هموار کرد. یکی از راههایی که به هموار شدن این مسیر سنگلاخ می‌انجامد، تغییر فرهنگ شهرنشینی و بسترسازی مناسب برای جلب مشارکت مردم در اداره امور شهر است. این نکته‌ای است که برنامه‌ریزان جشنواره آموزش شهروندی به خوبی به آن واقف‌اند و تماماً به آن می‌پردازند.

شناسی شوراهها

از شوراهها تا مردم سالاری



مه جبین ابوترابی
عضو شورای اسلامی شهر قزوین



نهاد شوراپس از دوّم خرداد به منظور تحقق کامل قانون اساسی و حاکمیت ملی با امیدواری های زیادی متولّد شد. شوراهها در نظامهای دموکراتیک می توانند حضور و دخالت مردم را در اداره کشور به گونه ای جدی تر نمایان سازند. بدین معنی، چنانچه در نقش واقعی و مؤثر خود ظاهر شوند می توانند مکمل نهاد تصمیم گیری در جهت تصویب قوانین متناسب با نیازهای جامعه باشند. بی تردید تا رسیدن به این جایگاه راه زیادی در پیش است.

شوراهها در فضایی غیرآهاده

شوراهها طی دو سال گذشته به دلایل متعدد آن طور که انتظار می رفت در تمام ابعاد موفق عمل نکرده اند. شاید مهم ترین دلیل آن، جوانی این نهاد در نظام اجتماعی و سیاسی کشور است. از سوی دیگر حاکمیت دیرپای استبداد، امکان ظهور سازوکارهای جوشیده از متن مردم را در این کشور دشوار کرده است. مردم و نهادهای حاکمیت همواره به اعمال قدرت بکطرفه و غیرمستولانه عادت داشته اند؛ در نتیجه طبعاً در چنین جامعه ای فرهنگ مشارکت و مشورت در کارها ضعیف است و بنابراین در نخستین قدم ضعفهای فرهنگی و تاریخی خود را نمایان می سازد. بدون تردید شکل گیری فرهنگ دموکراتیک و علاقه به دخالت در سرنوشت جامعه و پیگیری حقوق شهروندی، مطرح کردن خواسته ها با نگاه واقع بینانه و درخواست حل آنها از کانال های مردمی، نیاز به زمان و تجربه اندوزی دارد.

به علاوه، شوراهها دچار مشکلات و نارسایی های ساختاری نیز هستند؛ به ویژه قانون شوراهها نیاز به بازنگریهای شایسته به منظور شفاف سازی و قدرتمندی بیشتر دارد. شاید بتوان گفت که جایگاه شورادر میان مجموعه نهادهای سیستم اداره جامعه هنوز تعریف نشده است. بدین لحاظ تشکیل شوراهای محله، شهرستان، استان و شورای عالی استان ضروری به نظر می رسد - که البته مستولان قدمهایی برای تحقق آن انجام داده اند.

ضعف تجربه دموکراتیک و سیاست زدگی در کشور، در کنار نارسایی قوانین و آیین نامه ها زمینه عدم موفقیت شوراهها را فراهم می سازد.

یک دریچه؛ یک نگاه



نیاز به تحول نظام اداری در کشور ما بحث تازه‌ای نیست اما مردم هرگز نتوانسته‌اند سیرینی آن را بچسند. ما به رغم دارا بودن منابع انسانی و طبیعی غنی، فاقد بازده و ستاده در خور توجه هستیم و این ناشی از ناکارآمدی مدیریت است. یکی از مشکلات نظام مدیریتی در کشور ما، عدم هماهنگی میان دستگاههای اداری است و در نتیجه نیاز به تحول اساسی در نظام اداری بسیار محسوس است.

هماهنگی میان دستگاههای مختلف، برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت و همچنین آمادگی دستگاهها را می‌طلبد. برای توافق بر سر اصول و راهبردهای مشخص باید دستگاهها به مفاهمی تخصصی برسند. وقتی مبانی ذهنی مشترکی وجود ندارد، هر کسی در نظام فکری خودش تحلیل می‌کند و در نتیجه بر سر راهبردها نیز توافق نمی‌شود.

یکی از دلایل عدم هماهنگی، ناکارآمدی مدیریت دولتی و تمرکز امور در دست دولت است که با بزرگ شدن دولت ناکارآمدی آن نیز فزونی می‌گیرد و این چرخه همچنان ادامه می‌یابد. تمرکززدایی یکی از راهکارهایی است که موجب تحول نظام اداری می‌شود و در این تحول، نقش و جایگاه شوراها بسیار بارز است. البته در این راه مشکلات حقوقی و فرهنگی نیز وجود دارد و باید تلاش کرد که در یک فضای سازی ملی همه بتوانند با دیدی واحد به شوراها نگاه کنند.

حفظ کرامت انسانی، مشارکت مردمی و پاسخگویی به مردم تنها در صورتی امکان‌پذیر می‌شود که نهادهای مردمی اولاً حضور داشته و ثانیاً توان و خواست لازم را در خود داشته باشند.

متأسفانه در زمان حاضر این تفکر در دستگاههای دولتی وجود دارد که با واگذاری اختیارات، اقتدار دستگاهها کاهش می‌یابد، پس باید فضای سازی ملی صورت بگیرد چون در عمل ثابت شده است که تا دستگاهها نخواهند، واگذاری صورت نمی‌گیرد - حتی اگر قوانین محکم شده باشد.

اسحاق حسینی

دبیر چهارمین جشنواره شهید رجایی

چه می‌توان کرد؟

باید به کارگیری تمهیدات ویژه امکان حل نسبی بعضی از مشکلات وجود دارد البته حل بخشی از مسائل، در طول زمان و با آماده شدن زمینه‌های لازم ممکن می‌شود ولی به طور خلاصه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- فراهم ساختن بستر مناسب برای فعالیت احزاب به منظور معرفی کاندیداهای شایسته.

۲- ارتقاء سطح فرهنگ جامعه از طریق رسانه‌های گروهی نسبت به نحوه انتخاب کاندیدای لایق برای فعالیت در شورا، و آشنایی مردم با چگونگی وظایف شوراها و انتظارات آنها از منتخبان خود.

۳- بازنگری و اصلاح قانون وظایف شوراها و آیین‌نامه اجرایی آن به منظور فراهم ساختن تمهیدات لازم برای توسعه زمینه فعالیت شوراها.

۴- اجرای اقدامات لازم برای برگزاری گردهمایی شوراها و نقد و بررسی عملکرد آنها.

۵- آموزش قانون شهرداریها و قانون وظایف شوراها به منظور آگاه شدن اعضا به وظایف قانونی خود.

۶- تشکیل جلسات مشترک به منظور تماس مستقیم شورا با شهروندان، و آشنایی با مشکلات آنها.

۷- شکل‌گیری شوراهای محلی، شهرستان، استان و شورای عالی استان.

۸- انتشار اخبار شوراها و شهرداریها از طریق رسانه‌های گروهی.

۹- اختصاص بودجه‌ای مستقل از بودجه شهرداری به شورای شهر.

یک دریچه؛ یک نگاه



تغییرات دنیای امروز، ستابان و لحظه‌ای است. تمامی کشورها خواسته یا ناخواسته وارد عرصه جهانی می‌شوند. کشور ایران و شهرهای ما باید بدانند که در این عرصه چه جایگاهی دارند و چه جایگاهی می‌خواهند داشته باشند، در غیر این صورت در این جهان پر تغییر حذف و محو خواهند شد. هم دولت و هم نهادهای مدنی باید برای جهانی شدن آینده و برنامه داشته باشند. در چنین فضایی، شوراهای شهرها باید به نقش برنامه‌ریزی بالاتری اعتقاد داشته باشند، وسیع‌تر ببینند و خود را جهانی ببینند.

عصر حاضر، عصر دانایی است و هر کشوری که بتواند به این دانایی دست یابد، صاحب بزرگ‌ترین دستاوردها خواهد بود. اگر بپذیریم که نهادهای حاضر در یک جامعه عبارتند از دولت، مردم و نهادهای مدنی، در جوامع در حال گذار - مانند ایران - لازم است که این نهادها هنگام با یکدیگر و در یک راستا حرکت کنند. نمی‌توان انتظار داشت نهادهای مدنی - که شوراهای مهم‌ترین آنهاست - به بالندگی برسند اما دولت در جای خود باقی بماند یا مردم مشارکت نکنند.

در گذشته، اداره کنندگان جامعه از نادانی مردم منتفع می‌شدند اما در قرن ۲۱ اداره کنندگان جامعه تنها از دانش و آگاهی مردم سودمند خواهند شد. عبور از این مرحله، مرحله گذار است و اگر بپذیریم که کشور ما نیز جزو کشورهای در حال گذار است، مسئولان باید مردم را به دانایی و حضور فعال در عرصه‌های مختلف تشویق کنند. در این میان، مدیران میانی، شورای شهر و شهرداریها نقش مهم و پر مسئولیتی دارند. تنها راه عبور از مرحله گذار این است که مسئولان شهری محیط‌هایی را فراهم آورند که در آنها انسانهایی خلاق و با قدرت کارآفرینی امکان ظهور و رشد و حضور پیدا کنند.

جمشید وزیری
رئیس شورای شهر سنندج

۱۰- حضور اجباری اعضا در ساختمان شورای طی ساعات اداری، برای پاسخگویی به شهروندان، بر طبق برنامه‌ریزی صحیح و به طور ثابت یا شناور.

۱۱- کناره‌گیری اعضای شورا از شغل و سمت سابق خود به منظور فعالیت مستمر و شریک‌بخش در شورا.

۱۲- همکاری صمیمانه نمایندگان مجلس قانونگذاری با شورای شهر، به منظور ارائه پیشنهادهای شورا به مجلس و پیگیری اجرای آنها به نحو احسن.

۱۳- بازخواست وزارت کشور در مورد نحوه عملکرد شوراها.

۱۴- استفاده از مشاوران و کارشناسان مجرب در کمیسیون‌های شورا.

در پایان لازم به ذکر است که موفقیت نهایی شوراها بستگی به مسائل کلان جامعه و نحوه عمل نهادهای تأثیرگذار در جامعه دارد. از همه مهم‌تر، تا زمانی که نهادهای مدنی و تشکل‌های صنفی - فرهنگی - به ویژه احزاب - در جامعه فعالانه حضور نیابند، از شوراها به تنهایی کار چندانی ساخته نیست؛ اگر چه تاکنون ستاره شورا به رغم ابرهای تاریخی و ساختاری به نفع آینده‌ای آبادتر و آزادتر، خوش درخشیده است.

صکارتان در نوشتن گان مسئله شورا و مشارکت
پاماننگر
میرزا کجی
شهریار کجی



پارک عمومی میدان امارت بهمت خورشید که معموم از این منطقه می‌گذرد

در جست و جوی فضای عمومی

تجاریبی از بوستون

ویلیام تامپسون
ترجمه و تلخیص: حسن شقیعی

امروزه فضاهای عمومی در شهرهای امریکا، هدف اصلی محسوب می‌شوند. پارکهای امریکا - از جمله پارک مرکزی نیویورک و فضای شهری امریکایی - جزو اسلاک عمومی و مناطق حفاظت شده و غیرانتفاعی به شمار می‌روند. هنگامی که بخش خصوصی فضاهای عمومی همچون مراکز خرید و پاساژها را برای عموم مردم فراهم می‌سازد، از مزایایی همچون تخفیف در عوارض تغییر کاربری از سوی شهرداری بهره‌مند می‌شود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا فضاهای عمومی که مطابق با خواسته‌های مالکان خصوصی طراحی و مدیریت می‌شوند واقعا می‌توانند کارکرد سنتی فضاهای عمومی را تکمیل کنند. به عبارت دیگر، هنگامی که یک پارک عمومی به وسیله بخش عمومی تأمین مالی یا مدیریت نمی‌شود، آیا واقعا فضای عمومی است؟ برای پاسخ به این سؤالات، و سایر سؤالات مشابه، مرکز معماری بوستون و تعدادی از استادان دانشگاه هاروارد با همکاری دپارتمان پارکها و فضاهای گذران فراغت بوستون به بررسی و تحلیل برخی از میدانها و خیابانهای مرکز شهر بوستون پرداخته‌اند که نمونه‌هایی از آنها در ادامه ذکر می‌گردد.

میدان کاپلی

جراuld کیدون، دانشیار برنامهریزی دانشگاه هاروارد، در پاسخ به این سؤال که «نقش فضای عمومی در شهرها چیست؟» می‌گوید که شهرها در این زمینه دو نقش ایفا می‌کنند: ۱- نقش مشخص و کارگسردی، که فضای عمومی محیط دلبلیبر را برای ساکنان و گردشگران در شهر فراهم می‌سازد؛ ۲- نقش آرمانی، که هدف آن قرار دادن فقیر و غنی و پیر و جوان در تجربه‌های مشترک به منظور دموکراتیزه کردن جامعه است. به اعتقاد کیدون، پارک مرکزی بوستون به خوبی از ایفای نقش دوم برآمده است در حالی که فضاهای عمومی کوچک‌تر چنین قابلیت را ندارند. به منظور سنجش قابلیت فضاهای عمومی در ایفای نقش‌های مذکور، گذری به میدان کاپلی ضروری به نظر می‌رسد.

میدان کاپلی با وسعت ۱/۸ اکر فضای عمومی، متعلق به دپارتمان پارکها و گذران فراغت بوستون، در مجموعه شهری پر ازدحامی قرار دارد که خیابانهای شریانی، ساختمانهای اداری بلندمرتبه، هتلها، مغازه‌ها، ساختمان اصلی کتابخانه عمومی بوستون، و کلیسای ریچارلسون آن را احاطه کرده‌اند. در طیف

فضاهای شهری عمومی و خصوصی، میدان کاپلی در رده فضاهای عمومی شهری قرار می‌گیرد.

در این میدان تمامی اقشار اجتماعی مشاهده می‌شود که این تا حدود زیادی منعکس کننده بخش اعظم جمعیت ایالات متحده است. از جمله این اقشار می‌توان به سازه‌داران، دانشجویان، طلبه‌های کلیسا، مشتریان کتابخانه و نظایر آن اشاره کرد.

به رغم فقدان یکپارچگی و عدم تقارن این اقشار، تمامی آنها در این فضا احساس راحتی می‌کنند. طراحی فضای این میدان به گونه‌ای است که تنها یک نوع تقاضای استفاده را برآورده نمی‌کند بلکه فضای حاکم در این میدان فضای عمومی است که طیفی از تقاضاها را برآورده می‌سازد در واقع در میدان مورد بحث جای قدم زدن، نشستن، دراز کشیدن یا حتی خوابیدن وجود دارد و وجود محوطه‌های سبز، نواحی کف‌سازی شده، قوارهای در کنار محلهای نشستن، نیمکتهای بیشمار و ردیفی از درختان برای سایه انداختن، از جمله عناصر موجود در این میدان هستند. میدان کاپلی تقاضای کثرت‌الگوی تحقق اهداف دموکراتیک در فضاهای عمومی شهری است.

میدان اداره پست

این میدان تفاوت زیادی با میدان جان هانکوک دارد. به نظر می‌رسد فضای این میدان، فضای مناسبی است برای صرف ناهار، ملاقات دوستان، ترتیب دادن ملاقات‌های تجاری فی‌البداهه، مطالعه کتاب و نظایر اینها. محیط اطراف این میدان نیز نه ترکیبی از کاربری‌های مذهبی خصوصی یا فرهنگی، بلکه عمدتاً تجاری و در واقع قلب منطقه تجاری بوستون است. بنابراین جای تعجب نیست که میدان پاتوق تجار، شیک پوش، زنان یا نویسندگان باشد. بافت جمعیتی این منطقه مانع ورود ونگردان یا ژنده‌پوشان شده است.

میدان اداره پست منعکس کنندهٔ پرچهای «جلب و هتلهایی است که دورتادور آن را گرفته‌اند محوطه سبز میدان آمیزهٔ بسیار زیبایی از یک سواریه و محصوره‌ای از گلپهای شمعدانی است که سرروی چهارپایه‌هایی آویزان شده‌اند صندلی‌های متحرک جنوی کافه‌ها پذیرایی هر رگدگری است تا جلوه‌ای در این فضای دل‌انگیز بیاساید.

آنچه در این میدان جالب به نظر می‌رسد، این است که جمعی از تجار محله سازمانی غیرانتفاعی را تحت عنوان «دوستانان میدان

**جمعی از تجار محله سازمانی
غیر انتفاعی را تحت عنوان
«دوستانان میدان اداره پست» به
منظور مدیریت و کنترل میدان تشکیل
داده‌اند**

**میدان کاپلی تداعی کنندهٔ الگوی
تحقق اهداف دموکراتیک در
فضاهای عمومی شهری است**

**هنگامی که بخش خصوصی فضاهای
عمومی همچون مراکز خرید و
پاساژها را برای عموم مردم فراهم
می‌سازد، از مزایایی همچون تخفیف
در عوارض تغییر کاربری از سوی
شهرداری بهره‌مند می‌شود**



امریکا - بوستون - مرکز میدان کاپلی، فضایی متعلق به دولت و بخش عمومی

میدان جان هانکوک

در نزدیکی میدان کاپلی فضاهای بسیار متفاوتی وجود دارد که همانا میدان جان هانکوک است. این میدان یک فضای عمومی است که در گوشه خیابانهای سنت جیمز و کلارندون واقع است، محدوده‌ای که در گوشه خیابان جلویی میدان قرار دارد. حداقل به عنوان محلی برای قدم زدن به روی عموم مردم باز است. این میدان در عقیسه با میدان کاپلی قدری نارسایی دارد. با وجود اینکه مصالح به کار رفته در آن از بهترین سنگها و سایر مواد گران قیمت ساخته شده است اما این توانسته که مردم را به طرف خود جذب کند. سایه چندان در اینجا وجود ندارد و مکان مناسبی هم در آن برای نشستن پیدا نمی‌شود. همچنین محافظتی برای انحراف پداهای سهمگینی که در اطراف ساختمانهای میدان می‌وزد وجود ندارد. از نظر ساکنان بوستون، این میدان عمارت زیبایی است که خواسته‌های آنها را برآورده نمی‌کند. در این میدان جایی برای صرف ناهار، چرت زدن کوتاه و نظایر آن به چشم نمی‌خورد.

اداره پست به منظور مدیریت و کنترل میدان تشکیل داده‌اند. با این حال این میدان به روی عموم مردم باز است. به رغم ارتباط صمیمانه میدان با مردم، فضای آن سراسر دموکراتیک نیست، بلکه به دلیل خلصت تجاری بودن منطقه، افراد مشخصی از آن بازدید می‌کنند. میدان اداره پست پذیرای کارمندان ادارات، مسافران هنلهای اطراف و آریاب رجوع ادارات است. کنترل و نظارت بخش خصوصی بر این فضای متعلق به عموم، آن را تا حدی از حیث جاذبه و تعلق عمومی دور ساخته است.

خیابان صدم فدرال

با نگاه دقیق از خیابان کنار میدان اداره پست، میدانی در جلوی ساختمان اداری بلندمرتبه دیده می‌شود که با مصالح بسیار گران قیمت و زیبا ساخته شده است. با وجود احساس راحتی در این میدان، تعامل اجتماعی چندان در آن صورت نمی‌گیرد. در این میدان هیچ حسی از سلسله مراتب فضاها وجود ندارد. بیشتر مراجعه‌کنندگان برای سیگار کشیدن به اینجا می‌آیند. این مکان با توجه به سایر ساختمانهای بلندمرتبه و ورزش یاد، به ویژه در



امروکا - بوستون - نمایی از میدان ساحل جنوب تهران شهر

میدان تالار شهر به عنوان فضای عمومی همواره مورد انتقادات جهانی واقع شده گو اینکه شهر دار این شهر به دلایل سیاسی مطالبات اولیه‌ای را برای احیای آن انجام داده است.

میدان تالار شهر نمونه‌نمود کننده‌ای از فضای عمومی متعلق به بخش عمومی است که جایی برای قدم زدن عابران پیاده ندارد و با این حال ترکیب پیچیده و منبهمی از فضاهای عمومی و خصوصی در یک شهر آمریکایی به شمار می‌رود.

حال با توجه به نمونه‌های پیش گفته، فضاهای عمومی در واقع چه چیزی هستند؟ اصطلاح «فضای عمومی» خود به خود دارای تعریف نیست. بسته به دیدگاه‌های مخاطبان مختلف، مکان‌های مختلفی نیز از این اصطلاح به ذهن می‌رسد. پارک‌های بزرگ شهری، مجموعه باغها، مراکز خرید پیاده، قطعه زمینهای خالی، راهروهای هتلها، خیابانهای شهری، میدانهای شهری، پیاده‌روها و مانند اینها همگی فضاهای عمومی اند. البته این فضاها را در مقیاس کوچک‌تر نیز می‌توان فضای عمومی نامید. با توجه به نقش مؤسسات عمومی - خصوصی، انتفاعی و غیرانتفاعی و همچنین مسائل مدیریتی و برنامه‌ریزی، این فضاها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱- فضای عمومی متعلق به بخش عمومی - فضای متعلق به دولت که قابل دسترسی و قابل استفاده عموم است. پارکهای شهری کوچک و میدانهای عمومی متعلق به تالار شهر از جمله فضاهای عمومی متعلق به بخش عمومی اند.

۲- فضای عمومی متعلق به بخش خصوصی - این گونه فضاها محدود به نهادهای قانونی دسترسی و استفاده عموم را دارند. میدانها و بازارهای سرپوشیده، فضاهای اداری و مسکونی از جمله فضاهای عمومی متعلق به بخش خصوصی هستند.

۳- فضای عمومی متعلق به بخش عمومی که به دست بخش خصوصی اداره می‌شود - فضای متعلق به دولت که مدیریت تمام یا بخشی از آن طی قراردادی به بخش خصوصی یا سازمانهای غیرانتفاعی - که توانایی مدیریت و اداره مالی این گونه فضاها را دارند - واگذار می‌شود. پارکهای شهری کوچک مانند پارک بریانت در نیویورک از جمله این نوع فضاها به شمار می‌روند.

میدان خیابان صدم قدرال فعلاً تنها فضای عمومی مردم محله است و مشخص نیست که نسل آینده آن را به عنوان فضایی عمومی که آزادی واقعی تعامل اجتماعی در آن وجود داشته باشد بپذیرد

زمستان، در صورتی که بخواهد پذیرای عموم مردم باشد نیاز به تغییراتی اساسی دارد. با این حال، میدان خیابان صدم قدرال فعلاً تنها فضای عمومی مردم محله است و مشخص نیست که نسل آینده آن را به عنوان فضایی عمومی که آزادی واقعی تعامل اجتماعی در آن وجود داشته باشد بپذیرد.

میدان تالار شهر

با عبور از مرکز شهر بوستون، وارد خیابانهای باریک و پیچ در پیچ می‌شویم که در انتهای آن ساختمانی عوس و بی‌روح واقع شده است. این ساختمان، تالار شهر بوستون است. به اعتقاد کسانی که در این تالار حضور دارند، میدان تالار بلای طراحی شهری واقعی است، چرا که از گذر عابران پیاده در این میدان خبری نیست. اخیراً در گوشه خیابان این میدان بازار سرپوشیده‌ای ساخته شده تا قدری از بی‌هودگی این فضای بی‌ریخت یک‌اهد اما تلاش‌های دیگران در گذشته برای سرزندگی دادن به این فضا با شکست مواجهه شده است. در این میان بخش خصوصی مجموعه‌ای از درختان و فضای سبز را در این میدان طراحی و اجرا کرده اما این اقدام نیز به شکست انجامیده است.

این مقاله از منبع زیر ترجمه شده است:
William Thompson, Fazio, "In Search of Public Space",
Landscape Architecture, 8/
2001, PP. 66-7.

طراحی مجدد میدان جاویتس (۱)

تلاشی ناموفق برای ایجاد فضای تعامل

کلار کوپز مارکوس (۲)

ترجمه و تلخیص: سپیده توکلی

وقتی که مارکوس (مارکوس) در اواخر قرن گذشته میدان جاویتس واقع در مینن نیویورک - که در سال ۱۹۷۰ ساخته شده بود، را دوباره طراحی کرده، این کار را با پر کردن فضا به وسیله صندلیهای عازبچی سبز رنگ انجام داد. شوارتر درختان موجود را نیز حذف کرد و به جای آنها چند تپه پوشیده از چمن به وجود آورد. هدف وی از این نوع طراحی آن بود که فضای مناسب برای گفت و گو و تعامل در یک مرکز شهری متمرکز را پدید آورد. در سال ۱۹۹۷ طراحی میدان جاویتس جایزه ASLA را به خاطر شکل خلطوی نیمکتها که حالات مختلفی را برای نشستن افراد - چه به صورت گروههای کوچک و چه به صورت متفرد - به وجود می آورد، دریافت کرد. اما بعداً این پروژه مورد انتقادهای فراوان قرار گرفت. در ابتدا نظرات ارائه شده در این مورد، و برخی از انتقادات نسبت به طراحی، بر اساس استنباط از شبیه‌سازیهای کامپیوتری بود، ولی حضور در میدان جاویتس و مشاهده و سنجش میزان تعامل مردم با فضای شهری، این فضا را تنها را عینی تر کرد. در مطالعه حاضر برای دستیابی به نتایج دقیقتر، مشاهدهای ترتیب داده شد بدین ترتیب که در یک روز معتدل پاییزی ساعاتی به مشاهده اختصاص داده شد.

در این روز، در میدان جاویتس عدد زیادی از مردم نشسته و مشغول خوردن، صحبت کردن، سیگار کشیدن، خواندن کتاب و مجله، مطالعه نقشه‌های تورپستی، صحبت کردن با تلفن، خیره شدن به آسمان، چرت زدن، نوشیدن قهوه، گوش دادن به موسیقی و فعالیت‌های دیگر بودند. با شمارش تعداد افرادی که در این میدان حضور داشتند (در هر نیم ساعت) مشخص گردید که از ساعت ۱۰ صبح تا ۳ بعد از ظهر، تعداد افراد موجود بین ۱۴ نفر (در ساعت ۱۰/۵) تا ۶۵ نفر (در ساعت ۱) متغیر است. از ۵۰۰ جایگاه مخصوص نشستن، در ساعت شلوغی حداکثر ۱۴ درصد - و در کل طول روز ۳ تا ۸ درصد - آنها پر بود. اما آیا آمارگیری انجام شده در ساه اکتبر می‌تواند ارزیابی منصفانه‌ای از میزان استفاده از میدان مورد نظر به دست دهد؟

یکی از عابسان که هر روز از کنار این میدان می‌گذرد اظهار داشت که هیچ زمانی تعداد افراد حاضر در این میدان بیشتر از دو برابر تعداد ذکر شده نبوده است - حتی در روزهای آفتابی بهاری یا تابستانی.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا تعداد استفاده کنندگان می‌تواند معیار درست و مناسبی برای قضاوت در مورد فضا باشد. این به هر حال یکی از روشهای موجود است و با توجه به اینکه یکی از اهداف اولیه طراح ایجاد فضایی مناسب برای نشستن افراد بوده است، این روش در این مورد خاص می‌تواند

مدیران شهری همواره در جست‌وجوی طراحی هستند که بتوانند ایده‌های آنها را از طریق طراحی مناسب در فضاهای شهری کمیاب و گران قیمت شهرشان متجلی کنند. طراحان نیز آگاهند که محصول طراحی آنها اثری است که اولاً به عموم تعلق دارد و نمی‌توان با آن سرسری یا حتی سلیقه‌ای - مانند یک اثر شخصی - برخورد کرد، پس باید مبتنی بر نیازها و اهداف اجتماعی باشد. ثانیاً طراحی باید مبتنی بر اصول زیبایی‌شناسی شهری باشد. اثر شهری، اثری ماندگار است که معمولاً سالهای متمادی در انتظار تماشاگران بی‌شمار قرار می‌گیرد لذا چشم‌نوازی و زیبایی آن همواره مورد تأکید است. ثالثاً پروژه باید دارای بازده باشد البته منظور آن نیست که نتیجه طراحی همواره بستری برای درآمدزایی ایجاد کند، بلکه این است که پروژه حداکثر منافع را برای شهر از جهات مختلف فراهم آورد.

اغلب پروژه‌ها انتظار مدیران، بهره‌برداران و حتی طراحان را به خوبی برآورده نمی‌سازند. یکی از علل این رخداد ناقص بودن ابزارهای تخمین نتایج طراحی است. به عبارتی دیگر انواع نقشه‌ها، طرحهای شبیه‌سازی شده کامپیوتری و توضیحات معمولاً نمی‌توانند نتیجه پروژه را به دقت متجسم سازند. از سوی دیگر به جای آنکه شناخت نیازها و انتظارات مردم از طریق روشهای علمی پژوهشی انجام پذیرد، مبتنی بر حدس و گمان و نهایتاً دریافت کلی کارشناسی و عقل سلیم (۳) صورت می‌گیرد؛ که به هر حال هیچ‌گاه جایگزین کاملی برای روشهای علمی نیست. برای جلوگیری از تکرار این پدیده که به هدر رفتن سرمایه، زمان و مهم‌ترین منبع شهر یعنی فضای شهری می‌انجامد، چاره‌ای جز بررسی تجارب موفق و ناموفق گذشته - چه در ایران و چه در کشورهای دیگر - وجود ندارد. البته شاید مرور تجارب ناموفق اگر چه خلاف عادت است پندآموزتر نیز باشد، چرا که راههای موفقیت را نشان می‌دهد.

با توجه به این امر، در اینجا به مرور تجربه‌ای پرداخته می‌شود که نتایج مورد نظر را به بار نیاورده است. هدف این است که مذاکره در این تجربه، از اشتباهات مشابه جلوگیری کند.

اکنون در میدان جاویس مصداق یافته است. وقتی کسی در این میدان می نشیند (جز در قسمتهای خارجی) در تمامی جهات منظره خسته کننده‌ای از نیمکتهای سبزی پایان با تکیه گاههای بتنی و کفپوشها، نرده‌های سیاه و سطوح آسفالت مشاهده می شود.

در اینجا هیچ چیز شگفت آوری وجود ندارد و همه چیز یکسواخت و معمولی است شاید تصاویر و مدل‌های کامپیوتری که مبنای تصمیم گیری بودند، جذاب تر از واقعیت به نظر می رسیدند. یا حذف درختها و ایجاد پنج تپه پوشیده از چمن، فضاها مطابق آنچه که طراح اظهار داشته است تقسیم نمی شوند و این تپه‌های پوشیده از چمن تأثیر چندانی در ایجاد حس سبزی در این فضای پوشیده از بتن و سیمان و تخته‌های رنگ ننده ندارند.

از سوی دیگر در تعریف بسیاری از مردم، گروه‌های کوچک و صمیمی شامل ۲ تا ۴ نفر است. بدین ترتیب نیمکتهای مارپیچی میدان که ۱۰ تا ۳۰ نفر را در خود جای می دهند، حتی اگر پر شوند، نمی توانند «صمیمانه» باشند.

این حس‌های رو به خارج به مردم این امکان را می دهند که به بیرون نظر کنند اما صمیمی و دنج نیستند.



لیو یورک - میدان جاویس

زمانی که تعداد استفاده کنندگان از مکان عمومی متغیر یا غیر قابل پیش بینی باشد، می توان با در نظر گرفتن برخی جایگاههای خاص نظیر جداول کنار باغچه‌های چمن کاری، پلکانها، لبه‌ها و مانند اینها مشکل جای نشستن را حل کرد

فضاهایی مورد توجه بهره‌برداران هستند که ساکت و بی هویت نباشند ولی متأسفانه این صفات اکنون در میدان جاویس مصداق یافته است. وقتی کسی در این میدان می نشیند (جز در قسمتهای خارجی) در تمامی جهات منظره خسته کننده‌ای از نیمکتهای سبزی پایان با تکیه گاههای بتنی و کفپوشها، نرده‌های سیاه و سطوح آسفالت مشاهده می شود

مطابق آنچه طراحان و منتقدان طراحی انجام می دهند، باید در مورد هر مکان به شکلی دقیق، مطلب نوشت و صحبت کرد در این زمینه باید به سؤالاتی از قبیل موارد زیر پاسخ داد و سپس یا به عرصه طراحی یا نقد طراحی نهاد. هدف غایی از طراحی فضای عمومی چیست و تعریف مکان خارج از خانه چیست؟ تعریف محل عمومی و خصوصی چیست؟ بنابراین اینکه مجله نیویورک تا به این مکان را به عنوان پارک عمومی، شگفت‌انگیز معرفی می کند وقتی پذیرفته است که ملاکهای ارزیابی مشخص باشد، به نظر منتقدین این توصیف نامربوط است و این پارک توانسته به اهداف خود دست یابد.

امینواریم زمانی که توسعه میدان فولی (۴) به اتمام رسیده این دو مکان متضاد با یکدیگر مقایسه نقدانه شوند که معلوم شود آیا مردم نیویورک فضا سازی آکسترد را که شوارتز آن را رد می کند قبول دارند، یا مارپیجهای طولانی موجود در میدان جاویس را؟ تا زمانی که مطالعات مقایسه‌ای از این قبیل، بخشی از تحقیقات عمومی را تشکیل ندهند نمی توان در مورد چگونگی طراحی فضای عمومی به توافق دست یافت.

مناسب باشد. لیکن آیا امکان استفاده بهتر از فضا و هزینه، برای ۷۵ در صدی که مورد استفاده قرار نمی گیرد، برای طراحی وجود نمی داشت؟

زمانی که تعداد استفاده کنندگان از مکان عمومی متغیر یا غیر قابل پیش بینی باشد، می توان با در نظر گرفتن برخی جایگاههای خاص نظیر جداول کنار باغچه‌های چمن کاری، پلکانها، لبه‌ها و مانند اینها مشکل جای نشستن را حل کرد. در این صورت وقتی که این مکانها به صورت پراکنده مورد استفاده قرار گیرند، عملاً چندان خالی به نظر نمی رسند تحقیقات انجام شده، مشخصاً نشان داده است که مشاهده طبیعت باعث کاهش میزان فشار روحی افراد می شود ولی تپه‌های پوشیده از چمن موجود در این میدان تأثیر چندانی در این مورد نداشته‌اند.

نباید انتظار داشت که این میدان به صورت نوعی پارک شهری -مانند پارک آلمستد (۵)- در آید، اما به هر حال نیازهای مختلف استفاده کنندگان می توانست به روشی خلاقانه‌تری نسبت به تعبیه جایگاههای نشستن به طول ۱۵۰۰ فوت حدود ۵۰۰ متر طراحی شود.

حتی شوارتز نیز پذیرفت که فضاهایی مورد توجه بهره‌برداران هستند که ساکت و بی هویت نباشند ولی متأسفانه این صفات

این مقاله از مجله روبر تو چه شده است؟
Clare Cooper Marcus, 'Can There Beo Much Seatings?',
Landscape Architecture,
February 2000, PP. 132 f-33.

دوران سیاه

1. Javits

۲- متخصص طراحی منظر و استاد

دانشگاه کالیفرنیا

3. Common Sense

4. Martha Schwartz

5. Olmsted

6. Foley



میدانهای عمومی فرانسه فضایی مناسب برای گفت و گو

ترجمه: مینو موسوی

در میدان عمومی، شهروندان به این باور دست می‌یابند که هویت‌های گروهی باید حفظ شوند و استقلال در مقابل گروه‌های سیاسی نیز باید تقویت گردد. عملکردهای عمومی شهر باید مورد بررسی قرار گیرند تا این اطمینان حاصل آید که اینها به صورتی کاملاً اصولی و آگاهانه به مرحله انجام در می‌آیند.

داخل شدن در این بحث‌های گروهی افراد را مسئولیت‌پذیر می‌سازد و بدین ترتیب شهروندان دیگر نمی‌خواهند که وحدت و هماهنگی خود را از دست بدهند.

شناخت دقیق فواید حاصل از مشارکت با مؤسسات مختلف و نوآوری‌های آنها، که در بحث‌های گروهی مطرح می‌شود، استقبال از عملکردها و حمایت و پشتیبانی از آنها را به دنبال خواهد داشت؛ و بدین ترتیب قانونی مبنی بر حمایت مستقیم از افراد شایسته اطلاع‌رسانی صحیح و مشارکت‌های اصولی و فنی شکل خواهد گرفت. مشارکت نباید تنها برای مقرر کردن برخی امور باشد، بلکه باید ضرورت وجود ابزارها و امکانات را نیز تأیید کند. مدت‌های مدید است که ضرورت آموزش گفت‌وگو میان افراد گروه‌های مختلف و شنیدن سخنانی که حتی در برخی موارد نیاز به ترجمه دارد، مطرح می‌شود. شهروندان در میدان عمومی شهر امکان نوآوری و ابتکار، بحث و گفت‌وگو، ارائه درخواست برای مشارکت در زمینه‌های مختلف، شرکت در دیدارها و نشست‌ها، تبادل اطلاعات و مانند اینها را، با اقرار گرفتن در جمع عمومی، خواهند داشت.

بنابراین میدان عمومی فرانسه به تجهیزات خاصی مجهز شده‌اند تا فضای لازم و مطلوب برای بیان نظریات و عقاید فراهم آید و تمام جنبه‌های لازم برای آزاد بودن افراد و احساس آرامش آنها مهیا باشد.

افسران می‌گویند که در میدان عمومی حضور می‌بایند باید حق لازم برای تعریف چهار جنبه‌های ضروری این مکان، و اصول و قوانین بحث‌های مطرح شده را داشته باشند؛ و نیز باید ارزیابی عمومی و دائمی نقش خود را در شهر به عهده گیرند. برای تمام افراد (شهروندان، نمایندگان و متخصصان) لازم است که تضمین لازم را برای ساخت دوباره شهر داشته باشند تا پروژه‌های پیشنهادی را

پروژه «میدان عمومی، مکانی برای بحث و گفت‌وگو» گامی نو در جهت توسعه شهروندی در فرانسه است و در چارچوب نگاهی دوباره به شهر و سازماندهی اصولی آن با تکیه بر اصول «شهروندی و دموکراسی محلی» به مرحله اجرا در آمده است. از آنجا که به زعم برنامهریزان این پروژه شهروندان، اقتدار لازم را برای ساختن شهری بهتر در قرن ۲۱ فراهم می‌سازند. مشارکت شهروندان امری مهم تلقی می‌شود. در میدان عمومی، شهروندان همراه با نمایندگان و متخصصان برای برگزاری نشست و گفت‌وگو درباره فعالیت‌های مربوط به شهر به دور یکدیگر جمع می‌شوند، در مورد دموکراسی محلی و نحوه اجرای آن بحث و گفت‌وگو می‌کنند، نیازهای جدید را در این زمینه مطرح می‌سازند و سپس آنها را مورد بررسی قرار می‌دهند. این مقاله، مراحل و ابعاد مختلف تجلی‌گامید شهری در تعاملات اجتماعی را با مطالعه میدان‌های عمومی فرانسه مورد بررسی قرار می‌دهد.



میدان عمومی فرانسه به تجهیزات خاصی مجهز شده‌اند تا فضای لازم و مطلوب برای بیان نظریات و عقاید فراهم آید و تمام جنبه‌های لازم برای آزاد بودن افراد و احساس آرامش آنها مهیا باشد

اجرای عملکردهای آن نیز استحکام می‌یابد. دموکراسی مبتنی است بر حق انتخاب و ایجاد تحول، با یافتن راه‌حلهای دائمی و مشارکتی یا مشارکت عموم شهروندان در میدان عمومی شهر. همه شهروندان خواستار توسعه شهر و کشورشان هستند و در این امر نفع مستقیم خودشان را می‌بینند و امیدوارند که توسعه‌ای پایدار و معتبر را که به نفع خود آنهاست، به وجود آورند.

مردم شایسته‌ترین قدرت محسوب می‌شوند تا با مشارکت در عملکردهای شهر خود و ارزیابی مداوم آنها، منابع مختلف شهر و منابع طبیعی را بهتر بشناسند و با استفاده صحیح‌تر از طبیعت در جهت حفظ محیط زیست سهیم باشند. سیاستهای اجرایی باید به نحوی باشد که اختلافات رایج سمت ایجاد تداوم و وحدت در عملکردهای مختلف سوق دهد. دستاویزی به تعریف صحیح و جدید از شهروندی، شهر و ساکنان، همکاری و خلاقیت، محورهای اصلی بحث و گفت‌وگو در میدان عمومی شهر است که برای شکل گرفتن «شهرونداروبایی» به وجود آمده‌اند.

دیدگاههای شهروندان درباره «میدان عمومی شهر»، نشان می‌دهد که این فضا عبارت است از مکانی برای ایجاد انگیزه، تحرک و تلاش، دیدار و گفت‌وگوی دلالانه در میان شهروندان اروپایی؛ که در واقع نقش و جایگاه ساکنان را برای مشارکت در «ساخت بهتر شهرشان» تعیین می‌کند. طرح میدان عمومی شهر در سال ۲۰۰۰، براساس این نقش اساسی برای مشارکت ساکنان شهر، به وسیله مستولان فرانسوی، اروپایی و بین‌المللی به اجرا درآمده است.

برای تحقق شهروندی و دموکراسی محلی باید پروژه‌هایی با مشارکت ساکنین در میدان عمومی تعریف و اجرا شود. به منظور تحقق این امر و اعمال آن در فرایند سیاستگذاری عمومی تیم‌هایی گزارشگر دولتی‌بانه رویدادهای مهم شهر را طی گزارش‌های متعدد تهیه می‌کنند. این گزارش‌ها در سمینارها و کنفرانس‌های خطبوعاتی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و نتایج آن به وزیر مربوطه در فرانسه و نماینده پارلمان اروپا منعکس می‌شود. براین

برای بحث و گفت‌وگو مطرح کنند. شناخت کافی امور مربوط به شهر و سواددی که با فعالیتهای گوناگون مرتبط است. برای تمام افراد اسیری ضروری محسوب می‌شود. شهروندان باید با اهمیت شبکه‌ها و گروههای مختلف و برگزاری دیدارها و گفت‌وگوهای فرا مرزی آشنا شوند. در حالی که مؤسسات مختلف بحث و گفت‌وگو را برای فعالیتهای مختلف - با برقراری ارتباط نزدیک - مهم تلقی می‌کنند. ساکنان شهر نیز نمی‌خواهند تنها در چارچوب محله خود باقی بمانند، بلکه آنها می‌خواهند که مسائل روزمره زندگی‌شان را در ابعادی وسیع‌تر بشناسند. مسائل مربوط به نحوه استفاده از ساختمانها، حمل و نقل و رابطه آن با سلامت، آموزش و تحصیل و مسائل قانونی و مرتبط با اجرای عدالت و نظایر اینها، در زمره مشارکتها می‌است که باید به روشی اصولی در جهت سازماندهی و تقسیم‌بندی صحیح فعالیتهای مطرح کردن و شناخت نقصهای موجود صورت پذیرد. اگر مشارکت در مکانهایی عمومی برای تجدید حیات شهری و پروژه‌های آن شکل گیرد، تداوم در





چه شهروند عادی و چه متخصص، هیچ‌گاه همگان همواره از نحوه اجرای مؤسسات راضی نیستند. نبر چه شهروند عادی و چه متخصص، همه دارای تجربیات و حق حیات و صحبت کردن اند. ما در جست و جوی فضای بحث و گفت و گوی عمومی هستیم که با گردآوری عقاید و نظریات مختلف، فکر و استدلالی گروهی را - بدون منافع شخصی - به وجود آوریم؛ کلام و فکری گروهی که باید در عملکردهای محلی به کار برده شود. از طریق آن اختلافات موجود با تعامل دو سویه علم، دانش و ثروت حل شده و دگرگونی اساسی در روابط اجتماعی صورت پذیرد.

هر کس (چه مسئول اجرایی باشد چه شهروند) می‌تواند در عملکردهای گروهی سهمیه باشد. ظرفیت و صلاحیت لازم برای

اساس مشارکت شهروندان، از طریق کنفرانسهای مطلوبی و حتی از طریق گروه‌های خبری خارجی، دائماً به اطلاع عموم رسانده می‌شود. بنابراین اقتدار شهروندان در پروژه‌ها و فعالیتها محترم شمرده می‌شود تا شایستگی و ظرفیت لازم را برای مشکل‌پذیری صحیح و کامل داشته باشند. اینها شرایطی هستند که جدی گرفته می‌شوند. دیدگاههای موجود در مورد دارائی‌های عمومی شهر باید عمده‌تر مورد بحث قرار گیرد و در واقع جنبه‌های خاص و منافع شخصی نباید مد نظر باشد.

باید برنامه‌های آموزشی را در میدانهای عمومی برگزار کرد و به شهروندان این امکان را داد تا از نقشهای اصلی و عمده سازمان‌های دولتی و غیردولتی (شهرداریها و جز آن) آگاه شوند. باید

افرادی که در میدان عمومی حضور می‌یابند باید حق لازم برای تعریف چارچوبهای ضروری این مکان، و اصول و قوانین بحثهای مطرح شده را داشته باشند؛ و نیز باید ارزیابی عمومی و دائمی نقش خود را در شهر به عهده گیرند

بررسی مشکلات موجود، بهبود شناخت مربوط به تجربیات روزمره، آموزش طرح و اجرای پروژه‌های مشارکتی، درخواست مکانها و روشهایی برای تحقق پروژه‌ها، روش‌هایی است که شهروندان قدرت اجرایی لازم را خواهند یافت.

برای ایجاد شهری جدید و قدرتمندتر، برای ایجاد شرایط مثبت در جهت دموکراسی محلی، برای احیای دموکراسی و زمینه‌های اطلاعات بیشتر هر کس باید حق بیان داشته باشد و بیشتر در قدرتی که متعلق به خود است سهم گیرد. از این فرصت می‌توان برای نیل به اطلاعات استفاده کرد و تجربیات گوناگون را مورد بررسی قرار داد. باید به فردا خوشبین بود و به پیشنهادهای ساکنان گوش داد. گذار از بدبینی به خوشبینی، زمینه‌ساز مشارکت فعالانه شهروندان در اداره امور شهرهاست. مشارکتی که می‌تواند ابعاد مختلف از قبیل نظارت بر نحوه هزینه بودجه شهر و تجهیز فضاهای شهری به منظور نهادینه کردن توسعه محلی را دیدار داشته باشد. مشارکت فعالانه شهروندان عملگر دموکراسی مدیترانه‌ای و کمبودها و نقائص مشخص و راه‌حل‌های مناسب جهت مرتفع ساختن آنها ارائه می‌کند.

متخصصان، مستقل از شهرداریها و سایر نهادهای خدماتی باشند تا بتوان ارتباطی سالم و عاری از اجبار میان شهروندان و نمایندگان آنها جهت توسعه و پیشرفت شهر برقرار کرد تا بدین ترتیب زمینه قدرت بیشتر برای فعالیتهای شهروندان، فضاهای عمومی مشارکتی بیشتر و قوی‌تر برای بحث و گفت و گو در جهت ساخت کلی شهر و ایجاد روشهای قابل بهره‌برداری بیشتر برای شکل‌پذیری شهروند مطلع فراهم گردد.

شهروندان شایستگی لازم را دارند زیرا بهتر از هر کسی نیازهای واقعی خودشان را می‌شناسند. هر شخص یا هر شهروند موقعیتی را برای سؤال کردن و صحبت کردن دوباره مسائل روزمره خود خواهد داشت. شهروندان باید برای انجام امور شهروندی، شرایط زیر را دارا باشند:

قدرت نفوذ بیشتری داشته باشند؛ باید بدانند که چگونه عمل و عکس‌العمل نشان دهند و قدرت تصمیم‌گیری نیز داشته باشند. باید ظرفیتهای لازم را که به آنها نیاز دارند داشته باشند تا از منابع مختلف بهتر استفاده کنند. استفاده بهینه از این منابع در فضاهای عمومی شهر با اتکاء به فن‌آوری‌های جدید امکان‌پذیر است. تازه‌میسره گفت‌وگو و تفاهم میان شهروندان و دولت فراهم شود زیرا

این مقاله از منبع زیر ترجمه شده است:
www.espacePublique



تالار شهر پاریس، مکانی برای تجدید خاطره‌ها

مرکز فعالیتهای اجتماعی شهرداری پاریس در تالار این شهر، مراسم سالگرد ازدواج زوجهای سالخورده را برگزار می‌کند. این مرکز که وابسته به شهرداری پاریس است، برای زوجهای سالمندی که سالیان دراز در کنار یکدیگر زیسته‌اند جشن سالگرد ازدواج برپا می‌کند تا یاد خاطرات شیرین گذشته را زنده سازند. در این جشن که به «جشن طلایی» معروف است و از فوریه سال ۲۰۰۰ برگزار شده است هدایایی به زوجهای سالخورده تقدیم می‌شود.

از دیگر اقدامات شهرداری پاریس، اعلام روزی با عنوان «شهر بدون ماشین» است که روز ۲۲ سپتامبر هر سال، از ساعت ۱۲ الی ۱۹، برای این منظور در نظر گرفته شده است.

که بخشی از آن در کنار ساحل قرار دارد. گفتنی است در این روز ۱۳ پارکینگ سه‌روزه‌های رایگان در اختیار عموم قرار می‌دهند.

ترجمه: میمنه موسوی
منبع:
WWW.Mairie.de.paris

در این روز تهیه برخی وسایل نقلیه عمومی، تاکسیها و دوچرخه‌ها - آن هم در مسیرهای خاص - اجازه عبور و مرور داده می‌شود. به همین منظور، ۲۲۰۰ کیلومتر مسیر دوچرخه سواری در نظر گرفته شده است.

برپایی نمایشگاهها و جشنها، برنامه‌ریزی برای پیشگیری از اعتیاد و بزهکاری در جامعه و به ویژه در میان جوانان، و حمایت از ساخت و سازهای متناسب با ویژگیهای شهر سالم.

این هیئت اقدام مهم دیگری را در حمایت از سلامتی افراد در محل کار انجام داده است؛ زیرا این نظریه وجود دارد که محل کار نامناسب یکی از منشأهای فرسودگی و افسردگی افراد جامعه است به همین منظور شهرداری مطالعات مختلفی را انجام داده است.

در همین زمینه در هایدلبرگ، دادگاهی با عنوان «دادگاه سلامتی افراد» تأسیس شده است تا افرادی که در محل کارشان مورد حمایت قرار نمی‌گیرند بتوانند به مرجعی قانونی شکایت کنند.

از سوی دیگر، هایدلبرگ در پروژه «عظیم» «شمارکت اروپایی» شرکت کرده تا با اعتیاد و گسترش آن در مدارس مبارزه کند. بدین منظور هفته‌های مختلف با عناوین گوناگونی چون «کودکان سالم در شهر سالم» و جز آن نامگذاری شد.

هایدلبرگ تاکنون موفق شده است بسیاری از مشکلاتی را که در دیگر شهرهای دنیا موجود است از خود دور سازد. در حمال نوشت

منبع:
www.heidelberg.de



هایدلبرگ، عضوی از شبکه جهانی شهرهای سالم

مختلف مردمی در احیای محیط زیست سالم را رعایت کنند.

به همین منظور هیئتی متشکل از سازمانها و نهادهای شهری و زیست محیطی تشکیل گردید و موظف شد وضعیت سلامتی کودکان، شهروندان مسن، بیماران و جوانان را طی گزارشی جمع‌بندی و برای آن برنامه‌ریزی کند.

موضوعاتی که می‌بایست در این هیئت بررسی شوند، عبارتند از: برنامه‌ریزی برای توسعه ترافیک صحیح به منظور حفاظت از محیط زیست شهری، برنامه‌ریزی برای کاهش مواد آلاینده هوا، اطلاع‌رسانی به شهروندان و افزایش آگاهیهای عمومی، آموزش کودکان با

شهر هایدلبرگ آلمان با تصمیم هیئت دولت به عضویت شبکه جهانی شهرهای سالم درآمده است.

با این حرکت، هایدلبرگ موظف شده است تا نکات اساسی برنامه‌سازمان بهداشت جهانی را در کل سیاستهای محلی خود مدنظر قرار دهد.

هدف از عضویت در این شبکه، تضمین سلامتی شهر و کمک به احیای کیفیت بهتر زندگی شهروندان است. لذا بر همین اساس، شورای شهر و شهرداری هایدلبرگ موظف شده‌اند تا مواردی نظیر تساوی حقوق ساکنان، حمایت از محیط زیست، مشارکت شهروندان و حمایت از متکثران و همکناری و یاری گروههای

ایجاد فضاهای عمومی با استفاده از اینترنت و مطبوعات

فرانسویها تا سال ۲۰۰۳ میلادی، ۷ هزار فضای عمومی برای استفاده شهروندان از اینترنت و مطبوعات فراهم می‌کنند.

۲۵۰۰ فضای تعداد یادشده برای استفاده رایگان از اینترنت و سایر رسانه‌های گروهی به وجود آمده است. در این زمینه گروه‌های ویژه‌ای، حمایت از شبکه‌های محلی مشارکتی، مکانهای گفت و گو و تعامل را بر عهده دارند.

جدای از امکانات اشاره شده در چنین مکانهایی برای اطلاع‌رسانی، خدمات دیگری نیز بدین شرح طراحی شده است: ایجاد صندوقهای امانات و قرض‌الحسنه، ارائه خدمات پستی، خدمات اورژانس و ایجاد بانک اشتغال برای راهنمایی جوانان به سمت مشاغل مورد علاقه‌شان. گفتنی است که همه این موارد در حمایت وزارت

ورزش و جوانان، و نیز شهرداریها قرار دارند.

در فضاهای مذکور، شهروندان می‌توانند آزادانه به رایگان با ابزارهای جدید ارتباطی آشنا شوند و از آنها استفاده کنند.

لازم به ذکر است که در این مکانها سالی هم برای مشورت به وجود آمده است و به افراد این امکان را می‌دهد که با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کنند و به تبادل اطلاعات خود در مورد تکنولوژیهای جدید بپردازند.

پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۳ ماهانه بیش از ۳ هزار نفر از این گونه مکانها استفاده کنند.

ترجمه: مینو موسوی
منبع: WWW.espacePublique



شهروندان نیون فرانسه و گروههای حفظ محیط زیست



شهرداری نیون با بسیج شهروندان در قالب گروههای حفظ محیط زیست، این شهر را به عنوان شهری نمونه معرفی کرده است.

این شهرداری با سازماندهی شهروندان در گروههای مختلف در جهت بهداشت و سلامت فضاهای عمومی شهر تلاش می‌کند.

یکی از این گروهها، گروه ویژه پلیس سبز است که از افراد بسیار فعال تشکیل شده است.

اعضای این گروه مناطق شهر را میان خودشان تقسیم می‌کنند و اموری نظیر زحمت و روب‌خیابانها، کنترل بهداشت

مکانهای عمومی، نصب زباله‌دانهای کوچک در تمام سطح شهر، بررسی دائم کانالهای موجود در شهر، کنترل تبلیغات درون شهری و دیگر اموری از این دست را بر عهده دارند.

این گروه را شهرداری به وسایلی کاملاً استاندارد نیز مجهز کرده است. از جمله این وسایلی می‌توان به ابزارهای شیرنگ، جاروهای جدید، ماسک و مانند اینها اشاره کرد.

این گروهها همچنین در جمع‌آوری زباله‌های خانگی نیز - با همکاری دوستانه سایر شهروندان - فعالیت دارند.

جمع‌آوری زباله‌ها هر روز در قسمت

عمرکزی شهر انجام می‌شود. البته هر منطقه از شهر در روزهای خاص پاکسازی می‌گردد؛ به عنوان نمونه در روزهای دوشنبه تا چهارشنبه بخش جنوب شرقی، و پنجشنبه و جمعه بخش جنوب غربی شهر، زباله‌های خود را تحویل می‌دهند.

برای تفکیک زباله‌های جمع‌آوری شده نیز از ۱۲ ماشین ویژه استفاده می‌شود و مسوادی همچون تیشبه، کاغذ، کارتن، آهن و زباله‌های غیرقابل بازیافت جمع‌آوری می‌گردند.

از سوی دیگر، هوای این شهر به دلیل شرایط ویژه جغرافیایی و بادی که از سوی کوههای آلپ می‌وزد بسیار مطلوب است. بادهای آلپی و وجود ساختمانهای کم ارتفاع در نیون باعث شده تا آلاینده‌ها از فضای شهر خارج شوند و هوای مطبوعی برای جذب گردشگران فراهم گردد.

کیفیت هوای نیون به قدری مطلوب است که شهرداری، مکانهایی را به منظور هوا درمانی دایر کرده است.

یکه ایستگاه هواشناسی مجهز نیز به طور دائم کیفیت هوای نیون را کنترل می‌کند و شهرداری برای ارائه خدمات ویژه و کمک‌رسانی به امور فوری که با حفظ محیط زیست شهری مرتبط است، خطوط تلفنی ویژه‌ای را بدین منظور در اختیار عموم قرار داده است.

ترجمه: مینو موسوی
منبع: www.LesVillesVertes



موجود در پارک شنا کرد.

به علاوه، پارکهای دیگری نیز در اطراف لندن وجود دارند که می‌توان با وسائط حمل و نقل عمومی از آنها بازدید کرد. در این پارکها انواع نخلها، گلها و گیاهان غیر بومی، گیاه بامبو و هر گونه گیاهی که در انگلستان نایاب است، یافت می‌شود.

در یکی دیگر از این پارکها که ظاهری یکسرو و وحشی دارد، می‌توان به تماشای حیوانات غیر اهلی همچون گوزنها رفت - و در صورت تمایل در زمستانها حتی از آنها مراقبت کرد.

ترجمه: سیروس موسوی
منبع:
WWW.Google/Hydepark

هنگام صرف غذا، مورد استفاده کارمندان ادارات اطراف قرار می‌گیرند و بهره‌برداری از میدان در زندگی خصوصی بسیاری از شهروندان، امری تصادفی است. با وجود این، امروزه با احساس نیاز به چنین فضاهایی، حرکتهایی برای احیای میدانهای دارای کارکرد تعاملی آغاز شده است.

این حرکتها در قالب نوعی فضاهای نیمه عمومی جدید - شامل بوتیکها،

از جمله دیگر پارکهای لندن، پارک «برایمرو هیل» است که در طول ماههای تابستان، مردم از نواحی مختلف برای استفاده از سایه خنک درختان، خواندن کتاب و روزنامه، یا چرتی کوتاه، به آن می‌آیند.

پارک «هام استیده» نیز از جمله پارکهای است که در سیزده متر و قرار گرفته است. این پارک محل توقف مسافران و سیرکهای عبوری است.

در هام استیده می‌توان با پرداخت اندکی پول به ماهگیران حرفهای، از آنان خواست تا به فرزندان ماهگیری بیاموزند؛ و در این فاصله نیز می‌توان در استخرهای

حتی امروزه نیز در فاصله سالهای ۹۰-۱۹۸۹ تمامی تظاهراتهای مهمی که در کشورهای بلژیک، شرق اروپا، جمهوریهای بالکان و چین به منظور تغییر سیاستها صورت گرفته عمدتاً در میدانهای مهم پایتخت رخ داده است.

اما با گسترش حیطه زندگی خصوصی در شهرها، آنچه که از «پارک» باقی مانده، میدانهای شهری پراکنده و نامرتبلی است که عمدتاً در روزهای کاری و به

پارکهای لندن علاوه بر طراحی زیبای فضای سبز، دارای فضاهای مکث و گفت و گو و تعامل نیز هستند. «هاید پارک» یکی از معروفترین و ممتازترین پارکهای لندن است که از لحاظ جغرافیایی یا خیابانهای اصلی شهر از تپهات دارد.

وسعت زیاد این پارک باعث می‌شود تا مدت زمان زیادی صرف گشتن در آن شود؛ و اقرون بر این، با اجاره قایق کوچکی می‌توان در بخشهایی از دریاچه آن ماهگیری کرد.

بخشی از این پارک برای فضای گفت و گو و سخنرانی آزاد در نظر گرفته شده است که در آن می‌توان در مورد موضوعات مختلف با غریبهها به گفت و گو پرداخت یا اعتراض خود را به سیاستمداران عیان ساخت.

«گرین پارک» دومین پارکی است که بازدید کنندگان به آن علاقه نشان می‌دهند؛ و این به دلیل سکونت ملکه انگلستان در آن است. هنگامی که ملکه در قصر باشکوه این پارک سکونت دارد، برجهما در باروی کاخ به اهتزاز در می‌آیند و در ماههای اوت و سپتامبر بازدید از بخشهای داخلی قصر برای عموم آزاد است.

در پارک «سنت جیمز» نیز که در شمال غربی لندن واقع شده است، قصری وجود دارد که محل کار درباریان انگلیس است.

نکته شایان ذکر در مورد این پارک این است که با مترو می‌توان وارد آن شد و از فضاهای مفرح آن - همچون محل قایق سواری، آشیانه پرندگان در جزیره، کافه و باغ وحش - لذت برد. در بخشی از پارک نیز می‌توان تنیس بازی کرد.

در کنار این پارک، بزرگترین مسجد مسلمانان واقع شده است که در روزهای تعطیل اسلامی میلوا از بازدید کننده

فضاهای مکث و گفت و گو، آنچه در پارکهای لندن می‌توان یافت

فضاهای عمومی در شهرهای امروزی

میدانهای شهری قرون وسطی که «پiazza» نامیده می‌شدند و عمدتاً قلب هر شهر به شمار می‌آمدند، امروزه کارکرد خود را از دست داده‌اند.

این مکانها عموماً فضاهایی آزاد برای تجمع، برگزاری جشنها و مراسم عزاد، شنیدن اخبار، خرید مایحتاج زندگی و گفت و گو درباره سیاست بوده‌اند و شهرها بدون میدانهای مذکور مرده محسوب می‌شدند.

اجتماعات محبوب می شوند، هر چند که قفرا و گرسنگان از چنین فضاهایی، تلقی «خانه» می کنند.

طرز احسان شهری برای گسترش فضاهای باز و عمومی دست به تغییراتی در سیمای شهرها زده‌اند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: احداث مسیر دوچرخه‌سواری در امتداد خطوط راه‌آهن شهری، خارج کردن حیاط مدارس از شکل سنتی خود و تبدیل آنها به پارکهای محله‌ای و مکانهایی برای پیک‌نیک، ممنوع کردن عبور و مرور خودروها در خیابانهای پررفت و آمد و تبدیل آنها به مسیرهای ویژه پیاده، پارکینگهای انومیل نیز که در روزهای تعطیل هفتگی خالی می‌مانند به بازارهای خرده‌فروشی تبدیل می‌شوند.

اقداماتی از این دست در آمریکا باعث شده است که اجرای فستیوالها در شهرهای کوچک و بزرگ، بازیهای نمایشگاهی صناعی دستی و هنری، نمایشهای خیابانی و مسابقات ماراثن و دوچرخه‌سواری به طور چشمگیری افزایش یابد و مردم گریخته از فضاهای دودآلود و آهین به خیابانهای شهر بازگردند.

ترجمه: مهرنوش توکلی

منبع:
Clare Cooper Marcus & Carolyn Francis, **People Places, Design Guidelines for Urban Space**. New York, 1990, PP. 1-7.

معابر شهر تاریخی برلین که درختان زیرفون در آن به وفور یافت می‌شود در انتظار بهسازی و زیباسازی است.

زیباسازی خیابانهای برلین و گسترش میلان شهری آن از سال ۱۹۹۸ آغاز شده است و تاکنون ادامه دارد.

علت اصلی چنین حرکتی بهینه‌سازی فضاهای و تبدیل آنها به مکانهای تفریحی، تفریحی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی عنوان شده است.

قرارگیری کافه‌ها، رستورانها، قهوه‌خانه‌های سنتی و قهوشگاههای صنایع دستی در طول خیابانها و ایجاد دکه‌های قهوه‌فروشی سیار با پیشخدمتهای مرتبه‌دار جاذبه‌های مطلوب گردشگران به شمار می‌آید.

در طرح ساماندهی مدگور، برهمخوانی سنگفرش پیاده‌روها با نمای ساختمانها و عمارتهای کنار خیابان تأکید شده است تا بدین ترتیب از ناهمگونی



قشروش غذا و نشیمنگاههای مناسب این فضاها بلااستفاده می‌مانند.

به همین دلیل امروزه در برخی از شهرهای آمریکا شرکتیهای مأمور طراحی فضاهای عمومی شده‌اند تا فضاهای مدگور به گونه‌ای طراحی شوند که شهروندان در آنها احساس آزادی کنند. این موضوع با ساخت دهلیز، سرسرا و هتل در اطراف میدانها پیگیری می‌شود.

بدین ترتیب سعی می‌شود دامنه تحولات و احیای فضاهای عمومی به پارکها نیز گشوده شود. به هر حال برخی از پارکها در نزد عده‌ای هنوز مکانی برای ورزش، تفریح، بازی و تفکرند و برای عده‌ای نیز مکانی برای ملاقات و

کافه‌ها و قهوشگاههای خاص - ظهور یافته است.

البته برخی از کارشناسان طراحی شهری تنها حضور بافتن در این مکانها را کافی ندانسته و در مخالفت با این روند اظهار داشته‌اند که چنین مکانهایی تنها در دسترس افراد ثروتمند است و بسیاری از مردم در مکانهای مدگور پولی خرج نمی‌کنند و صرفاً برای دیدن نمازده و یا نشستن و تماشا می‌آیند. به آنها مراجعه می‌کنند.

از جمله دیگر برنامه‌ریزیها برای ایجاد فضاهای باز و عمومی، افزایش مرتفع‌سازی است اما به دلیل در نظر نداشتن وسایل رفاهی مانند مکانهای



شهر درختان زیرفون در انتظار بهسازی

بناهای تاریخی با سنگفرشهای جدید جلوگیری شود. به عبارت دیگر شعار «خیابانها باید مطابق وضعیت شهری باشند» سرلوحه بهسازی و وضعیت ظاهری بولین قرار گرفته است.

از دیگر اقدامات در خصوص رسیدگی به وضعیت شهر بولین، توجه به تفرجگاههای حومه شهر است که عمدتاً فراموش شدهاند و با رشد گیاهان خودرو به شکل قبرستانهای متروکه درآمدهاند. این رویکرد از آنجا ناشی می شود که کاروانتهای تورستی سیاری که از بولین عبور می کردند در اطراف مکانهای مذکور چادر می زدند و پتاسیل منطقه را برای ایجاد یک مجتمع اقامتگاهی عرضه می کردند. زیباسازی معابر زیردرختان زیرفون تا بدانجا اهمیت دارد که برای جلب طرجهای مناسبه که در آنها علاوه بر زیباسازی

فضای خیابانها به نمای ساختمانهای قدیمی نیز توجه شده باشد، سابقه ای تحت نظارت مستقیم مجلس سنای آلمان برگزار شده است.

از جمله طرحهای برگزیده طراحی کیوسکها و دکلهایی است که با وضعیت درختان کهنسال زیرفون هماهنگی دارند و به شکل سنتی ساخته می شوند.

دکلهای که از سنگهای طبیعی و شیشههای سبزرنگ ساخته شدهاند، و در کنار نیمکتهای چهار گوش در طول خیابان قرار گرفته و با نور غیر مستقیم آراسته شدهاند، احساس دلپذیری را در شهروندان به وجود آورده است.

ناگفته نماند که مله کردن فضاهای شهری مختص فضاهای باز از قبیل خیابانها و پارکها نبوده و فضاهای داخلی ساختمانها و مراکز عمومی را نیز در

بر گرفته است. در این خصوص نیمکتهای ایستگاههای مترو مثال زدنی است. زیرا برخلاف انتظار به شکلی ناراحت و سخت ساخته شدهاند.

راحت نبودن این صندلیها به این دلیل است که تنه ای توان مدت کوتاهی بر روی آنها قرار گرفت و استراحت کرد تا از توقفهای دوازدهدتی و بی مورد، دستفروشی و تجمع افراد بیکار جلوگیری کرد.

اقدامات مذکور ما را به این نتیجه هدایت می کند که برای انجام هر اقدامی در شهر، می بایست به شناسایی یافت موجود، ملزومات مورد نیاز، کاستیها و ایجاد هماهنگی (هارمونی) در بافت و فضاهای شهری اندیشید.

ترجمه: قاسم شاعری کوچکی
منبع:
www.Topos.de



ترجمه: امینو موسوی
منبع:
WWW.Mairie de Marseille

شهرداری ماریسی با هدف احیای مجدد مرکز شهر، این بخش را به مرکزی فرهنگی - تاریخی تبدیل کرد.

این شهرداری ضمن امضای توافقنامه ای با کتابخانه ملی فرانسه، کتابخانه ای را به منظور تحقق بخشی از اهداف توسعه منطقه تأسیس کرد.

کتابخانه مذکور این امکان را به استفاده کنندگان از آن می دهد که از کلکسیونها، اسناد تاریخی و کاتالوگهای منطقه ای استفاده کنند و به دائرةالمعارف منطقه ای نیز که اهمیت خاصی در تاریخ هر بخش از فرانسه دارد، دسترسی یابند.

کتابخانه یاد شده دارای ۳۱ هزار مترمربع بنای مفید است که ۲۵۶ میلیون فرانک هزینه در برداشته و از بخشهای مختلفی مانند بخش پذیرایی، بخش بحث

شهرداری ماریسی کتابخانه منطقه ای تأسیس کرد

و مشاوره، بخشهای مربوط به کودکان، موسیقی، فیلم و مطبوعات تشکیل شده است.

**ماهنامه
شهرداریها
آگهی
می پذیرد**

تجهیزات آب نما
طرح - اجراء - فروش
پس از سالها فعالیت در صنعت آب بهترین
کلاس خدمات عرضه میگردد

شماره: ۲۵۲۶۲۲۶
تلفن: ۲۵۲۰۹۵۱
مستدوق: ۳۱۱-۱۵۶۵۵
کد پستی: ۱۵۶۱۷

شرکت پیمبا
PIMBA CO
تهران

مشیر: آیدرستی، مسکود
پلازمینیا، آریات آب شرب

عمیق‌تر نگاه کنیم همه آنها ایرانی و مسلمان هستند؛ یعنی ما پایه‌های فرهنگی مشترک داریم. مدیران شهری باید به این پایه‌ها توجه کنند و با کار فرهنگی عمیق - و البته درازمدت - مانع از این بشوند که پاره فرهنگها جامعه را به تشتت بکشند و فضای اجتماعی شهر را خراب کنند.

ما این کار را در شهر خودمان شروع کردیم، اگر چه فقط دو سال از شروع این کار می‌گذرد اما نتایج خوبی داده است. و حال ممکن است ۵ یا حتی ۱۰ سال دیگر هم طول بکشد. این بستگی به ریشه‌کردگی افراد دارد. کسی که از روستایی واقع در نقطه دیگری از کشور آمده است، سالهای اول و دوم همچنان تعلق خاطرش را به روستای خودش دارد. کم‌کم از سال سوم و چهارم که بچه‌اش اینجا به مدرسه رفت و خودش شغلی پیدا کرد و زندگی‌اش سر و سامان گرفت، آنگاه احساس تعلق می‌کند. این احساس تعلق خود به خود به وجود می‌آید، اما اینکه شهر داری چه نقشی در سازماندهی این حس و تسریع این فرایند دارند، خود موضوع بسیار مهمی است.

همان طور که می‌دانید در تفکیک فضاهای اجتماعی شهرها، سه واحد تعریف می‌شود: واحد خانوادگی، واحد همسایگی و واحد محله‌ای. واحد خانوادگی تقریباً خارج از اختیار ماست و مدیران شهری باید سائها کار کنند تا بتوانند در واحدهای خانوادگی تأثیر بگذارند. این سطح از تأثیر بیشتر از طریق رادیو و تلویزیون منتقل می‌شود - که اگر در برنامه‌ریزیهای کلان کشور همسو با آموزش حقوق و وظایف شهروندی باشد بسیار مؤثر خواهد بود. در واحد همسایگی روابط از شکل نخستین تقریباً خارج می‌گردد و یک مقدار رسمی‌تر می‌شود. این در واقع بخش غیر رسمی است. در اینجا می‌توان با برنامه‌ریزی تأثیر گذاشت. اما بخشی که مدیران شهری به طور مؤثر و مشخص می‌توانند در آن تأثیر گذار باشند روابط محله‌ای است. حضور شهر داریها در محله‌ها و بین محله‌ها می‌تواند بسیار پررنگ باشد - چه به لحاظ نهادها و گروههای اجتماعی و چه به لحاظ تأسیسات و تجهیزات شهری.

● آیا شما در محله‌های خود تفکیک جغرافیایی دارید؟ بدین شکل که یک گروه قومی در محله خاصی متمرکز شده باشد؟

○ تا حدودی بله. ولی ما این قاعده را تا حدی بر هم زدیم. هدف ما هم این بوده که بتوانیم میان محله‌ها تعاملات اجتماعی ایجاد کنیم. مثلاً در یکی از محله‌های بزرگ ما قومیت خاصی مستقر بود که تعاملات آنها با سایر محله‌ها بسیار کم رنگ و در حد ضروریات بود. در طراحی شهر، نوعی تفکیک جغرافیایی انجام دادیم و امروز در وسط این محله یک خیابان یک طرفه پرتود وجود دارد. شش ماه بعد از ایجاد این خیابانها، معازنه‌ها در دو طرف خیابان شکل گرفت و سرمایه‌ها از محله‌های مختلف به آنجا منتقل شد. ماشینها و آدمها آمدند و روابط با بیرون محله افزایش یافت. به گونه‌ای که محله مذکور امروز یکی از شلوغ‌ترین و شاداب‌ترین محله‌های ماست.

● پس در واقع منظور شما این است که برای انجام هر کاری در شهر - حتی ایجاد یک خیابان - نباید فقط سخت‌افزاری نگریم بلکه برنامه‌ریزی نرم افزاری هم باید برای آن انجام داد.

○ دقیقاً همین طور است. همان گونه که می‌بینید، با انجام یک کار ساده فیزیکی همچون باز کردن یک خیابان، تعامل اجتماعی در منطقه شکل گرفته است. اتفاقاً نکته در خور توجه

در کنار مدیریت شهری همین است؛ یعنی تعامل هم زمان کار سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، البته شاید کارهای دیگر این طور نباشد. مثلاً در اداره ثبت اسناد، مدیر ثبت اسناد به مردم سند می‌دهد و دیگر کاری ندارد که در این سند رفتارها چگونه است. اما وقتی پسرکی ساخته می‌شود یا یک خیابان طراحی می‌گردد، باید رفتارهایی را که در آنجا انجام می‌شوند نیز تعریف و ایجاد کرد. یعنی یک کار دو بعدی است که بسیار هم پیچیده و حساس است. مثلاً اکنون در کدام یک از طرحهای شهری کشور ما جامعه‌شناسی با روانشناسی صاحب‌نظر حضور جدی دارد؟ تقریباً هیچ کدام، چرا که به فکر جدول و اسفالت و جوی خیابانها هستیم اما به فکر آدمها نیستیم.

● بحث ما به دو وجهی بودن کار مدیریت شهری و تأثیر فضاهای بر شکل‌دهی رفتار افراد رسیده است. حال سؤال من به طور مشخص این است که مدیران شهری چگونه می‌توانند در ایجاد گفت‌وگو میان افراد یک شهر - خصوصاً در شهرهایی که گروههای اجتماعی پراکنده‌اند - مؤثر باشند. فراموش نکنیم که کالبدهای مناسب برای گفت‌وگو چه نقشی در این زمینه دارد؟

○ شهر محل تعامل انباشته‌هاست، پس نباید آندیشه‌ها را از یکدیگر دور کرد. حتماً دیده‌اید که در بعضی پارکها ساندلها را پشت به پشت چیده‌اند یا گرد طراحی کرده‌اند بعضی مردم باید با هم قهقهه بکشند تا به نظرشان آن صندلی مناسب بیاید. یا اینکه مثلاً صندلی را درست در راه عبوری قرار داده‌اند و دوست با دو دانشجو که می‌خواهند با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنند، باید دائم مواظب باشند که کسی پای‌شان را لگد نکند. پس می‌بینید که اگر در طراحیهای شهری به ابعاد جامعه‌شناختی قسیمه توجه نشود کارکرد مورد نظر از دست می‌رود. وقتی هیچ آدم اهل گفت‌وگویی وارد پارک نشود، آنگاه پارک به محل شکل‌گیری انواع فساد بدل می‌گردد و کارگردش منفی می‌شود. اگر ماهی این فکر باشیم که یکی از کارکردهای تجهیزات شهری این است که مردم در آنجا با یکدیگر تعامل فکری داشته باشند، آن وقت فضا و فیزیکی کالبد را نیز هماهنگ با آن ایجاد خواهیم کرد. کالبد شهرهای ما در گذشته به گونه‌ای بود که بیشتر به این تعاملات اجتماعی پرداخته می‌شد. مثلاً یکی از وظایف شهرداری در قانون شهر داریها - که با یک اصلاحیه از آن گرفته شده - ایجاد واحدها و رختشویخانه است. امروز در غرب چیزی مشابه آن وجود دارد و کارکرد آن هم بسیار صحیح است. مشکل شست و شوی لباس در محله‌های فقیرنشین به واقع مسائلی جدی است. خانه‌های کوچک بسیاری هستند که مشکل چاه جنسی دارند، یا اصلاً برای اداره زندگی مشکل دارند و مثلاً در خانه‌های ۲۰ متری ۵ بچه زندگی می‌کنند. بنابراین دیگر امکانی برای رعایت بهداشت رختشویی نمی‌ماند. اما اگر یک فضای عمومی برای این کار باشد هم بهداشت خانواده‌ها و شهر رعایت می‌شود. هم تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. خانمها از قومیت‌های مختلف با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و این ارتباط به سطح خانواده‌ها و حساسه‌ها نیز کشیده می‌شود. از حال یکدیگر جویا می‌شوند و این یکی از سنتهای ماست.

● شما گفتید که در شهر خودتان تلاش کرده‌اید فضاهای فیزیکی را به گونه‌ای شکل دهید که در ایجاد تعاملات اجتماعی و فراهم آوردن فضای گفت‌وگو نقش مثبتی داشته باشند. آیا می‌توانید این موارد را ذکر کنید.

○ چند مورد را به طور مشخص معرفی می‌کنم. اینها مواردی



محمد شهر - نمایی از زمینهای کشاورزی داخل شهر

امکانات رفتار مناسب را برای آنها فراهم کنیم. آنگاه خودشان این را کنترل می کنند. در غیر این صورت این انرژیهای نهفته به رفتارهای ناهنجار تبدیل می شود و به تبع آن برنامه ریزی برای رفع این معضلات نیز دشوار تر می گردد.

خانه فرهنگ محمدآباد یکی از فضاهایی است که به تازگی برای ساماندهی به فعالیتهای جوانان شکل گرفته است. در احداث این فضا از امکانات موجود استفاده شده است. محل این خانه فرهنگ قبلاً یک گاوآوردی متروک بوده است. فضای آن بسیار ساده است اما کار کرد دارد. این هم نکته مهمی است که فضاهایی که ایجاد می شود باید متناسب با فرهنگ و سطح زندگی مردم باشد. شهری با خانه های چهل متری که در بسیاری از آنها هنوز تلویزیون نیست فرهنگسرای لوکس را نمی پذیرد و حتی به تخریب آن نیز می پردازد. بنابراین در ایجاد تأسیسات و تجهیزات شهری باید به تناسب آن با محیط نیز توجه داشت.

● توضیح شما در مورد فضاهای کالبدی بسیار کامل و آموزنده بود. در کنار ایجاد این فضاها چه برنامه ریزیهای برای ارتقای سطح فرهنگ و دانش مردم انجام داده اید؟ آیا توانسته اید با برنامه های فرهنگی مشارکت مردم را جلب کنید؟

(برای این کار برنامه هایی را طراحی و اجرا کرده ایم، اما انتظار بازده کوتاه مدت نداریم و می دانیم که باید در بلندمدت منتظر جواب باشیم. یکی از این برنامه ها این است که مینی را برای استخدام مشاوران در نظر گرفتیم. گروه های مشاور هم داریم که به جوانان و خانواده ها مشاوره می دهند. یک مدرسه تئاتر را دعوت کرده ایم و خواستمان را تحت عنوان آموزش شهروندی با او در میان گذاشته ایم. به این ترتیب تاکنون نمایش های کوتاه و تأثیرگذاری، با هدف آموزش مسائل کوچک اما مهم شهروندی، اجرا شده است. در این فکر هستیم که از همین فضاهای موجود استفاده به عمل آوریم و خانه مشق ایجاد کنیم. زمانی که شبکه پنج تلویزیون را به محمدشهر دعوت کردیم، اتوبوس صدا و سیما از برخی کوچه های تنگ و پاریک اینجا رد نمی شد، اما حضور شهر ما در یک شبکه تلویزیونی، در مردم - و خصوصاً بچه ها و نوجوانان - ما حس خودباوری را ایجاد کرد.

علاوه بر همه اینها، من خودم به عنوان شهردار شهر در هر جلسه و نشستی که در شهر برگزار می شود شرکت می کنم و به رغم همه گرفتاریها، همیشه برای گشت و گوی و پرسش و پاسخ آمادام. این دعوتها بیشتر از جانب مدارس و جوانان محله ها صورت می گیرد.

● با تشکر از شما، آیا پیامی برای شهرداران شهرهایی با خصیله های مشابه محمدشهر - که کم هم نیستند - دارید؟

(تنها حرف من این است که کشورهای دیگر مهاجرت را مدیریت می کنند. من هم از خصیله های جامعه مهاجر استفاده کردم. مهاجرت فصلت آدم شجاع و خطرپذیر است و اگر احساس تعلق نکند و بداند که زندگی اش در نتیجه همکاری و مشارکت او بهتر خواهد شد، حتماً با تمام توان مشارکت خواهد کرد چون اولاً شجاع است، و در ثانی به اینجا نقل مکان کرده است که بتواند زندگی بهتری داشته باشد. اما در مقابل اگر برای این قضیه برنامه ریزی نشود همان مشکلات مهاجرت به شهرها و حاشیه نشینی و بیکاری - و به تبع آن فقر و فساد - در شهرها پیش می آید؛ که امروزه شهرهایی با مشکلاتی از این دست کم نیستند. از شما هم تشکر می کنم که محمدشهر را برای مصاحبه برگزیدید.

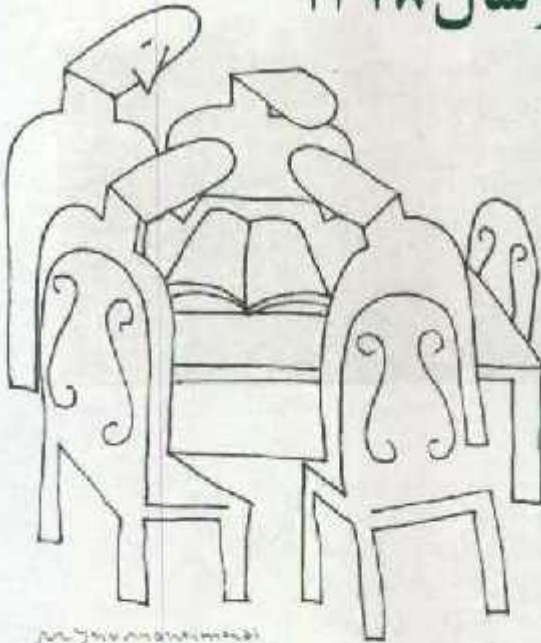
است که خاص شهر ما نیست و شهرهای مشابه می توانند از این تجربیات استفاده کنند و نتایج پر بار آن را ببینند. مردم یک شهر به طور عادی از شهر خود خواسته دارند و مهاجران به شهرها به طور مشخص برای این نقل مکان کرده اند که بتوانند خواسته های بیشتری را محقق کنند. مردم پارک، بیمارستان، مدرسه، سینما، سیستم حمل و نقل، مراکز تفریحی و... می خواهند. اما برنامه ریزی این فضاها و انتخاب آنها و محل استقرارشان برعهده مدیریت شهری است - با رعایت همان جنبه های برنامه ریزی که قبلاً گفتیم. مثلاً ما در محمدشهر شبکه ای را طراحی کردیم که سیستم حمل و نقل درون شهری نزدیک به ۱۰ محله را پوشش دهد. این شبکه در بین محله های چرخد و همه اثر از آن خود می دانند. در حالی که سیستم قبلی این شبکه به صورت مبدأ و مقصد بود و سیمه در یک نقطه ای می ایستاد و مردم از ۱۰ نقطه دیگر می آمدند و سوار ماشین می شدند. اما در سیستم جدید تمرکز از بین رفته است و دیگر پایانه وجود ندارد. حمل و نقل نیز روان شده است و با این کار سخت افزاری، همه محله ها بر این شبکه احساس تعلق و از آن نگهداری می کنند.

مثلاً مردم همه محله ها پارک می خواهند و ما بلند که یک پارک در محله خودشان داشته باشند. اما همان طور که گفتیم، محمدشهر از مجموع چند آبادی تشکیل شده است که اکنون محله های شهر هستند. ما پارکهایی داریم که در فواصل این محله ها ایجاد شده اند و متعلق به دو یا سه محله اند و همه می گویند پارک ما. یک اسم مشترک هم دارد و همه به آن احساس تعلق می کنند البته ممکن است شهرداری در برخی از این محله ها زمینهایی داشته باشد که احداث پارک در آنها بسیار کم هزینه تمام می شود، اما در عوض کار کردن آن محدود است. اگر مدیران شهری به این کار فکر نکنند بعداً باید هزینه های بیشتری متقبل شوند.

الآن در محمدشهر پارکی در حال احداث است که در فضای مستطیل شکل ۲۰ متر در ۲۰ متر، یک ردیف صندلی دورنا دور چیده شده است - با ۳۰ صندلی - و یک ردیف صندلی نیز در وسط و روبروی آنها - با ۷۰ صندلی - قرار گرفته که افراد، مردم، گروهها و جوانهایی می توانند بیایند آنجا و با یکدیگر تبادل نظر و گفتگو کنند. ما باید تربیون را در اختیار گروههای مختلف قرار دهیم و

آمار مراکز فرهنگی متعلق به شهرداریها در سال ۱۳۷۸

دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور



بخش عمده‌ای از اوقات فراغت شهروندان در فضاهای عمومی درون شهری و از جمله در مراکز فرهنگی سپری می‌شود، به‌ویژه زمانی که سودمندی و اثربخشی این اوقات بیشتر مدنظر باشد. احداث و بهره‌برداری از این فضاها نیز همانند فضاهای عمومی دیگر به مدیریت خاص خود نیاز دارد، تا این فضاها به عنوان جزئی پیوسته از حیات شهر و شهروندان بتوانند در غنای فرهنگی جوامع شهری و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان مؤثرتر باشند.

برنامه‌ریزی و مدیریت فضاهای فرهنگی - تفریحی از جمله وظایف عام در بسیاری از شهرداریهای جهان است، اما این گونه فعالیت‌ها در شهرداریهای ایران به دلیل برخی ابهام‌های قانونی (به رغم قوانین مصرحی همچون بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداریها) و سازمانی از یک سو و تنگناها و کمبودهای منابع اعتباری از سوی دیگر رونق و گستردگی کافی و شایسته ندارد. آمار ارائه شده در جدول زیر به خوبی این کاستی‌ها را نشان می‌دهد.

آمار مراکز فرهنگی متعلق به شهرداریهای کل کشور - سال ۱۳۷۸*

نام استان	جمعیت شهری**	تعداد کتابخانه‌های عمومی متعلق به شهرداری	تعداد مراکز فرهنگی عمومی	تعداد فرهنگسراهای متعلق به شهرداری	جمعیت شهری به ازای هر فرهنگسرا	تعداد خانه‌های فرهنگ متعلق به شهرداری	جمعیت شهری به ازای هر خانه‌های فرهنگ
آذربایجان شرقی	۲۰۰۲۴۸۲	۶	۴۴۰۸۰	۱	۲۰۰۲۴۸۲	۳	۶۶۸۱۶۱
آذربایجان غربی	۱۳۱۵۱۶۱	۱	۱۳۱۵۱۶۱	-	-	-	-
اردبیل	۵۶۸۲۸	-	-	۵	۱۱۳۶۹۰	۳	۱۸۶۴۸
اسلام‌آباد	۲۸۳۹۰۷	۲۸	۱۰۱۶۱۱	۱۱	۲۵۲۶۲۷	۲۶	۱۰۸۹۶۶
ایلام	۳۵۶۸۷	-	-	-	-	-	-
بوشهر	۲۹۴۹۸	۶	۶۵۷۶۸	-	-	۱	-
تهران	۱۲۱۲۵۱۸	۳۰	۱۲۱۲۵۲	۶	۲۰۲۰۸۶	-	-
چهارمحال و بختیاری	۳۸۱۳۹	۳	۹۳۳۹	۲	۱۲۱۵۶۹	۱	۲۸۱۳۹
خراسان	۳۱۵۸۷۷	۳	۱۰۵۲۹۹	۲	۱۵۹۳۹۳	۱۵	۳۱۵۸۷۷
خوزستان	۲۱۵۴۱۲	۷	۳۰۸۰۵۹	۱	۲۱۵۴۱۲	-	-
زنجان	۲۳۵۲۶	۱	۲۳۵۲۶	۲	۲۱۷۶۶۳	-	-
سمنان	۳۲۱۲۵۵	-	-	-	-	-	-
سیستان و بلوچستان	۷۱۰۱۲۲	۱	۷۱۰۱۲۲	-	-	-	-
قزوین	۲۱۵۳۷۶	۳	۷۱۷۱۲۲	۵	۴۲۰۷۵۳	۲	۷۱۷۱۲۲
لرستان	۵۶۶۶۱۵	۲	۲۷۳۲۰۷	-	-	-	-
قم	۷۷۶۶۷۷	-	-	-	-	-	-
کرمان	۷۰۵۷۱۵	۱	۷۰۵۷۱۵	۱	۷۰۵۷۱۵	-	-
کرمانشاه	۵۵۷۲۵۹	۲	۲۷۸۶۷۹	۱	۵۵۷۲۵۹	-	-
کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۹۸۳۸۲	-	-	-	-	-	-
گستان	۲۱۳۵۳۲	-	-	-	-	-	-
گلستان	۲۵۳۲۸۸	-	-	-	-	-	-
گیلان	۸۸۲۶۹۷	۳	۲۴۶۳۸۸	۱	۸۸۲۶۹۷	-	-
لرستان	۸۵۰۰۱۶	۳	۲۸۳۲۸۸	۱	۸۵۰۰۱۶	۱	۸۵۰۰۱۶
مازندران	۱۳۲۵۸۸۸	۲	۵۶۲۹۴۲	-	-	۲	۵۶۲۹۴۲
مرکزی	۵۸۸۸۳۳	-	-	-	-	-	-
هرمزگان	۱۶۵۷۸۷	۱	۱۶۵۷۸۷	-	-	-	-
شمال	۸۱۰۶۶۰	۲	۶۰۵۲۱۰	-	-	-	-
یزد	۲۲۷۲۵۷	۱	۲۲۷۲۵۷	-	-	-	-
جمع کل	۲۲۷۲۵۷۲	۸۶	۸۶۱۶۰۱۲	۳۹	۱۰۱۱۲۱۵۸	۵۵	۲۲۷۲۵۷۲

مأخذ: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور - پرسشنامه‌های عمران شهری سال ۱۳۷۸
* در این جدول، آمار شهرهایی که هنوز اطلاعات ضروری را ارسال نکرده‌اند، منظور نشده است. آمارهای جمعیت مربوط به سال ۱۳۷۵ است.



میدان و تعامل اجتماعی

مورد پژوهی میدانهای
آزادی، نور و
هفت حوض



علی صفوری - محمد رضا نظری

بسرور مشکلات اجتماعی فراوان در جوامع شهری ما و از بین رفتن شادابی شهرها و کم رنگ شدن تعاملات اجتماعی در آنها، و متقابلاً قدرت گرفتن زندگی ماشینی، کم کم دست اندر کاران موضوعات شهری به ضرورت این موضوع پی بردند و در صدد آن برآمدند تا با استفاده از سیاستهای مختلف به تقویت عرصه های اجتماعی و گفت و گو بپردازند و به انسانی و سرزنده تر کردن فضاهای شهری اهمیت بیشتری بدهند.

امسار در این میان تحکیم و حضور بی قید و شرط اتومبیل تاکنون کمتر چنین اجازاتی را به شهرسازی ما داده است و البته دلیل این رشد سرطانی ماشینیزم و به طور اخص اتومبیل در زندگی امروز ما، توهم دست پیدا کردن به سرعتی کاذب بوده است. سرعتی که از یک طرف امکان حمل و نقل، جابجایی و ساخت و ساز سریع تر را برای شهروندان مهیا می سازد و از طرفی آنها را ساعتها در محیط شش ماشین شان حبس می کند و فرصت گفت و گو و تعاملات اجتماعی را از آنها می گیرد. بدین ترتیب تعاملات اجتماعی اهمیت خود را از دست می دهند و فضای ارزش کاذب اتومبیل می شوند و در

انجمن سلطنتی معماران بریتانیا^۱ معتقد است که فضاهای شهری باید به عنوان سربهای برای آموزش روابط اجتماعی و انسانی در نظر گرفته شود و دقیقاً به همین خاطر پارسون در سال ۲۰۰۰ جایزه بهترین شهر این انجمن را به خود اختصاص داد. این نکته، و نکات مشابهی که در شهرسازی جدید مطرح شده است، حاکی از بحران شدید ماشینیزم در فضاهای شهری است. در زمان حاضر شهرهای ما به کمبود شدید فضاهای شهری مناسب - که قابلیت پذیرش فعالیتها و تعاملات اجتماعی را داشته باشند - دچار شده اند. در مناطقی که از نظراتان خواهد گذشت، به بررسی و نقد برخی از فضاهای شهری موسوم به میدان - از دیدگاه گفت و گو و تعاملات اجتماعی - پرداخته می شود. به طور اخص کوشش بر این است که تصویری از فضای سه میدان آزادی، میدان نور و میدان هفت حوض در تهران، از جنبه عوامل مؤثر در کارکرد اجتماعی آنها، ارائه گردد.

در واقع رویکرد اجتماعی به فضاهای شهری، رویکردی است که شهرسازی امروز تاکنون به آن توجه چندانی نداشته است ولی با

ادامه هم منافع شخصی کوتاه مدت، جایگزین سود جمعی می‌گردند و توسعه پایدار، محیط پایدار و یا جامعه پایدار فقط در حد شعار باقی می‌ماند.

این تعبیر سبک در زندگی انسانها و سلطه خودرو بر شهرها، در حالی است که نیاز به زندگی اجتماعی در ذات انسان وجود دارد و جزء لاینفکی از زندگی اوست محسوب می‌شود. ولی به خاطر نبود فضاها و امکانات مناسب، که به این نیاز در شهرهای ما پاسخ دهند، و همچنین نبودن هیچ اراده‌ای برای خلق چنین فضاهایی در شهرها مردم دیگر کمتر به این نیاز خود اعتماد می‌کنند، گویی به ناهنجاریهای اجتماعی حاصل از آن نیز عادت کرده‌اند. اینان نمی‌توانند احساس کنند که اگر این تعاملات اجتماعی در جامعه وجود داشت، چقدر می‌توانست به سرزندگی و بویایی اجتماعی جامعه شهری کمک کند و بسیاری از مضامین اجتماعی را که نتیجه حذف این فضاها و این تعاملات در شهرهاست، دست کم محدود سازد. متقابلاً به جای این نیاز ذاتی در انسانها نوعی توهم در نیاز به عاشق ایجاد شده است که جوانگویی به این نیاز باعث دورتر شدن هر چه بیشتر مردم از یکدیگر و تضعیف عرصه‌های اجتماعی در شهرها شده است؛ و دیگر مردم در شهرها جایی را پیدا نمی‌کنند که فارغ از مشغله‌ها و همهمه‌های روزمره ساعتی را در آنجا بگذرانند، یکدیگر را ببینند و یا دیده شوند.

در زندگی امروز، برای گذران اوقات فراغت، باید به وسیله ماشین به مکانی که مخصوص این کار تعریف شده است (مثل پارک، سینما، تئاتر و نظایر آنها) رفت و برای این کار هزینه و وقت تعیین شده‌ای صرف کرد. دیگر شرایط زندگی به گونه‌ای نیست که ما هر زمان که خواستیم و بدون صرف هزینه یا داشتن هدف خاصی مانند قدیم به میدان محل برویم و در آنجا علاوه برداشتن امکان رفع نیازهای روزمره و خرید لوازم مورد نیاز و یا انجام هر گونه فعالیتی که نه می‌توان آن را دقیقاً پیش‌بینی کرد و نه می‌توان آن را از دیگر فعالیتها ایزوله کرد، به تجدید دیدارها بپردازیم و با اقشار مختلف اجتماعی در جوئی آزاد و صمیمی رابطه برقرار سازیم و زندگی اجتماعی را با تمام معنا تجربه کنیم.

کنکاشی در مفهوم میدان

بعد از بیان برخی نکات راجع به تعامل اجتماعی، بهتر است در ادامه راجع به مفهوم دو واژه اصلی مربوط به این مقوله یعنی «میدان» و «فلکه»، که گساربرد اشتباه آن در الفاظ بسیار دیده می‌شود، کمی توضیح داده شود.

در توضیح این دو واژه می‌توان گفت که میدان، محل تجمع افراد و پرور و حضور رفتارهای جمعی و تعاملات اجتماعی است؛ محلی که شهروندان برای گذران اوقات و دیدن یکدیگر به آنجا می‌روند؛ مکانی با مقیاس انسانی و متناسب با رفتارها و ادراکات شخصی پیاده؛ محلی که شکل دهنده بیشتر خاطرات جمعی ماست. نمونه بارز میدان در ایران، میدان نقش جهان است.

اما فلکه، نه محل تجمع بلکه محل توزیع سواره است. مقیاس فلکه متناسب با سرعت و حرکت سواره است و انسان در این فضا جایگاهی ندارد. فلکه دارای کارکردی ترافیکی است و به منظور حذف چراغ قرمز و تسهیل حرکت سواره در تقاطعها به کار می‌رود. و اصولاً واژه‌های مدرن است و توسط آن نیز در اواخر قرن ۱۹ (به دست هنارد) بوده است؛ یعنی زمانی که حرکت سواره جایگزین حرکت پیاده و خیابانهای سریع جایگزین مسیرهای آرگانیک و نهایتاً فلکه هم جایگزین میدان می‌شده است. ولی هنوز هم به رغم گساربری متفاوت میدان و فلکه، این دو واژه بعضاً به جای



میدان علف هوشی

یکدیگر به کار می‌روند. از نظر فی شهرسازان ما نیز در اندیشهٔ دادن نوعی هویت اجتماعی به فلکه‌ها هستند. این کاری بس دشوار و به منزلهٔ در نظر گرفتن توأمان دو کاربری نامتجانس ترافیکی و اجتماعی است در مکانی واحد.

این تلفیق کاربری اگر به شکلی درست اتفاق بیفتد، می‌تواند ساعت رونق و سرزندگی اجتماعی و ایجاد مشارکت اجتماعی در حفاظت و کنترل میدان شود. از طرف دیگر اگر این تلفیق کاربری به صورت وضعیتی رخ دهد، می‌تواند باعث ایجاد ناامنی پیاده، خراب شدن منظر، جلوگیری از تعاملات اجتماعی و جز اینها شود. ولی در هر حال، در هر فلکه‌ای با در نظر گرفتن برخی تمهیدات می‌توان زمینه‌ها و احتمال بروز تعاملات اجتماعی چهره به چهره در مکان را بالا برد. این تمهیدات می‌تواند مواردی از این دست را در برگیرد: ایجاد دسترسی مناسب به فضای میدان، کنترل سرعت و حرکت سواره در اطراف میدان، در نظر گرفتن امنیت پیاده و تسهیلات محیطی لازم مانند مبلمان مناسب، ایجاد محله‌های



میدان علف هوشی



میدان نور

همچنین جین جیکوبز، جامعه‌شناس آمریکایی، نیز ماشین را مهم‌ترین عامل فرسایش در شهرها برمی‌شمارد و تأکید می‌کند که باید به هر نحوی که شده کاری کرد که در شهرها زندگی اجتماعی بر زندگی ماشینی پیروز شود. به اعتقاد وی طراحان شهری موظف‌اند که برای این کار در شهرها چاره‌ای بیابند. حال سؤال اصلی این است که در واقع چه چاره‌ای باید اندیشید تا عرصه‌های جمعی در شهرها پویاتر و تعاملات اجتماعی قوی‌تر شود.

روانشناسان محیطی معتقدند که برای بروز اتفاقی در یک فضا، باید آن فضا در برگیرنده معانی خاصی شود که این معانی - با تبدیل کردن فضا به مکان - به آن قابلیت پذیرش رفتار خاصی بدهند. آنها در این زمینه دو واژه احتمال‌گرایی و امکان‌گرایی محیطی را بیان داشته‌اند و به این نکته اشاره کرده‌اند که مثلاً برای بروز فعالیت جمعی در فضای موردنظر، باید اولاً آن فضا دارای امکانات لازم باشد و ثانیاً روحیه فضا به گونه‌ای باشد که احتمال بروز رفتار خاصی در آن بیشتر شود.

مثلاً برای اینکه میدان به بستری برای تعاملات اجتماعی تبدیل شود، هم باید دارای تسهیلات لازم مانند میلمان مورد نیاز، گوشه‌های سایه‌گیر، امکانات سرگرمی، محل فروش تنقلات، فضای سبز مناسب و هر امکانات لازم دیگر برای شکل‌گیری رفتار در آن فضا باشد و هم از لحاظ نمادین و تاریخی، امنیت و ایمنی، دسترسی، دید به مناظر و نظایر اینها جذابیت لازم را برای تجمع مردم داشته باشد. بدین ترتیب مردم از حضور در آنجا لذت می‌برند و نسبت به فضا ارزیابی مثبت پیدا می‌کنند.

طراحان شهری نیز با الهام از این نظریه روانشناسان محیطی، در سالهای اخیر سعی کرده‌اند که برای باززنده‌سازی و احیای عرصه‌های تعامل اجتماعی در شهرها و ایجاد محیطهایی که پتانسیل لازم را برای بروز تعاملات اجتماعی داشته باشد، معیارها و ضوابطی را ارائه کنند که در کشورهای پیشرفته تا حدی در این کار موفق بوده‌اند.

ارزیابی شهروندان از منظر شهری

جدیدترین نظریه ارائه شده که براساس نحوه ارزیابی انسان از

میدان، محل تجمع افراد و بروز و حضور رفتارهای جمعی و تعاملات اجتماعی است؛ محلی که شهروندان برای گذران اوقات و دیدن یکدیگر به آنجا می‌روند؛ مکانی با مقیاس انسانی و متناسب با رفتارها و ادراکات شخصی پیاده؛ محلی که شکل دهنده بیشتر خاطرات جمعی ماست

سایه‌گیر و محیطهای فروش تنقلات، ایجاد عناصر جذاب برای جذب گروههای سنی و اقشار مختلف اجتماعی و نظایر اینها.

پورسی کارکرد اجتماعی میداتها

همان طور که در ابتدا مختصراً بیان شد، شهرسازی جدید پس از دریافتن این مسئله که محیطهای شهری پویایی و طراوت خود را از دست دادند و ماشینی‌تر یا بی‌روح شده که مقیاسهای انسانی از چهره شهرهای ما رخت بریند، بر آن شد که به نوعی زندگی اجتماعی را به شهرهای ما بازگرداند و روح تازه‌ای به آنها بخشد. مهم‌ترین سد در سرراه انسانی شدن شهرها، به عقیده اکثر دانشمندان، اتومبیل است و باید به هر نحوی که شده از حضور بی‌قید و شرط و گستاخانه آن در فضاهای شهری جلوگیری گردد و سرعت و حرکت آن در عرصه‌های جمعی کنترل شود.

سرج چرما یقه و کریستوفر الکساندر، در کتاب عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی، مهم‌ترین دشمن زندگی اجتماعی و عرصه‌های جمعی را در شهرها، خودرو می‌دانند.



میدان نور

برای بروز فعالیت جمعی در فضای مورد نظر، باید اولاً آن فضا دارای امکانات لازم باشد و ثانیاً روحیه فضا به گونه‌ای باشد که احتمال بروز رفتار خاصی در آن بیشتر شود

محیط مطرح گردیده، نظریه منظر شهری ارزش‌یافته است که جک ناسر (Jack Nassar) آن را مطرح کرده است. براساس این نظریه، ذهن شهروندان به طور مداوم در حال ارزیابی منظر شهری است؛ یعنی در هر لحظه ذهن انسان و نقش‌انگیزی شهر در حال مرور دارند. نیز براساس این نظریه، فضایی برای تعاملات اجتماعی مناسب است که شامل عناصری که مردم دوست دارند باشد و یا به عبارتی مهرانگیز (Likeable) باشد. مهرانگیزی در واقع مشخصه‌ای است که نشان می‌دهد محیط تا چه میزان علاقه مردم نسبت به تجمع، تعامل اجتماعی و گفت‌وگو با یکدیگر را در آن فضا برمی‌انگیزد. دو عامل نقش‌انگیزی و تأثیرگذاری عاطفی محیط، در میزان مهرانگیزی محیط مؤثرند. نقش‌انگیزی متأثر از سه عامل تشخیص فرم، قابلیت رؤیت و اهمیت فضا از لحاظ

میدان نور



عملکردی یا نمادین) است. عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری عاطفی فضا بر احساس شهروندان نیز عبارتند از نگهداری مناسب از فضا، منظم بودن فضا (نظم کالبدی، عملکردی یا ذهنی)، آمیخته بودن فضا با طبیعت، اهمیت تاریخی داشتن فضا، گشودگی فضا و وجود کریدورهای بصری مناسب.

همان‌طور که ملاحظه شد، یکی از زمینه‌های مؤثر در تعامل اجتماعی و ایجاد بستر مناسب برای شهروندان میزان مهرانگیزی و ایجاد تعلق خاطر در فضا در ذهن شهروندان است. حال با اتکا بر نظریه‌های مطرح شده، در ادامه به بررسی فضای مناسب تعاملات اجتماعی در سه میدان آزادی، نور و هفت حوض پرداخته می‌شود.

میدان آزادی، از خاطره ملی تا بستر تعاملات منفی

میدان آزادی از شاخص‌ترین میدانهای تهران همراه با انبوهی از ویسزگیهای مثبت و منفی است. در این میدان روزانه حدود ۵۰۰ هزار سفر شهری صورت می‌گیرد و این امر به دلیل ختم شدن مسیر مسافرهایی است که از اسلامشهر، کرج و شهرکهای غرب تهران (و برخی شهرهای جدید) به این میدان می‌آیند. همچنین مجاورت ترمینال غرب و فرودگاه، و تبدیل شدن میدان و فضای مجاورت آن به پایانه مسافری، به شلوغی آن افزوده است. وجود چندین یادگان و رفت و آمد سربازان نیز مزید بر علت شده است. میدان آزادی مجموعه کاملی است تشکیل یافته از ساختمان یادبود آزادی (شهیدان)، فضای سبز وسط میدان، فضای سبز حاشیه میدان، مسیرهای عبور خودرو و پیاده.

این میدان ایشانه عنوان فضایی تشریفاتی به منظور استقبال از میهمانان عالی‌رتبه خارجی طراحی و ساخته شد. ولی به مرور زمان به عنوان نشانه شهر تهران در ذهن هوایرانی جای گرفت. امروزه ساختمان آزادی یکی از نشانه‌های معماری ایران در جهان شناخته می‌شود. این بنا به دلیل منتهی شدن محورهای بصری و ترفیکی فراوان و ارتفاع زیاد، از فواصل دور نیز دیده می‌شود. در واقع وجه تمایز میدان آزادی با سایر فلک‌ها و میدانهای موجود در کشور، وجود چنین بنای نمادینی در مرکز آن است، و گرنه این میدان نیز - همانند سایر میدانها - جزیره سیزی است. گرفتار در میان اتومبیلها، مسیرهای دسترسی پیاده که در طرفین میدان و به شکل زیرگذر طراحی شده، مشکل دسترسی پیاده به میدان را حل نکرده است.

با وجود اینکه میدان آزادی به عنوان میدانی تشریفاتی طراحی شده بود ولی وقایعی که در سالهای ۷-۱۳۵۶ در زمان انقلاب روی داد، آن را به اصلی‌ترین محل تعاملات اجتماعی و ابراز دیدگاهها و عقاید مردم تبدیل کرد. بعد از پیروزی انقلاب نیز، انجام مراسم مختلف مانند گرامیداشت سالروز ۲۲ بهمن، روز ارتش، هفته دفاع مقدس و نظایر اینها، فضای میدان را به خاطرهای ملی تبدیل کرده است. چنین فضاهاهایی که بستر مناسبی برای برقراری تعاملات اجتماعی و گفت‌وگویی آزاد بدون نظارت ارگان خاصی باشد، در کشور ما کمتر به چشم می‌خورد.

باز بودن فضای میدان علاوه بر اینکه امکان برپایی مراسم مختلف را در آن به وجود آورده، زمینه استفاده مناسب از مناظر زیبایی را هم که به واسطه وجود کوه البرز در شمال تهران وجود دارد، فراهم ساخته است. این در حالی است که محصوریت میدان به واسطه وجود بنای یادبود آزادی در مرکز میدان و فضای سبز حاشیه و تیرهای چراغ و میل برجهای اطراف میدان تعریف شده است.

فضای سبز درون میدان و وسعت زیاد آن باعث می‌شود تا عابران پس از عبور از خیابان و رهایی از جریان حرکتی اتومبیل، از هیاهو و آلودگی صوتی و تصویری خودروها رهایی یابند - ولی به هر حال آلودگی هوا چیزی نیست که بتوان از آن گریخت.

در داخل میدان استفاده از درخت و ایجاد سایه، وجود سکوها و محل مناسب نشستن، حوض آب و سایر امکانات، فضایی مناسب را برای توقف و گفت‌وگو ایجاد کرده است. توجه به نیازهای رفتاری مردم، تعبیه محلهای نشستن، عکس گرفتن، بازدید از موزه، قرار گذاشتن، تجمع کردن و نظایر اینها باعث سرزندگی فضای میدان در روز شده است. ولی در عین حال این فضا، به دلیل عدم توانایی کنترل روی رفتارهای منفی اجتماعی، کیفیت خود را برای تبدیل شدن به محلی برای بروز تعاملات اجتماعی و گفت‌وگوهای شهروندی از دست داده است. بیشتر کسانی که در میدان حضور دارند، با مسافرانی هستند که تازه به تهران آمده‌اند و



میدان نور

چین جیکوبز، جامعه‌شناس آمریکایی، نیز ماشین را مهم‌ترین عامل فرسایش در شهرها برمی‌شمارد و تأکید می‌کند که باید به هر نحوی که شده کاری کرد که در شهرها زندگی اجتماعی بر زندگی ماشینی پیروز شود

با سرمایه‌ان پادگان نزدیک میدان، و یا شاید افرادی که از شهر کهای غرب تهران وارد میدان شده‌اند. به طور کلی اکثریت افراد حاضر در میدان در حال عبور هستند و کمتر کسی برای گذراندن اوقات فراغت خود و ملاقات سایر همشهریان و یا دوستان به این محل روی می‌آورد.

دلیل این امر بیشتر به معضلات اجتماعی و اخلاقی این فضا برمی‌گردد و به رغم امکانات مناسب و پستر کالبدی مطلوب این میدان، کاربریهای ناهمساز جانی این فضا و فقدان برنامه مناسب برای استفاده از فضا در زمانهای مختلف عبوری بودن میدان (پیاده و سواره)، تبدیل شدن میدان به پایانه اتوبوسها، مینی‌بوسها و تاکسیهای خطی، همه و همه باعث شده‌اند که کنترلی روی فضائیتهایی که در این فضا صورت می‌گیرد و افرادی که در میدان

رفت و آمد می‌کنند وجود نداشته باشد. بدین ترتیب بستری مناسب برای انجام انواع تخلقات و جرائم به وجود آمده و این میدان در واقع به محلی برای تعاملات اجتماعی منفی بدل شده است. این امر وقتی مشهودتر می‌شود که شب هنگام، بعد از تاریکی هوا، بی‌خانمانها از فضای میدان برای گذراندن شب استفاده می‌کنند.

از میدان نور فقط باید عبور کرد

میدان نور در منطقه شاپور داری تهران و در محل تقاطع بزرگراههای رسالت، آیت‌الله کاشانی و نور ایجاد شده است. میدان نور در واقع نوعی گره ترافیکی است که نقش تقاطع غیر همسطح را در محل برخورد چند بزرگراه به عهده دارد. درون این فلکه فضای سبزی ایجاد گردیده که هیچ‌گونه فضای باز قابل استفاده‌ای در آن در نظر گرفته نشده است و تنها یک مسیر پیاده در محیط فلکه ایجاد شده است و امکان دسترسی ایمن به فضای فلکه برای شهروندان وجود ندارد. این امر سبب شده تا فضای فلکه شبیه به جزیره‌ای سبز در محاصره انبوهی از اتومبیلها به همراه آلودگی صوتی، تنفسی و بصری حاصل از آن باشد. در واقع حاکمیت مطلق در میدان با اتومبیل است و هیچ توجهی به انسان و عابر پیاده در آن نشده است. فرم فضای سبز میدان شبیه به یک بیضی کشیده است (که فقط در نقشه می‌توان دید) و عابران به دلیل وسعت میدان و فقدان جزایرهای مناسب هیچ‌گاه قادر به ادراک فرم میدان نیستند. جزایرهای میدان متشکل از ساختمانهای مسکونی ساخته شده یا در حال ساختن است که بدون ایجاد هیچ کلیت و وحدتی، و تنها براساس ضوابط خشک شهرداری (۶۰٪ ساخت)، شکل گرفته‌اند و نه تنها کمکی به تعریف حریم و حدود میدان و جزایرها نمی‌کنند بلکه باعث اغتشاش محیط نیز می‌شوند.

میدان نور به دلیل موقعیت خاص خود، دارای ویژگیهای بارزی است. این میدان محل تقسیم شدن بار ترافیکی در محدوده غرب فلکه صادقیه است. بزرگراهها با بریدن و قطعه قطعه کردن بافت مسکونی مسیر خود را پیموده‌اند و به این نقطه رسیده‌اند. این امر سبب شده تا میدان نور ویژگیهای محلی خود را از دست بدهد و بیشتر نقش نوعی فلکه ترافیکی را داشته باشد. که به آن «میدان» نام نهاده‌اند. سرعت بالای رفت و آمد در اطراف فضای سبز میدان نور، آلودگی صوتی شدید و فقدان مسیرهای دسترسی ایمن به مرکز فلکه، باعث شده است که شهروندان علاقه و امکانی برای استفاده از فضای سبز فلکه نداشته باشند و هیچ‌گاه زمانی را برای گفت‌وگو یا سایرین و برقراری ارتباط با دوستان و آشناپان خود در این میدان صرف نکنند. از این رو تصویر ذهنی روشنی از این فضا در ذهن ساکنان منطقه و یا عابران وجود ندارد.

این فلکه با کارکرد صرفاً ترافیکی اش، محل مناسبی برای پیاده و سوار شدن مسافران و انتخاب مقصد بعدی است، ولی هیچ‌گونه امکانات مناسبی برای این کار منظور نشده است و حتی یک ایستگاه تاکسی که بتوان در آن با خیالی آسوده به انتظار ایستاد و می‌بایدگران به گفت‌وگو پرداخت وجود ندارد.

در مورد قابلیت رؤیت در این میدان نیز گفتنی است که با وجود وسعت زیاد میدان و تعدد کربنورهای بصری، مستهی به آن، ایمان یا ساختمان مناسبی در میدان وجود ندارد تا به صورت نوعی نشانه در ذهن شهروندان شکل گیرد. در واقع به رغم اینکه تمام محورها به این میدان ختم می‌شود، تنها با وارد شدن به آن می‌توان فضای میدان را ادراک کرد.

در نگاههای اجمالی، با توجه به نکاتی که ذکر شد، می‌توان



موقعیت میدان هفت حوضی

موقعیت میدان نور



دریافت که میدان نور فضایی مهرانگیز نیست و مردم به آن تعلق خاطر ندارند. دلایل این امر را می توان عواملی چون فقدان مبلمان در میدان، فقدان گوشه های سایه گیر و مناسب برای استراحت، عدم توجه به عابر پیاده و مسیرهای حرکتی مورد نیاز عابران، فقدان عنصر یا جداره نظم دهنده به فضا، آلودگی شدید صوتی - بصری و تنفسی ناشی از تعدد خودروها و عبور سریع آنها در میدان، و نظایر اینها دانست.

با این حال تنها متاثری که از تعامل اجتماعی و گفت و گو میان شهروندان در میان سیل ماشینها دیده می شود، سختی است که بین مسافران و رانندگان برای بیان مقصد و یا پرس و جو کردن غریبه ها به منظور کمک گرفتن از سایر رهگذران برای پیدا کردن نشانی است. این میدان به طور کلی فضایی انسان گریز است که انسان برای دستیابی به آرامش و خلاص شدن از انواع آلودگیها و سرعت سرسام آور خودروها، به سرعت از آن می گریزد و هرگز به ماندن در آن و گفت و گو یا دیگران نمی اندیشد.

میدان هفت حوض از لحاظ اجتماعی دارای بافتی منسجم و ریشه دار است و مردم در این ناحیه از چند نسل پیش با هم آشنایی دارند و به همین خاطر نسبت به هم محله ای ها و محیط خود تعلق خاطر دارند. در اصل این میدان برای آنها نقش نوعی میدان محلی را دارد. آشنایی دیرینه مردم با یکدیگر باعث شده که نوعی سیستم خود محافظ در محله به وجود آید و به نوعی مشارکت مردمی برای ایجاد امنیت اجتماعی و همچنین جلوگیری از وندا لیسم (تخریب گرای) در میدان افزایش یابد.

از لحاظ اقتصادی این محله دارای بافتی همگن است و مردم آن از اقشار میانی جامعه محسوب می شوند و همان گونه که می دانیم، تعامل اجتماعی سالم در میان قشر متوسط، بالاترین میزان را دارد. از لحاظ ترافیکی نیز این میدان دارای نقش چندان مهمی نیست و هیچ گوشه شریان اصلی از آن عبور نمی کند و حتی خیابانهای عبوری موجود نیز به علت تردد زیاد پیاده، خاصیت عبوری سریع خود را از دست داده اند و بدین ترتیب سواره ها در گذر از آن مجبورند بیشتر احتیاط کنند.

توجه به نیازهای رفتاری مردم، تعبیه محله های نشست، عکس گرفتن، بازدید از موزه، قرار گذاشتن، تجمع کردن و نظایر اینها باعث سرزندگی فضای میدان در روز شده است. ولی در عین حال این فضا، به دلیل عدم توانایی کنترل روی رفتارهای منفی اجتماعی، کیفیت خود را برای تبدیل شدن به محلی برای بروز تعاملات اجتماعی و گفت و گوهایی شهروندی از دست داده است.

میدان نور فضایی مهرانگیز نیست و مردم به آن تعلق خاطر ندارند. دلایل این امر را می توان عواملی چون فقدان مبلمان در میدان، فقدان گوشه های سایه گیر و مناسب برای استراحت، عدم توجه به عابر پیاده و مسیرهای حرکتی مورد نیاز عابران، فقدان عنصر یا جداره نظم دهنده به فضا، آلودگی شدید صوتی - بصری و تنفسی ناشی از تعدد خودروها و عبور سریع آنها در میدان، و نظایر اینها دانست.

میدان هفت حوض: فضای تعامل

میدان هفت حوض در ناحیه شرقی تهران و در محله نارمک واقع شده است. این میدان در سال ۱۳۳۲ در انتهای مسیری تجاری معروف به ۳۰ متری نارمک ساخته شد. وجه تسمیه این میدان وجود هفت عدد حوضی است که درون فضای سبز این میدان قرار گرفته اند و بارش آبشاری درون یکدیگر به این میدان جلوه ویژه ای بخشیده اند.

این میدان به خاطر موقعیت خاص خود در منطقه، به زودی به عنوان میدانی مهم مطرح شد و نقشی اجتماعی و تجاری پیدا کرد. از جمله عوامل رشد نقش اجتماعی این میدان در قیل از انقلاب، تأسیس یک سینما در کنار آن بود که با ایجاد عملکردی فرا محله ای به رونق میدان افزود و آن را به یکی از میدانهای مهم شهری تبدیل کرد. البته بعد از انقلاب این سینما تخریب گردید و به پایگاه بسیج مردمی تبدیل شد و بعدها مسجدی نیز در کنار آن برپا گردید. همین مسئله از یک طرف باعث بالارفتن امنیت در محله گردید و میزان جرم را در منطقه کاهش داد و از طرف دیگر باعث تغییر گروههای اجتماعی حاضر در میدان شد. افراد جوان تر که دارای هیجانهای بیشتری بودند دوست نداشتند در محلی که تحت نظارت و کنترل باشد وارد شوند و ترجیح شان این بود که اوقات خود را در جای دیگر سپری کنند.

نقد فضای اجتماعی میدان

رایاپورت (Rapaport)، از پژوهشگران علوم محیطی و رفتاری، معتقد است که برای بروز هر رفتاری در یک محیط - از جمله تعامل اجتماعی یا گفت و گو در یک میدان - هر کس سه مرحله را قبل از نشان دادن عکس العمل خود نسبت به محیط که همان رفتار اوست، در ذهن خود مرور می کند. در مرحله اول شخص می گوشتد از طریق حواس مختلف خود محیط را ادراک کند و با شناسایی آن، نسبت به فضا احاطه یابد. ادراک هر فضا به عواملی همچون بار اطلاعاتی محیط، ظرفیت ادراکی فرد و همچنین وضعیت فرد در لحظه ادراک بستگی دارد. مانند سرعت حرکت خود در لحظه ادراک. البته نکته مهمی که بعداً به تفصیل در مورد آن صحبت خواهیم کرد، و تأثیر زیادی در تسهیل ادراک فضای این میدان دارد، آسانی بودن مقیاسهای این مکان و متناسب بودن بار اطلاعاتی محیط با شرایط ادراک پیاده است.

پس از اینکه شخص توانایی ادراک محیط این میدان را یافت، وارد مرحله شناخت میدان می شود و به بررسی مفهوم و معنای فضای میدان و اینکه این فضا برای چه کاری مناسب است، می پردازد. در این مرحله شخص با توجه به داده هایی که از منظر محیط دریافت کرده است، تصویری ذهنی از محیط برای خود



موقعیت میدان آزادی

داشته‌اند و برای سواری کردن اوقات فراغت خود و گفت‌وگو یا همسفریان و هم محله‌های خود این مکان را برگزیده‌اند.

برای این کار، باید به جنبه‌های مختلف میدان یا نگاهی تحلیلی‌تر نظر کرد و به بررسی ظرایف کار پرداخت. نخست، مقیاس انسانی: از آنجا که انسانی بودن مقیاس مهم‌ترین شرط استقبال انسان از یک فضایست، در ادامه مطلب این خصوصیت در میدان هفت حوض مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابعاد این میدان مانند میدان آزادی چندان وسیع نیست که شخص قدرت ادراک کلیت فضا را داشته باشد و در آن احساس حقارت کند، بلکه هر فرد با ادراک کلیت فضا و درک موقعیت خود در فضا می‌تواند نسبت به محیط احاطه یابد. در داخل میدان نیز تقریباً تمام مقیاسها متناسب با سرعت حرکت شخص پیاده است و کلیت فضا به گونه‌ای است که افراد پیاده در آن فضا به راحتی محیط خود را ادراک می‌کنند و احساس بی‌مکانی به آنها دست نمی‌دهد؛ یعنی به مقدار کافی از محیط اطراف خود اطلاعات دریافت می‌دارند و به راحتی آنها را درک و در ذهن خود تحلیل می‌کنند. ولی اگر شخص سوار ماشین باشد، به علت ریز بودن مقیاسهای محیط اطراف برای سرعت سواره، قادر به تحلیل تمام اطلاعات محیط در ذهن خود نیست و به همین خاطر مجبور می‌شود برای اینکه اشتباهی نکند و اغتشاش محیط برای او آزاردهنده نباشد، به صورت طبیعی از سرعت خود در آن محیط بکاهد. همین موضوع باعث بالا رفتن امنیت پیاده در این میدان و احساس حق مالکیت بیشتر او در این فضا می‌شود.

به قول «جیکوبز»، جامعه‌شناس آمریکایی، در جنگی که میان کارکرد اجتماعی و ترافیکی در شهرها جریان دارد، این بار می‌توان گفت که کارکرد اجتماعی برنده شده است و اتومبیل قبل از ورود به این فضای انسانی باید احتیاط کند و به احترام حضور احتمالی انسان در آن، از سرعت خود بکاهد تا آرامش و امنیت مکان به مخاطره نیفتد.

خصوصیت دیگر این فضا، که نتیجه همین انسانی بودن آن است، صمیمیت و دوستانه بودن فضا برای افراد داخل آن است. در این فضا انسان می‌تواند با آرامش به گفت‌وگو با دیگر شهروندان بپردازد و مطمئن باشد که هیچ گونه آلودگی صوتی، تصویری، تنفسی و یا روانی او را تهدید نمی‌کند.

تنوع و هماهنگی موجود در این فضا نیز قابل تأمل است. هرچند که این فضا تنوع کالبدی خوبی دارد، ولی همان گونه که می‌دانیم تنوع کاربری در محیط اجتماعی بیشترین تأثیر را بر

می‌سازد. مثلاً تصور و ذهنیت او از میدان، فضایی شلوغ و پر جنب و جوش است که دورتادور آن را مغازه‌های کوچک و شلوغ احاطه کرده‌اند.

در انتها، شخص پس از اینکه از طریق خصوصیات بارز فضا ذهنیتی از آن به دست آورد، در مقابله ذهنی بین توقعات خود از فضا و ذهنیت خود از آنجا، فشار ارزیابی می‌کند؛ و یا به عبارتی با گذراندن تصویر ذهنی خود از صلابتهای هنجاری و ارزشی، بررسی می‌کند که آیا این میدان فضای مناسب و پاسخگوی تعامل و گفت‌وگو هست یا خیر. تنها اگر ارزیابی او از فضا مثبت باشد و برای آنجا حس مکان مناسبی متصور شود، عکس‌العمل او نیز نسبت به محیط قاعده‌مند و متناسب با محیط خواهد بود و در اصل از محیط سرخورده نمی‌شود بلکه به محیط جواب مثبت می‌دهد، البته به علت اینکه میدان مورد بحث دارای سرزندگی و پویایی اجتماعی خوبی است، مسلماً نتیجه ارزیابی جامعه از این فضا مثبت بوده است. ولی ما می‌خواهیم بدانیم که این میدان چه خصوصیتی داشته که گروه‌های مختلف اجتماعی از این فضا ارزیابی مثبت



میدان آزادی



میدان آزادی

میدان هفت حوض یکی از میدانهای موفق از لحاظ کارکرد اجتماعی است. در این میدان - به بیان احتمال گرایان بیان احتمال گرایان محیطی - وجود زمینه‌های لازم برای جذب افراد پیاده و تطابق داشتن شرایط محیط و همچنین معانی‌ای که محیط القاء می‌کند با توقعات ذهنی شخص استفاده کننده، که بر اساس نیازهای او شکل می‌گیرد، باعث شده است که احتمال بروز تعاملات اجتماعی و گفت‌وگو در این مکان افزایش یابد

کارکرد اجتماعی است. در این میدان - به بیان احتمال گرایان محیطی - وجود زمینه‌های لازم برای جذب افراد پیاده و تطابق داشتن شرایط محیط و همچنین معانی‌ای که محیط القاء می‌کند با توقعات ذهنی شخص استفاده کننده، که بر اساس نیازهای او شکل می‌گیرد، باعث شده است که احتمال بروز تعاملات اجتماعی و گفت‌وگو در این مکان افزایش یابد

سخن آخر

به طور کلی تعامل اجتماعی در کشور ما دارای جایگاه ضعیفی است. فضاهای عمومی ما بیشتر جنبه تشریفاتی، حکومتی یا مذهبی دارند. ریشه این امر وجود حکومت‌های متمرکز و غیردموکراتیک در این کشور است. ذات چنین حکومت‌هایی اجازه فکر کردن و اظهار نظر کردن را به مردم نمی‌دهد و سعی داشته‌اند تا بیشتر آنها را در داخل نگاه دارند. به همین علت هیچ‌گاه فضاهای عمومی و پست‌های گفت‌وگو و تعاملات اجتماعی در شهرهای ما رشد نکرده است.

به تدریج با بی‌برخی به ضرورت موضوع و مطرح شدن کلمه شهروندی، سعی شد که فضاهایی مناسب برای گفت‌وگوی شهروندان و ایجاد تعاملات اجتماعی بین آنها در شهرها تعبیه شود - که در این راه به علت برخورد غیر حرفه‌ای و سطحی با مسئله، در اکثر موارد ناموفق بوده‌ایم. امروزه نیز بیشتر میدان‌هایی که طراحی می‌شوند، یا فلکه‌هایی هستند که خارج از مقیاس در ورودی و خروجی شهرها به وجود می‌آیند و پس از مدتی که شهر گسترش می‌یابد این میدانها در درون شهر جای می‌گیرند و به معضلی حل‌ناشدنی تبدیل می‌شوند. و یا اینکه فلکه‌های ترافیکی اند که برای روان شدن ترافیک ساخته می‌شوند و پس از افزایش میزان ترافیک با تعبیه چراغ قرمز دیگر نه هویت فلکه را دارند و نه چهارراه - و البته نه میدان. این در حالی است که نیاز جامعه ما ایجاد عرصه‌هایی است که شهروندان بتوانند در آن با خیال راحت و آرامش کامل به بحث و گفت‌وگو با هم‌شهریان خود مشغول شوند و دمی قارغ از جنجال و هیاهو و تسلط خودرو در زندگی امروز به آرامش از دست‌رفته دوران گذشته باز گردند.

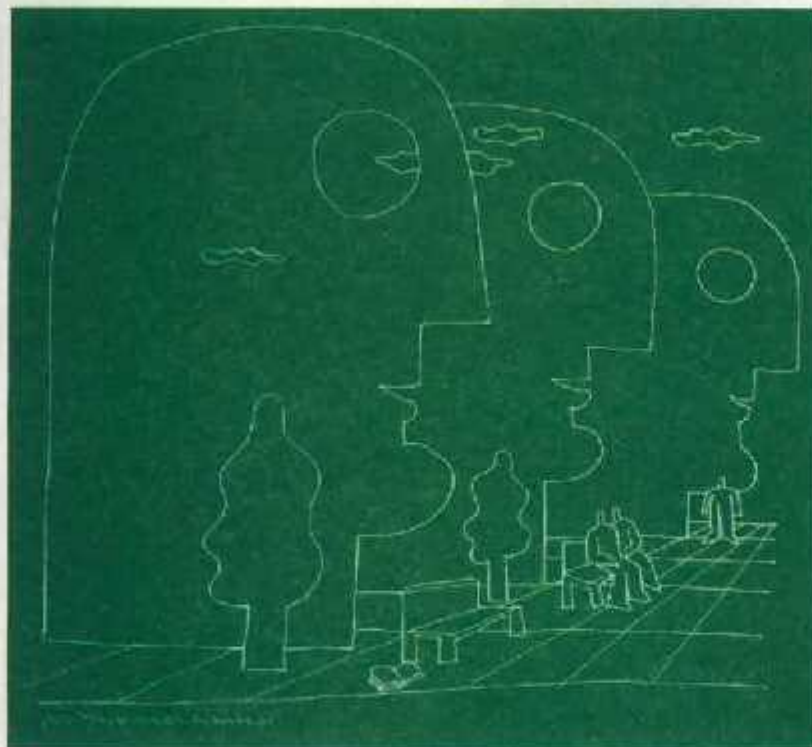
سرزندگی محیط می‌گذارد و انسان‌های مختلف را به دلایل گوناگون و در ساعات مختلف به محل می‌کشاند و باعث سرزندگی دائمی محیط می‌شود. وجود مغازه‌های ریز مقیاس و خرده‌فروش - که متناسب با نیازهای افراد حاضر در میدان است - از قبیل بستنی‌فروشی، مغازه‌های فروش تنقلات، رستوران و مسجد در اطراف میدان، و همچنین وجود میزهای پرچادبه شطرنج در داخل فضای میدان، باعث پدید آمدن مکانی متنوع و دل‌انگیز برای ظهور و بروز تعاملات اجتماعی و گفت‌وگو بین افراد شده است.

این میدان همچنین دارای کشیدگی شمالی - جنوبی است که این نسوع جهتگیری در مناطق گرم می‌تواند باعث ایجاد سایه بیشتری در مدت طولانیتری از روز شود. همین امر در کنار فضای سبز مناسب و آب‌جاری موجود در میدان، به کیفیت فضا در جذب جمعیت کمک زیادی کرده است.

نکات دیگری که در این مکان باعث تقویت ارزیابی مثبت فرد از محیط برای برقراری گفت‌وگو و تعامل اجتماعی در آن - و یا به عبارت دیگر باعث مهرانگیزی محیط - شده است، عبارت‌اند از: بهداشت و پاکیزگی محیط، وجود مناظر طبیعی مناسب، امنیت محیط، اهمیت تاریخی (وجود خاطرات جمعی زیاد در این میدان و امکان گفت‌وگو بین دو نسل با تعریف خاطره‌هایی از نسل پیش برای نسل کنونی از میدانی که چندین نسل تلاوم داشته است)، دسترسی ایمن به فضای سبز وسط میدان، محصوریت مناسب و ارتفاع متناسب جداره‌ها و در نهایت وجود امکانات نسبتاً مناسب در مکانی با طراوت و مطبوع. اینها در کنار یکدیگر باعث ایجاد ارزیابی مثبت از این فضا در ذهن مخاطب شده است. تنها نکته آزردهنده در این میدان، وجود ترافیک کند عبوری است که با حرکت انسان در این فضا تداخل پیدا کرده است. بهتر است برای رفع این مشکل و تبدیل کردن میدان به یک فضای مناسب اجتماعی، ترافیک عبوری میدان به مسیرهای کنار گذر داده شود - که این از لحاظ فنی نیز امکان‌پذیر است. بدین ترتیب این میدان، به میدانی کاملاً پیاده تبدیل می‌شود.

در انتها پس از مسووری کلی بر مباحث عنوان شده، می‌توان ادعا کرد که میدان هفت حوض یکی از میدانهای موفق از لحاظ

* RIBA



اصول طراحی فضای عمومی مطلوب در شهر

کیانوش لاری بقال
دانشجوی دکتری شهرسازی

شهر بی هویت، یکی از بزرگترین معضلاتی است که اکنون انسان امروزی در بسیاری از نقاط جهان با آن دست به گریبان است. زندگی در این گونه شهرها باعث سردرگمی و اضطراب و تشویش می‌گردد و انسان نمی‌تواند به آن احساس تعلق کند، زیرا در هر نقطه دیگر نیز مشابه آن یافت می‌شود و نقاط به یاد ماندنی و خاطره‌برانگیز در آن بسیار کم و نادر است.

رحم کولهناس در مقاله‌ای طنزآمیز شهرهای بی هویت را مورد انتقاد قرار داده است. او مزایای شهر عام (در واقع مشار آن را) بدین صورت بیان می‌کند: «نخستین مزیت [شهر عام]، بی‌هویتی است. هویت بندی دیرین است که لگدائسته شهرها به یکدیگر شبیه شوند. در شهر عام، فضاها چنان دور از یکدیگر ساخته می‌شوند که تجارب فردی و شخصی مربوط به زیبایی شهر ناآگاهانه و چون خواب در نظر آید در چنین شهری همه چیز آرام و معمولی است. هیجان چیره در شهر عام، آرامشی بیم‌آلود است؛ درست مانند سکوت گورستان. هرچقدر چنین سکوتی بیشتر باشد، شهر عام به خلوص نزدیکتر شده است.

در شهر عام تمرکز وجود ندارد، زیرا تمرکز ایجاد هویت می‌کند و این از زبانهای شهرهای کهن است. یکنواختی، سکون و سکوت در شهر عام با تخلیه عرصه‌های اجتماعات عمومی صورت می‌گیرد. عرصه‌های شهر فقط تأمین کننده حمل و نقل ضروری است که آن همه اساساً با تومبیل شکل می‌پذیرد. بنابراین بولوارها و میدانهای شهرها جای خود را به جاده‌ها و آزادراهها می‌دهند و بخش اعظم شهر به آنها اختصاص می‌یابد. قزویدگاهها [و همچنین ترمینالهای هواپیما، راه‌آهن و اتوبوس]، که در شهرهای کنونی از جمله بی‌هویتی‌ترین عوامل به شمار می‌آیند، تنها عامل مشخصه شهرهای عام می‌شوند...

هویت هر شهر علاوه بر بستر طبیعی، اقلیم و نحوه رفتار و گویش و لباس پوشیدن مردم، از طریق فضاهای شهری آن شهر شناخته می‌شود.

از جمله مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده هر شهر، فضاهای شهری آن است که با شناخت آنها، شهر قابل بازشناسی می‌گردد.

پس برای اینکه شهری هویت قوی و به یاد ماندنی داشته باشد، باید فضاهای عمومی شهر دارای فرم متناسب، منطقی و زیبا، و پاسخگو به عملکرد مترتب بر آنها باشند.

اما برای تحقق این امر فضاهای عمومی شهر باید در بردارنده خصوصیتی باشند که در اینجا برای شناخت این خصوصیات، فضاهای عمومی از جنبه‌های ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

الف - فضاهای عمومی به عنوان عوامل شناخت و هویت شهر.

ب - فضاهای عمومی به عنوان عناصر نمادین در شهر، برای ایجاد نقاط تأکید در آن.

ج - شناخت فعالیت‌های مردم با توجه به فضا، اندرکنش انسان و کالبد ساخته شده، به منظور ایجاد هویت و ارتباط متقابل.

د - تناسب فن و نحوه طراحی فضاها با زمان و امکانات زمان احداث آنها.

در این مقاله سعی شده است که با مدد گرفتن از بزرگان معماری و شهرسازی به موارد مذکور بیشتر پرداخته شود تا اصولی را برای طراحی به دست دهد و یا کمک گرفتن از این اصول، فضایی اصیل و با هویت و منطقی طراحی شود و حاصل کار موجودی اتفاقی نباشد، بلکه عامل تقویت هویت شهری گردد.

شهرسازان همواره وظیفه دارند تا خصوصیت زمان - و به عبارات بهتر سنت زمان - را در کارهای خود متجلی کنند، همان طور که سایر معماران و شهرسازان دوره‌های پیشین چنین کردند

برای رسیدن به این هدف باید از فرمهای قدیمی در فضاهای
امروزی استفاده کرد و با آنها را دگرگون ساخت و از مفهوم امروزی
آنها استفاده کرد.

راب کرایسر در این مورد می‌گوید: «هر دوران در تاریخ هنر با
شبهه ساختن عناصر کارکردی و شکلهای دوران پیش به تدریج
تکامل می‌یابد و هر قدر جامعه‌ای به تاریخ خود آشنایی داشته باشد
همان قدر عناصر تاریخی سبکهای خود را می‌تواند به نحوی کامل
و آسان به کار گیرد. این واقعیت گرایشی تا آنجا مهم است که رابطه
هنرمند را با گنجینه بیان تصویری شکلهای مورد قبول همگانی از
دورانهای پیشین موجه می‌سازد.

[او همچنین می‌گوید:] «سایه دنبال ظرفداری همگان از
کلکسیسزم که تقلید از نمونه‌های برتر معماری قدیمی است،
نیستیم؛ بلکه علیه همه کسانی که برداشت ساده لوحانه از تاریخ
دارند هشدار می‌دهیم.» (۲)

کرایسر معتقد است که: «فضاهای قدیمی را باید از نو کشف
نمود زمانی این هدف دست یافتنی می‌شود که اول کار کردهای
آن را ارزش نپیم و بعد در مکان درست با پر خورداری مناسب آن را
در طرح کلی شهر برنامهریزی نماییم.» (۳)

یکی از راههای ایجاد هویت برای شهر، ساخت فضاهای عمومی است، به گونه‌ای که واجد هویت زمانی و مکانی متناسب با شرایط امروزی شهر باشند

«باک مینستر فوکر»، که از جمله معماران و مهندسان پیشرو در
به کارگیری تکنولوژی است، در این زمینه می‌گوید: «امیدواری به
آینده ریشه در به یاد داشتن گذشته دارد. بدون این یادآوری تاریخ،
عزم و برنامه‌ریزی برای آینده نمی‌تواند وجود داشته باشد. گذشته،
حلال و آینه‌شده و حافظه و پیش‌بینی در طول یک رشته سمت در
یکدیگر ریخته شده‌اند با یک قلم صحیح از اشتباهات گذشته
می‌توان به آینده امیدوار بود.» (۴)

به این ترتیب این معمار معتقد به رعایت سلسله مراتب
تاریخی و عدم انقباض تاریخی است و با معماری و شهرسازی
پیرایشه و بدون توجه به گذشته موافق نیست، اما وی در مورد
اینکه چگونه باید به گذشته نگریست و از آن الهام گرفت، با
بسیاری از معماران و شهرسازان نیست مگر هم عقیده نیست.

ریچارد راجرز نیز تا اندازه زیادی دارای دیدگاههایی شبیه به
فولسر است و به استفاده از تکنولوژی اعتقاد فراوان دارد و معتقد
است که باید از گذشته نگهداری کرد و از آن درس آموخت ولی



بزرگ‌ترین بدعت شهر عام این است که در آن هر چه از کار
بافتند به دور ریخته می‌شود؛ یا به عبارات دیگر، به اقلیت جای
آینده‌الیم را می‌گیرند چون برای از کار افتاده فایده‌های مترتب
نیست و یادگار معنایی ندارد. در عوض، هر چه به جای از کار
افتاده‌ها و به دور ریخته‌ها سر در آورده پذیرفته می‌شود.
شهر عام بناگاه تمام فعالیت‌های «غیر قانونی» و کنترل ناپذیر
است. وفور بی اخلاقی در آن، فقر شهر را در زمینه‌های دیگر جبران
می‌کند. هیچ چیز طبیعی و خودجوش در این شهر وجود ندارد.
اساساً طبیعی بودن و از درون روییدن، در چنین جایی بزرگ‌ترین
اقتضای است.

خیابان در شهر عام می‌میرد، و در آن صورت فقط پیاده‌روها بی
به عنوان مجاری حرکت وجود خواهند داشت، تا مردم هر چه را
که مورد احترامشان بوده است، زیر پای خود لِه کنند» (۱)
همان گونه که اشاره شد، شهر عام با بی‌هویتی کولباس فاقد
بسیاری از سزایهای شهرهای کنونی است که هنوز هویت خود را
حفظ کرده‌اند.

اما همواره این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان هویت
شهر را شناسایی و حفظ کرد، یکی از مواردی که به شناسایی و
حفظ هویت شهر کمک می‌کنند، وجود بناهای قدیمی و واجد
ارزش است که خصوصیات فرهنگی و اجتماعی و نحوه زندگی
پیشینیان را در خود جای داده‌اند.

اما هنوز این سؤال باقی است که هویت امروزی شهر را چگونه
می‌توان باز شناسایی کرد؟ هویتی که با خصوصیات و کارکردهای
امروزی و جدید شهر سازگار باشد و به شناخت شهر امروزی با تمام
خصوصیات زمانی و مکانی آن کمک کند.

بدون شک یکی از راههای ایجاد هویت برای شهر، که با زمان
و مکان کنونی شهر نیز تناسب داشته باشد، ساخت فضاهای
عمومی است، به گونه‌ای که واجد هویت زمانی و مکانی متناسب با
شرایط امروزی شهر باشند. اما این کار چگونه امکان پذیر است؟
برای دست یافتن به این هدف، فضاها و ساختمانهای عمومی
شهر باید چهار خصوصیت را در خود داشته باشند: که عبارتند از:

۱- فضاهای عمومی شهر باید با گذشته و حال شهر پیوند
برقرار کنند و خصوصیات آن را در خود مجسم سازند.
آنچه مهم است، چگونگی دستیابی به چنین هدفی است. آیا

بزرگ‌ترین بدعت شهر عام این است که در آن هر چه از کار
بافتند به دور ریخته می‌شود؛ یا به عبارات دیگر، به اقلیت جای
آینده‌الیم را می‌گیرند چون برای از کار افتاده فایده‌های مترتب
نیست و یادگار معنایی ندارد. در عوض، هر چه به جای از کار
افتاده‌ها و به دور ریخته‌ها سر در آورده پذیرفته می‌شود.



تبرکب که از برخورد فرم هر چیز با هر فرم دیگری جلوگیری می‌کنند، ساخته می‌شوند. به هیچ فرمی اجازه داده نمی‌شود فرم دیگری را تحریف کند. هر گونه برخورد احتمالی از پیش تعریف شده است و تمام فرمها به طور هماهنگ، کلیت و احد و یگانگی را تشکیل می‌دهند. هر گونه تخطی از نظام ساختاری و هر ناخالصی، به مثابه تهدید ارزشهای پیش - یعنی هماهنگی، وحدت و لیت - تلقی می‌گردد و به همین دلیل از ساختار منفک می‌شود و به عنوان ترین صرف منتظر قرار می‌گیرد.

این در حالی است که دیکنستر اکشن مشکلات ساختاری مسلمی را درون ساختارهای ظاهراً پایدار می‌نمایاند. اما این ترکیبها به مثابه تلاش شدن ساختار نمی‌انجامند. برعکس، دیکنستر اکشن تمامی قدرت خود را از راه به مبارزه طلبیدن ارزشهای قوی (مانند هماهنگی، وحدت و ثبات) به دست می‌آورد و در عوض دیدگاه متفاوتی از ساختار را پیش رو می‌نهد؛ دیدگاهی که بر طبق آن، ترکیبها در بطن ساختار قرار دارند و نمی‌توانند بدون بران کردن آن بر طرف شوند. در واقع این ترکیبها ساختاری هستند. «معمار دیکنستر اکشن فرمهای خاص سنت معماری را مانند پزشک روی تخت معاینه می‌کند و علائم بیماری ناشی از ناخالصی را تشخیص می‌دهد و ناخالصی را به سطح می‌آورد... اما این به معنای چند دستگی، چند بخشی، یا باره بارگی نیست... بلکه برای پسر استن آن است... در واقع به جای از بین بردن ساختار آن را ابراز می‌کند.

... در نگاه اول تمایز بین فرم و تحریف پیرایه‌ای آن خیلی واضح به نظر می‌آید، اما در محک دقیق تر، خط بین آنها کم می‌شود. هر چه دقیق تر بنگریم، همان قدر مرز بین آنها نمی‌تواند کشیده شود. هیچ فن جراحی هم نمی‌تواند فرم را آزاد سازد، هیچ شکافی نمی‌توان بین آنها به وجود آورد، برای از بین بردن آنکل باید میزبان را کشت و چون این دو با هم کلیت خوبی یگانگی می‌سازند، این امر سبب ایجاد حس بی‌قراری و حرکت می‌شود؛ زیرا با احساس پایداری و شتابانی منطقی - که ما با فرم خالص برقرار می‌سازیم - در تقابل قرار می‌گیرد. انگار که کمال همیشه عیب را در خود پناه داده است.

... [در واقع] این نظریه‌ای جدید نیست، بلکه افتاگر

نیاید از آن تقلید کرد. وی چنین تقلیدی را بی‌ارزش می‌داند. راجرز می‌گوید: «معماران پست مدرن در سطل زباله تاریخ جستجو می‌کنند و ایده‌های مصری، کلاسیک، هنر دکوراتیو و باهاوس را بیرون می‌آورند» (۵)

او می‌افزاید که پیشرفته‌های جدید تکنولوژی... امکانی فوق‌العاده را برای موفقیت و دستیابی به فرمها و مواد جدید می‌دهد... کامپیوتر، میکروچیپ، بیوتکنولوژی و شیمی می‌تواند ما را به محیطی برتر راهنمایی کند.

اما در این بین معماران و شهرسازانی نیز هستند که معتقدند خصوصیات زمانی ما به اندازه‌های با گذشته متفاوت است که نمی‌توان زمان حال را دنباله روند گذشته ارزیابی کرد، چرا که ماهیت آن به کلی با گذشته متفاوت است و به این دلیل معماری و شهرسازی امروز نیز باید ماهیتی کاملاً متفاوت با گذشته داشته باشد.

آنها معتقدند که: «صدسال اخیر دوره‌ای انقلابی بوده که تمام گوشه‌های بشر را تحت تأثیر خود قرار داده است - از علم و هنر گرفته تا اقتصاد و سیاست» (۶)

ژان نوول، معمار فرانسوی، نیز معتقد است که: «البته هر تجربه‌های معماری [و شهرسازی] را غنی‌تر می‌کند، ولی معماری [والشه شهرسازی] قبل از هر چیز شیوه تفکر و مخصوصاً تحلیل است. نمی‌توان معماری و شهرسازی را صرفاً از طریق نمونه‌های گذشته آموخت و امیدوار بود که می‌شود آنها را پیاده کرد و بهبود بخشید یا بر این اساس نمونه‌های دیگری ابتاع کرد» (۷)

در این میان دسته دیگری از معماران و شهرسازان که به دیکنستر اکشن پیوست معروفند، به گونه‌ای متفاوت از گذشته استفاده می‌کنند و مفهوم آنها را به کلی متحول می‌سازند.

بر اساس سنت قدیمی، «معماری همواره یک نهاد فرهنگی مرکزی بوده که به خاطر ثبات و نظمش ارزش یافته است» به نظر می‌آید این کیفیات از خلوص هندسی ترکیب صوری معماری برمی‌خیزد و معمار رؤیای فرم خالص را در سر داشته است؛ رؤیای خلق چیزهایی که عاری از بی‌ثباتی و بی‌نظمی باشد. ساختارها با انتخاب فرمهای هندسی ساده - مکعب، کره، استوانه، هرم و مخروط و جز آنها - و آمیختن آنها درون مجموعه‌های تابع قوانین



نیشابور - ویتر - فضای از بالای شهر، نشانگر گوهری و ماهرین بهم که در همه ازل در ۱۰۰۰ سالگی شهر است

مناسب است و استفاده از چه فرجهایی برای ایجاد پیوند بین گذشته و حال و آینده فرهنگ و معماری و شهرسازی ما می تواند کار ساز باشد.

آنچه مسلم می نماید این است که توجه به ائسمهای گوناگون و جداسازی و شقه شقه کردن بیکر یکپارچه معماری و شهرسازی به بخشها و سکهای گوناگون و تبعیت از یکی از آنها به صورتی نصاب آمیز، نه تنها سازنده نخواهد بود بلکه باعث گمراهی خواهد شد. باید به جای جداسازی و تقسیم آنها، به اصولی که در تمام زمانها و مکانها و سبکها معتبر و جزی است توجه و از آن پیروی کرد.

به این ترتیب اگر نمونه های شاخص را در طول تاریخ شهرسازی دنبال کنیم، با عنصر واحدی روبرو می شویم که چندان تابع زمان و مکان نیست و به طور کلی پدیده های است که در زندگی بشر تداوم داشته است. اگر به این نحو به تاریخ تحول معماری بنگریم، دیگر تقسیم بندی آن به ائسمهای مختلف و از بین بردن برخی جنبه ها و زنده کردن سایر آنها مبنای درستی نخواهد داشت.

ناشناخته های نهفته در دل سنت قدیم است - شوکی است از قدیم که از سقف موجود در سنت بهر مبراری می کند تا بر آن برآشوبد و نه آنکه به دورش اندازد» (۸)

«معماری دیکالستراکشن در قلب سنت جای می گیرد تا نشان دهد که سنت همواره اقتزده و فرم خالص همواره آلوده بوده است؛ می اندیشد که این گونه معماها، همیشه معماری و شهرسازی را گیج و سردرگم کرده اند. لذا آنها منشاء نیرو و شوق و ذوق آن هستند... در معماری دیکالستراکتیو، نخست فرمها تعمیم داده می شوند و تنها پس از آن است که برنامه ای کار کودی ارائه می گردد» (۹)

این گونه شهرسازی که ناشی از خصوصیت زمان ما، یعنی سرعت، حرکت، عدم ثبات و شک و تردید است، به نوعی خصوصیت زمان را در خود به منصف بروز می رساند و سعی دارد که تحرک، تزدید و اشتگی روحی و ذهنی را که از خصوصیات بارز اینها بشر در زمان کنونی است به ظهور برساند (شکل ۶)

نوع دیگری از شهرسازی و معماری نیز که به فولدینگ

هر گاه نظم فضایی، فعالیتها و مفاهیم با هم سازگار باشند و یکدیگر را تقویت کنند، رابطه اجتماعی در فضا نیز تقویت می شود. به عبارت دیگر، وقتی عملکردی با اهداف فضایی منطبق باشد، فضا دارای مفهوم خواهد بود

معروف است، به گونه ای دیگر سعی در نمایش خصوصیت زمان دارد. در این سبک شهرسازی و معماری از بعضی روابط ریاضی استفاده می گردد و عموماً به یک سری فرمهای تاشده منجر می شود.

فرض اینکه یک سبک به سرزمین خاصی تعلق دارد و در کشوری دیگر این سبک جایی ندارد، امر درستی نیست. نکته دیگر اینکه شهرسازان همواره و طیفه اخلاقی دارند تا خصوصیت زمان - و به عبارت بهتر سنت زمان - را در کارهای خود متجلی کنند، همان طوری که سایر معماران و شهرسازان دوره های پیشین چنین کردند. اما این سنت زمان خود دارای جنبه های گوناگونی است که بعداً به آن اشاره خواهد شد.

در این نوع معماری، کف و دیواره و سقف مفهوم گذشته و کنلاسیک خود را از دست می دهند و درهم تنیده می شوند و همه یکپارچه و با هم یک واقعیت را - که همان ساختمان است - بیان می کنند.

از خصوصیات بارز این تفکر ایجاد تحرک و نوآوری در استفاده جدید از فرمها و معادلات جدید ریاضی در معماری و شهرسازی است.

فولدینگ سعی می کند تا تازه ترین مفاهیم علمی را در شهرسازی به کار گیرد و از طرف دیگر فرمهای حاصل بیان کننده خصوصیت عدم قطعیت، تحرک و نوآوری، است که مبتنی بر خصایص عصر حاضر است.

از دیدگاههای مختلف شهرسازی به صورت خلاصه اشاره شد، باید دید که چه نوع شهرسازی با زمان و مکان کشور ما

فولدینگ سعی می کند تا تازه ترین مفاهیم علمی را در شهرسازی به کار گیرد و از طرف دیگر فرمهای حاصل بیان کننده خصوصیت عدم قطعیت، تحرک و نوآوری، است که مبتنی بر خصایص عصر حاضر است.

از خصوصیات بارز این تفکر ایجاد تحرک و نوآوری در استفاده جدید از فرمها و معادلات جدید ریاضی در معماری و شهرسازی است.

فولدینگ سعی می کند تا تازه ترین مفاهیم علمی را در شهرسازی به کار گیرد و از طرف دیگر فرمهای حاصل بیان کننده خصوصیت عدم قطعیت، تحرک و نوآوری، است که مبتنی بر خصایص عصر حاضر است.

از دیدگاههای مختلف شهرسازی به صورت خلاصه اشاره شد، باید دید که چه نوع شهرسازی با زمان و مکان کشور ما



۳- شناخت فعالیتهای مردم با توجه به فضا، و اندرکنش انسان و کالبد ساخته شده

برای طراحی مناسب فضاهای شهری می‌بایست عناصر ثابت، نیمه ثابت و متحرک (یعنی مردم و فعالیتهای آنان) را توأماً در نظر گرفت و عوامل سازمان دهنده فضا یعنی خصوصیات کالبدی فضا، زمان، معنی و ارتباط را در یافتند.

وضوح فرم بصری و عملکرد فضا موجب ادراک صحیح از آن و در نتیجه ارتباط مناسب مردم با فضا می‌گردد که در نهایت به اهمیت اجتماعی فضای انجامد.

«فضاوت کیفی در مورد اینکه فضا تا چه اندازه خوب طراحی شده مستلزم بررسی مفهوم عملکردی و تطابق شکل کالبدی با نیازهای اجتماعی است. استخراج معیارهای اجتماعی و ترجمه آنها به پروتیه طراحی، منجر به ایجاد فضای اجتماعی متناسب با فعالیتهای موجود در آن می‌شود.

اسم برای مطالعه نحوه سازماندهی فضا باید دید چه کسی، در کجا، چه کاری را، در چه زمانی و چگونه انجام می‌دهد. هر گاه نظم فضایی، فعالیتها و مفاهیم با هم سازگار باشند و یکدیگر را تقویت کنند، رابطه اجتماعی در فضا نیز تقویت می‌شود. به عبارتی دیگر، وقتی عملکردی با اهداف فضایی منطبق باشد، فضا دارای مفهوم خواهد بود.» (۱۲)

انسان جزئی از فضا است و با ارزشها و رفتارها به این فضا معنی می‌بخشد. الگوهای روابط اجتماعی ثابت نیست و هر فضا با جایگزین شدن رابطه اجتماعی خاص چهرة متفاوتی به خود می‌گیرد. به همین دلیل باید «به دنبال فضایی گشت که به تغییرات سریع جامعه، تکنولوژی و اقتصاد جانگو باشد فضایی که در عین حال که دارای دوام و بقا باشد، ولی بتواند که با تغییرات زندگی شهری و اقتصادی تغییر کند و آنها را در خود منعکس نماید و عملکردهای مختلف را بتواند در خود جای دهد این گونه الگوها می‌تواند توسط منطقه بندی، فضاها در زوئهای که به صورت طولی الصدت کار می‌کنند و قسمتهایی از فضا گه متناسب با موقعیت و فعالیتها عمر کمتری دارند، حاصل شود.» (۱۳)

بدین ترتیب شهر نیازمند فضاهایی است که به طور گسترده با زندگی فرزند شود؛ یعنی قابل انعطاف، قابل انطباق و قابل احیاء باشد.» (۱۴) به این ترتیب در طراحی فضاهای عمومی باید فضا متناسب با زمان قابل تغییر باشد و متناسب با شرایط زمان و فعالیتهای بتواند عملکردهای گوناگون را در خود جای دهد. به این ترتیب این فضاها همواره قابل استفاده و روز آمد باقی خواهند ماند و می‌توانند به نیازهای روز پاسخگو باشند.

۴- تناسب شهرسازی با زمان

برای اینکه فضا بتواند ارزشمند و ماندنی باشد، باید روح زمان را در خود مجسم کند. در طول تاریخ همواره تنها فضاهایی ارزشمند مانده‌اند که به نوعی خصوصیات زمان خود را برای آیندگان به نمایش گذاشته و پیام زمان خود را به آیندگان منتقل کرده‌اند.

اصاروح یا خصوصیات زمان، پدیده‌ای منجمد و ثابت نیست و در هر بخش از تاریخ، خصوصیات متفاوتی دارد. شناخت این خصوصیات و اعمال آنها در شهرسازی، باعث خواهد شد که فضای شهری ارزش جاودانه بیابد، اما هنوز این سؤال مطرح است که خصوصیات زمان ما چیست.

ریچارد راجرز خصوصیات زمان ما را این گونه بیان می‌کند: «این همان دوره‌ای است که به سرعت همه چیز تغییر می‌کند و

باشند و میان مردم و مکانها ارتباط برقرار کند و وحدت به وجود آورد.

آسایش و راحتی نیز همچون نما، سروصدا، نور و پاکیزگی محیط، در ادراک آن مؤثرند. ایجاد محیطهای متنوع، امکان انتخاب افراد را از محیطهای خلوت تا شلوغ، محصور تا آزاد و ساده تا پیچیده، افزایش می‌دهد.

اجزای قابل شناسایی محیط باید طوری ترتیب داده شوند که ذهن ناظر معمولی بتواند آنها را به هم پیوند دهد و الگوی آنها را در زمان و فضا بیابد. بنابراین «خوانایی» ارزش زیادی در شناخت محیط دارد و منشاء امنیت خاطر و ارتباط با جامعه است. و عناصر نمادین به این خوانایی کمک شایانی می‌کنند.

برای اینکه عنصری به نشانه یا نماد (سمبل) در یک شهر تبدیل شود، باید خصوصیتی داشته باشد:

«از خصوصیات نشانه‌ها [یا سمبلها] بی نظیر بودن آنهاست؛ عاملی که منحصر به فرد باشد و در ذهن خاطرهای بگذارد. اگر نشانه‌ها فرمی واضح داشته باشند، اگر باز مینه خود متضاد باشند و

وضوح فرم بصری و عملکرد فضا موجب ادراک صحیح از آن و در نتیجه ارتباط مناسب مردم با فضا می‌گردد که در نهایت به اهمیت اجتماعی فضا می‌انجامد

اگر محل آنها بر اطراف خود غالب و مسلط باشد، شناخت آنها به آسانی بیشتر میسر است و احتمال بیشتر هست که بر آن معنایی متصور باشند؛ به نظر می‌رسد نقش، تصویر و یا فرمی که از زمینه خود متمایز باشد، مؤثرترین عامل در به وجود آوردن یک نشانه یا سمبل باشد.

... اگر سمبلی در محل تقاطع چند راه واقع شود بر قدرتش می‌افزاید. [و همچنین] فعالیتهایی که در عاملی از شهر صورت می‌پذیرد ممکن است آن رایج صورت نشانه‌های جلوه‌گر سازد.» (۱۱)

در شهرهای قدیمی عناصری مثل دروازه‌ها، عناصری در بازار، بناهای حکومتی، معابد و کاخها جزو سمبلهای شهری به حساب می‌آمدند که در شهرهای امروزی نیز همین عناصر کم و بیش این نقش رایج عهده‌دارند. اگر چه معنای بعضی از آنها تا اندازه‌ای تغییر کرده است. مثلاً جای کاخها را کاهن ساختمان شهرداری یا بنای پارلمان گرفته و یا به جای دروازه‌ها، مبادی ورودی و خروجی شهر مثل پایانه‌های هوایی و اتوبوس یا راه آهن قرار گرفته‌اند.

فکرهای جدید از راه می‌رسد. زمانی است که ابداع و نوآوری از درجا ایستادن مهم‌تر است و این بیش از همه توجه مرا به خود جلب می‌کند (۱۵)

به نظر راجرز، خصوصیات زمان معیارتند از:

- سرعت شتابان زمان و تغییر و تحول سریع جامعه، تکنولوژی و فلسفه و اعتقادات.

- تکنولوژی پیشرفته، که به رغم فایده‌های زیادی که بر آن مترتب است، مضار فراوانی نیز نه تنها برای بشریت بلکه برای طبیعت دارد.

- شکاف زیاد بین طبقات مختلف اجتماعی و بین کشورهای گوناگون.

می‌شود. بنابراین برای ساخت فضاهای شهری که قرار است مدتی طولانی مورد استفاده قرار گیرند باید به گونه‌ای عمل شود که حداکثر قابلیت تغییر و انطباق با شرایط جدید در آنها وجود داشته باشد.

شر واقع باید چارچوب و ساختاری را برای این ساختمانها در نظر گرفت که فضاهای قابل تغییر باشند و یا تغییر شرایط تغییر کنند؛ در غیر این صورت فضایی که نتواند خود را با تغییرات سریع علم و جامعه مطابقت سازد، پس از مدتی اندک گهنگه می‌شود و بی‌استفاده باقی می‌ماند.

جمع بندی

فضای شهری باید واجد بسیاری از خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی شهر باشد و روح زمان را نیز در خود متجلی کند، به این مفهوم که باید خصوصیات پیشرفتهای شگرف تکنولوژی را در شهر به منصه‌ی پرور برساند چرا که فضای شهری نیز یکی از محصولات تفکر انسان قرن بیستمی است و نباید با سایر محصولات تولیدی ذهن انسان تفاوت داشته باشد.

علاوه بر موارد پیش گفته، از آنجا که تغییر و تحول سریع جزو ویژگیهای زمان ماست، بنابراین فضای شهری باید قدرت هماهنگ‌سازی خود را با این تغییر و تحولات داشته باشد و اگر فاقد این خصوصیت باشد، از روند تحولات زمان عقب می‌ماند و به موجودی گهنگه تبدیل می‌گردد. حال آنکه اگر بتواند خود را با شرایط منطبق کند، همواره زنده و پویا باقی می‌ماند و همواره می‌تواند پاسخگوی شرایط جدید باشد. خوبتر آنکه تکنولوژی امروزی این امکان را به ما می‌دهد تا فضایی پویا و قابل تغییر بسازیم و آن را با تغییرات زمان متحول سازیم.

از خصوصیات دیگری که فضای شهری باید داشته باشد، این است که باید روشن و آشکار و صریح باشد تا به یادماند و قدرت تأثیرگذاری بر بیننده را داشته باشد. فضا به این ترتیب به نماد و نشانه‌ای در شهر تبدیل خواهد شد و به فضای فضاهای شهری خواهد افزود، ولی نباید از این اصل نیز غافل بود که به کنارگیری کمی طنز یا ایهام و مواردی از این دست می‌تواند فضایی ایجاد کند که به سرعت گسل کننده و خسته کننده نگردد و استفاده کننده در هر بار ادراک آن به نکته‌ای جدید پی ببرد. از طرف دیگر این خصوصیت زمان ما که عدم قطعیت را در خود دارد به این شکل در فضا نمود پیدا خواهد کرد.

از خصوصیات دیگری که فضای شهری مطلوب باید حتماً واجد آن باشد پاسخگویی مناسب به قابلیت‌های استفاده کنندگان از فضا است و برای این منظور باید دید چه کسی، در کجا، چه کاری را در چه زمانی و چگونه انجام می‌دهد. به عبارت بهتر باید اندرکنش بین فضا و استفاده کننده از فضا و فعالیت آنها را به دقت بررسی کرد و ظرفی مناسب برای انجام فعالیت‌های مطلوب فراهم آورد چرا که ایجاد انواع فضاهای نامناسب، تأثیرات مخربی برای فرهنگ‌ها دارد؛ در عین حال برای فضاها و عناصر عمومی با ارزشی باید اهمیت خاصی قائل شد، زیرا منزلت هر شهر به وجود چنین مجموعه‌هایی وابسته است.

در پایان از این جمله «هینل سلادو» مدد می‌گیریم، که در اهمیت فضای مطلوب می‌گوید:

«ما عمدتاً در فضاهای محصور زندگی می‌کنیم. این فضاها محیطی را شکل می‌دهند که در آن فرهنگ ما رشد می‌کند... اگر آرزو داریم که فرهنگ خود را به سطح بالاتر ارتقاء دهیم، مجبوریم... [فضای زندگی] خودمان را دگرگون سازیم.»

فضای شهری باید روشن و آشکار و صریح باشد تا به یادماند و قدرت تأثیرگذاری بر بیننده را داشته باشد، ولی نباید از این اصل نیز غافل بود که به کارگیری کمی طنز یا ایهام می‌تواند فضایی ایجاد کند که به سرعت گسل کننده نگردد و استفاده کننده در هر بار ادراک آن به نکته‌ای جدید پی ببرد

- عدم اطمینان به آینده علم و پیشرفتهای علمی که در زمان ما حاصل شده است، در حالی که در قرن هجدهم و نوزدهم هرگز شکی به توانایی علم وجود نداشت.

- درماندگی بشر در تدوین ایدئولوژی محکم که واقعاً به آن اعتقاد پیدا کند و خود را از این آشفتگی فکری نجات دهد.

ما در عصر عدم قطعیت زندگی می‌کنیم و بسیاری از اصولی که تردیدناشدنی می‌نمودند امروزه مورد تردید جدی قرار گرفته‌اند. ما در دنیایی قرار داریم که با سرعت شتابان در حرکت است، درحالی که هدف معین و مشخصی ندارد و درست به همین دلیل است که بسیاری از پیش‌بینی‌هایی که بر اساس دقیق‌ترین آمارها و الگوهای آماری و ریاضی انجام می‌شود، یا واقعیتی که در آینده اتفاق می‌افتد منطبق نیستند.

بسیاری از برنامه‌های ملی و منطقه‌ای و یا حتی برنامه‌ریزی‌های شهری نیز تحقق نمی‌یابد و با شکست روبرو

زیرتومپا
1-Rien Koolhaas, The Generic City, Domois, March 1997.
ترجمه دکتر منوچهر مزین، نقی بر مقاله شهر عام، **مجله آیانی**، تابستان ۱۳۷۶.
۲-راب کرایر، **فضای شهری**، همان منبع.
۳- همان منبع.
4-Richard Rogers, Architecture: A Modern View.
5-Ibid.
6-Ibid.
۷- ژان نول، **نومود**، ۱۹۹۶.
8-Mark Wigly, Deconstruction, Academy Edition, London, 1994.
9-Ibid.
10- Lewis, Mumford, The City In History, Penguin Books, 1975.
۱۱- کوین لینچ، **سیمپلی شهر**.
12-Roger Frank, Finding Lost Space.
13-Richard Rogers, Architecture: A Modern View.
14-Lewis Mumford, The City in History.
15-Richard Rogers, Architecture: A Modern View.
منبع:
لاتین:
-Papadakis, Andreas & Cothrine Cooke; Deconstruction, Academy Editions, London, 1994
-Edelman, Fredric & Emmanuelle Roux, 1994
-Lewis, Mumford, The City in History, Penguin Books, 1975. - Rogers, Richard, Architecture: A Modern View, Chapman & Hall, London, 1991. - Frank, Roger, Finding Lost Space, Van Nostrand Reinhold Company, 1996. - Wigly, Mark; Deconstruction, Academy Edition, London, 1994.
فارسی:
- کرایر، راب؛ **فضای شهری**، ترجمه دکتر خسرو هاشمی نژاد، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵.
- اینچ، کوین؛ **سیمپلی شهر**، ترجمه دکتر منوچهر مزین، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- مزین، منوچهر؛ **از زمان و معماری**، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۶.
- مزین، منوچهر؛ **نقدی بر مقاله شهر عام**، **مجله آیانی**، تابستان ۱۳۷۶.
- زاور - کروی؛ **شارل انوار**؛ چگونه به مسائل شهرسازی بیندیشیم، ترجمه مستشرق کاتر، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲.

تصویری که ما آدمهای شهری از شهر داریم چیست؟ تنها خطوط طولانی و سیاهی که از سوی به سوی دیگر کشیده شده‌اند و دامن ساختمانهای کوچک و بزرگ یا سنگی و شیشه‌ای را شکافته‌اند و راهی هستند برای گذر؛ گذرگاهی برای ماشینها و آدمهایی که بی‌وقفه می‌آیند و می‌روند و همه در یک اندیشه‌اند: اندیشه گذر.

در واقع ما «شهر نشین‌هایی» هستیم که همه در حال مسابقه ایم و به تنها چیزی که فکر می‌کنیم سبقت گرفتن و تندتر دویدن است، بدون محالی برای درک و آشنایی با آدمهای دیگری که بی‌وقفه از کنارشان می‌گذریم و جایی برای پیدا کردن نشان نمی‌بینیم.

با تعریفی این چنین، ناگزیر شهری ساخته می‌شود یا بناهای افراشته و خیابانهای عریض و بیخ در بیچی که تنها تصویرگر عبورند؛ بی‌توقفایی آنکه در این میان جایی برای نفس کشیدن نماند. اما در نگاهی دیگر، فضای شهر مجموعه دانشینی است که «شهروندان» در مسیر هر روزشان یکدیگر را می‌بینند و در می‌یابند و کوچه و خیابان را تنها جایی برای گریز نمی‌دانند بلکه زیر آسمان آبی شهر یا دیگر همشهریهایی خود زندگی می‌کنند.

در این رویکرد، شهرداری در کنار وظایف سخت‌افزاری که برای بهبود وضعیت شهرها دارد، ملزم به انجام امور دیگری نیز هست، تا فضاهای شهری هم برای زندگی امروزی مناسب باشد و هم عرصه‌ای برای تعامل و ارتباط بین آدمهایی باشد که در شتاب لحظه‌ها گم می‌شوند.

از جمله این امور، اقداماتی است که معاونتهای فرهنگی و اجتماعی شهرداریها انجام می‌دهند؛ که در ادامه به ذکر گوشه‌ای از آنها پرداخته می‌شود.

سیامک معطری مدیر مرکز

مشارکت‌های زیست محیطی درخصوص اهداف تأسیس آن می‌گوید: در همان ابتدای کار قرار بر این شد که این مرکز حلقه رابطی بین شهروندان و دستگاههای دولتی و شهرداری باشد و آگاهی‌های لازم در زمینه حفظ محیط زیست را به مردم بدهد، و بدین ترتیب با استفاده از همکاری‌های میان بخشی و مشارکت مردم، پایه‌های ایجاد شهری سالم بنا شود. البته برای تعریف دقیق استراتژی‌های مرکز مدتی از روشهای مختلف استفاده شد تا پس از بررسی‌های لازم برنامه پنج ساله‌ای برای آگاهسازی و توانمند کردن شهروندان منطقه ۷ تدوین گردد. به طور مشخص مرکز براساس هئیت استراتژی از سال ۱۳۷۹ اقدامات خود را شروع کرد.

وی می‌افزاید: سال اول اجرای برنامه ۵ ساله به حساس‌سازی شهروندان نسبت به مسائل زیست‌محیطی اختصاص داشت و برای این کار ابتدا نشریه‌ای محلی با عنوان «یک سبز محله با همکاری برخی از شهروندان و کارشناسان منتشر گردید و برای کلیه شهروندانی که علاقه‌مندی خود را اعلام کرده بودند (و نیز اشخاص کارآمد و مهم محله‌ها) ارسال شد. از طرف دیگر نشستهای مختلفی برگزار می‌شد که شهروندان در آنها درخصوص موضوعات زیست‌محیطی گفت‌وگو می‌کردند. از طرف دیگر کارگاههایی برای آموزش اصول پروژه‌نویسی و طرح‌نویسی تشکیل



برخی ویژگیها و دارا بودن بافتهای سنتی و صدور برای تشکیل مرکز مشارکت‌های زیست محیطی انتخاب شد. تأسیس از اجرا این منطقه‌الگویی برای سایر شهرداریها باشد.

این مرکز واقع در ساختمانی است که به منظور فعالیت تجاری در پارک آزادگان ساخته شده بود و پس از اینکه شهرداری درصدد تغییر کاربری این ساختمان برآمد، با توجه به نزدیکی ساختمان به پارک و مناسبیتی که با فضالیت‌های مرکز مشارکت‌های زیست محیطی داشت، آن را برای استقرار این مرکز و شروع فعالیت‌هایش در نظر گرفته بدین ترتیب مرکز مشارکت‌های زیست محیطی در سال ۱۳۷۶ رسماً شروع به کار کرد.

شهرداری منطقه ۷ تهران با ایجاد مرکز مشارکت‌های زیست محیطی بستری را فراهم آورده تا ضمن آگاه‌سازی و ارتقای دانش زیست محیطی شهروندان، فضای ایجاد شود که مردم خود برای ساختن شهری سالم دست به کار شوند و بر کیفیت زندگی در فضای شهر بیفزایند.

تاریخچه تأسیس این مرکز به زمانی بازمی‌گردد که تشکل غیردولتی «جبهه سبز ایران» طرح ایجاد کارگاه آموزشهای زیست محیطی را به معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ۷ ارائه داد و منی مناقصه‌ای که برای انتخاب بهترین طرح برگزار شده بود، مسئول اجرای این طرح شد.

به این ترتیب منطقه ۷ تهران به دلیل

مرکز مشارکت‌های
زیست محیطی

هدایت مردم
به سوی شهر
سالم



مشارکت کنند.

عمده موضوعاتی که این مرکز به آنها می‌پردازد در خصوص معضلات زیست محیطی شهرهاست و سعی می‌شود با ارائه دانش زیست محیطی و درگیر کردن شهروندان با موضوعات، نگرش آنها نسبت به شهر و جامعه تغییر کند و خود در جهت حفظ و ارتقای آن بکوشند. از جمله دیگر کارهایی که در این زمینه انجام شده برگزاری نشستهای مختلف با بانوان منطقه برای شناسایی راهکارهای صرفه‌جویی و مصرف بهینه آب است. پس از برگزاری این نشستها بانوان منطقه به عنوان کسانی که بیشتر از بقیه افراد با مسئله مصرف آب روبرو هستند و می‌توانند بهترین الگوهای مصرف را ارائه کنند، به ارائه طرحهای کاربردی واداشته شدند و سازمان آب نیز استقبال شایانی از این طرحها کرده است. طرحهای مربوط به روشهای کاهش آلودگی هوا و بازیافت مواد زاید نیز یکی دیگر از برنامه‌هایی است که اهالی این منطقه را به خود مشغول کرده است. همچنین مرکز مشارکتهای زیست محیطی می‌کوشد تا با ارائه اطلاعاتی چون مدیریت محیط زیست، مدیریت شهری و نقش مشارکتهای مردمی، راه ساختن زندگی سبز را برای شهروندان هموار سازد.

پایداری برنامه‌ها، گروههای سازمان یافته تشکیل شوند زیرا در غیر این صورت مرکز در انجام برنامه‌های خود موفق نخواهد بود و این برنامه‌ها پس از پایان دوره پنج ساله دیگر دوامی نخواهند داشت. به عبارت دیگر، گروه دارای ساز و کارهایی است که با استفاده از آنها هر روز پویاتر می‌شود و در سطح بالاتری از آگاهیها عمل می‌کند و می‌تواند با تهیه دستورالعملهای جدید به عنوان مجموعه‌ای مستقل در مدیریت شهری نقش داشته باشد.

برگزاری همایشهای محلی یکی دیگر از اقدامات مرکز مشارکتهای زیست محیطی است. به طوری که پس از برگزاری کلاسها و کارگاههای آموزشی، مسابقاتی برگزار می‌شود و برای گزارش نتایج مسابقه، معرفی اشخاصی که حضور فعال در مرکز دارند و ارائه آموزشهای محیط زیستی، اهالی محل طی همایشی گردهم می‌آیند و به

شدن تدبیر ترتیب شهروندان عرضه نویسی به شهروندان طرح نویسی تبدیل شوند و به جای آنکه نامه‌های گلایه‌آمیز در خصوص مسائل مدیریت شهری و مشکلات زیست محیطی بنویسند، طرحی برای حل مشکل ارائه کنند.

مرکز مشارکتهای زیست محیطی به منظور حساس کردن مردم اقدامات دیگری را نیز، از جمله انتشار بروشورهای آموزشی، برگزاری همایشهای محلی، نصب تابلوها و پوسترهای تبلیغاتی، برگزاری جشن درختکاری و نظایر اینها انجام داده است. این مرکز پس از آنکه دیدگاههای شهروندان را - طی طرح ارزشیابی - خانه به خانه جمع‌آوری کرد، اکنون سال دوم برنامه ۵ ساله خود را به منظور فعال سازی شهروندان آغاز کرده است.

این مرکز به منظور فعال کردن مردم در انجام امور، به دنبال تشکیل گروههای

در همان ابتدای کار قرار بر این شد که این مرکز حلقه رابطی بین شهروندان و دستگاههای دولتی و شهرداری باشد و آگاهی‌های لازم در زمینه حفظ محیط زیست را به مردم بدهد، و بدین ترتیب با استفاده از همکاریهای میان بخشی و مشارکت مردم، بایدهای ایجاد شهری سالم بنا شود

کارگاههایی برای آموزش اصول پروژه نویسی و طرح نویسی تشکیل شد تا بدین ترتیب شهروندان عرضه نویسی به شهروندان طرح نویسی تبدیل شوند و به جای آنکه نامه‌های گلایه‌آمیز در خصوص مسائل مدیریت شهری و مشکلات زیست محیطی بنویسند، طرحی برای حل مشکل ارائه کنند

این ترتیب ارتباط مؤثری بین شهروندان و مرکز برقرار می‌شود. همچنین با شناسایی افراد سرشناس محله‌ها، از آنها برای شرکت در فعالیتهای گوناگون دعوت می‌گردد.

به طور کلی اداره کنندگان مرکز مشارکتهای زیست محیطی افرادی هستند که به صورت داوطلبانه در بخشهای مختلف مشغول به کارند و به این ترتیب کانونی برای فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی جوانان فراهم آمده و فضای سالم برای حرکت این افراد به سوی کسب آگاهی و مشارکت در ساخت محیط زندگی ایجاد شده است.

استفاده از نیروی داوطلب مزایای دیگری نیز دارد که از جمله آنها کاهش هزینه‌ها در امور شهری است. معطری می‌گوید: سعی بر این است که امور شهر به مردم سپرده شود و با آگاه کردن آنها به جایی برسیم که شهروندان شهر را متعلق به خود بدانند و در حفظ و اداره آن

همبازی در منطقه است. به طوری که شهروندان داوطلب برای حل مشکلات شهری - و به ویژه مشکلات زیست محیطی - گردهم جمع شوند و با استفاده از امکاناتی که مرکز در اختیار آنها قرار می‌دهد فعالیت کنند. در واقع مرکز مشارکتهای زیست محیطی نقشی تسهیل کننده را بر عهده گرفته است و دانش لازم را در اختیار این گروهها قرار می‌دهد تا در انجام کارها بهر موری بیشتری کسب کنند.

معطری در این باره می‌گوید: پس از اینکه گروههای همبازی در سطح محله‌ها تشکیل شدند و با استفاده از امکانات مرکز شروع به کار کردند، سعی خواهد شد که آنها به سمتی حرکت کنند که استقلال یابند و سازمان یافته شوند. به گونه‌ای که هر کدام به عنوان یک CBO یا سازمان مبتنی بر اجتماع حول محور موضوعات اجتماعی عمل کنند. به جاور کلی رویکرد مرکز این است که برای

خانه محله مشیریه جایی که بانوان با هم به گفت و گو می نشینند

خانه محله مشیریه یکی دیگر از مراکزی است که به منظور انجام فعالیتهای اجتماعی و به عنوان فضای پیوند و ارتباط مردم و شهر تأسیس شده و خانه‌ای است برای کوچک و بزرگ محل تا دور از هیاهوی بی‌امان شهری - که جایی برای لحظه‌ای درنگ ندارد - یکدیگر را بیابند و در کنار هم رنگی نو به شهرشان زنند.

خانه محله مشیریه به عنوان مرکز مشارکتهای مردمی با اجرای برنامه‌های متعدد، زمینه فعالیت شهروندان را در حوزه‌های مختلف فراهم آورده است. از جمله گروههایی که به برکت وجود خانه محله شکل گرفته است و فعالیت می‌کنند، انجمن بانوان مشیریه است. در این جمع بانوانی که پیش از این



اطراف از بین بروند.

بدین ترتیب سلیقه و هنر بانوان مشیریه، که پیش از این در چارچوب خانه‌هایشان محدود بود، عرصه‌ای برای دخالت در امور شهر یافته است و این بانوان می‌توانند به دیگر علاقه‌مندیانی که هنرشان را خریدارند، با کمترین هزینه آموزش دهند. به این ترتیب چند منظور متحقق شده است: ایجاد اشتغال، آموزش، و پر کردن اوقات فراغت.

انجمن بانوان مشیریه در کنار سایر برنامه‌های خود، در زمینه کارهای خیریه نیز دستی‌نارزد و با شناسایی افراد بی‌بضاعت محل، برای گزینش از مشکلات آنان تلاش می‌کند.

از دیگر برنامه‌های خانه محله برگزاری همایشهایی چون همایش نجوم، زلزله و جزاینهاست، به طوری که علاقه‌مندان به این رشته‌ها گرد هم جمع می‌شوند و با مطالعه و تحقیق درباره این

خانه محله مشیریه بستری را فراهم آورده تا از نگاه زنانی که در این محله زندگی می‌کنند - و نگاهی دقیق و ریزبین به زیبایی‌های فضای شهر دارند - استفاده کند و دیدگاههای آنها را برای زیباتر کردن محله به کار اندازد

محلتهای هابی که بضاعت شرکت در کلاسهای خصوصی را ندارند، کلاسهای آموزشی تشکیل داده‌اند و بدون دریافت هیچ نوع هزینه‌ای، اطلاعات و دانش خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. به این ترتیب خانه محله با ارائه مکان و امکانات، زمینه‌ای را فراهم کرد تا مشارکت جوانان محل ساماندهی شود و توأمدینیای



موجود در مردم محله به دیگران انتقال یابد.

برگزاری کلاسهای زیست محیطی، انجمنهای تئاتر و شعر، تنج و کوهنوردی نیز از دیگر برنامه‌های این مرکز است.

همچنین خانه محله سعی دارد همایشی با عنوان «شهر چیست و شهروند کیست» برگزار و شهروندان را به مطالعه و بررسی ابعاد این مسئله دعوت کند، به گونه‌ای که پس از جمع‌آوری نظریات و طرحهای مردم، دیدگاههای مختلفی که ارائه می‌شود در پیوند مدیریت شهر مورد استفاده قرار گیرد.

موضوعات، و ارائه نتایج کار به دیگران، زمینه بحث و تبادل نظر و اشتراک فکر و اندیشه را ایجاد می‌کند.

به عنوان مثال، در همایش زلزله تهران، کارشناسان به بررسی ابعاد مختلف زلزله پرداختند و نتایج کار، در برنامه‌ای که در آن از کلیه اهالی محل دعوت شده بود، ارائه گردید. بدین ترتیب هم حجم وسیعی از اطلاعات مورد نیاز مردم گردآوری شد و هم جوانان محل در کاری مشترک شرکت کردند.

یکی دیگر از برنامه‌های خانه محله مشیریه، طرح باورن تحصیلی است. در این طرح دانشجویان و فارغ التحصیلان محله گرد هم آمده‌اند و برای هم

مکانی برای پیدا کردن یکدیگر نداشتند گرد هم آمدند و هر یک توانمندیهای خود را به دیگر هم محلی‌های خود ارائه می‌دهند. از طرف دیگر خانه محله مشیریه بستری را فراهم آورده تا از نگاه زنانی که در این محله زندگی می‌کنند - و نگاهی دقیق و ریزبین به زیبایی‌های فضای شهر دارند - استفاده کند و دیدگاههای آنها را برای زیباتر کردن محله به کار اندازد. به عنوان مثال، آنها می‌توانند بگویند از چه گلها و درختانی باید استفاده کرد و در چه مکانهایی نیاز به ساخت فضای سبز است؛ یا اینکه بگویند چگونه باید ساخت و ساز منطقه انجام شود، بدون آنکه زیباییهای طبیعی کوه و آسمان

کافه گالری، فضایی برای گفت و گوی هنرمندان

معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ۶ یکی از مراکز فعالی است که نگاهی نو به حضور شهروندان در اداره شهر دارد و برنامه‌های مختلفی را برای استفاده از فشارکت نیروهای خلاق و توانمند منطقه به اجرا درآورده است. از جمله اقدامات این معاونت احداث کافه گالری، مرکز بیماران MS و کارگاه آموزش کامپیوتر و اینترنت است، که در ادامه به آنها اشاره شده است.

کافه گالری

وقتی سازمانهای دولتی عرصه حضور شهروندان را فراهم سازند و درهای خود را به روی فکرهای نو و خلاق آنها بکشند دوست دارند شهری سالم داشته باشند باز کنند. آنگاه سبلی از دستهای یاری‌گر برآید می‌شود.

احداث کافه گالری در پارک قزل قامه نیز به همت دستهای یکی از همین شهروندان صورت گرفته است. این مرکز با هدف تلطیف فضای شهری و زدودن چهره خشنی که شهرهای ما به خود گرفته‌اند ساخته شده است و ایستگاهی است برای حضور مردمی که به دنبال مکانی آبدار و روح مشارکت و زندگی جمعی را دریابند.



در این مرکز، استادان می‌توانند در کنار کلاسهای آموزشی، جلسات گفت‌وگو با هنر جوانان و شهروندان تشکیل دهند. شهروندان نیز می‌توانند، علاوه بر مراجعه کنندگان تخصصی، از امکانات قهوه‌خانه سنتی، بازدید از گالری‌های آثار هنرمندان و کلاسهای آموزشی استفاده کنند.

کافه گالری قزل قامه از بخشهای مختلفی تشکیل شده است. از آن جمله مرکزی است برای گروهی هنرمندان تا علاوه بر تبادل نظر، آثار خود را برای عموم به نمایش بگذارند و از طرف دیگر در کلاسهای آموزشی توانمندسازی خود را به علاقمندان عرضه کنند.

همچنین در این مرکز، استادان می‌توانند در کنار کلاسهای آموزشی، جلسات گفت‌وگو با هنر جوانان و شهروندان تشکیل دهند. شهروندان نیز می‌توانند، علاوه بر مراجعه کنندگان تخصصی، از امکانات قهوه‌خانه سنتی، بازدید از

مسالی و درمانی نیز فعالیت می‌کند و سعی دارد با معرفی فعالیتهای خود، حمایتی سایر شهروندان را برای کمک به مرکز جلب کند.

کارگاه آموزش کامپیوتر و اینترنت یکی دیگر از فضاهایی که معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ۶ ایجاد کرده، کلاسهای آموزش رایگان علوم کامپیوتر و اینترنت است.

این مرکز با جذب مردم منطقه اعم از پسر و جوان، آموزشهای لازم در عصر ارتباطات را به آنها ارائه می‌دهد و احساس نیاز به علوم روز را در والدین ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، مرکز مذکور برای بهره‌مندی از خدمات آموزشی یک شرط گذارنده و آن عضویت در یکی از تشکلهای غیردولتی است.

به عبارت دیگر، از این طریق هم ضرورت کسب اطلاعات و دانش کامپیوتر برای جوانان و خانواده‌هایشان شناسانده شده و هم آنان به عرصه مشارکتهای اجتماعی فراخوانده شده‌اند.

گالری‌های آثار هنرمندان و کلاسهای آموزشی استفاده کنند.

شهرداری در ایجاد این مرکز با نگاه مشارکت جویانه سعی کرده است تا بخشی از امور شهر را به شهروندان واگذارد و با ایجاد فضای فرهنگی و اجتماعی در گوشه‌ای از منطقه، زمینه تعامل و گفت‌وگو را در بین مردم فراهم کند و بدین ترتیب احساس تعلق شهروندان را به شهر افزایش دهد.

مرکز حمایت از بیماران MS

این مرکز برای حمایت از بیماران MS و با جلب مشارکت یکی از تشکلهای غیردولتی فعال در این زمینه تشکیل شده است.

گروهی که در این مرکز گرد هم آمده‌اند، با شناسایی افراد مبتلا به بیماری MS، یک بانک اطلاعاتی تشکیل داده است و هر ماه با دعوت از این افراد در همایشها و برنامه‌های مختلف، در تقویت روحیه و کمک به آنها می‌کوشد. مرکز مذکور در ارائه خدمات آموزشی،

آموزش و درمان در خانه جوان

خانه جوان در منطقه ۲۰ تهران مرکزی است که جوانان علاقمندی را گرد می‌آورد و آنها را برای مشارکت در عرصه‌های بزرگ‌تر اجتماعی آماده می‌سازد.

این مرکز با هدف ساماندهی فعالیت جوانان، در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی، و با شناسایی توانمندی‌های انسان، سعی دارد بستری مناسب برای شکوفایی استعدادهای درخشان و استفاده از آن در رشته‌های مختلف فراهم سازد. در خانه جوان یا خانه شهروند دولت



تعداد مراجعه کنندگان خانه جوان در طول ایام هفته به ۷۰۰ نفر می‌رسد. این افراد در گروه‌های مختلف به فعالیت‌های مطلوبی مشغولند و برای چاپ مطالب خود، مورد حمایت شهرداری قرار می‌گیرند.

شهرداری با اعضای خانه جوان تا آنجاست که گناه شهرداری، از گروهی تقاضای درخواست مطلب رایج به سوژه‌ای خاص کرده است.

یکی دیگر از برنامه‌های این مرکز برگزاری کلاسهای آموزشی خلال احمر بود که نحوه برخورد با حوادث غیرمترقبه را به شهروندان منطقه آموزش می‌داد. همچنین خانه جوان به عنوان یکی از مراکز مشارکت مردمی، ارتباط مؤثری بین کهنسالان و جوانان منطقه برقرار کرده و فعالیت مشترک آنها را در قالب یک انجمن



به انسجام درآورده است. از جمله اقدامات این انجمن شناسایی معضات محل و برگزاری جلسات مختلف با آنها برای ریشه‌یابی علل اعتیاد و درمان این معضل بوده است.

اعضای جوان این مرکز در اقدام دیگری، برای پاکسازی محله‌ها از موش، و آموزش روشهای پاکیزگی و سلامت شهر، اطلاعات لازم را در این خصوص به دیگر هم‌محله‌ای‌های خود ارائه دادند.

جوانان به صورت دسته و گریخته با یکدیگر همکاری می‌کردند، اما هم اکنون آنها توانسته‌اند یکدیگر را پیدا کنند و به طور منظم و با مدیریت و برنامه‌ریزی بهتر در کنار هم به فعالیت بپردازند.

تعداد مراجعه کنندگان خانه جوان در طول ایام هفته به ۷۰۰ نفر می‌رسد. این افراد در گروه‌های مختلف به فعالیت‌های مطلوبی مشغولند و برای چاپ مطالب خود، مورد حمایت شهرداری قرار می‌گیرند. همچنین زمینه همکاری

ایجاد جوانان منطقه ضمن فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی، نشریات مختلفی را در زمینه‌های اقتصادی، هنری شهروندی و نظایر اینها منتشر می‌کنند و موضوعات مورد نظر خود را به عرصه نقد و بررسی می‌کشند.

مسئول خانه جوان می‌گوید: این مرکز با وجود فضای کم و کمبود امکانات، نقش مؤثری در جذب جوانانی که در تشکلهای مختلف غیردولتی فعالیت می‌کنند داشته است. تا پیش از تأسیس این مؤسسه،

جشنواره بازیهای محلی

تعامل میان نسل جدید و قدیم

در دنیایی که هر روز انسانها در معرض هجوم اطلاعات کامپیوترها و هیاهوی ماشینها هستند و برای رسیدن به قافله زمان هر روز بیشتر با گذشته خود فاصله می گیرند، سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری کاشان، با تکیه به گذشته سعی در احیای بازیهای محلی کرده است.

سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری کاشان به منظور احیای بازیهای محلی گذشته و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی شهروندان، جشنواره بازیهای بومی و محلی را برگزار کرده است.

سعید عطایی، مدیرعامل این سازمان

بسیاری از بازیهای بومی این سرزمین عرصه‌ای برای ایجاد تعامل اجتماعی و مبادلات فکری و فرهنگی بوده‌اند و هنوز هم قابلیت بهنگام شدن و ظهور در جامعه را دارند.

از جمله نکات در خور ذکر این جشنواره، حضور افرادی بود که از روستاهای اطراف و محله‌های قدیمی یا وسایل ورزشی سنتی خود در جشنواره شرکت کردند و در بین آنها پیرو مردانی بودند که ورزشکاران باشگاههای بدنسازی را به میازره می‌طلبیدند.

۴۶۱ تیم در نقاط مختلف شهر برگزار شد. بیش از نیمی از شرکت کنندگان را بزرگسالان و سالخورده‌گان تشکیل می‌دادند.

از جمله نکات در خور ذکر این جشنواره، حضور افرادی بود که از روستاهای اطراف و محله‌های قدیمی یا وسایل ورزشی سنتی خود در جشنواره شرکت کردند و در بین آنها پیرو مردانی بودند که ورزشکاران باشگاههای بدنسازی را به میازره می‌طلبیدند.

همچنین در این جشنواره بانوان کاشانی نیز حضور چشمگیری داشتند و



در زمینه اهداف برگزاری جشنواره می‌گوید: اهدافی که سازبویایی این مسابقات دنبال می‌کردیم علاوه بر ایجاد روحیه همدلی، تعامل اجتماعی، روحیه نشاط و شادمانی و پر کردن اوقات فراغت جوانان، اتصال فرحتگ گذشته به نسل جدید بوده است؛ به خصوص که سنتها و آیینهای ما استعداد بویایی و پاسخگویی به نیازهای عصر حاضر را دارا هستند.

وی می‌افزاید: بسیاری از بازیهای بومی این سرزمین عرصه‌ای برای ایجاد تعامل اجتماعی و مبادلات فکری و فرهنگی بودند و هنوز هم قابلیت بهنگام شدن و ظهور در جامعه را دارند. جشنواره بازیهای محلی نوعی تعامل و همزیستی بین نسل گذشته و حاضر ایجاد کرده است؛ به همین دلیل سعی داریم با تهیه دستورالعملهای لازم، این بازیها را در سطح

جامعه اشاعه دهیم. سازمان رفاهی و تفریحی کاشان برای برگزاری این جشنواره نیازمند اطلاعاتی درباره چگونگی انجام بازیهای بود که سالها به بوته فراموشی سپرده شده بودند. به همین دلیل، طی یک سال برقراری ارتباط با افراد قدیمی محله‌ها و روستاها، اطلاعات لازم در این زمینه جمع‌آوری شد. به این ترتیب پس از جمع‌آوری اطلاعات، گروهی مرکب از کارشناسان پیشکوتان رشته‌های مختلف ورزشی، آیین‌نامه و مقررات برگزاری بازیهای محلی را در قالب تیم‌هایی که مسابقات اسرزی دارند تدوین کردند و داوران جشنواره نیز آموزشهای لازم را فرا گرفتند. جشنواره بازیهای بومی و محلی در ۱۰ رشته ورزشی و با حضور گسترده شهروندان - اعم از پیر و جوان - در قالب

بسیاری شرکت در بازیهای کهنه یادآور خاطرات کودکی‌شان بود. گردیم آمده بودند؛ حتی نراول مسابقه کاغذ هوایی یا بادبادکها، یکی از همین باتوان کاشانی بود. گفتنی است این سازمان ملی برنامه‌های مختلف با کانونهای مردمی محله‌ها ارتباط برقرار ساخته و از مشارکت آنها در اجرای برنامه‌های خود در جشنواره استفاده کرده است. در واقع پل ارتباطی ستاد جشنواره و مردم بوی شرکت در مسابقات همین کانونهای محلی بودند. همچنین سازمان رفاهی و تفریحی کاشان سعی دارد به منظور حفظ میراث رفتاری مردم و توسعه زمینه‌های تعامل و مشارکت شهروندان تا برگزاری جشنواره دوم، هر ماه این مسابقات را برگزار کند و در کنار آن نیز برنامه‌های آموزش مقررات بازیها و تربیت داوران به اجرا در خواهد آمد.

کارآگاه مارشال در خیابانهای باق

یکی از روشهای ایجاد فضاهای تعامل و گفتوگو، برقراری ارتباط غیر مستقیم - یا ابزار هنر - است. شهرداری بافق سعی کرده است با استفاده از این ابزار، با یک تیر دوشان بزند و با کشاندن مردم به خیابانها برای تماشای تئاترهای خیابانی در قالب نمایش، آموزشهای شهروندی را نیز عرضه کند.

شهردار بافق معتقد است با اجرای این برنامه که مخاطبان اصلی شان کودکان و نوجوانان بودند، آموزشها و حقوق شهرداری نسبت به مردم به آنان عرضه شد. از آنجا که سوزدها مربوط به شهر، وظایف شهرداری و انتقاد از وندالیسم بود، مردم را در گروههای سنی مختلف به گفتوگو درباره معضلات مطرح در نمایشها کشاند بدین طریق حتی والدین نیز برای کنترل فرزندان و گوشزد کردن اهمیت حفظ اموال عمومی به آنان ترغیب شدند.

این نمایشها در قالبهای تاکید بر نظم و مقررات اجتماعی، بررسی هنجارها و ناهنجاریها، تعیین وظایف و خدمات شهرداری و حقوق متقابل شهروندان و شهرداری، در ۶ ایزود به شرح زیر اجرا شدند:

ایزود اول مربوط به برخورد شهروندان با رفتگران و لزوم حفظ حرمت این قشر بوده است.

در این قسمت، شهروند توقع دارد تا رفتگر علاوه بر کوچه و معابر، داخل خانه او را نیز نظافت کند. در این هنگام کارآگاه مارشال از راه می رسد و شهروند را متقاعد می کند که وظیفه رفتگران تعریف شده است و نباید به چشم حسرت به این خدمتگزاران نگریم. در پایان، شهروند شاکلی به آینه خود می برد و دست رفتگر را می بوسد.

ایزود دوم، با عنوان دشمن گلها، در خصوص تخریب فضای سبز شهر است. در این بخش، نوجوانی با تعدادی شاخه گل که از پارک چیده است از راه می رسد. مارشال از نوجوان می پرسد که چه کسی او را تشویق به چنین کاری کرده است. نوجوان پدرش را معرفی می کند و می گوید که او نیز شبانه گلها و گیاهان را از پارک شهر می چید و در منزل می کارد.

مارشال به این نکته اشاره می کند که پارک فضاهای سبز عمومی و متعلق به همه مردم است. شهرداری این نهالها را از

تقاطع دور و نزدیک، با هزینه زیاد تهیه می کند تا فضای سبز شهر گسترش یابد و شهروندان از آن بهره مند شوند.

ایزود سوم، که جوان خطاکار نام دارد، در مورد جوانی است که با بسپری در حال شعار نویسی بر روی دیوارها و نماهای شهر است. مارشال با دستگیری وی عنوان می کند که چنین کارهایی باعث خسارت و تخریب و زشتی چهره شهر می شود.

ایزود چهارم، با عنوان جوان بیگانه، داستان فردی است که کاپلهای روشنائی پارک را در می آورد. وی پس از دستگیری به وسیله مارشال، علت این عمل را بیگاری عنوان می کند.

مارشال به او گوشزد می کند که این کار باعث فقدان روشنائی پارکها در شب می شود و مردم برای گذراندن ساعاتی از اوقات فراغت در شب با مشکل مواجه می گردند.

ایزود پنجم که بشکله درد شهر نام

شهردار بافق معتقد است با اجرای این برنامه که مخاطبان اصلی شان کودکان و نوجوانان بودند، آموزشها و حقوق شهرداری نسبت به مردم به آنان عرضه شد. از آنجا که سوزدها مربوط به شهر، وظایف شهرداری و انتقاد از وندالیسم بود، مردم را در گروههای سنی مختلف به گفتوگو درباره معضلات مطرح در نمایشها کشاند.

دارد، داستان مردی است که شبانه در حال برداشتن و پودن یکی از بشکلههای زیاده شهرداری است که مارشال او را دستگیر می کند.

وی علت کارش را استفاده از بشکلهها برای تعمیرات خانه اش عنوان می کند. مارشال کار او را زشت برمی شمارد و ققنان بشکلهها را عامل بخش زیادهها - و به تبع آن گسترش آلودگی در شهر - عنوان



می کند. سپس مارشال بشکله درد را داخل بشکله می کند و برای عبرت دیگران از او عکس می گیرد.

در ایزود ششم، در حالی که مارشال قصد دارد دیگر کارها را بگیرد، ناگهان مردی از میان جمعیت مارشال را صدای زنده خطاب به او می گوید. شورا و شهرداری، برای آبادانی شهر کاری انجام نداده و بودجه ها را حیف و میل کرده اند. مارشال پیشنهادهای او را برای اداره شهر جویا می شود و مرد عنوان می کند که می بایست شهرداری به جلی تاکسی، وانت پارک در شهر بگذارد و نیز کمپرسی را جایگزین اتوبوس کند تا مردم راحت تر جابه جا شوند.

وی می افزاید که قصد دارد در آینده کاندیدای شورای شهر شود و مردم به او رای دهند، چرا که به گفته خودش «همه کاره» است. در این بین معاون مارشال با یک جمله جواب او را می دهد: «آدم همه کاره، هیچ کاره است».

نمایشهای خیابانی مذکور با زبان طنز در خیابانهای شهر بافق اجرا گردید. نکته درخور توجه در این برنامه، جلب توجه شهروندان - خصوصاً کودکان و نوجوانان - در قالب آموزشهای غیر مستقیم، به مسائلی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته اند و در واقع نهادینه نشده اند.

شهروندان بافقی پس از اجرای نمایشها به گفتوگو با یکدیگر می پرداختند و نکات انتقادی مطرح در آنها را مورد تأیید قرار می دادند.

شهرداری امیرکلا با کودکان گفت و گو می کند

شهر امیرکلا با جمعیت دوهزار و پانصد نفری و مساحتی بالغ بر ۸۷ کیلومتر مربع میان شهرستان بابل و بابلسر در سازندگان قرار گرفته و از سال ۱۳۳۲ دارای شهرداری شده است.

این شهر با وجود جمعیت اندک، دارای میانگین سنی جوانی است که این موضوع، ویژگیهایی را برای اداره شهر در پی دارد. یکی از این ویژگیها، اشتیاق مردم و اسل جوان برای مشارکت در مدیریت شهر است.

شهرداری نیز با در نظر داشتن این موضوع در صدد جلب مشارکت و ایجاد تعامل با مردم برآمده است.

یکی از این راهها، ایجاد ارتباط مستقیم شهردار با کودکان و نوجوانان از طریق جلسات حضوری و نصب صندوقهای نظرسنجی در حاشیه خیابانها، محلات، مدارس، مراکز تفریحی، ورزشی و مانند اینهاست.

کودکان و نوجوانان در جلسات گفت و گوی حضوری با شهردار، به

وصیمانه است که آنان حتی مشکلات خصوصی و مسائلی را که به دیگر نهادهای اجرایی مربوط می شود، با شهرداری در میان می گذارند. از دیگر اقدامات شهرداری، ایجاد محافل علمی - ورزشی است که به بهانه مناسبات مختلف مردم را برای آشنایی با مفاخر شهر به دور هم جمع می کند. به

کودکان و نوجوانان در جلسات گفت و گوی حضوری با شهردار، به اظهار نظر در خصوص کاستیها و نیازهای محله های شهر می پردازند و دیدگاهها و پیشنهادهای خود را برای اداره هر چه بهتر شهر ارائه می کنند

شهرداری به مناسبتهای مختلف، مسابقاتی را در سطح شهر برگزار می کند که موضوع آن مسائل شهری و شهروندی است. این مسابقات بهانه ای است تا شهردار در مدارس حضور یابد و در خصوص مسائل مختلف با آنان گفت و گو کند و به تشریح سوالات مسابقه بپردازد. سپس بعد از مسابقه نیز جواب سوالات، با امضای شهردار، به همراه جوایزی برای دانش آموزان ارسال می گردد.

اظهار نظر در خصوص کاستیها و نیازهای محله های شهر می پردازند و دیدگاهها و پیشنهادهای خود را برای اداره هر چه بهتر شهر ارائه می کنند.

مطالبی که به صندوقها ریخته می شوند، مورد بازبینی شهردار قرار می گیرند و به مسائلی که با ذکر نشانی عنوان شده اند، پاسخ کتبی داده می شود. اکثر شهروندی که بدین صورت با شهرداری ارتباط برقرار می کنند، زیر ۲۰ سال سن دارند. نکته در خور توجه در این مکاتبات، نکته ستجی کودکان و نوجوانان و دید وسیع آنان نسبت به مسائل مبتلا به مدیریت شهری است. به گفته شهردار امیرکلا این ارتباط به قدری تنگاتنگ

عنوان مثال، شهرداری پس از اعلام نتایج کتکسور یا المپیادهای علمی و فرهنگی و ورزشی، به منظور تقدیر از برندگان یا ارسال دعوتنامه برای تمامی شهروندان، از آنان دعوت به عمل می آورد. این موضوع علاوه بر ارج گزینی و فرهنگسازی، باعث ایجاد تعامل و گفت و گو بین شهروندان نیز می گردد.

همچنین شهرداری به مناسبتهای مختلف مسابقاتی را در سطح شهر برگزار می کند که موضوع آن مسائل شهری و شهروندی است. این مسابقات بهانه ای است تا شهردار در مدارس حضور یابد و در خصوص مسائل مختلف با آنان گفت و گو کند و به تشریح سوالات مسابقه بپردازد



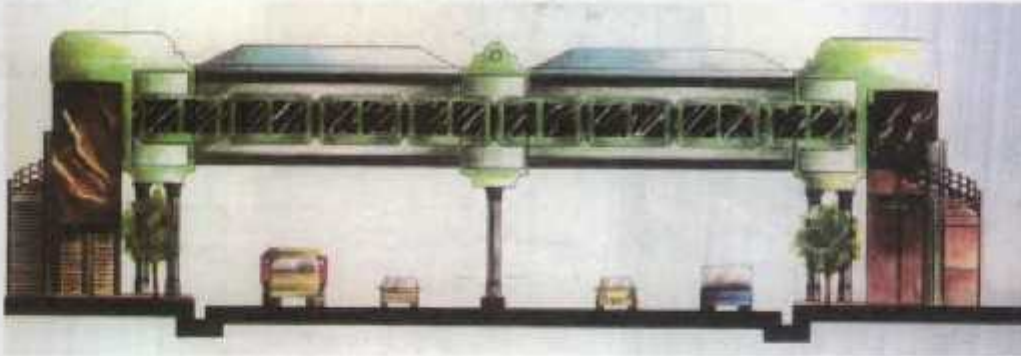
سپس بعد از مسابقه نیز جواب سوالات، با امضای شهردار، به همراه جوایزی برای دانش آموزان ارسال می گردد.

شاید جالب باشد که بدانید در توار سنیز شمال کشور مردم در شیهای سرد زمستان جمع می شوند و به خواندن کتب مختلف به صورت دسته جمعی می پردازند. شهردار امیرکلا نیز با اطلاع از این موضوع، پس از برگزیده شدن به ریاست انجمن کتاب شهر، تلاش جدیدی را برای گسترش فرهنگ کتابخوانی و نیز تأمین منابع متناسب با کودکان و نوجوانان آغاز کرده است. وی با جمع آوری اسامی گروههای سنی مختلف و تأمین کتب مورد نیاز، شهروندان را به بحث و بررسی کتابهایی که مطالعه کرده اند، فرامی خواند.

یکی دیگر از اقدامات شهرداری امیرکلا در فراهم آوردن فضاهای تعامل اجتماعی، نصب تابلوهایی در سطح شهر با نام «آینده اجتماع» است که در آنها تعدادی از روزنامه های کثیرالانتشار و محلی، و نیز اخبار مربوط به شهر و شهرداری - از قبیل صورت هزینه و درآمد و عملکرد واحدهای مختلف شهرداری - در معرض دید قرار می گیرد. آنان از این طریق، ضمن بحث و بررسی در باره وقایع و اخبار محلی و غیر محلی، آنچه را که مربوط به شهر و شهرداری است در قالب انتقاد و پیشنهاد در اختیار شهردار می گذارند.

شهرداری امیرکلا می گوید با برقراری ارتباط و گفت و گو با شهروندان، گامهای کوچک ولی استواری را برای تشکیل بنابرمانی محلی در شهر کوچک امیرکلا بردارد و رشد های تعامل میان شهروندان را بگستراند.

شهرداری منطقه ۴ کرج فضای مکتب ایجاد می کند



فضاهای مکتب از جمله فضاهایی هستند که در شهرهای ما کمتر مورد توجه واقع شده‌اند و گذرگاههای شهری به معنای بدل گردیدمانند که باید به سرعت از آنها عبور کرده و بدین ترتیب هیچ توقف و تعاملی در آنها ایجاد نمی‌شود. در این میان شهرداری منطقه ۴ کرج دست به ابتکار جدیدی زده است و در نظر

منطقه و عمدتاً در تهران صورت می‌گیرد، به مکانی برای تعامل و برخورد ساکنان تبدیل خواهد شد. شهردار این منطقه در توضیح بیشتر در خصوص توجیه احداث پل و ایجاد کاربریهای آن می‌گوید: در این منطقه شاهدیم که شهروندان به علل مختلف همچون تعداد پله‌های پلهای عابر، عدم

شهرداری منطقه ۴ کرج دست به ابتکار جدیدی زده است و در نظر دارد با احداث «پل - بازاری» به صورت معلق بر روی اتوبان «کرج - قزوین» علاوه بر رفع احتیاجات روزمره مردم، فضایی را برای تعاملات روزانه شهروندان فراهم کند

از آنجا که این منطقه، منطقه‌ای خوابگاهی به شمار می‌رود و اکثر تعاملات شهروندان آن در خارج از منطقه و عمدتاً در تهران صورت می‌گیرد، به مکانی برای تعامل و برخورد ساکنان تبدیل خواهد شد



دارد با احداث «پل - بازاری» به صورت معلق بر روی اتوبان «کرج - قزوین» علاوه بر رفع احتیاجات روزمره مردم، فضایی را برای تعاملات روزانه شهروندان فراهم کند.

پل - بازار مذکور در موقعیتی مکانی یابی شده که یکی از مسیرهای پررفت و آمد عابران از عرض اتوبان است.

این پل با دارا بودن پله‌های برقی و کناربریهیهای تجاری می‌تواند خوابگاهی بخش عمدتای از نیازهای شهروندان مهرشهری باشد و از آنجا که این منطقه، منطقه‌ای خوابگاهی به شمار می‌رود و اکثر تعاملات شهروندان آن در خارج از

توانایی افراد مسن و معلول، و بعضاً چاق و بیمار، و اصولاً فقدان فرهنگ استفاده از پلهای عابر، از این پلهای استفاده نمی‌کنند و همه روزه برای عبور از اتوبان با خطرهای عمده مواجه‌اند. همچنین شهروندان به دلیل استفاده از خودروهای عبوری به سمت تهران و تأمین نیازهای خود، همه روزه مجبورند با عبور از اتوبان به قسمت مجاور بروند - که بدین ترتیب هیچ گونه تعاملی در منطقه صورت نمی‌گیرد، وی می‌افزاید: ما در نظر داریم انواع کاربریهای تجاری و مراکز عرضه مواد غذایی، پست، بانک اطلاعات شهری و مانند اینها را بر روی پل مستقر کنیم و فضاهای

نشیمنی را نیز برای رفع خستگی و گپهای روزانه در نظر بگیریم. به علاوه، با احداث پله برقی ضمن تشویق عابران برای استفاده از پل، از سوانح مختلف عبور از اتوبان نیز جلوگیری خواهد شد. نکته در خور توجه در طرح مذکور، آن است که تمامی ۲۵۰۰ میلیون ریال هزینه احداث پل، از فروش سرفصلی واحدهای تجاری آن تأمین خواهد شد. با اجرای این طرح، ضمن ایجاد منبع درآمد برای شهرداری، تأمین امنیت عبور و مرور و برطرف کردن احتیاجات مردم منطقه، فضایی آرام برای تعاملات اجتماعی و روزمره آنان فراهم می‌شود.

جایی برای هم اندیشی

گزارشی از مرکز
مشارکتهای مردمی
منطقه ۶ شهرداری
تهران

نازیلا مرادی



در دنیای امروز مفهوم فضای شهری، از تساطحی گریز ناپذیر با روح و مختصات زحمان دارد. فضاهای شهری در گذشته عبارت بود از فضای باز و سرپوشیده شبکه ارتباطات، همچون راهها، میدانها، فضاهای ورودی شهرها، بازارها، مساجد و قهوه خانه ها. این فضاها کانون فعالیتهای اجتماعی، مذهبی و فرهنگی بودند و نقش تعیین کننده ای نیز در سرنوشت اقتصادی و سیاسی شهر داشتند. اما در عصر حاضر سازوکارها و کارکرد این فضاها با تحویلی اساسی روبرو شده است. امروزه شناخت فضای شهری و خصوصیات کیفی آنها، گزازی است در جهت ایجاد تعامل و جلب مشارکت شهروندان، در این رویکرد تازه فضای شهری نه تنها مکانی برای گفتگو میان شهروندان است، بلکه حضور فعال و مشارکت جوی مردم به عنوان شهروند، در عرصه های عمومی ضرورتی است. انکار ناپذیر، این مسئله از آنجا اهمیت خود را باز می یابد که در شهرهای کشور ما فضاها این همچون پارکها و فرهنگسراها دیگر جایگویی نیاز عظیم شهروندان و به ویژه نسل جوان به تعامل و گفتگو و مشارکت در اداره امور شهر نیست. در چند سال اخیر درک این ضرورت در میان مسئولان اداره شهرها، موجب شده است که اندیشه ساخت و تجهیز فضاها این اختصاصی تر برای مشارکت شهروندان یکی از نغدغه های مهم آنها باشد. این اندیشه نخستین بار در حوزه معاونت اجتماعی شهرداری منطقه «۶» به تحقق پیوست. افتتاح نخستین «مرکز مشارکتهای مردمی» در منطقه «۶» اهدافی همچون توسعه و تقویت مشارکتهای مردمی، اعطای حق نظارت و تصمیم سازی برای شهروندان و بستر سازی لازم برای حضور مردم در اداره امور شهر را دنبال می کند.

این مرکز با وسعتی در حدود ۶۵۰ مترمربع در روز هفتم شهریور ماه سال جاری در پارک نظامی گنجوی افتتاح شد. معاون اجتماعی منطقه «۶» شهرداری در باره اهداف این مرکز می گوید: «در جامعه ما همواره مطالبات مردم در کوچه و خیابان و اتوبوس مطرح شده است. این مجموعه مکانی است که ادبیات کوچه و خیابان شهروندان را در خود سامان می بخشد و در بهترین حالت به تدریج به مکانی برای پرسشگری، تصمیم سازی و

فضای شهری نه تنها مکانی برای گفتگو میان شهروندان است، بلکه حضور فعال و مشارکت جوی مردم به عنوان شهروند، در عرصه های عمومی ضرورتی است انکار ناپذیر

داشت، به گونه ای که در آخرین روزهای باقی مانده به مراسم افتتاحیه، تلاش پر شور و بی وقفه آنها، گاه تا نیمه شب و صبح فردا به طول می انجامید. مراسم افتتاحیه این مرکز، تنها یک افتتاحیه رسمی نبود. در صبحگاه روز هفتم شهریور، ساکنان منطقه «۶» به هنگام عبور از کنار پارک نظامی گنجوی لحظه های مکت می گذراند و با مشاهده نام مرکز مشارکتهای مردمی، به خود اجازه می دادند که از خط قرمز افتتاحیه های رسمی عبور کنند. به این ترتیب مرکز مشارکتهای مردمی، به راستی به دست خود شهروندان افتتاح شد. شهروندانی که با سید خرید روزانه خود در این جلسه شرکت کردند و با شهردار تهران رو در رو سخن گفتند این گونه بود که در نخستین روز افتتاح مرکز مشارکتهای مردمی، نخستین جلوه های مشارکت واقعی به نمایش گذاشته شد.

آنچه در این میان بسیار جالب توجه است، پتانسیلی است که برای مشارکت در میان شهروندان شهرهای ما وجود دارد. تجربه نیز حکایت از آن دارد که هرگاه ستر لازم برای مشارکتهای مردمی فراهم آمده است، مردم بی اتصاف امکانات از آن حمایت کرده اند. به هر حال استقرار اولیه این مراکز گام مؤثری است که در حیطه وظایف کارگزاران مسائل شهری می گنجد. مرکز مشارکتهای مردمی دارای فضاهای کافی برای این منظور است. بخشهای مختلف این مرکز عبارتند از: سالن کنفرانس، سالن اجتماعات، کتابخانه تخصصی، کارگاه آموزشی، گالری و آلاچیهای روباز.

نظارت شهروندان بر اداره امور شهر تبدیل خواهد شد.

این مرکز را گروهی با نام «شورای مشاوران» که از شهروندان و اعضای NGO ها در منطقه «۶» تهران هستند اداره خواهند کرد و مرکز در واقع پتانسیلی برای NGO ها در زمینه برگزاری جلسات و کارگاهها خواهد بود. نکته جالب توجه در روند ساخت این مجموعه، همانا دخالت و نظارت مردم بر طراحی و ساخت مجموعه و انتخاب رنگ و نحوه چیدمان ستونها و میلمان مرکز بوده است.

این مشارکت همدلانه حتی در میان اعضای جوانان تشکلهای غیردولتی و پیمانکار طرح نیز در طی فرایند کار جریان

یکی از مسائلی که در جلسه هتتاجیه مرکز مشارکتهای مردمی به دست اعضای تشکلهای غیردولتی یا شهردار و رئیس شورای شهر مطرح شد مسئله اداره و مدیریت این مرکز بود. به عقیده اعضای این تشکلهای مرکز مشارکتهای مردمی نباید به یک فرهنگسرا تبدیل شود، چرا که با تشکیل فرهنگسراها افتخاری حضور شهروندان به سراب آرزو نشست و این مراکز پس از مدتی تنها به مکانی برای نمایش فیلم و اجرای کنسرت تبدیل شدند. اوبوری شهردار تهران نیز در مراسم افتتاحیه، با ذکر این نکته که افتتاح این مرکز نقطه آغازین یک حرکت است، گفت: «منابع محدود و فناپذیرند اما خلاقیتها فناپذیرند. سامان مند کردن مشارکتهای

مردمی باعث گردهمایی و گرم خوردن خلاقیتهای پراکنده و جزئی شهروندان خواهد شد». همچنین که پیش تر نیز ذکر شد، کارکرد ناصحیح و یا انحراف از اهداف اولیه، مسئله‌ای است که ذهن بسیاری از اعضای تشکلهای غیردولتی را در مرکز مشارکتهای عسومی به خود معطوف ساخته است. تشکلهایی که مهم‌ترین کاربران و مخاطبان این مجموعه‌اند این تشویب زمانی واقعی‌تر به نظر می‌رسد که مجموعه دیگری تحت عنوان مرکز مشارکتهای اجتماعی جوانان در خیابان ورسو، پس از گذشت یک سال و اندی کاملاً به استفاده باقی مانده است. این مرکز با مصوبه و مجوز شورای شهر احداث

شده اما هنوز به رغم بیگیری بهای تشکلهای محلی به بهره‌برداری نرسیده است. در یاسان باید گفت، حرکت و خیزشی که در حوزه اندیشه شهردار بهای کشور در خصوص جلب مشارکتهای شهروندی شکل گرفته است، تنها با راهاندازی مراکزی از این دست تحقق خواهد یافت. خوشبختانه جلب مشارکتهای مردمی نکته‌ای است که در شرح وظایف معاونتهای اجتماعی شهرداریها نیز تعریف شده و امید است حتی در شهرداریهای که فاقد معاونت اجتماعی هستند نیز، سایر واحدهای مرتبط عهده‌دار ابهای این وظیفه شوند.



تدوین قانون NGO ها در سایه گفت و گو

نشست مشترک نمایندگان جوانان مجلس ششم، دبیران سازمانهای غیردولتی و مسئولان شبکه غیردولتی جوانان با هدف ضرورت تدوین قانون سازمانهای NGO در کشور برگزار شد.

گزارشی از نشست مشترک نمایندگان مجلس با جوانان

در این نشست راهکارها و آشنایی با چگونگی تعامل در جهت رفع موانع حقوقی سازمانهای NGO و مسائل جوانان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

NGO ها سازمانهایی هستند که به دست افراد اجتماع و برای خدمت به جامعه، بدون کمترین دخالت دولت، به وجود آمده‌اند و در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فعالیت می‌کنند.

شبکه غیردولتی جوانان یکی از تشکلهای غیردولتی است که به منظور

استحکام ارتباطات بیرونی و انعکاس مطالبات جوانان تشکیل شده است. این تشکل به منظور ارائه دیدگاههای خود در تدوین قانون NGO ها از نمایندگان جوان مجلس ششم دعوت کرد، تا از این طریق زمینه‌های مورد نیاز قانونی مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از جوانان عضو این تشکل در این نشست با اشاره به تأثیر سازمانهای غیردولتی در اجتماع و رفع فاصله بین حاکمیت و مردم، نقش آنها را در ایجاد آزادیهای مدنی و جلب مشارکت مردم در عرصه‌های اجتماع مورد تأکید قرار داد.

وی همچنین اهداف راهاندازی این تشکل را دستیابی به سیاستگذاری واحد، افزایش سطح توانایی NGO ها و گسترش حوزه نفوذ آنها عنوان کرد و این

تشکل را یک میانجی‌سرای انتقال خواسته‌ها و مشکلات NGO ها به مجلس دانست.

در این جلسه مسئولان شبکه غیردولتی جوانان موانع حقوقی و برخورد قبیحانه ارکان دولت را از جمله مشکلاتی عنوان کردند که اجرای برنامه‌های NGO ها را با موانع روبرو ساخته است.

همچنین نمایندگان دعوت شده به این نشست، ضرورت تصویب قانون تشکلهای غیردولتی بر اساس مطالبات دقیق را مورد تأکید قرار دادند و شکل‌گیری NGO های کارآمد و مؤثر را در جامعه، نیازمند حمایت‌های مالی و معنوی دولت دانستند.



در همایش مهندسی ایمنی مطرح شد

تأکید وزیر کشور بر ارتقای فرهنگ ایمنی جامعه

اولین همایش مهندسی ایمنی و پیشگیری از آتش سوزی با حضور مسئولان و کارشناسان، در مهرماه سال جاری برگزار شد.

در این همایش موسوی لاری، وزیر کشور با اشاره به مسائل و مشکلات ایمنی و آتش نشانی در مدیریت کلان، برای بهبود سامانه آموزشی و پژوهشی ایمنی و آتش نشانی کشور راهکارهایی ارائه کرد. وی نهادن نظام آموزشی و تحقیقاتی آتش نشانی را از جمله مشکلات موجود عنوان کرد و گفت: عدم آموزش حرفه‌ای نیروهای متخصص باعث شده است که در سطح آتش نشانی‌های کشور نیروی متخصص کافی وجود نداشته باشد. همچنین سراسر تحقیقاتی کشور هیچ برنامه‌ای در جهت تدوین و طراحی نظام‌های اطلاعاتی و آماری آتش نشانی برای بهبود وضعیت ایمنی در دست ندارند. وزیر کشور در ادامه، لزوم توجه به

موسوزش درون سازمانی برای ترویج نیروهای متخصص، ارتقای فرهنگ ایمنی جامعه با استفاده از رسانه‌ها و پژوهش و مطالعه در زمینه ایمنی و آتش نشانی را از جمله گام‌های اساسی در حل مشکلات امور ایمنی کشور برشمرد.

همچنین در این همایش محمدحسین مقیمی معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور در خصوص وضعیت ایمنی و آتش نشانی کشور گزارشی ارائه کرد. وی از جمله اقدامات و برنامه‌های وزارت کشور در زمینه ایمنی و آتش نشانی را تدوین لایحه‌ای قانونی در این زمینه برشمرد که این لایحه پس از طی مراحل قانونی به تصویب خواهد رسید. مقیمی در ادامه تشکیل سازمان مرکزی آتش نشانی، برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف و طرح جذب آتش نشانیان داوطلب را از دیگر برنامه‌های وزارت کشور عنوان کرد.

همچنین علی توذریور، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی عمرانی و دبیر این همایش در خصوص مسائل ایمنی کشور، میزان سرمایه‌گذاری برای گسترش مهندسی ایمنی و پیشگیری از حوادث را بسیار پایین دانست و این مسأله را عامل ایجاد زیان‌های مالی و انسانی بسیاری عنوان کرد.

دبیر همایش مهندسی ایمنی در ادامه، ضرورت توجه به وضعیت ایمنی شهرهای کشور را مورد تأکید قرار داد و شناخت عوامل و عناصری که محیط شهری را از

خطرات حریق مصون می‌دارد را یکی از مسائل مهم در مدیریت شهری ذکر کرد. وی همچنین استفاده از مشارکت مردم، وضع ضوابط و مقررات ایمنی، تقویت شیوه‌های کنترل و نظارت، بهره‌گیری از سازمان‌های غیردولتی و بکارگیری شیوه‌های مؤثر و بومی برای جلوگیری از حریق را از جمله راه‌های دستیابی به شاخص‌های بین‌المللی عنوان کرد.

تسلیان ذکر است در این همایش کارشناسان و استادان دانشگاه مقالاتی در خصوص مدیریت اضطراری، جایگاه ایمنی شهرها در مقابل آتش سوزی در طرح‌های توسعه شهری، وضعیت ایمنی شهرها، استانداردها و مقررات ایمنی ساختمان‌ها در برابر آتش، پوشش‌های ضدحریق، اصول مکان‌گزینی ایستگاه‌های آتش نشانی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و نظایر اینها ارائه کردند.



تبریز - میدان شهید

تشکیل حوزه مدیریت برنامه‌ریزی و امور مشاورین در منطقه یک (شهرداری) تبریز

تبریز - رعنا ترکان

مدیریت منطقه یک شهرداری تبریز به منظور تقویت جایگاه ستادی و برنامه‌ریزی برای انجام امور زیربنایی، حوزه مدیریت برنامه‌ریزی و امور مشاورین را تشکیل داد.

از دیگر اهداف تشکیل این حوزه می‌توان به سیاست‌گذاری‌های هماهنگ جامع‌نگری در اهداف توسعه و عمران منطقه، و تشخیص اولویت در برنامه‌ریزیها اشاره کرد.

پسوستگی بین مراحل برنامه‌ریزی، ساماندهی هماهنگ فعالیتها و انجام امور مطالعاتی و پژوهشی از دیگر اهداف ایجاد حوزه مذکور به شمار می‌آید.

همچنین گزارش دیگری از رابط خبری ما حاکی است این شهرداری در نظر

اجداث کند. طراحی این پارک برگرفته از فضای تاریخی - هنری مسجد و موزه است و معماری سنتی دارد.

دارد به منظور توسعه فضای سبز مرکز شهر و ساماندهی و زیباسازی محوطه مسجد تاریخی کبود تبریز، مابین این مسجد و موزه آذربایجان پارکی سنتی به نام خاقانی

در یزد

دومین ایستگاه طوق زرین افتتاح شد

یزد - محمدرضا حقیقی

دومین ایستگاه دوچرخه طوق زرین با هدف ترویج استفاده همگانی از دوچرخه به عنوان وسیله نقلیه شهری، در یزد افتتاح شد.

به گزارش رابطه خبری ماهنامه شهرداریها، شهردار یزد در مراسم افتتاح

این ایستگاه گفت: احداث دومین ایستگاه طوق زرین آغاز تلاشی بزرگ برای استفاده از دوچرخه به منظور سفرهای درون شهری به شمار می آید تا بدین طریق از آلودگی هوای شهر کاسته شود و منافع اقتصادی دیگری نصیب اقتصاد شهر گردد.



وی در تشریح چگونگی فعالیت ایستگاههای طوق زرین گفت: مردم می توانند با مراجعه به ایستگاهها و ارائه کارت شناسایی، دوچرخه تحویل بگیرند و پس از انجام کار خود در شهر، دوچرخه را به یکی از ایستگاهها تحویل دهند. شهردار یزد خاطر نشان ساخت به منظور آشنایی بیشتر کودکان با شیوه های دوچرخه سواری و نهادینه کردن استفاده از دوچرخه، پیستهای ویژه کودکان، با ۵۰ دستگاه دوچرخه راه اندازی شده است.

شایان ذکر است اولین ایستگاه طوق زرین، حال گذشته در مرکز شهر یزد با ۱۲۰ دستگاه دوچرخه برپا شد و اکنون با حمایت شهرداری، انواع دوچرخه به صورت اقساط در فروشگاههای یزد به مردم عرضه می شود.

در خرم آباد

۸۰ درصد توقعات مردم از شورا در حیطه وظایف شوراها نیست

۸۰ درصد توقعات و مراجعات مردم به شورای شهر خرم آباد در حیطه کاری و قانونی شوراها قرار ندارد.

محمد فتحی یسرانوند، مدیر مرکز مطالعات و پژوهش شهرداری خرم آباد در حاشیه همایش رؤسای شوراها و شهرداران استان لرستان گفت: نتایج یک پروژه مطالعاتی در خصوص هدف مراجعان به شورا نشان می دهد که ۸۰ درصد مراجعه کنندگان، متقاضی اشتغال، مساعدت و کمک مالی، تخفیف در عوارض قانونی شهرداری و استفاده از امکانات و تسهیلات شهرداری هستند که این موارد بر اساس قانون در حیطه کاری و وظایف شوراها نیست.

وی افزود به تبع این موضوع، ۸ هزار نسخه از ۱۱ هزار نسخه مکاتبات شورای شهر خرم آباد نیز مربوط به این دسته از مراجعان بوده است.

یسرانوند در ادامه، نقش رسانهها و مطبوعات را در اطلاع رسانی و آموزشهای

قانونی به شهروندان مفید و لازم عنوان کرد.

شایان ذکر است همایش شوراها و شهرداران استان لرستان با هدف طرح مسائل و مشکلات اجرایی شوراها و شهرداریها و ارائه راه حل های مناسب برای ایجاد تفاهم و تعامل هر چه بیشتر این دو نهاد برگزار شد.

یحیی عیسی، رئیس شورای شهر خرم آباد در این همایش با تأکید بر این موضوع که شفاف بودن قوانین شهرداری منجر به رضایت هر چه بیشتر شهروندان خواهد بود، افزود: بسیاری از شهروندان به علت عملکرد سلیقه ای شهرداری و عدم شفافیت قوانین و مقررات، رغبت لازم را برای پرداخت عوارض قانونی به شهرداری ندارند.

بهاروند، شهردار خرم آباد نیز در این همایش، روند اجرای آموزش شهروندان را مثبت ارزیابی کرد و وجود این نهاد را عامل تسریع در گرض مجبور پروژه های عمرانی عنوان کرد.



خرم آباد - منار قدیمی شهر

دی ماه امسال دومین جشنواره آموزش شهروندی در کاشان



سازمان رفاهی - تفریحی شهرداری کاشان به منظور ارتقای سطح فرهنگ شهروندی و آشنایی با روشهای زندگی شهری و حقوق شهروندی، دومین جشنواره آموزش شهروندی را در دی ماه سال جاری برگزار می کند. موضوعات این جشنواره عبارتند از: شهر شاداب، زیباسازی شهر، حفظ و استفاده صحیح از تأسیسات و اموال عمومی، بهداشت شهری، ترافیک، آلودگی

شهری، شهرداری و شهروندان، ایمنی، فرهنگ برخورد با گردشگر و فرهنگ مشارکت شهری. تمامی شهروندان می توانند آثار خود را مرتبط با موضوعات پیش گفته، تا هشتم آذرماه ۸۰ در زمینه های عکس، فیلمنامه، نمایشنامه، کاریکاتور و نمایش خیابانی به دبیرخانه جشنواره واقع در کاشان ارسال کنند و از جوایز ارزنده در نظر گرفته شده بهره مند شوند.

ادامه در صفحه ۸۵

۷ مهر، روز آتش نشانی و ایمنی

«انجام امور مردم از طریق خودشان» ضروری است. این ابداً ملتی گسترده را، از موانع مشارکت مردم یا ناگامیهای آنان تا ایجاد راهکارهای تشویق افراد و همکاریهای صمیمانه، در برمی گیرد. کتاب حاضر (در ادامه مبحث نظری مشارکت و تجربیات کشورهای مختلف در این زمینه، که در جلد اول به تفصیل ارائه شد) شامل سه فصل است.

در فصل اول موانع و تنگناهای خرد و کلان و ذهنی و عینی موجود بر سر راه

گسترش مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها از طریق «زمینه‌سجی» بررسی شده است. این زمینه‌سجی در دو قالب «انجام مجموعه‌ای از پرس و جوهای زوفانگو» و «بررسی متغیرهای کلان مرتبط با مشارکت در شهرهای مختلف» صورت پذیرفته است.

در فصل دوم سعی شده است، از طریق مطالعه وضع موجود مشارکت در ایران و مطالعه موردی سه شهر شیراز، همدان و گرگان، متغیرهای مؤثر یا مانع از مشارکت

شهروندان بررسی گردد تا در نهایت بتوان به راهکارهای عملی در جهت رفع موانع و گسترش امکانات دست یافت.

فصل سوم پیشنهادهایی را برای اداره مشارکت در امور شهرها طرح می‌کند. تجربه نشان داده است، تنها از طریق الگوهای مشارکتی اداره امور می‌توان زمینه مشارکت را فراهم ساخت و بهبود مستمر شیوه اداره و توسعه نیروی انسانی را تضمین کرد. به همین دلیل در فصل سوم به این میخیزها پرداخته شده است.

منظور بر خورداری از مشارکت‌های مردمی در امور آتش‌نشانی و خدمات ایمنی برای نخستین بار در کشور اقدام به تشکیل گروه آتش‌نشانی داوطلب گردید که این برنامه‌ها به صورت دستورالعمل به استانداریها و شهرداریهای کشور جهت اجرا ابلاغ گردیده است.

اصال برای نخستین بار «روز آتش‌نشانی و ایمنی» وارد تقویم کشور می‌شود و دلیل انتخاب این روز برای نامگذاری روز آتش‌نشانی و ایمنی به دلیل سالروز حمله عراق به پایتختگاه آبادان و شهادت جمعی از آتش‌نشانان نامگذاری شده است.

شایان ذکر است بر اساس اطلاعات موجود در بیشتر کشورهای توسعه یافته از جمله ژاپن هفتگی به نام هفته ایمنی وجود دارد که در این هفته برنامه‌های متعددی از جمله آمادگی در برابر بلا یا - عملیات بهاره و پاییزه، برای آموزش عمومی پیشگیری و مقابله با آتش‌سوزی و سایر حوادث به اجرا در می‌آید. در این روز یک تیم ۷ نفره دو چرخه‌سوار از آتش‌نشانان مشهد با شعار پیام‌آوران ایمنی از سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی مشهد تا دبیرخانه ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش‌نشانی رکاب زدند که طی مراسمی از تیم مذکور استقبال شد.



برای تقدیر از زحمات کارکنان آتش‌نشانی‌ها و اجزایش تعداد حوادث و لزوم انجام امور آموزش و پیشگیری، انگیزه نامگذاری این روز به عنوان «روز آتش‌نشانی و ایمنی» است.

برگزاری مسابقات عملیاتی آتش‌نشانی؛ برگزاری همزمان رژه نیروهای آتش‌نشانی؛ برگزاری نمایشگاه‌های مختلف در خصوص فعالیت‌های آتش‌نشانی؛ حضور کارشناسان آتش‌نشانی‌های کشور در مدارس به منظور ارائه نکات ایمنی و پیشگیری؛ برگزاری مراسم در خصوص بازدید و ملاقات آتش‌نشانان با مسئولان مربوطه کشور و حضور مردم در ایستگاه‌های آتش‌نشانی و آشنایی نزدیک با فعالیت‌های آتش‌نشانان از مراسم ویژه روز ۷ مهر سوده است. همچنین در این روز به

با هدف ترویج فرهنگ ایمنی و پیشگیری از حوادث به ویژه آتش‌سوزی و بروز حوادث برای شهروندان برای نخستین بار روز ۷ مهر به عنوان روز آتش‌نشانی و ایمنی تعیین شد.

حلق تعیین روز آتش‌نشانی و ایمنی از سوی دفتر برنامه‌ریزی عمرانی (دبیرخانه ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش‌نشانی) پیشنهاد و توسط شورای انقلاب فرهنگی تصویب گردید.

ایجاد زمینه‌های مناسب برای آموزش همگانی مردم در جهت جلوگیری از بروز حوادث گوناگون و حفاظت از سرمایه‌های ملی از دیگر اهداف نامگذاری این روز در سراسر کشور است.

ناشناخته بودن حرفه آتش‌نشانی - با وجود اهمیت آن - ایجاد شرایط مناسب

پوزش و توضیح

در مطلب «گام‌های مهرشهر برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری» مندرج در صفحه ۸۶ شماره ۲۹ ماهنامه، در ترتیب صفحه‌بندی مطلب، اشتباهی صورت گرفته است که ضمن پوزش از خوانندگان گرامی به این شکل اصلاح می‌شود:

پاراگراف اول در ابتدای صفحه بعد از «به این» اضافه می‌شود: [نتیجه رسید که نیاز به ایجاد چنین نهرهایی در تمامی معابر نیست] به انتهای ستون اول نیز بعد از «احداث نهر در تمامی معابر شهر» اضافه می‌شود [لزومی ندارد که این خود باعث می‌شود در ساخت آنها که هر متر آن ۱۲۰ الی ۱۴۰ هزار ریال هزینه در بردارد صرفه جویی شود].

Contents

Editor's Note	4
Special Report	
The Dialogue Space in City / The Center of Civilization Dialogue – Shahrdariha Journal	5
Idea & Research	
The Public Domain and its Manifestation in Urban Body/ F. Hessam	12
Social Relations and Urban Public Spaces/ Gh. Akbari	16
Urban Law	
Municipal Responsibilities in the Development of Public Spaces / H. Salehi	21
Dialogue	
Interaction, the Necessity of Time / Interview with L. Rohani	25
Mayor's View	
"Mohammad Shahr", Forty Pieces and Consolidated / Interview with M. Moradi - the Mayor of Mohammad Shahr	29
Council & Participation	
Islamic City Council, Another Mission / A. Norouzi	31
Another Initiative	
The Festival of Citizenship Education in Kashan	36
City Pathology of Councils/ From Councils to Democracy/ M. Abutorabi	38
A Window, A Look	
World's Experiences	
In Search of Public Space, the Experiences of Boston/ W. Thompson	41
Redesigning Javitz Square, An unsuccessful Attempt to Create Interactive Space / C.C. Marcuse	44
The Public Square of France, Suitable Space for Dialogue	46
World's Cities & Municipalities	49
Urban Statistics	56
Critique of Space	
Square and Social Interaction (A Case Study of Three Squares in Tehran) / A. Safavi & M. R. Nazari	57
Instruction	
The Principles of Suitable Public Space Design in City/ K. Lary Baghal	65
News Reports: A. Kalantari	71
Brief News	82
New Publications	84



شماره ماهنامه شهرداریها ۳۰

شماره فصلنامه مدیریت شهری ۶

پیش از صدور و پنجاه عنوان کتاب در زمینه های برنامه ریزی و مدیریت شهری

مناوبین کتب موجود:



- کتاب سبز شهرداری - جلد اول - شهرسازی ۲۵۰ ریال
- کتاب سبز شهرداری - جلد هفتم مواد زائد جامد شهری ۲۱۰۰ ریال
- کتاب سبز شهرداری - جلد هشتم تأسیسات خدمات شهری ۵۵۰۰ ریال
- کتاب سبز شهرداری - جلد نهم فضاهای سبز شهری ۶۵۰۰ ریال
- کتاب سبز شهرداری - جلد دهم فضاهای تفریحی، تفریحی و ورزشی ۴۵۰۰ ریال
- کتاب سبز شهرداری - جلد یازدهم مدیریت شهری ۸۵۰۰ ریال
- کتاب سبز شهرداری - جلد دوازدهم طراحی فضاهای و مسکن شهری ۹۰۰۰ ریال
- مدیریت مواد زائد جامد شهری - جلد اول: مدیریت دفع و بازیافت مواد زائد جامد شهری در جهان ۹۰۰۰ ریال
- طرح جامع بازیافت و دفع مواد زائد جامد شهری کشور - جلد دوم: مدیریت دفع و بازیافت مواد زائد جامد شهری در ایران ۸۰۰۰ ریال
- بازیافت و دفع مواد زائد جامد شهری - جلد سوم: تعیین شیوه های مناسب دفع بهداشتی و تهیه کمپوست (کود آلی) ۸۵۰۰ ریال
- گزیده کتابشناسی شهر و شهرسازی ۶۰۰۰ ریال
- شیوه های تحقق طرحهای توسعه شهری - جلد دوم: بررسی تجارب تهیه و اجرای طرحهای توسعه شهری در ایران ۷۵۰۰ ریال
- شیوه های تحقق طرحهای توسعه شهری - جلد سوم: تدوین شیوه های مناسب تهیه طرحهای شهری در ایران ۲۰۰۰ ریال
- روشن شناسی و پژوهشهای شهری - گردآوری داده ها از مجموعه های شهری ۲۰۰۰ ریال
- روش های پژوهش شهری ۸۰۰۰ ریال
- مدانی آتش نشانی ۸۵۰۰ ریال
- مدیریت بحران در نواحی شهری ۸۵۰۰ ریال
- پیدایش و توسعه آتش نشانی در جهان ۶۵۰۰ ریال
- گزارش نویسی عمل حریق از اتمسفری تنظیم گزارش کارشناسی حریق ۴۵۰۰ ریال
- استاندارد خانوار کننده های دستی ۸۵۰۰ ریال
- سرنانه بودجه شهرداریهای کشور سال ۱۳۶۶ ۳۰۰۰ ریال
- بررسی و تحلیل معنویت ها و اشکالات فنی - تجهیزات شهرداریها ۹۰۰۰ ریال
- مدیریت اجرایی ادارات شهرداریها ۳۰۰۰ ریال
- مررسی تجربه های خصوصی سازی خدمات شهری شهرداریها ۲۵۰۰ ریال
- مشکلات در اداره امور شهرها - جلد اول: بررسی الگوی مشارکت شهروندی در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران) ۸۰۰۰ ریال
- الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها - جلد دوم: یافته های تجربی و راهبردها ۹۰۰۰ ریال
- بررسی و تدوین راه خطای افزایش کارایی سامانه اتوبوسرانی شهری کشور - جلد اول: روشهای تعیین هزینه ها و درآمدها و تحلیل ساختار مالی سامانه اتوبوسرانی شهری کشور ۱۰۰۰۰ ریال
- بررسی و تدوین راه خطای افزایش کارایی سامانه اتوبوسرانی شهری کشور - جلد دوم: روش تعیین میزان کرایه خانه جایی مسافر در سامانه اتوبوسرانی شهری کشور ۴۵۰۰ ریال
- بررسی و تدوین راه خطای افزایش کارایی سامانه اتوبوسرانی شهری کشور - جلد چهارم: شاخص های ارزیابی سامانه اتوبوسرانی شهری کشور ۲۰۰۰ ریال
- بررسی و تدوین راه خطای افزایش کارایی سامانه اتوبوسرانی شهری کشور - جلد پنجم: جمع بندی مباحث تحقیق ۲۵۰۰ ریال
- گزارش مجموعه مباحث چهارمین و پنجمین گردهمایی مدیران عامل اتوبوسرانی شهری کشور ۲۰۰۰ ریال
- گزارش مجموعه مباحث سومین گردهمایی مسئولین مراکز اتوبوسرانی شهری کشور ۲۰۰۰ ریال

علاقه مندان علاوه بر مراجعه حضوری می توانند مبلغ نشریات مورد درخواست را به شماره حساب ۹۰۰۲۳ بانک ملی - شعبه وزارت کشور - قابل واریز در تمام شعب بانک ملی - به نام سازمان شهرداریهای کشور و زیر و اصل هیش بانکی را به آدرس انتشارات ارسال دارند.
(هزینه ارسال نشریات به عهده انتشارات است.)

- The Dialogue Space in City
- Social Relations and Urban Public Spaces
 - The Public Domain and its Manifestation in Urban Body
- Municipal Responsibilities in the Development of Public Space
 - "Mohammad Shahr", Forty Pieces and Consolidated
- Redesigning Javits Square, an Unsuccessful Attempt to Create Interactive Space
- The Public Squares of France, Suitable Space for Dialogue
- Square and Social Interaction
- The Principles of Suitable Public Space Design in City
 - From Councils to Democracy
 - The Festival of Citizenship Education in Kashan City
 - Interaction, the Necessity of Time

